



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# سیری در جنگ ایران و عراق

مسائل اجتماعی و سیاسی



موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق

نویسنده:

محمد درودیان

ناشر چاپی:

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق جلد ۲
۹	مشخصات کتاب
۱۰	پیشگفتار چاپ نهم
۱۳	مقدمه چاپ چهارم
۱۹	مقدمه چاپ اول
۲۵	نگاهی اجمالی به جنگ از بیت المقدس تا بدر
۲۵	فتح خرمشهر: سرآغاز مرحله ی جدیدی در جنگ
۲۵	اشاره
۲۷	دلایل عقب نشینی به داخل خاک عراق
۳۰	عملیات رمضان: ورود به داخل خاک عراق
۳۰	اشاره
۳۲	دلایل ورود به داخل خاک عراق
۳۳	تهدید شهر بصره
۳۴	موقعیت منطقه عملیاتی شهر بصره
۳۵	مأموریت و طرح مانور
۳۶	شرح عملیات (مراحل اول تا پنجم)
۴۲	عملیات محدود: کسب توان و گرفتن زمان از دشمن
۴۲	اشاره
۴۵	عملیات مسلم بن عقیل
۴۷	عملیات محرم
۵۳	عملیات والفجر مقدماتی و والفجر ۱
۵۳	عملیات والفجر مقدماتی
۵۷	عملیات والفجر ۱

۶۲	عملیات والفجر ۲ و ۳ و ۴
۶۲	اشاره
۶۳	عملیات والفجر ۲
۶۸	عملیات والفجر ۳
۷۴	عملیات والفجر ۴
۷۸	عملیات خیبر: اتخاذ تاکتیک ویژه جهت دستیابی به ابتکار عمل
۷۸	اشاره
۸۳	شرح عملیات
۸۹	پس از خیبر
۹۱	عملیات عاشورا (میمک)
۹۷	عملیات بدر: بازگشت مجدد به هور
۹۷	اشاره
۱۰۱	شرح عملیات
۱۰۵	تلفات و خسارات وارده به دشمن
۱۰۶	ویژگیهای قابل ملاحظه در طراحی عملیات
۱۰۷	پس از بدر
۱۰۸	جمع بندی تجربیات و اتخاذ تدابیر لازم
۱۱۰	تبیین استراتژی «جنگ، جنگ تا رفع فتنه»
۱۱۲	نظری بر سلسله عملیات محدود پس از بدر
۱۱۳	مشخصه های عملیات محدود
۱۱۶	سلسله عملیات قدس: قدس ۱ تا ۵ و عاشورای ۴
۱۱۶	عملیات قدس ۱ و ۲
۱۲۰	شرح عملیات
۱۲۱	عملیات قدس ۳
۱۲۶	عملیات قدس ۴
۱۳۰	عملیات قدس ۵

۱۳۲	عملیات عاشورای ۴
۱۳۵	نتایج و ارزیابی عملیات محدود
۱۳۹	عملیات والفجر ۸
۱۳۹	بررسی اجمالی وضعیت دشمن
۱۵۴	والفجر ۸: ضرورت انجام عملیات بزرگ
۱۵۴	اشاره
۱۵۶	عوامل انتخاب منطقه
۱۵۹	مشخصات طبیعی منطقه
۱۶۲	ویژگیهای نظامی و منطقه ای عملیات فاو
۱۶۹	پاره ای از تدابیر عملیاتی
۱۸۳	شرح عملیات
۱۸۷	مقاومت در محور ساحلی
۱۹۰	درگیری با لشکر گارد
۱۹۶	نتایج بدست آمده در عملیات
۱۹۹	فاو از حضور تا تثبیت
۱۹۹	اشاره
۲۰۰	مشکلات باز پس گیری فاو برای دشمن
۲۰۵	تلاشهای نیروهای خودی در فاو
۲۰۶	احداث خاکریز و تقویت عقبه ها
۲۰۷	احداث پل
۲۰۸	ارزیابی و نتایج عملیات والفجر ۸
۲۰۸	اشاره
۲۰۸	علل موفقیت عملیات والفجر ۸
۲۰۹	بازتاب و انعکاس عملیات در رسانه ها و مطبوعات غربی
۲۱۶	آموختنی های والفجر ۸
۲۱۸	نگاهی به سرانجام استراتژی دفاع متحرک

- ۲۱۸ ..... اشاره
- ۲۲۰ ..... مقاومت مناسب و تحمیل تلفات انبوه بر دشمن
- ۲۲۱ ..... اهداف عراق از اتخاذ «استراتژی دفاع متحرک»
- ۲۲۴ ..... نگرشی اجمالی بر سلسله تعرضات نظامی دشمن
- ۲۳۹ ..... آزادسازی شهر مهران (عملیات کربلای ۱)
- ۲۳۹ ..... اشاره
- ۲۴۲ ..... شرح عملیات
- ۲۵۳ ..... درباره مرکز



## آغاز تا پایان : سیری در جنگ ایران و عراق جلد ۲

### مشخصات کتاب

سرشناسه : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

عنوان و نام پدیدآور : آغاز تا پایان : بررسی وقایع سیاسی- نظامی جنگ از زمینه ساری تهاجم عراق تا آتش بس / محمد درودیان؛ نظارت بهاءالدین شیخ الاسلامی؛ ویرایش مهدی انصاری، احمد نصرتی.

مشخصات نشر : تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۲۲۳ ص.

فروست : سیری در جنگ ایران و عراق؛ ۶.

شابک : ۴۸۰۰۰ ریال : ۷-۵۸-۶۳۱۵-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت : چاپ قبلی: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۳.

یادداشت : چاپ هفدهم.

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷

شناسه افزوده : درودیان، محمد، ۱۳۳۸ -

شناسه افزوده : شیخ الاسلامی، بهاءالدین، ۱۳۳۰ -، ناظر

شناسه افزوده : انصاری، مهدی، ۱۳۳۴ -، ویراستار

شناسه افزوده : نصرتی، احمد، ۱۳۴۲ -، ویراستار

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

شناسه افزوده : سیری در جنگ ایران و عراق؛ [ج] ۶.

رده بندی کنگره : DSR۱۶۰۰/س۲س۹ ج. ۶. ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۳۰۴۱۵

ص: ۱

پیشگفتار چاپ نهم

مجموعه شش جلدی «سیری در جنگ ایران و عراق» از جمله مجموعه های تحقیقاتی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ درباره جنگ هشت ساله ایران و عراق است که عهده دار بررسی و تجزیه و تحلیل این جنگ، از زمینه سازی و آغاز تهاجم عراق به سرزمین ایران اسلامی تا قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و برقراری آتش بس و همچنین پیامدهای آن از جمله تجاوز عراق به کویت و اشغال این کشور و پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله دولت عراق، می باشد.

این مجموعه به طور کامل منتشر شده است و در دسترس عموم قرار دارد. کتاب حاضر (خرمشهر تا فاو) جلد دوم از این مجموعه است که قبل از پایان جنگ به نگارش درآمد و منتشر شد. به دلیل استقبال و تقاضای علاقه مندان، این کتاب برای نهمین بار چاپ و منتشر می شود.

در کتاب «خرمشهر تا فاو» ابتدا عملیات های متعدد محدود و گسترده ای که در طول بیش از سه سال پس از آزادی خرمشهر به اجرا درآمد، به اختصار بررسی شده است و سپس به طور نسبتاً مشروح به طرح ریزی و اجرای عملیات والفجر ۸ و نتایج مهم، پیامدها و بازتاب های آن پرداخته شده است. در پایان کتاب به سلسله تحرکات دشمن موسوم به «استراتژی دفاع متحرک» و مهم ترین حاصل آن یعنی اشغال مهران و سپس آزادسازی این شهر با اجرای عملیات کربلای ۱ و در نتیجه شکست این استراتژی دشمن، اشاره شده است.

گفتنی است که این مرکز مجموعه دیگری با عنوان تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق منتشر کرده است که در آن به نحوی عمیق تر و با توجه به جنبه های استراتژیک، به تجزیه و تحلیل جنگ پرداخته شده است. از این مجموعه تاکنون سه جلد (ریشه های تهاجم، جنگ بازیابی ثبات، تنبیه متجاوز) منتشر شده است. در کتاب «جنگ بازیابی ثبات» طی سه فصل (بررسی اهداف و مقاصد سیاسی و نظامی عراق، بن بست نظامی و بحران سیاسی، آغاز تحول در جنگ و آزادسازی مناطق اشغالی) جنگ از آغاز تجاوز عراق تا پایان عملیات بیت المقدس و آزادسازی مناطق اشغالی، از جنبه نظامی و سیاسی تجزیه و تحلیل شده است. در کتاب «تنبیه متجاوز» نیز طی چهار فصل (تحول اساسی در صحنه نبرد، ابتکار نظامی، تغییر موازنه به نفع ایران، تغییر استراتژی عملیاتی و عوامل مؤثر بر آن) جنگ بعد از عملیات بیت المقدس تا پایان عملیات بزرگ والفجر ۱۰ بررسی و تجزیه و تحلیل شده است.

امید است محققان و دست اندرکاران این مرکز بتوانند با انتشار گوشه ای از حقایق این واقعه عظیم، سهمی در حفظ و نشر دستاوردها و آثار آن داشته باشند.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۸۷

ص: ۳

عملیات فتح فاو (والفجر ۸) برجسته ترین تلاش نظامی جمهوری اسلامی ایران پس از فتح خرمشهر است که سپاه پاسداران آن را به طور مستقل (۱) طرح ریزی و اجرا کرد. آثار این پیروزی در تغییر موازنه سیاسی - نظامی جنگ به سود ایران، مهم ترین انگیزه مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ برای نگارش کتاب حاضر بود.

در طراحی اولیه کتاب تأکید اصلی بر عملیات والفجر ۸ قرار داشت، لیکن ضرورت توضیح «علل ورود به داخل خاک عراق» پس از فتح خرمشهر، سبب گردید مسائل اساسی جنگ و تحولات سیاسی و نظامی آن مقطع زمانی، در این کتاب مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. ابهام و تردید برخی در مورد ادامه ی جنگ و دامن زدن تعدادی از رسانه های تبلیغاتی جهان به این مسئله و مهم تر از همه فقدان مقاله یا کتاب مناسب در تبیین و تحلیل رخدادهای سیاسی - نظامی جنگ در حد فاصل دو پیروزی بزرگ (فتح خرمشهر تا فتح فاو)، ضرورت این روشنگری را بیشتر کرد.

تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر با ورود ایران به داخل خاک عراق، به بحث های فراوان منجر شده و پرسش هایی را در مورد علل عدم خاتمه جنگ پس از فتح خرمشهر برانگیخته است. همین مسئله ایجاب می کند که با تجزیه و تحلیل همه جانبه ای به این پرسش ها پاسخ داده شود. اجمالا به این نکته اشاره می شود که امریکایی ها و کلیه حامیان منطقه ای و جهانی عراق به دلیل آن که پس از استقرار عراق در مناطق اشغالی و تشدید منازعه سیاسی - نظامی در داخل ایران، امکان برتری نظامی ایران بر عراق را کاملا مردود می دانستند، هیچ گونه آمادگی رویارویی با پیروزی های نظامی ایران و هزیمت و فرار نیروهای عراقی از مناطق اشغالی را نداشتند طوری که بنا به گفته نماینده وقت ایران در سازمان ملل، فتح خرمشهر

ص: ۴

---

۱-۱. پس از عملیات بدر با تدبیر فرمانده عالی جنگ، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، مقرر شد که ارتش و سپاه هر یک در مناطق جداگانه و مستقلا به طرح ریزی و اجرای عملیات اقدام نمایند. برای اطلاع بیشتر به ضمیمه کتاب «فاو تا شلمچه» از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، مراجعه کنید.

منجر به زلزله سیاسی در سازمان ملل شد و همه با ناباوری در مورد علت و نحوه پیروزی ایران بر عراق سؤال می کردند.

امریکایی ها به دلیل نگرانی هایی که از پیروزی ایران داشتند به هیچ وجه مایل به در نظر گرفتن خواسته های برحق جمهوری اسلامی مبنی بر «تعیین متجاوز» و «پرداخت غرامت» نبودند، لذا تنها بر آتش بس تأکید داشتند. (۱) حال با توجه به اهداف متجاوزان و نیز نظر به برتری نظامی ایران، آیا جمهوری اسلامی می توانست جنگ را بدون تأمین خواسته های خود خاتمه دهد و یک جانبه ترک محاصمه نماید؟

حامیان جهانی عراق با نادیده گرفتن تجاوزات و ویرانی های بسیاری که رژیم صدام به وجود آورده بود، در تلاش بودند جنگ را طوری به سود عراق خاتمه دهند که گویا اصلاً تجاوزی در کار نبوده است و حتی در پی ایجاد وضعیتی بودند که هر گاه خواستند عراق را مجدداً به تجاوز وادار سازند و ایران را در حالت «نه جنگ، نه صلح» و در معرض تهدید دائمی قرار دهند. امام خمینی در مورد ماهیت صلح درخواستی عراق فرمودند: «ما اگر مجرم را امروز رهاش کنیم، امروزی که ما قدرت داریم... این معنای آتش بس نیست، این معنای صلح نیست.» (صحیفه نور، جلد ۱۶، صفحه ۱۹۲) بنابراین راه حل «مذاکره سیاسی برای تأمین صلح» عملی نبود زیرا حقوق ایران به رسمیت شناخته نمی شد تا به خاطر آن مذاکره ای انجام گیرد و نظر امریکا و حامیان جهانی و منطقه ای عراق کسب زمان برای مهار آثار برتری سیاسی - نظامی ایران بود؛ به همین دلیل تغییر وضعیت جنگ از «فعال» به «فرسایشی» در دستور کار آنها قرار داشت.

مهم تر آن که احتمال تقویت روحی و نظامی عراق و حمله مجدد به داخل خاک ایران نیز وجود داشت، چنان که در پایان جنگ، پس از این که جمهوری اسلامی قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت، عراق تلاش نظامی گسترده ای را برای اشغال مجدد اهواز و خرمشهر آغاز کرد که با شکست مواجه شد، با این ملاحظات، تنها راه حلی که در برابر جمهوری اسلامی ایران قرار داشت، تلاش نظامی برای تأمین حقوق خود و تحقق صلحی شرافتمندانه بود.

ص: ۵

---

۱-۲. کیسینجر پس از آزادی خرمشهر گفت: «به نفع ما است که هر چه زودتر در این منطقه آتش بس برقرار کنیم.» (واشنگتن تن پست ۳ / ۴ / ۱۳۶۱).

ضرورت تصمیم‌گیری برای «تداوم» یا «پایان جنگ» با در نظر گرفتن اوضاع حاکم بر منطقه و موقعیت سیاسی - نظامی ایران، به برگزاری جلسات شورای عالی دفاع در حضور امام خمینی منجر شد. در این جلسات کلیه مسئولان، با توجه به عدم رعایت حقوق ایران از طرف عراق و حامیان جهانی اش، برای ادامه جنگ اتفاق نظر داشتند؛ اما در مورد نحوه ادامه جنگ و دلایلی که در پاسخ به سؤال حضرت امام درباره‌ی علت ادامه جنگ ارائه می‌شد، دو نظر کلی وجود داشت، برخی بر این نظر بودند که با توجه به موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی، جنگ را تا متقاعد ساختن حامیان عراق به پذیرش حقوق ایران، ادامه دهیم. فرماندهان نظامی نیز اغلب عقیده داشتند که امکان ایستادن در خط مرزی وجود ندارد، زیرا نبودن مواضع استحکامات طبیعی مانع از دفاع در برابر تهاجمات احتمالی عراق خواهد بود؛ ضمن این که خوزستان همواره به دلیل فقدان موانع طبیعی، از منطقه شرق بصره به طور مکرر مورد تهدید و تجاوز قرار گرفته است. لذا باید با تصرف منطقه شرق بصره، موقعیت دفاعی ایران را تحکیم نماییم. سرانجام، با توافق مسئولان سیاسی و نظامی کشور، عملیات رمضان طراحی و اجرا شد که منجر به ورود به داخل خاک عراق، در منطقه شرق بصره شد.

به این ترتیب، استراتژی جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر، کسب یک پیروزی نظامی جهت متقاعد کردن حامیان جهانی و منطقه‌ای عراق برای پایان بخشیدن به جنگ، با در نظر گرفتن خواسته‌های برحق ایران بود. به عبارت دیگر، استراتژی جنگ پس از فتح خرمشهر، برای تحقق صلح طرح ریزی شده بود. (۱) توقف در پشت دیوارهای دفاعی عراق در شرق بصره و ناکامی در عملیات رمضان، دلایل سیاسی و نظامی متفاوتی دارد ولی بنابر گزارش‌هایی که اخیراً در مورد کمک‌های اطلاعاتی امریکا به عراق منتشر شده است، امریکایی‌ها در ارزیابی خود نسبت به علل شکست‌های پی‌درپی عراق به این نکته پی‌بردند که ضعف مدیریت اطلاعات عراق، منشأ این شکست‌ها می‌باشد زیرا ایرانی‌ها با نفوذ و رخنه در خطوط دفاعی عراق و تاکتیک‌هایی که اتخاذ می‌کنند به سهولت مواضع عراق را در هم شکسته و تصرف می‌کنند، لذا کمک‌های اطلاعاتی به عراق را افزایش دادند.

ص: ۶

ایران در عملیات رمضان با مواضع تدافعی جدیدی مواجه شد که حاصل اندیشه نظامی عراقی ها نبود بلکه کمک اطلاعاتی و نظامی شوروی و امریکا، مواضع دفاعی عراق را سامان بخشیده بود و در برابر تهاجم نظامی ایران حفظ کرد. (۱) عدم موفقیت عملیات رمضان، جنگ را به جنگ فرسایشی کشاند و حامیان منطقه ای و جهانی عراق را در جلوگیری از تحقق خواسته های ایران مصرتر کرد.

تلاش های نظامی ایران در سال ۱۳۶۱ با اجرای عملیات های محدود «مسلم بن عقیل» در غرب سومار و «محرم» در جنوب شرقی دهلران و غرب عین خوش دنبال شد. عملیات والفجر مقدماتی همزمان با دهه مبارک فجر و عملیات والفجر ۱ در شمال غربی منطقه قبلی، هیچ کدام به موفقیت تعیین کننده ای منتهی نشد، از همه مهم تر بروز اختلاف نظر بین ارتش و سپاه درباره طرح های عملیاتی، موجب شد که امام خمینی، آقای هاشمی را به عنوان فرمانده عالی جنگ تعیین نمایند.

ضرورت تغییر استراتژی جنگ با تغییر زمین منطقه عملیات، باعث شد تا فرمانده کل سپاه منطقه هور را به عنوان منطقه عملیاتی انتخاب کند که در پی آن تیم های شناسایی طی یک سال زیر نظر مستقیم فرمانده کل سپاه، منطقه را شناسایی کردند. سپاه سازمان نظامی خود را با آموزش غواص و به کارگیری قایق به تناسب تغییر زمین و تاکتیک، تغییر داد. غفلت دشمن از این تغییر و تحول، امیدهای بسیاری را برای کسب پیروزی در عملیات «خیر» ایجاد کرده بود، اما این ابتکار عمل نیز به علت کاستی های موجود در زمینه پشتیبانی هوایی، پدافند هوایی و توپخانه، مانع از به ثمر نشستن زحمات یک ساله سپاه شد.

در عین حال، حضور نیروهای ایران در شمال بصره و قطع جاده العماره به بصره، موجی از نگرانی و وحشت دشمن را برانگیخت. به موازات این حادثه، انفجار مقر امریکایی ها در بیروت، امریکا را در وضعیت نامطلوبی در منطقه شرق و غرب خاورمیانه قرار داد و همین مسائل فشار بر ایران را تشدید کرد و حمایت سیاسی - نظامی امریکا از عراق را افزایش داد.

ص: ۷

۱-۴. البته عوامل دیگری در این زمینه مؤثر بوده است. از جمله این که ایران با تغییر استراتژی باید تاکتیک های خود را تغییر می داد که چنین تحولی انجام نشد. همچنین روحیه عراقی ها برای دفاع در خاک خود در مقایسه با دفاع از مناطق اشغالی، مسلما بهتر بود.



عملیات «بدر» نیز در ۱۹ / ۱۲ / ۱۳۶۳ در منطقه هور به اجرا در آمد و گرچه حضور قوای ایران در غرب رود دجله را به همراه داشت ولی همان کاستی های پیشین مانع از تثبیت منطقه متصرفه شد. در عین حال، در سال ۱۳۶۳ نطفه بسیاری از تحولات جنگ که در سال های بعد رخ داد، منعقد گردید.

سپاه در حالی که بیشتر از دو سال بود به ضرورت تغییر استراتژی و زمین منطقه نبرد توجه کرده و با انتخاب منطقه هور و اجرای عملیات خیبر و بدر گام های عملی نیز برداشته بود، به ارزیابی مسائل جنگ و وضعیت موجود سپاه پرداخت. مسئولان کشور نیز که به پیروزی در یک عملیات و سپس مذاکره برای پایان بخشیدن به جنگ امیدوار بودند، پس از دو سال به تدریج به ضرورت تقویت بنیه نظامی نیروی خودی توجه بیشتری کردند. از طرف دیگر، عراقی ها که تصور می کردند با اتخاذ دفاع مطلق در درون مواضع و استحکامات خود از موقعیت مناسبی برخوردار خواهند بود، به موازات پیشرفت های ایران در جنگ، به آسیب پذیری خود پی بردند، لذا سلسله تلاش هایی را برای تضعیف بنیه اقتصادی و تضعیف روحیه مردم ایران با حمله به کشتی ها و تأسیسات صنعتی و اقتصادی ایران و حمله به شهرها آغاز کردند و بدین ترتیب دامنه جنگ نیز گسترش یافت.

در اواسط سال ۱۳۶۴ فرماندهان عالی سپاه در ارزیابی عملیات های پیشین به چند نتیجه کلی دست یافتند: نخست این که سپاه به طور مستقل از ارتش به اجرای عملیات مبادرت نماید و در ثانی کلیه امکانات مورد نیاز برای یک عملیات، در تمام زمینه های انسانی و لجستیکی، به عنوان پیش شرط اجرای عملیات تأمین گردد.

مسئولان کشور که به موازات تشدید فشارها و پیچیدگی های موجود، به ضرورت خاتمه یافتن جنگ با دست یابی به یک پیروزی، بیشتر از گذشته اهمیت می دادند، علاوه بر پذیرش اجرای عملیات سپاه و ارتش به طور مستقل و تأمین برخی از نیازمندی های سپاه برای اجرای عملیات، تلاش های سیاسی جدیدی را آغاز کردند و در همین روند ماجرای خرید سلاح از بازارهای جهانی و نهایتاً اقدامات امریکا برای گشودن باب مذاکره با جمهوری اسلامی، به بهانه تأمین خواسته های ایران، شکل گرفت که اخبار آن نزدیک به یک سال بعد در ۱۳ آبان ۱۳۶۵ برملا شد.

در شهریور ۱۳۶۴ حکم امام خمینی به سپاه پاسداران مبنی بر تشکیل نیروهای سه گانه هوایی، دریایی و زمینی، علاوه بر این که نقطه عطفی در حیات نظامی سپاه پاسداران بود، منشأ تحولات بسیاری در جنگ نیز شد. امام خمینی در موقعیتی حکم خود را ابلاغ فرمودند که بیش از سه سال از تحرکات نظامی ایران در درون خاک عراق می گذشت و با وجود تهاجمات پی در پی نیروهای جمهوری اسلامی، پیروزی تعیین کننده ای حاصل نشده بود.

مجموع این اقدامات و تلاش ها موجب شد که سپاه با انتخاب منطقه عمومی فاو و تأمین بخشی از نیازمندی های عملیاتی و پس از ۶ ماه شناسایی و طرح ریزی های پی در پی، سرانجام در تاریخ ۲۱ بهمن سال ۱۳۶۴ عملیات خود را آغاز نماید. تثبیت منطقه تصرف شده پس از ۷۵ روز جنگ شبانه روزی منشأ تحول در جنگ و برتری سیاسی - نظامی ایران بر عراق شد که در متن کتاب به آن اشاره شده است.

کتاب حاضر در موقعیت حساس پس از فتح فاو در حالی که جنگ همچنان ادامه داشت و تجزیه و تحلیل رخدادهای سیاسی - نظامی جنگ و تهیه گزارش های نظامی با دشواری های زیادی روبه رو بود، نگاشته شد و طبعا دارای نواقصی است، امید است مقطع زمانی فتح خرمشهر تا فتح فاو در فرصت مناسبی بازنگری و نگارش مجدد شود. در عین حال نایاب شدن این کتاب و نیز درخواست مکرر علاقه مندان تاریخ جنگ ایجاب می کند نسبت به چاپ مجدد آن اقدام شود و بازنویسی کتاب به آینده موکول گردد.

این مرکز لازم می داند نهایت تشکر خود را از سردار محسن رضایی فرماندهی محترم کل سپاه و سردار غلامعلی رشید ریاست معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح که ارزیابی کتب منتشره و نظارت بر آنها را تقبل نموده اند و همچنین تیمسار شمشخانی ریاست محترم شورای سیاست گذاری مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ که در تعیین خط مشی و حمایت از اهداف مرکز نقش بارزی را ایفا می نماید و نیز مدیریت اطلاع رسانی و مدیریت بهره دهی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ که تأمین منابع، آماده سازی و انتشار کتاب ها را به عهده دارند، ابراز نماید.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۷۵

ص: ۹

برجسته ترین ویژگی جنگ، مردمی بودن آن است و این مهم، اثرات خود را در زمینه های مختلف، از جمله: سازمان رزم سپاه، شیوه های جنگ، اتخاذ تاکتیکهای ویژه در مراحل مختلف جنگ و... برجای نهاده است.

در این روند، آنچه حائز اهمیت است و نقش تعیین کننده در حرکتهای کنونی و آتی جنگ دارد، چگونگی استمرار بخشیدن به حضور مردم در جنگ و نیز اتخاذ استراتژی مناسب با توجه به ویژگیهای حضور مردم، می باشد.

از جمله لوازم و مقدمات تحقق امر فوق، ارتقاء بخشیدن به آگاهیهای سیاسی، اجتماعی و نظامی مردم است. قطعا ارائه هر گونه جمع بندی از تجارب جنگ در چند سال گذشته و تبیین نسبی مراحل جنگ و روشن نمودن عوامل و علل توقف، پیشرویها، موفقیت ها و ناکامیها و... می تواند به حضور مردم در صحنه نبرد عمق لازم را بخشیده، طبعا ابعادی جدید را در جنگ و انقلاب ایجاد نماید.

بر این اساس، بر آن شدیم تا ابعاد و زوایای جنگ را پس از انتشار کتاب «دو سال جنگ» از شروع عملیات «رمضان» (پس از فتح خرمشهر) تا فتح «فاو»، بصورت اجمالی و گذرا در دو فصل عمده مورد بررسی قرار دهیم تا بدینوسیله نقاط ضعف قوای خودی و دشمن و نیز چگونگی و کیفیت ارتقاء جنگ در زمینه های سازماندهی و تاکتیک، روشن شود.

بدون تردید سخن گفتن از جنگی که با گسترشی روزافزون در حال تداوم است و هر روز ابعادی تازه می یابد و در زمین و هوا و دریا با شدت دنبال می شود کاری بس دشوار است، آنهم در برخورد با دشمنی که با اتکاء به ابرقدرتها که تماما دشمنی آشکار و کینه توزی مفرطی نسبت به انقلاب اسلامی نشان می دهند، حتی از بکارگیری سلاح شیمیایی و بمباران مناطق مسکونی ابائی ندارد. البته می توان با شیوه های تبلیغاتی ماهرانه تنها نکات خاصی را از جنگ برگزید و با بزرگ کردن آن، افکار عمومی را تنها در جریان موفقیتها و جنبه های مثبت قرار داد. اما بدیهی است که این روش برای مردم ما که بار جنگ تماما بر دوش آنانست و رغبت و رضا و اشتیاق آنان برای دستیابی به آرمانهای انقلابشان، موتور اصلی حرکت جنگ است، روشی نادرست و غیر مفید می باشد. جمهوری اسلامی که بر ویرانه های رژیم طاغوتی شاهنشاهی بنا شده تنها و تنها با اتکاء به حمایت واقعی و قلبی مردم، توانائی و امکان ثبات و پیشرفت را دارد و این امکان نه بوسیله ی سازمان سیاسی و اداری قدرتمند بلکه بدلیل رهبری الهی و فلسفه حکومتی دینی آن پدیدار گشته و ادامه یافته است.

از سوی دیگر مردم، توسط بهترین فرزندانشان در تمامی صحنه های جنگ حضور مستقیم دارند و هیچ سازمانی نمی تواند برای آنان وسیله

تبدیل و تعدیل مشکلات و مصائب جنگ باشد. مردم حزب ا... همانگونه که پیروزیها را لمس می کنند، مشکلات را نیز بخوبی می فهمند و بزرگترین رنج ها و مصائب را نیز بعنوان وظیفه و تکلیف شرعی و آثار و تبعات نعمت امکان جهاد فی سبیل ا... به جان می خرند.

بنابراین، گزارش مستند و واقعی از جنگ یکی از نیازهای مبرم و ضروری مردمی است که باید در کنار انگیزه های دینی و الهی شان به درک و تبیین و تحلیل دقیق سیر جنگ و سرانجام آن نیز قادر باشند. اما از سوی دیگر یک نکته مهم نیز باید لحاظ شود و آن استفاده قطعی دشمن از هر گونه گزارش و نوشته دقیق مربوط به جنگ است. ملاحظه می گردد که از طرفی مردم نیازمند آگاهی و اطلاع مناسب هستند و از سوی دیگر دشمن در صدد است که از همین اطلاعات علیه همین مردم استفاده کند.

در نگارش هر گونه مطلبی در باب جنگ تحمیلی این مشکل بزرگی است که خودنمایی می کند. چاره آن است که بگونه ای عمل شود که هم نیازهای مردم در بیشترین حد ممکنه رفع گردد و هم کمترین استفاده نصیب دشمن بشود.

در تهیه این کتاب که در واقع یک گزارش تحلیلی از چهار سال جنگ (پس از فتح خرمشهر در خرداد ۶۱ تا آزادسازی دوباره مهران در تیر ۶۵) می باشد، دهها گزارش طبقه بندی شده از نبردهای مختلف، هزاران برگ اسناد عملیاتی و دهها هزار نوار مصاحبه، بی سیم و... که بهنگام عملیات توسط راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه بطور زنده تهیه شده، مورد استفاده قرار گرفته است. در سیر یاد شده تقریبا به تمامی عملیات ها و نبردها طی این مدت اشاره و به اهم نکات آن پرداخته شده و

ضعفها و قوت‌های خودی و دشمن، پایای جنگ بررسی گردیده است.

مجموعه‌ی عظیم منابع و مدارک این کتاب که در مخزن مرکزی «مطالعات و تحقیقات جنگ» آرشیو و نگهداری می‌شود در صورت فرارسیدن زمان مناسب و رفع تنگناهای یاد شده می‌تواند دهها جلد کتاب مستند و مفصل را تشکیل بدهد و طبیعی است که استخراج مهم موارد قابل ذکر و ارائه آنها در یک جلد کتاب نمی‌تواند حق مطلب را آنطور که شأن آن است ادا کند و با وجود اجمال و اختصار، عظمت و شکوه چهار سال مقاومت بی‌نظیر و غیر قابل تصور رزمندگان اسلام را بیان نماید. اما علیرغم این می‌توان گفت آنچه ارائه شده یک مجموعه بی‌نظیر و منحصر به فرد از مسائل و حوادث چهار سال جنگ می‌باشد.

کتاب حاصل در دو فصل تنظیم گردیده است. در فصل اول تحت عنوان «نگاهی اجمالی به جنگ از بیت المقدس تا بدر» ابعاد و زوایای جنگ از آزادی خرمشهر تا قبل از عملیات والفجر ۸ (خرداد ۶۱ تا مرداد ۶۴) به صورت اجمالی در ۸ مبحث مورد بررسی قرار گرفته است. نقاط قوت و ضعف خودی و دشمن، دست آوردهای نظامی سیاسی و همچنین چگونگی ارتقاء خودی در زمینه‌های سازماندهی و تاکتیک در طول این دوران را از سیر مربوطه می‌توان دریافت، این مباحث عبارتند از:

۱ - فتح خرمشهر: سرآغاز مرحله‌ی جدید در جنگ

۲ - عملیات رمضان: ورود به داخل عراق

۳ - عملیات محدود: کسب توان و گرفتن زمان و ابتکار عمل از دشمن (عملیات مسلم بن عقیل - عملیات محرم)

۴ - والفجر مقدماتی و ۱

۵ - توجه مجدد به عملیات محدود و گسترش جنگ در سراسر مرز

ص: ۱۳

۶ - عملیات خیر: اتخاذ تاکتیک ویژه جهت دستیابی به ابتکار عمل

۷ - عملیات بدر: بازگشت مجدد به هور

۸ - پس از بدر: گسترش جنگ شهرها و انجام سلسله عملیات محدود (قدس ۱ تا ۵ و عاشورا ۴)

فصل دوم به عملیات بزرگ و سرنوشت ساز والفجر ۸ (پیروزی فاو) اختصاص دارد. این فصل شامل مباحث زیر است:

۱ - بررسی اجمالی وضعیت دشمن - این مبحث در واقع مقدمه ای برای عملیات فاو است و اوضاع و اقدامات دشمن قبل از این عملیات را بررسی کرده است.

۲ - ضرورت انجام عملیات بزرگ، ویژگیهای منطقه عملیاتی فاو.

در این بحث عوامل انتخاب و مشخصات طبیعی منطقه عملیاتی بررسی شده و سپس مزایای منطقه و ویژگیهای مثبت عملیات، موانع و محدودیت های منطقه ای و نظامی و تدابیر متخذه برای استفاده از مزایا و رفع معایب مذکور و نیز طراحی مانور عملیات مورد بحث قرار گرفته است، پس از ذکر مسائلی چون چگونگی شناسایی و جمع آوری اطلاعات از دشمن، به شرح عملیات پرداخته شده و در آخر نتایج بدست آمده ارائه شده است.

۳ - فاو از حضور تا تثبیت.

در این مبحث تلاش ها و اقدامات دشمن برای باز پس گیری فاو و اقدامات خودی برای تثبیت منطقه، سپس نتایج و دستاوردهای نهایی عملیات مورد بررسی قرار گرفته است.

۴- استراتژی دفاع متحرک عراق بعنوان عکس‌العملی در قبال عملیات پیروز والفجر ۸ و سرانجام آن مورد بحث قرار گرفته و به تعرضات زمینی متعدد دشمن و فرجام آن پرداخته شده است.

نهایتاً با گزارش آزادی مجدد مهران به مثابه‌ی نقطه پایانی تحرکات زمینی چند ماهه‌ی دشمن، این مبحث و همچنین کتاب به پایان می‌رسد.

در آخر باید به این نکته مهم اشاره کرد که: دهها عملیات کوچک و بزرگ همراه با پیروزیها و عدم‌الفتح‌ها در طی چهار سال جنگ که در کتاب به آن اشاره شده، تنها نمود و نشانه‌ای است از عظمت عزم نیروهاییکه ایمانشان از توانائی مادی غیر قابل‌وصف دشمنان جهانی اسلام بزرگتر و کاراتر بوده است و بدلیل اتکاء به قدرت لایزال خداوند، قدرت نمایی دشمنانی جهانی ما، کوچکترین تزلزلی در تصمیم آنها بر ادامه راه صعب و دشوار پیروزی نهائی انقلاب اسلامی نتوانسته وارد کند. در واقع ادامه جنگ طولانی با دشمنی که مجری سیاست‌های کینه‌توزانه ابرقدرتها علیه انقلاب اسلامی است و پشتیبانی همه‌جانبه‌ی سیاسی، نظامی، مالی و تبلیغاتی تقریباً تمام جهان را علیه ما در اختیار دارد، امری است که تنها و تنها از عهده‌ی انقلاب اسلامی و نیروهای مخلص و متعهد به اسلام برآمده است و همین بزرگترین پیروزی نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌گردد. اگر کتاب حاضر توانسته باشد، به میزانی هر چند ناچیز، گوشه‌ای از این مقاومت و پایداری بزرگ و جلوه‌ای از استقامت و صبر و تحمل نیروهای اسلام و نتیجتاً قدرتمند شدن روزافزون آنها نشان بدهد، مقصود تهیه‌کنندگان را برآورده ساخته است.

معاونت سیاسی ستاد کل سپاه مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ - اسفند ۶۶



تنها چهل روز پس از پیروزی عملیات فتح المبین، عملیات بیت المقدس بمنظور درهم شکستن قوای سازماندهی شده دشمن و آزادسازی بخشی عمده از اراضی اشغالی - در محدوده ی دو رودخانه: کارون و کرخه کور (نور)، هورالهویزه در جنوب اهواز - و عمدتاً خرمشهر، با پیشروی به سمت بصره (تا تنومه واقع در شرق شط العرب)، آغاز شد و در نهایت با فتح خرمشهر پایان رسید.

فتح خرمشهر در واقع ماحصل و نتیجه شیوه ای خاص از جنگ (مردمی) و تاکتیکهای منحصر بفرد بود که دشمن هیچ گونه آمادگی برای مقابله و مهار آن نداشت. بدین معنا که دشمن برحسب معیارها و اصول جنگ کلاسیک، جمهوری اسلامی را فاقد ویژگیها و توانائی لازم در این زمینه می دید. همچنین موقعیت ویژه ی زمین منطقه، که نوع خاصی از پدافند را دیکته می کرد، موجب آن شد که عراق قادر به حفظ و تأمین پوشش جناحین خود نباشد و این امر نهایتاً آسیب پذیری و از هم پاشیدگی قوای دشمن را در همان ساعات اولیه هجوم، در برداشت.

بهرحال، با فتح خرمشهر، که جدا از ضعفهای دشمن و نقطه قوت‌های نیروهای خودی نبود، مرحله ای از جنگ پشت سر نهاده شد و مرحله جدید می رفت تا بدنبال بازتاب گسترده فتح خرمشهر، شکل نهایی خود را بیابد.

فتح خرمشهر در واقع، غرب را رویاروی پیروزیهای فزاینده انقلاب اسلامی قرار داد و از همین رو بود که خبرگزاریها از آن بعنوان بزرگترین پیروزی ایران در جنگ ۲۰ ماهه با عراق یاد کردند (۱) و بعد از آن حتی از سوی آمریکا، چنین تعبیر شد که «پیروزی مصممانه ایران دستهای تهران را برای ایجاد عدم ثبات در کشورهای میانه رو خلیج فارس باز خواهد گذارد» (۲).

اینگونه تحلیل و تعبیرها بخوبی خاطرنشان می سازد که پیروزیهای ایران در میدان نبرد و تأثیرات گسترده آن، غرب را با واقعیاتی رویارو نمود که در چهارچوب پیش بینی های دنیای استکبار جایی نداشت. لذا، غرب ناگزیر بمنظور چاره جوئی و حل مسائل پیش آمده، استراتژی خود را مبتنی بر حفظ صدام قرار داد.

در استراتژی جدید غرب که اساسا در پی هراس از پیروزیهای رو به گسترش ایران و خطر تزلزل و از هم پاشیدن نظامهای وابسته منطقه اتخاذ شده بود، فشارهای سیاسی - تبلیغاتی جهانی به جمهوری اسلامی و تسلیح عراق با جنگ افزارهای پیشرفته، در صدر برنامه قرار گرفت.

بعبارت دیگر، هدف مطلوب غرب در وضعیت جدید، بازداشتن ایران از تعرضات گسترده خود، و بالطبع، ایجاد رکود در جبهه و نیز متوقف

ص: ۱۷

---

۱-۵. برای نمونه، مراجعه کنید به خبرگزاری آلمان ۴ / ۳ / ۱۳۶۱.

۲-۶. خبرگزاری فرانسه از واشینگتن ۴ / ۳ / ۱۳۶۱ بنقل از یک دیپلمات آمریکایی.

ساختن قوای نظامی ایران در پشت دیوارهای دفاعی عراق بود.

بدین ترتیب و براساس استراتژی یاد شده، عراق به عقب نشینی سراسری مبادرت ورزید تا شاید بدینوسیله زمینه های لازم را برای اتخاذ روش دفاع مطلق در زمین و هجوم در جبهه سیاسی - تبلیغاتی در پوشش «صلح خواهی» و مظلوم نمایی فراهم آورد.

### **دلایل عقب نشینی به داخل خاک عراق**

ناتوانی نظامی عراق در رویارویی با تهاجمات گسترده و نیز محدود رزمندگان در جبهه های جنگ، فرو رفتن در لاک دفاعی را به این کشور تحمیل نمود. عراق با این اقدام، در واقع به پوشاندن نقاط ضعف خود، مبادرت ورزید.

عراق بهنگام حضور در خاک جمهوری اسلامی، بدلیل اینکه از چند محور تهاجم خود را صورت داده بود و همچنین از پیوستن و الحاق بازوهای نظامی خود در محورهای متعدد ناتوان بود در نتیجه در آرایش استقرار نیروهای دارای دو ضعف عمده بود: دادن جناح، در دسترس قرار گرفتن عقبه هایش. از اینرو تهاجم رزمندگان اسلام به جناحین دشمن و نیز دور زدن نیروهای عراق و دست یافتن به عقبه های آنها، منجر به فروپاشی و درهم ریختگی خطوط و عقبه های دشمن شده و امکان هر گونه مقاومت و ادامه نبرد را از آنها سلب می کرد. بر این اساس دشمن با عقب نشینی سراسری خود سعی کرد سه ضعف عمده اش را مرتفع کند:

۱- با اتخاذ خطوط پدافندی مناسب، متکی بر عوارض طبیعی نوار مرزی از فکه به بالا، مسئله جناح هایش را حل کرد.

۲ - خطوط پدافندی رسمی خود را عملاً کاهش داد.

۳ - صرفه جوئی در قوا و در نتیجه ایجاد نیروهای احتیاط متحرک، در کنترل سپاهها، را ایجاد کرد.

در این زمینه صدام طی جلسه ای با فرماندهان ارتش عراق، دلایل عقب نشینی و ضرورت‌های نحوه ی ادامه جنگ را چنین ذکر می کند:

«دلایلی که باعث بهبودی وضع ما پس از بازگشت به مرزهای بین المللی شد، عبارتند از:

الف) طولانی بودن راههای مواصلاتی ما به جبهه در خاک ایران که این امر موجب مسایل زیر شد:

۱ - مشکل مانور

۲ - نیروهای خودی به مسائل دفاع در خاک ایران کمتر اهمیت می دادند.

۳ - راههای مواصلاتی تدارکاتی، طویل و در خاک دشمن بود، از سوی دیگر ارتباط مرکز فرماندهی با قرارگاههای میدان جنگ بعلت طولانی بودن، مورد تهدید قرار می گرفت. در این حالت نیروهای جلو در معرض انزوا قرار می گیرند، بخصوص وقتی دشمن بطور مستقیم وارد محل شود (دور می زند)، دشمن بر روی این تاکتیک (جناح گرفتن و دور زدن) خیلی تکیه می کند.

ما مجبور بودیم برای حفظ آن جاده ها (عقبه ها) نیروهای پشتیبانی بیشتری گسیل داریم، این وضع برای مسدود کردن معابر نفوذی بسیار سخت و غیر ممکن است، نیروهای موظف به این امر، چون اکثرا از نیروهای ذخیره اند و آمادگی ندارند، قادر به مسدود کردن همه ی معابر نفوذی نیستند. ولیکن الان کلیه امکانات دفاعی برای حفظ خط مقدم فراهم شده و بخشهای ذخیره نیز تجربه کافی کسب کرده اند.

ب) احساس سربازان و ارتشیان ما در هنگامی که از اراضی و حقوق خود دفاع می کنند، با حالتی که در عمق مثلا هشتاد کیلومتری

ص: ۱۹

سرزمین دشمن دارند، متفاوت است.

ج) یکی از عوامل مهم دیگر این بود که دشمن در سرزمین خود می جنگید و بالطبع آشنائی کامل با محیط داشت. مثلاً دشمن از رود کرخه و انشعابات آن و یا رود کارون استفاده می کرد، و مسایل غیر مترقبه ای را برایمان ایجاد می کرد (اصل غافلگیری)، و نسبت به نیروهای خط مقدم احاطه داشت (۱).

چنانچه از این سخنان استفاده می شود، دشمن با عقب نشینی به مرزهای خود، در واقع به خطوط پدافندیش عمق داد و آنرا از آرایش و استحکامات مناسب دفاعی برخوردار ساخت. گذشته از این، خود را آماده جنگ با تهاجم نیروهای پیاده و مهار و کنترل موجهای تعرضی آنها کرد و همچنین نیروهای اصلی و هجومی خود را که در خط پدافندی قرار داده بود، آزاد کرد و آنها را بعنوان نیروی احتیاط (۲) (به دور از خط مقدم، که امکان آسیب پذیری آنها وجود داشت)، مستقر نمود.

در نتیجه، دشمن با این فرض که جنگ ادامه خواهد داشت و در این روند از تهاجمات پی در پی جمهوری اسلامی ایران در امان نخواهد بود، با عقب نشینی سراسری از برخی نقاط، مبادرت به حفظ ماشین جنگی خود و کسب آمادگی لازم برای ادامه جنگ نمود.

ص: ۲۰

---

۱-۷. اسناد بدست آمده در عملیات والفجر مقدماتی.

۲-۸. در این زمینه توضیحات بیشتری داده خواهد شد.

قبل از آغاز عملیات رمضان، مسئولین و دست اندرکاران عمدتاً دو مسئله اساسی را رویاروی خود داشتند: یکی تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان، و دیگری ورود بداخل خاک عراق. طبعاً آنچه در لبنان رخ داد، اساساً بدون ارتباط با پیروزیهای رو به گسترش جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر و نیز فراهم سازی زمینه های فشار به ایران و اختتام جنگ نبود. بدین معنی که تأثیر پیروزیهای ایران اسرائیل را از حضور نزدیک فلسطینیها و شیعیان در کنار مرزهای شمالی خود به وحشت انداخت. اشغال مناطق مسلمان نشین شیعیان جنوب و اردوگاههای فلسطینی نیز برای جلوگیری از وقوع انقلاب اسلامی در لبنان و سپس سرایت آن به فلسطین اشغالی بود. در نتیجه اولاً آمریکا می بایست در برابر پیروزی های جمهوری اسلامی عکس العملی نشان دهد و قدرت خود را بنمایاند و ثانیاً انقلاب اسلامی برحسب هویت خود، به هیچ روی نمی تواند و نخواهد توانست مسایل خاورمیانه، بخصوص رژیم اشغالگر قدس را نادیده بگیرد.

ثالثاً، عراق که پس از فتح خرمشهر بدنبال مفری جهت اتمام

جنگ بود، قطعاً می‌توانست به بهانه قرار دادن مسئله حمله اسرائیل، بصورتی ادامه جنگ را به زیر سؤال ببرد.

پس از فتح خرمشهر دست اندرکاران جنگ طراحی عملیات رمضان را در دست داشتند، لیکن پیش آمد بحران تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان در ۱۳۶۱ (مصادف با ۱۹۸۲ میلادی) اذهان را متوجه لبنان کرد.

از سوی دیگر، پیش‌بینی می‌شد که جای پا و حضور مناسبی که در لبنان ایجاد شده بود، پس از حل عاجل مسئله جنگ، گسترش و توسعه خواهد یافت و انقلاب اسلامی در مرحله‌ی جدید، بگونه‌ای جدیدتر و اساسی‌تر با اسرائیل و آمریکا درگیر بشود.

نگرش یاد شده نسبت به مسائل لبنان و از طرفی فروکش کردن تب و تاب انجام عملیات در جبهه‌ها، آنهم در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی و در خاک عراق، خصوصاً پس از فتح خرمشهر، طبعاً خطرات فزاینده‌ای را برای جنگ و انقلاب در پی داشت. عبارت دیگر، این وضع، بیم‌گرفتاری ایران در دام استکبار جهانی را می‌داد.

در این مرحله، فرمانده کل قوا امام خمینی با تبیین استراتژی «راه قدس از کربلا می‌گذرد»، عملاً جهت اصلی تحرکات و اقدامات اساسی جمهوری اسلامی را خاطر نشان فرمودند.

بر این اساس و نیز مبتنی بر واقعیات برآمده از عملیات رمضان و پس از آن ۳ سال رویارویی با دشمن، این نتیجه حاصل شد که جنگ دارای ابعادی وسیع‌تر از آنچه تصور می‌شد، بوده، لزوماً می‌بایست به هر نحو ممکن بگونه‌ای مطلوب حل شود تا از این طریق، مقدمات گسترش و توسعه انقلاب اسلامی فراهم آید.

از سوی دیگر، مسایل لبنان نیز با توجه به تلاش‌های سپاه پاسداران

و نیز ارتباط تنگاتنگ مسلمانان آن دیار با انقلاب اسلامی، عملاً زمینه های نوعی خاص از حضور انقلاب اسلامی در مقابل اسرائیل و استکبار جهانی و نیز حفظ جای پای برای موقعیت مناسب را فراهم آورد.

### دلایل ورود به داخل خاک عراق

گذشتن از مرزهای بین المللی و ورود به خاک دشمن، پس از دفع تهاجم، امری بود که از نظر اعتقادی برای نیروهای رزمنده ابهامی در بر نداشت، زیرا که عقب نشینی سراسری دشمن در پی شکستهای سنگینی که متحمل شده بود، بمنظور معطل نمودن ایران و ایجاد شرایط نه صلح نه جنگ و حاکم ساختن وضعیت فرسایش در جنگ صورت گرفت.

لازمه حفظ و گسترش ابتکار عمل و برخورداری از روحیه تهاجمی جهت اعاده ی حقوق جمهوری اسلامی شرایطی بود که ادامه جنگ و ورود به داخل خاک عراق را امکان پذیر می ساخت. لذا، در آن مقطع به انحاء گوناگون دلایل زیر جهت ورود به داخل خاک عراق مطرح می شد.

۱ - پس از تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و عقب نشینی سراسری عراق از مناطق اشغالی، کشورهای مرتجع منطقه موقعیت را مغتنم شمرده، طی نامه هایی که با مسئولین جمهوری اسلامی رد و بدل کردند، عملاً در صدد برآمدند تا حقوق حقه جمهوری اسلامی را نادیده گرفته، نسبت به موقعیت برتر ایران از خود بی اعتنائی نشان دهند. (۱) ورود به خاک

ص: ۲۳

۱-۹. مقامات عربستان طی نامه ای به حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور پیشنهاد کردند که هیئتی از طرفین جنگ به عربستان بیایند و در آنجا مذاکرات صلح آغاز شود. متقابلاً در پاسخ به پیشنهاد عربستان سعودی نسبت به تغییر شیوه برخورد آنها سؤال شده بود که سعودیها در جواب گفته بودند: فعلاً مسئله اسرائیل مطرح است، ایران چه می خواهد؟ عراق هم که عقب نشینی کرد!.



عراق، در حقیقت، پایان دادن به این گونه برخوردها بود.

۲ - تنبیه صدام بعنوان متجاوز، تا بدین وسیله زمینه های هر گونه تجاوز به مرزهای جمهوری اسلامی، در آینده، از میان برداشته شود.

۳ - استراتژی «راه قدس از کربلا می گذرد» بر تداوم عملیات تا حل نهایی مسئله جنگ تکیه داشت و تلویحا این نکته را نیز مطرح می کرد که انقلاب اسلامی از این طریق می تواند برخورد جدی با غرب و مبارزه با اسرائیل را تدارک بخشد.

۴ - با توجه به اینکه برنامه ها و مطلوب غرب، متوقف ساختن نیروها در پشت مرزها بود، این توقف، جز گرفتار شدن در یک دام، معنای دیگری نداشت. علاوه بر این، دشمن پس از عقب نشینی، با فرصت سه ماهه ای که بدنبال حمله اسرائیل به جنوب لبنان بدست آورد، مناسبترین خطوط پدافندی را در نوار مرزی، متکی بر عوارض طبیعی، ایجاد کرد و در نتیجه، در خیلی از جاها خطوط جدیدی که بر نیروهای اسلام تحمیل شد، مناسب برای پدافند نبود و طبعا در معرض آسیب پذیری قرار داشت.

### **تهدید شهر بصره**

عملیات رمضان بر این اساس طراحی شد که با حضور قوای نظامی ایران در پشت رودخانه دجله و اروند و تسلط بر معابر وصولی بصره، در ادامه عملیات فتح المبین و فتح خرمشهر، عملا- از نظر سیاسی - نظامی موقعیت مناسبی برای جمهوری اسلامی فراهم آید، بطوریکه یا غرب تن به تغییرات سیاسی در عراق بدهد و یا در غیر این صورت، امکان ادامه جنگ در آینده از موضع قویتری فراهم شود.

منطقه عملیاتی رمضان محصور است بین یک زمین مثلث شکل به وسعت ۱۶۰۰ کیلومتر مربع - که از شمال به کوشک و طلائی (پاسگاههای مرزی ایران در جنوب هویزه) و حاشیه جنوبی هورالهویزه به طول ۵۰ کیلومتر و از غرب به رودخانه اروند (که از نقطه تلاقی رودخانه دجله و فرات بنام القرنه شروع می شود تا شلمچه در غرب خرمشهر) بطول ۸۰ کیلومتر و از شرق به خط مرزی شمالی - جنوبی از کوشک تا شلمچه بطول ۶۰ کیلومتر منتهی می شود - بر روی رودخانه اروند در این قسمت چهار پل (دو پل در منطقه نشوه و دو پل در منطقه ی تنومه) واقع شده است که در جنوب غربی این رودخانه شهر صنعتی و بندری بصره قرار دارد.

دشمن تا قبل از فتح خرمشهر، از آنجا که این شهر را کلید بصره می دانست و امکان از دست دادن این شهر را غیر ممکن می پنداشت، در شرق بصره مواضع مستحکمی نداشت. لیکن در فرصتی که برحسب حضور فکری نیروهای خودی در لبنان و تأخیر در انجام عملیات رمضان، بدست آورد، تغییرات مهمی را در زمین منطقه ایجاد کرد که قسمت اعظم آن، مبتنی بر تجارب برآمده از عملیتهای گذشته بود.

بدین ترتیب، دشمن با احداث خاکریزهای مثلثی، خطوط پدافندی مناسبی را ایجاد کرد که طراحان و مبتکران اصلی آن در گذشته اسرائیلی ها بودند. علاوه بر این، دشمن، کانالی بطول ۳۰ کیلومتر و عرض ۱ کیلومتر را که مختص به امر پرورش ماهی بود، با پمپاژ آب و احداث موانع و کمین و سنگرهای تیربار، بعنوان مانعی بازدارنده، در مقابل تعرض نیروهای خودی به سمت بصره، آماده نمود.

همچنین در قسمت جنوبی منطقه که مقابل شلمچه واقع است، از

سوی دشمن، آب رها شد تا مانع از عبور نیروهای اسلام شود.

دشمن در بیابان شرق بصره، چیزی بیش از آنچه ذکر شد، بطور برجسته و عمده نداشت، اما در جنوب غرب اروند، شهر صنعتی - استراتژیک بصره واقع است.

جمعیت این شهر کمتر از یک میلیون نفر است و دارای پالایشگاه، کارخانه عظیم پتروشیمی، واحد تصفیه گاز طبیعی و کارخانه های صنعتی دیگر می باشد. همچنین بخش تنومه که متعلق به شهر صنعتی در شرق اروند است، در نزدیکی بصره، قرار دارد.

علاوه بر این، صحرائی که در غرب بصره واقع است، و نیز سرزمین باتلاقی شمال آن، عظیمترین منابع نفتی عراق را در خود نهفته دارد.

ضمناً، جاده مواصلاتی بغداد به کویت، بنام صفوان، که دارای اهمیت استراتژیکی است و تدارکات اصلی و تسلیحات و مهمات نظامی دشمن از آن صورت می گیرد، و از جنوب این شهر عبور کرده، پس از گذشتن از شهر مرزی صفوان، در کویت امتداد می یابد.

### **مأموریت و طرح مانور**

خط حد و محدوده منطقه عملیاتی رمضان از کوشک، در شمال، آغاز می شد و تا رودخانه اروند، در جنوب، امتداد داشت. در این محدوده، عملیات رمضان از چهار محور یا چهار قرارگاه عملیاتی [محورهای: شمالی، میانی (شمال و جنوب پاسگاه زید) و جنوبی] بمنظور انهدام نیروهای سپاه سوم دشمن و تأمین خط رودخانه اروندرود، طراحی شد.

قسمتی از مسئله عمده در مانور عملیات، ضرورت هماهنگی در

پیشروی قرارگاهها از محورهای مختلف و حفظ جناحین بود، که اساساً تحقق آن، با اتکاء به تلاشهای مهندسی، امکان پذیر بود.

از آنجا که در منطقه شرق اروند عقبه دشمن فقط متکی به چهار پل در «نشوه» و «تنومه» بود، پیش بینی می شد که در صورت سرعت عمل و رعایت غافلگیری توأم با پیشروی مناسب، نیروهای زیادی از دشمن به اسارت درآیند و در عمل، چیزی نظیر واقعه شکستن حصر آبادان (عملیات ثامن الائمه)، تکرار شود.

ضمناً سازمان رزم عملیات، متشکل از نیروهای ارتش و سپاه در نظر گرفته شد و در مجموع، نیروهای منظور شده و بکار گرفته شده، عبارت بودند از «۱۰ تیپ به اضافه» از سپاه و «۲ لشکر و یک تیپ به اضافه» از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی.

### شرح عملیات (مراحل اول تا پنجم)

عملیات رمضان در پنج مرحله به اجرا درآمد که از تاریخ ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۱ آغاز شد و تا تاریخ ۷ / ۵ / ۱۳۶۱ به طول انجامید.

#### مرحله اول

در مرحله اول عملیات، سه قرارگاه از سه محور با دشمن درگیر شدند و در جناح شمالی، دو تیپ به اضافه از سپاه و یک تیپ از ارتش، مأموریت یافتند این جناح عملیات را تأمین نمایند. لیکن بعلت وجود موانع و استحکامات مثلی شکل و میادین مین، نیروها نتوانستند با سرعت عمل به تمامی اهداف مورد نظر دست یابند. لذا با نزدیک شدن روشنائی صبح، از ادامه پیشروی خودداری شد.

در محور میانی (شمال پاسگاه زید)، سه تیپ با اضافه از سپاه و

یک لشکر از نیروی زمینی ارتش شرکت داشتند، و علیرغم اینکه توانستند مقداری پیشروی کنند، لیکن به مثلی های دشمن نرسیدند.

در محور جنوبی (جنوب پاسگاه زید)، چهار «تیپ به اضافه» از سپاه و دو تیپ از ارتش توانستند با سرعت عمل چشمگیر و قابل ملاحظه ای تمامی مواضع دشمن را درهم بکوبند و به عمق ۳۰ کیلومتری مواضع دشمن پیشروی نمایند و خود را به نهر کتیبان، در شرق اروند، و کانال ماهیگیری برسانند، بطوریکه به قرارگاه فرمانده لشکر ۹ زرهی رسیده، ماشین بتز فرماندهی را به غنیمت گرفته، قرارگاه را منهدم کردند، و از آب کانال ماهیگیری و نهر کتیبان وضو ساختند.

در این محور، نیروها بقدری به بصره نزدیک شده بودند که براحتی چراغهای شهر را مشاهده می کردند.

علیرغم موفقیت بدست آمده در این محور، جناح راست نیروهای خودی خالی ماند و پاکسازی کامل نیروها و موانع دشمن صورت نگرفت؛ لذا با روشن شدن هوا، دشمن، با یک لشکر زرهی فشار اصلی را معطوف آنجا نمود و در نتیجه از تأمین منطقه، ممانعت بعمل آمد.

بدین ترتیب طی مرحله اول عملیات، ۸۵ تانک و نفربر و ۱۲ توپ دشمن منهدم گردید و ۷۱ تانک و نفربر به غنیمت گرفته شد. علاوه بر این، ۲۷۰۰ تن از عناصر دشمن کشته و زخمی شده، ۸۵۰ تن به اسارت درآمدند.

مرحله دوم

مرحله دوم عملیات از محور میانی (جنوب پاسگاه زید) با همان یگانهای مرحله اول، به اضافه یک یگان قوی از سپاه با تقویت دو تیپ که تحت امر قرارگاه محور جنوبی بودند، در تاریخ ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۱، آغاز شد. در

ص: ۲۸

این مرحله هدف عمده، استفاده از سر پل بدست آمده (در داخل خاک عراق به وسعت ۶۰ کیلومتر مربع) در مرحله اول و گسترش و توسعه آن تا کانال ماهیگیری (جلوی بصره) بود، که در صورت دستیابی به آن، فاصله رزمندگان تا بصره از ۲۰ کیلومتر به ۱۲ کیلومتر تقلیل می یافت.

تلاش انجام شده طی این مرحله، نظر به اینکه دشمن در فاصله مرحله اول و دوم عملیات مجدداً میادین مین در عمق ایجاد کرده بود و نیز بعثت عدم پاکسازی کامل و الحاق جناحین، به سرانجام مطلوبی منتهی نشد. اما در مجموع، تلفات نسبتاً زیادی، به دشمن وارد آمد، بطوریکه ۱۱۶ تانک و نفربر و ۵۱ دستگاه خودرو منهدم گردید و ۱۵ تانک و نفربر به غنیمت گرفته شد. علاوه بر این ۷۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند.

#### مرحله سوم

بدنبال تهیه عکس هوایی از منطقه عملیاتی و سایر شواهد و قرائن موجود، مشخص شد که دشمن نیروهای زرهی خود را با تجمعی بسیار وسیع آرایش داده و احتمالاً- مبادرت به پاتک خواهد نمود. بر این اساس مرحله سوم عمدتاً به منظور انهدام تجهیزات زرهی (تانک و نفربر) تدبیر شد لذا از شرکت نیروهای زرهی خودی ممانعت بعمل آمد تا بدین وسیله نیروهای پیاده و مجهز با هر زره پوشی که مواجه شدند، آنرا منهدم کنند.

بدین ترتیب عملیات از محور میانی (جنوب پاسگاه زید) با همان نیروهای مرحله دوم، به اضافه سه تیپ، تقویت شد و در تاریخ ۳۰ / ۵ / ۱۳۶۱ آغاز گردید. قوای نظامی خودی در همان ساعات اولیه بصورتی چشمگیر خطوط دشمن را درهم شکسته و با انهدام بخشی وسیع از تجهیزات دشمن، در زمینی به وسعت ۱۸۰ کیلومتر مربع، به پیشروی ادامه دادند.

طی این مرحله، نزدیک به ۷۰۰ تانک و نفربر دشمن منهدم گردید؛ ۱۴ تانک و نفربر به غنیمت گرفته شد و ۲۱۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و ۲۵۹ نفر از آنها به اسارت درآمدند. قابل ذکر است که در میان تانکهای انهدامی دشمن، ۱۶ تانک مدرن و پیشرفته تی - ۷۲ بچشم می خورد، که ۴ تانک از آن نوع نیز به غنیمت گرفته شد.

#### مرحله چهارم

در تاریخ ۱ / ۶ / ۱۳۶۱ در محور جنوبی عملیات (شلمچه) قرارگاه مزبور با ۲ تیپ به اضافه از سپاه و یگانی از ارتش بصورت ادغامی وارد عمل شدند، لیکن بدلیل هوشیاری دشمن و نیز موانع و استحکامات قابل توجهی که وجود داشت عملاً امکان عبور از خط اول دشمن فراهم نیامد.

#### مرحله پنجم

تلاش اصلی در مرحله پنجم عملیات، که در تاریخ ۶ / ۶ / ۱۳۶۱ انجام گرفت، معطوف به محور شمالی پاسگاه زید در حد فاصل دژ مرزی عراق و خاکریزهای مثلثی دشمن شد. طی این مرحله، هفت تیپ تقویت شده از سپاه و دو تیپ از ارتش شرکت داشتند.

در آغاز درگیری، همه چیز طبق روال پیش می رفت. در نتیجه نیروهای خودی توانستند گذشته از پاکسازی و الحاق، خاکریزی مناسب و دوجداره در جناح شمالی احداث نمایند، ولی از آنجائیکه دقت کافی در احداث خاکریز نشده بود دشمن توانست پنج کیلومتر در آن رخنه کند. در این فاصله نیروها نزدیک به ۴۸ ساعت در مواضع بدست آمده مستقر شدند و عقبه امکانات پشتیبانی رزمی و خدماتی به جلو منتقل گردید، دشمن نیز که در مرحله گذشته ضرباتی اساسی متحمل شده بود، عملاً

تحرکی از خود نشان نداد، لیکن بنا به دلایلی، علیرغم اینکه عملیات تا آستانه تثبیت پیش رفته بود، طی بررسی که بعمل آمد، ادامه حضور نیروها مصلحت دیده نشد.

در مرحله پنجم، ۱۳۰ تانک و نفربر دشمن منهدم گردید و ۱۱ تانک آن به غنیمت گرفته شد. همچنین ۸۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند.

در عملیات رمضان آمار کلی تلفات و خسارات وارده به دشمن، عبارت بود از:

انهدام تانک و نفربر: ۱۰۹۷ دستگاه از انواع مختلف

کشته و زخمی: ۷۴۰۰ نفر

اسیر: ۱۳۱۵ نفر

ضمناً ۴ لشکر و ۳ تیپ زرهی دشمن بین ۲۰٪ تا ۶۰٪ منهدم شد و ۹ تیپ پیاده دشمن بین ۲۰٪ تا ۱۰۰٪ خسارت و تلفات را متحمل گردیدند.

ارزیابی عملیات رمضان

آنچه در عملیات رمضان قابل ملاحظه بوده و خطوطی برجسته را در تاریخ جنگ و انقلاب اسلامی ترسیم می کند، گذشته از انهدام وسیع دشمن، نفس تهاجم به داخل خاک عراق است. این امر در واقع، به معنی مقابله با تمامی فشارهای سیاسی - تبلیغاتی دنیای استکبار بود.

علاوه بر این عملیات رمضان این معنا را به غرب تفهیم کرد که جمهوری اسلامی پس از پشت سر گذاردن مرحله بیرون راندن متجاوز از سرزمینهای اشغالی، مصمم به ادامه نبرد تا تحقق خواسته های بحق خود می باشد.

ص: ۳۱



گذشته از این، عملیات رمضان در بعد نظامی فراتر از توانمندیهای جمهوری اسلامی بود و عمدتاً می‌بایست بعنوان یک تجربه، نصب العین تبیین مرحله جدید جنگ می‌شد. عبارت دیگر، عملیات رمضان خاطر نشان می‌ساخت که با تغییر زمین نبرد و نیز اتخاذ استراتژی دفاع مطلق از سوی دشمن، استمرار جنگ نیازمند شرایطی جدید است که بدون در نظر گرفتن آنها نتایج مطلوب حاصل نخواهد شد.

این شرایط عبارت بودند از:

۱ - فراهم آوردن تمامی شرایط و لوازم پیشروی.

۲ - افزایش توانائی مهندسی.

۳ - گسترش سازمان رزم بطور کلی (بصورتی که با طولانی شدن جنگ و درگیری، امکان و توانائی ادامه نبرد با دشمن را از دست ندهیم).

۴ - گسترش سازمان یگانهای زرهی، بمنظور جنگ در روز و رویارویی با نیروهای زرهی دشمن.

ص: ۳۲

علت و چگونگی اتخاذ تدبیر عملیات محدود پس از عملیات رمضان را بایستی اساساً با توجه به نتایج برآمده از این عملیات بررسی نمود.

در عملیات رمضان، در واقع دشمن خاطرنشان ساخت که با آشنائی نسبت به تاکتیکهای نیروهای خودی، تدابیری مناسب اندیشیده و بر مبنای آن، به توان خود در مقابله با قوای نظامی ایران افزوده است. متقابلاً برای دست اندرکاران و مسئولین نظامی خودی نیز زمینه باور داشتن به مسایلی که تحت الشعاع پیروزی های فتح المبین و بیت المقدس نادیده انگاشته می شد، فراهم آمد و بدین ترتیب روشن گردید که بدون استفاده از تاکتیکهای جدید و ابتکار در برابر دشمن و نیز بدون برنامه ریزیهای همه جانبه، بصورت بلند مدت و میان مدت، ادامه جنگ با مشکلات و موانع عدیده روبرو خواهد شد. گذشته از این، مسائل دیگری در بطن نتایج حاصله از عملیات رمضان وجود داشت و چنین می نمایاند که بدون در نظر گرفتن آنها و بالطبع، با عدم اتخاذ تدابیر مناسب، ادامه جنگ ممکن نخواهد بود. از جمله اینکه:

۱ - دشمن سعی داشت با بهره گیری از نیروی زرهی و آتش شدید توپخانه، هر گونه عملیات گسترده یا محدود در دشت باز را کنترل نماید و از بین ببرد.

۲ - آنچه که دشمن در جنگ رمضان به نمایش گذارد، حاوی این نکته بود که از این به بعد ادامه جنگ با اتکا به تاکتیکهای فتح المبین و بیت المقدس امکان پذیر نیست. و لزوماً باید تاکتیکهایی ویژه اتخاذ شود، زیرا شرایط زمین و نحوه ی پدافند دشمن و عمق و استحکامات به هم پیوسته او، تغییر کرده است.

بر مبنای موارد یاد شده، جمهوری اسلامی برای ادامه ی جنگ لزوماً بایستی از آمادگی و توانی قابل ملاحظه برخوردار می شد. حضور وسیع مسئولین در امر جنگ، می توانست نقشی عمده در این زمینه داشته باشد.

از سوئی دیگر فرماندهی کل قوا با تأکید بر ضرورت حضور نیروها در جبهه، تحت عنوان «واجب کفایی»، مجدداً ضرورت برخورد همه جانبه با معضلات جنگ و یا عبارتی «اصلی نمودن جنگ» را یادآور شدند.

تدبیر عملیات محدود

لزوم گسترش توان رزمی و کسب آمادگیهای لازم بمنظور ادامه جنگ تا کسب نتایج قطعی از سوی جمهوری اسلامی، الزاما نیازمند زمان مناسب و فرصت کافی بود. اما از سوی دیگر، هر نوع رکود و توقف در جبهه ها و عدم استفاده از زمان، تبعاتی سوء در برداشت که تن در دادن به آن، نوعی تسلیم شدن به فشارهای دشمن تلقی می شد. لذا تدبیر عملیات محدود اتخاذ گردید تا در فاصله زمانی مشخص جبهه های جنگ از فعالیت لازم برخوردار گردند؛ بدین ترتیب که با گذشت زمان و فرصتی

ص: ۳۴

که حاصل خواهد شد، گسترش و افزایش توان رزمی با بالا- بردن کیفیت نیروها از طریق آموزش، گسترش سازمان رزم و افزایش کادر فرماندهی ورزیده، انجام پذیرد.

بعبارت دیگر، ضرورت ادامه جنگ و حفظ برتری قوای اسلام و ابتکار عمل، در گرو شکستن هر نوع بن بست احتمالی بود. از اینرو لزوماً بایستی کسب توان رزمی، از طریق درگیری مستمر با دشمن و گرم نگاه داشتن جو جنگ در جبهه و پشت جبهه انجام می پذیرفت، تا بدینوسیله فرصت لازم جهت بازسازی یگانهای منهدم شده و غیره از دشمن گرفته شود و نیز امکان حفظ حالت تعرضی نیروهای خودی و فراهم آوردن زمینه های جذب نیرو، که بعد از انجام هر عملیات پیروزمندانه، این زمینه مساعد می شود، فزونی یابد.

مضاف بر این اهداف، فواید دیگری در استمرار عملیات و وارد ساختن ضربات پی در پی به دشمن نهفته بود که بخشی از آن چنین است:

۱- ایجاد خستگی و فرسایش در نیروهای دشمن بمنظور کاهش مقاومت آنها.

۲- فرصت ندادن به دشمن برای ترمیم و بازسازی آسیب ها و ضربات وارده در طی عملیات.

۳- مختل نمودن فکر دشمن برای ممانعت جمع بندی تجارب و بهره گیری از آنها.

۴- گرفتن تلفات زیاد از دشمن، از طریق انهدام نیرو

۵- تجزیه دشمن و ممانعت از عمل متمرکز

و...

در چارچوب تدابیر عملیات محدود و با لحاظ نمودن فوائد استمرار

ص: ۳۵

و تسلسل عملیات، در این مرحله اساسا آنچه که تحقق یافت، دو عملیات «مسلم بن عقیل» و «محرّم» بود که شرح اجمالی آن در پی می آید.

### عملیات مسلم بن عقیل

عملیات «مسلم بن عقیل» که در چارچوب تدبیر عملیات محدود مورد نظر قرار گرفت، بعنوان اولین حرکت در این روند انجام پذیرفت. هدف این عملیات، تصرف کلیه ارتفاعات مشرف بر شهر مندلی عراق بود.

موقعیت منطقه

ارتفاعات مهم منطقه عملیاتی واقع در غرب سومار عبارت است از: سارات با ۳۲۷ متر، سیدک با ۲۵۳ متر، دروازه ی تپه شلوغ با ۲۳۵ متر، گیسکه با ۳۳۰ متر، و اروالین (که مرتفع ترین تپه در این منطقه می باشد)، با ۴۰۲ متر ارتفاع.

در شرق و غرب این ارتفاعات تعداد زیادی پاسگاه مرزی خودی و دشمن وجود دارد که از جمله آنها پاسگاه «دوله شریف»، «کومه سنگ» و «میان سنگ» قابل ذکر است.

تنگه «میان تنگ» که در وسط ارتفاعات قرار دارد، تهدیدی جدی در کنترل شهر مندلی محسوب می شود. لذا دشمن نیرویی عمده را برای حفظ آنها استقرار داده است.

از آنجا که ارتفاعات منطقه بمنزله مانع جهت وصول به خاک عراق محسوب می شد، برای دشمن ارزش و اهمیتی ویژه داشت و طبعا با تصرف آن، ورود به خاک عراق آسان می گردید.

دشمن با وقوف بر این امر سعی وافر داشت تا مانع از هر گونه

پیشروی قوای اسلام و کسب برتری تاکتیکی از سوی جمهوری اسلامی بمنظور توسعه و تعمیق اهداف تاکتیکی در خاک عراق و کسب پیروزی بشود. از این رو دشمن با اطلاع از تک ما، مبادرت به تقویت نیرو و تحکیم و تعمیق موانع و مواضع پدافندی نمود؛ چنانچه یک افسر اسیر عراقی اظهار داشت: فرماندهان ما تصور نمی کردند که ایرانیها قادر خواهند بود از ۵۰ رده مین و تله های انفجاری، عبور نمایند!

### شرح عملیات

عملیات مسلم بن عقیل پس از کسب آمادگیهای لازم در ساعت ۷:۴ دقیقه بامداد ۱۳۶۱/۷/۹ با رمز «یا ابوالفضل العباس» به فرماندهی قرارگاه عملیاتی نجف اشرف آغاز شد. و بدنبال آن رزمندگان با عبور از میدین مین و سیمهای خاردار تنها پس از ۱۰ دقیقه ارتفاعات گیسکه تا کله شوان را فتح نمودند. و بعد از آن، به ترتیب ارتفاعات «واروالین» به قلعه بین تا سمت راست تنگه جوق و ارتفاعات مثالی تصرف شد. و بدین ترتیب دشمن در پایان عملیات، در جلگه مستقر گردید و نیروهای خودی تسلط لازم را بر دشمن بدست آوردند.

نیروهای دشمن که در پی آماده باشهای متوالی و مکرر دچار خستگی جسمی و ضعف روحی شده بودند. غالباً فاقد آمادگی لازم بودند و در هنگام آغاز تک در خواب بسر می بردند.

با روشن شدن هوا در ساعات اولیه روز ۱۳۶۱ / ۷ / ۹، دشمن اقدام به پاتک نمود که دستاورد لازم را برای نیروهای عراقی در پی نداشت و خنثی گردید.

خسارات وارده به دشمن و غنایم بدست آمده:

۱ - آزادسازی بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک جمهوری

۲ - کشته و زخمی شدن بیش از ۴۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن

۳ - انهدام ۷۹ دستگاه تانک و نفربر از جمله چند دستگاه تانک تی - ۷۲.

۴ - به اسارت گرفتن ۲۷۵ نفر که در میان آنها تعدادی افسر هم دیده می شد.

۵ - انهدام ۲۰ دستگاه خودرو، ۳ دستگاه لودر و ۳ قبضه کاتیوشا.

۶ - به غنیمت گرفتن یک دستگاه رادار، یک دستگاه ردیاب صوتی توپخانه، ۳ دستگاه لودر و بلدوزر د-۸، و ۳ قبضه توپ ۱۰۰ م.م، دوربین دار و...

۷ - سرنگون کردن ۷ فروند از هواپیمای دشمن.

### عملیات محرم

منطقه عملیاتی محرم، منطقه ای کوهستانی که در جنوب شرقی دهلران در غرب عین خوش قرار دارد. دشمن با در اختیار داشتن ارتفاعات استراتژیک آن، که متعلق به جمهوری اسلامی ایران است، امتیازاتی متعدد را برای خود محفوظ نگاهداشته بود، از جمله:

۱ - از نظر پدافندی در مواضعی مطمئن قرار داشت.

۲ - جاده دهلران - عین خوش را در زیر دید و تیر خود داشت و بدین ترتیب، آن را بدون استفاده کرده بود.

۳ - می توانست به اشغال چندین حوزه نفتی و تأسیسات آن در منطقه بیات، در دو طرف مرز بین المللی و در داخل خاک عراق، ادامه دهد.

۴- قادر به دفاع از شهرک صنعتی طیب، زبیدات و چاههای نفت آن، چندین روستا و پاسگاه مهم در خاک عراق بود.

هدف عملیات، تصرف کلیه ارتفاعات، سرکوب منطقه و قرار گرفتن در موضع برتر تاکتیکی، با راندن دشمن به دشت باز بود.

#### موقعیت طبیعی منطقه

مشخصه مهم این منطقه وجود ارتفاعات جبال حمرین است، که خطر مرزی قراردادی ایران و عراق قبل از تجاوز این کشور به ایران بوده، و بلندترین قله آن به ارتفاع ۴۰۰ متر، در خاک جمهوری اسلامی قرار داشته است. گذشته از تپه ۲۹۸ که در داخل خاک ما قرار دارد، تپه ۱۷۵ در داخل خاک عراق واقع شده است که مشرف بر محور وصولی و با اهمیت - عین خوش - چم سری - شرهانی - زبیدات می باشد، چنانچه می توان از روی آن، جاده اسفالت شرهانی - زبیدات را، که به لحاظ ارتباطی و تدارکاتی مهم است، با تیر منحنی و دیدبانی مناسب برای اجرایی تیر غیر منحنی مورد تهدید قرار داد.

یکی دیگر از عوارض طبیعی منطقه، رودخانه های چیخواب، دویرج و میمه است که فصلی و وحشی بوده، به هنگام طغیان، ارتفاع آب آن بعضاً به ۱۰ برابر معمول (که حدود ۳۰ سانتیمتر است)، می رسد.

به لحاظ تسلط مواضع استقرار دشمن بر معابر و منطقه ی مواصلاتی نیروهای خودی، به همین علت کلیه تردها در شب و با چراغ خاموش صورت می گرفت ضمناً منطقه کلی عملیات در حوزه ی مأموریت سپاه چهارم عراق قرار داشت و پدافند از منطقه عملیاتی محرم، به عهده لشکر ۱۰ زرهی بود.



عملیات محرم در چند محور و طی چند مرحله طراحی شد که مرحله اول آن دوشنبه ۱۰ / ۸ / ۱۳۶۱ در ساعت ۸ و ۲۲ دقیقه با رمز «یا زینب (س)» با فرماندهی قرارگاه عملیاتی کربلا، با سرعت و غافلگیری قابل ملاحظه آغاز شد، به نحوی که کمتر از نیم ساعت پس از شروع عملیات، قوای اسلام توانستند در یک محور تعدادی از نیروهای عراقی را به اسارت در آورند و در محور دیگر نیروهایی از دشمن، به استعداد بیش از یک تیپ، در محاصره نیروهای خودی قرار گرفتند و غالباً اسیر شدند.

در ساعت ۶ صبح ۱۱ / ۸ / ۱۳۶۱ به استثنای جناح چپ منطقه ی عملیات، کلیه یگانها اهداف تعیین شده را تصرف نمودند و پس از یکی، دو ساعت، بین کلیه نیروها الحاق حاصل شد.

از چهار قرارگاه فرعی شرکت کننده در عملیات، نیروهای سه قرارگاه اهداف خود را حتی بیش از آنچه که پیش بینی شده بود، تصرف کردند. ولی یگانهای قرارگاه چهارم بعثت طغیان رودخانه دویرج و پاره ای مشکلات در پشتیبانی یگانهای مانوری نیروها، نتوانستند اهداف خود را در حوالی منطقه چم هندی و ربوط بطور کامل تصرف نمایند.

#### نتایج مرحله اول عملیات

آزاد شدن ۵۵۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی، از جمله ارتفاعات ۴۰۰، ارتفاعات ۲۹۸، پل چم سری، حوزه نفتی بیات - نهر عنبر، چم سری و موسیان و خارج شدن جاده عین خوش - دهلران از زیر دید و تیر دشمن و همچنین زیر دید تیر قرار گرفتن شهرک طیب عراق.

تلفات و ضایعات وارده به دشمن طی این مرحله عبارت بود از:

- انهدام ۸ تا ۱۲ یگان سازمانی دشمن بین ۲۰٪ تا ۷۰٪.

- انهدام ۹۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۳۰ دستگاه خودرو.

- سقوط ۷ فروند هواپیمای دشمن.

به غنیمت گرفتن ۴۵ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰۰ دستگاه خودرو و مقادیر معتناهی سلاح سبک، از انواع مختلف.

ضمنا در این مرحله از نیروهای دشمن، ۲۶۰۰ نفر کشته و زخمی و ۱۹۷۰ نفر اسیر شدند.

مرحله دوم عملیات

علیرغم موفقیت‌های حاصله از مرحله ی اول و درهم پاشیدگی و ضعف روحیه دشمن، به لحاظ عدم موفقیت قرارگاه چهارم در مرحله اول و خالی ماندن جناح چپ قوای اسلام، اساسا موفقیت‌های مرحله اول در معرض تهدید بود؛ لذا مهمترین هدف مرحله دوم، ترمیم رخنه ی موصوف، با حداکثر سرعت ممکن بود.

بدین منظور مرحله ی دوم عملیات در روز سه شنبه ۱۰ / ۸ / ۱۳۶۱ در ساعت ۲ / ۵ بعد از نیمه شب آغاز شد و نیروهای ما در ساعت ۵ صبح به جاده اسفالته شرفانی دسترسی پیدا کردند و در ساعت ۷ صبح با الحاقی که صورت گرفت، محاصره دشمن کامل گردید.

در این مرحله ۱۵۰ کیلومتر مربع زمین آزاد شد و مجددا ۶ یگان سازمانی دشمن، بین ۲۰٪ تا ۶۵٪ منهدم شدند.

همچنین ۱۵۰ نفر دیگر از نیروهای دشمن به اسارت قوای اسلام درآمدند.

ص: ۴۱

هدف مرحله سوم عملیات، تصرف کلیه ارتفاعات و دامنه های غربی حمیرین و جاده ها و مراکز مهم عملیاتی و ایجاد تأمین لازم برای جاده اسفالته ی چم سری، شراهانی، زبیدات و همچنین جاده شنی زبیدات - طیب بود.

به همین منظور، در روز دوشنبه ۱۵ / ۸ / ۱۳۶۱ ساعت ۱۰ شب عملیات مرحله سوم آغاز شد و پس از یک نبرد نسبتاً گسترده بعثت مقاومت پراکنده دشمن، و عدم پاکسازی منطقه، در ساعت ۸ صبح فردای آن، پایان گرفت.

وارد ساختن ضربات پی در پی در عملیات محرم و موفقیت های حاصله، دشمن را هراسناک ساخت، چنانچه از ترس محاصره و انهدام بیشتر، از محور ربوط و چم هندی پا به فرار گذاشت و مقادیر بسیار دیگری از خاک جمهوری اسلامی آزاد شد.

#### نتایج مرحله سوم عملیات

آزاد شدن ۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق از جمله پاسگاه های زبیدات، شراهانی، ابوغریب و... و تأسیسات نفتی منطقه (۳۰ الی ۳۵ حلقه چاه نفت)، از نتایج این مرحله از عملیات بود.

ضمناً در پایان مرحله سوم عملیات محرم، در مجموع ۱۴ تیپ عراق بین ۵۰٪ تا ۱۰۰٪ منهدم گردید.

تجهیزات دشمن که طی این مرحله از عملیات منهدم شد، عبارت بود از: ۱۷۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۰۰ دستگاه خودرو، ۱۵ قبضه تفنگ ۱۰۶ و ۳ فروند هواپیما.

غنائم بدست آمده در مقایسه با مرحله دوم، چشمگیرتر بود و ۹۴ دستگاه تانک و نفربر، ۱۵۰ دستگاه خودرو، و ۵۱ قبضه تفنگ ۱۰۶ و... در میان غنائم مشاهده می شد.

نیروهای شرکت کننده در عملیات

چهار لشکر پیاده از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و یک تیپ از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در عملیات شرکت داشتند و یک تیپ از سپاه پاسداران نیز در احتیاط قرار داشت.

قابل ذکر است که سپاه پاسداران در این عملیات توانست از تانکها و توپخانه غنیمتی خود استفاده ی مناسبی بعمل آورد.

ص: ۴۳

پس از عملیات محرم چنین پیش بینی می شد که دستیابی به شهر العماره عراق دور از امکان نیست بر این اساس بخشی از زمین شمال شهر العماره، که بین مثلث فکه، چزابه، غزیه، محصور بود، مورد نظر طراحان نظامی قرار گرفت.

یکی از مسائل مطروحه، به هنگام عملیات والفجر مقدماتی، همزمانی عملیات با دهه ی فجر و دیگری برگزاری کنفرانس غیر متعهدا در هند بود. همچنین موفقیت های بدست آمده در دو عملیات مسلم بن عقیل و محرم، مجموعاً نقش بسزایی در شکل گیری خطوط تبلیغاتی آن مقطع داشت (۱).

ص: ۴۴

---

۱- ۱۰. البته مسائل دیگری وجود داشت که نقد و بررسی آن نیازمند شرایط و موقعیت مناسبتری می باشد.

منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی از شمال به «میشداق» و «برقاز» و از جنوب به «هورالهویزه»، از شرق به «چزابه» و شهر «بستان» و از غرب به شهر «العمار» عراق و رودخانه دجله منتهی می شد.

در منطقه ی مزبور رودخانه های متعددی وجود دارد، از جمله رودخانه دویرج، که از کوههای شمالی منطقه سرچشمه گرفته و به «هورالسناف» می ریزد و رودخانه ی میمه که سرچشمه ی آن ارتفاعات ایلام است و در آخر به «هور بن عمران» (جنوب هورالسناف) منتهی می شود.

#### هدف و مأموریت

عملیات والفجر مقدماتی با هدف تصرف پل غزیه و سپس در صورت امکان، دستیابی به شهر العماره ی عراق، طراحی گردید.

مسئله قابل توجه در این عملیات، بکارگیری نیروی زرهی بود که این امر عمدتاً به لحاظ بعد مسافت و عمق منطقه عملیاتی در نظر گرفته شده بود.

همچنین در این عملیات، ۱۳ یگان اعم از تیپ و لشکر از سپاه پاسداران و ۳ یگان از ارتش مشارکت داشتند.

#### شرح عملیات

هنگام آغاز عملیات، مسئولین سطح بالای کشور در قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) حضور بهم رسانیدند.

در ساعت ۳۰ / ۲۱ دقیقه روز ۱۸ / ۱۱ / ۱۳۶۱ رمز عملیات به شرح زیر قرائت گردید:

«بسم الله الرحمن الرحيم، و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم. اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین. قد تری ما انا فیه ففرج عنا یا کریم، یا الله، یا الله، یا الله.»

به مظلومیت علی اصغر و به ذوالفقار برنده ی ولی المؤمنین و قهاریت رب العالمین به پیش»

بدنبال آن، عملیات از سه محور آغاز شد و نیروها در تاریکی مطلق شب، پیشروی خود را بمنظور پاکسازی میادین مین و شکستن خطوط دفاعی دشمن و رخنه در این خطوط، آغاز نمودند، وسعت و عمق موانع و استحکامات دشمن و وجود کانالهای متعددی که دشمن برای ایجاد آنها در طول بیش از چند ماه کوششی قابل ملاحظه انجام داده بود، سرعت لازم را از نیروها گرفت. در نتیجه، علیرغم شکسته شدن خط، بعلت اینکه تاریکی شب رو به پایان نهاد، قبل از آنکه پاکسازی انجام بگیرد، طبیعی بنظر می رسید که امکان استقرار کامل وجود نداشته باشد.

در واقع تاریکی مطلق شب، عدم الحاق و پاکسازی، عمق و وسعت میادین مین دشمن، هوشیاری و تسلط آنان و اطلاع قبلیشان نسبت به وقوع عملیات، عمده موانع و عوامل بازدارنده ای بود که منجر به عدم تأمین کامل اهداف مرحله اول عملیات شد.

علیرغم وضعیت موجود، به خاطر موقعیت خاصی که به تبع آغاز عملیات در میان مردم ایجاد شده بود و از طرفی به دلیل امیدواری مسئولین و نیز تبلیغات سوء دشمن و... مرحله ی دوم عملیات به منظور ضربه زدن به دشمن، انهدام تجهیزات، و وارد کردن تلفات آغاز گردید. به لحاظ ناهماهنگی در نیروهای عمل کننده و عدم رعایت برخی مسائل امکان

غافلگیری دشمن کاملاً از بین رفته بود و دشمن از هوشیاری کافی برخوردار شده بود لذا در مرحله ی اول آسیب جدی به نیروهایش وارد نیامد. بهمین جهت پیش بینی موفقیت تا اندازه ای غیر معقولانه بنظر می رسید.

در والفجر مقدماتی، موانع و تاکتیکهای جدید دشمن مسئله ای حائز اهمیت و نیازمند مذاقه بود؛ زیرا از ابتدای پیشروی نیروهای خودی، از نقطه رهائی تا رسیدن به خط دوم دشمن، بیش از ۱۶ نوع مانع از سوی دشمن تعبیه و ایجاد شده بود و یا بصورت عارضه طبیعی منطقه، وجود داشت که به ترتیب عبارت بودند از:

۱ - حدود ۸ الی ۱۰ کیلومتر رمل.

۲ - یک سری میادین مین که از قبل تعبیه شده بود.

۳ - سیم خاردار حلقوی به عرض ۶ حلقه.

۴ - مواضع کمین.

۵ - سیم خاردار معمولی.

۶ - میدان مین با عمق زیاد.

۷ - سیم خاردار حلقوی.

۸ - کانال به عرض ۳ الی ۴ متر که تا ۹ متر نیز می رسید.

۹ - سیم خاردار حلقوی.

۱۰ - میدان مین با عمق زیاد.

۱۱ - سیم خاردار حلقوی.

۱۲ - کانال دوم با مشخصات کانال اول (بند ۸).

۱۳ - سیم خاردار حلقوی.

۱۴ - میدان مین.

۱۵ - خط اول دشمن که از سنگرهای متعدد و تعبیه کانال در زمین (مشابه شرق بصره) تشکیل شده بود.



دشمن با این اقدامات، در واقع آنچه را بصورت تجربه از عملیتهای گذشته بدست آورده بود (که اندکی از آن را در عملیات رمضان بکار بست)، تقریباً بصورت کامل در منطقه عملیاتی والفجر مقدماتی بکار گرفت.

دشمن سعی داشت با موانع یاد شده تا حد امکان در پیشروی قوای اسلام تأخیر ایجاد کند. از اینرو موانع مزبور به منزله زنگ خطر و عامل هشداردهنده محسوب می شد و از طرفی بطور طبیعی توان نیروی تک و ر را، جهت تأمین اهداف در شب، می گرفت.

گذشته از این، گرفتن جناح و بکارگیری نیروی احتیاط دو مسئله قابل توجه بود که در تاکتیکهای دشمن در عملیات والفجر مقدماتی مشاهده گردید.

مسئله دیگر اینکه در گذشته نیروهای هجومی و اصلی دشمن در خطوط حضور داشتند و بطور طبیعی در معرض آسیب پذیری نیروهای مهاجم بودند؛ لیکن در این عملیات نظر به اینکه دشمن شکستن خط را برای خود مفروض می دانست، لذا نیروهای هجومی اش را در احتیاط قرار داد و با گذاردن نیروهای پدافندی در خط و عمق بخشیدن به میادین مین و ایجاد موانع دیگر، عملاً سعی بر این داشت که پس از گرفتن توان نیروهای مهاجم، با وارد کردن نیروهای اصلی خود، مناطق تصرف شده را باز پس بگیرد.

## عملیات والفجر ۱

مدتی پس از انجام عملیات والفجر مقدماتی، عملیات والفجر ۱

در شمال غربی منطقه قبلی - از ارتفاعات حمیرین تا فکه - طراحی شد و مورد نظر قرار گرفت. هدف اصلی این عملیات در درجه اول تک به جبال حمیرین و تکمیل تصرف آن (۱) و نیز دست یابی به جبل فوقی بود تا بدین وسیله پس از تسلط بر ارتفاعات منطقه، دشمن را مجبور کنند تا در دشت قرار بگیرد و مقدمات پیشروی به عمق فراهم آید.

#### موقعیت منطقه

زمین منطقه عمدتاً تپه ماهور و کوهستانی است و ارتفاعات مهمی مانند: ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۷۸ و... را در خود جای داده است. اکثر این ارتفاعات در منطقه جنوبی عملیات و در امتداد جنوب شرقی جبال حمیرین واقع است و به شکل دهلیزی صخره ای نمایان است؛ به این صورت که از غرب رودخانه دویرج به بعد، بلندی ارتفاعات افزایش می یابد تا اینکه در قسمت بالای آن، دو دهلیز وسیع را تشکیل می دهد؛ بطوریکه ارتفاعات مهم منطقه بر روی این دو یال قرار می گیرد.

همچنین پس از دشت سمیده، در این قسمت ارتفاعات جبل فوقی بموازات جبال حمیرین شروع می شود، و پس از آن، آب گرفتگی و باتلاقیهای هورالهلغل و هورالسناف قرار گرفته است.

غیر از پاسگاههای مرزی (پیچ انگیزه، بجلیه، سمیده، صدام و...) و تأسیسات نفتی سمیده و نیز تأسیسات نفتی بزرگان در پشت جبل فوقی، تا شهر العماره عوارض مصنوعی برجسته ای وجود ندارد.

ص: ۴۹

---

۱- ۱۱. در عملیات محرم قسمتی از جبال حمیرین همچنان در اختیار دشمن قرار داشت.

قرارگاه مشترک خاتم الانبیاء (ص) عملیات والفجر ۱ را از دو محور شمالی و جنوبی به فرماندهی قرارگاه کربلا (راست) و نجف (چپ) طراحی نمود و پس از آن سازمان رزم عملیات بصورت مشترک تعیین شد. در این عملیات، ۸ لشکر از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ۲ لشکر و ۳ تیپ به اضافه ۱ گردان از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی مشارکت داشتند. عبارت دیگر در حدود ۸۰ گردان از سپاه و نزدیک به ۳۰ گردان از نیروی زمینی مأموریت عملیات را بر عهده گرفتند.

### شرح عملیات

در تاریخ ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۲ ساعت ۲۳ عملیات والفجر ۱ با رمز زیر آغاز شد:

«بسم الله الرحمن الرحيم، یا الله. یا الله. یا الله و انصرنا علی القوم الکافرين، یا محمد (ص) یا امیرالمؤمنین یا فاطمه الزهرا... با توکل بر خدا به پیش.»

یگانهای عمل کننده به تناسب طرح مانور و مأموریت‌های تعیین شده، با اختلاف کمتر از یک ساعت، با دشمن درگیر شدند. در قرارگاه عملیاتی کربلا نیروها در دو جناح چپ و راست در عمق پیشروی کردند و پس از انهدام نیروهای دشمن، نظر به اینکه محور وسط پاکسازی نشده بود و نیروهای خودی از جناحین تهدید می شدند، با نزدیک شدن روشنایی هوا دستور داده شد که از ادامه پیشروی خودداری کنند.

در محور قرارگاه عملیاتی نجف، چند ارتفاع مهم منطقه پاکسازی شد و نیروها بر روی آنها و نیز در داخل کانالهای ارتباطی و سنگرهای

دشمن هجوم برده، در آنجا مستقر شدند.

مسئله قابل ذکر در این محور، عملکرد چشمگیر و ابتکاری یکی از یگانهای سپاه در جناح چپ محور جنوبی است، بطوریکه نیروهای دشمن دور خورده و بطور کامل منهدم شدند.

دشمن صبح روز اول با استفاده از ارتفاعاتی که به تصرف نیروهای خودی درنیامده بود، از جمله ارتفاع مهم ۱۶۵ (مشرف بر پاسگاه و شیار بجلیه) اقدام به تقویت نیروهای موجود در منطقه کرد و سپس پاتکهای خود را با حجم آتش زیاد آغاز نمود، بصورتیکه تا ساعت ۵ بعد از ظهر همان روز به همین شکل پنج پاتک را تدارک و اجرا کرد.

در شب دوم، ارتفاع ۱۶۵ به تصرف نیروهای خودی درآمد؛ لیکن با روشن شدن هوا و اجرای آتش شدید از سوی دشمن، این ارتفاع طی همان روز دوبار میان نیروهای خودی و دشمن رد و بدل شد.

در روز سوم عملیات، نیروهای دشمن با در اختیار داشتن ارتفاعات ۱۶۵ و سپس اجرای آتش شدید و بهره گیری از هلی کوپتر، مجددا پاتکهای خود را از سر گرفتند که مقاومت رزمندگان طی این روز چشمگیر و قابل توجه بود.

در شب چهارم، نیروهای خودی مجددا تلاشی به منظور تصرف ارتفاعات ۱۶۵ انجام دادند؛ لیکن دشمن که هوشیار شده و اهداف عملیات را درک کرده بود، به مقابله با تعرض نیروهای خودی پرداخت.

در روز چهارم و پنجم، جنگ با شدت تمام بر روی ارتفاعات تصرف شده ادامه داشت و در برخی از ارتفاعات، نبرد تبدیل به جنگ تن به تن شده بود.

طی این درگیریها ارتفاعات منطقه چندین بار رد و بدل شد. لیکن علیرغم عبور موفق نیروها از موانع و شکستن خط دشمن و نیز بکارگیری

نسبتاً مناسب آتش توپخانه و تلفات قابل ملاحظه ای که به دشمن وارد شد، درگیریها بمرور کاهش یافته، نیروهای خودی در مواضع مناسب اقدام به پدافند کردند.

نتایج عملیات، بنقل از اطلاعیه شماره ۱۱ قرارگاه مشترک خاتم الانبیاء:

کشته و مجروح ۸۵۰ نفر

اسیر ۳۵۰ نفر

انهدام تانک ۹۸ دستگاه

انهدام هلی کوپتر ۵ فروند

انهدام سه واحد ۵۵۰ نفری جیش الشعبی

انهدام سه گردان کماندوئی

انهدام ۱۳ تیپ پیاده مکانیزه

انهدام ۴ گردان مکانیزه

ص: ۵۲

### اشاره

پس از انجام عملیات والفجر مقدماتی و ۱، همان مسایلی که لزوماً بایستی پس از نبرد رمضان مورد نظر قرار می‌گرفت و به آن عمل می‌شد، مجدداً به شکلی عمیق‌تر مطرح شد. این بار ضرورت گسترش سازمان رزم و اتخاذ تاکتیک‌های ویژه، شکل و اهمیتی تازه بخود گرفته بود و چنین می‌نمود که بدون تعهد عملی به آن، امکان ادامه جنگ، بدور از موانع و معضلات عدیده نخواهد بود.

سپاه پاسداران با درک ضرورت‌های یاد شده و وضعیت موجود، بدنبال راه کار مناسبی بود که در طی آن تصور هر گونه بن بست در جنگ را درهم شکسته، فضای مناسبی را به منظور ادامه نبرد، فراهم آورد. لذا با استفاده از ویژگی ضعف دشمن و نیز در نظر گرفتن اصل غافلگیری، عملیات در منطقه هورالهویزه طراحی شد؛ اما کسب آمادگی لازم و انعطاف مناسب با موقعیت عملیات در هور، نیازمند زمان بود؛ از این رو هر آنچه ضرورت اتخاذ استراتژی عملیات محدود را پس از عملیات رمضان موجب شده بود، مجدداً مطرح شد و بر این اساس پس از بحث و بررسی فراوان، سه عملیات: والفجر ۲، در منطقه عملیاتی حاجی عمران، والفجر ۳، در مهران و والفجر ۴، در پنجوین عراق، طراحی شد و مقرر گردید که

عملیاتهای یاد شده از ویژگیهای زیر برخوردار باشند:

۱ - با توجه به موقعیت زمانی و مسائل پس از والفجر مقدماتی و ۱ با سرعت عمل شود.

۲ - از نیروی کمتری استفاده شود.

۳ - از تلفات و ضایعات خودی کاسته گردد، به نحوی که به سازمان سپاه آسیب عمده وارد نشود.

۴ - حتما امکان پیروزی عملیاتها تضمین شده باشد.

بر این اساس، مقرر شد طی زمانی کوتاه با ویژگیهای چهارگانه فوق بصورتی پی در پی انجام پذیرد تا در این فاصله مقدمات عملیات اصلی (خیبر) فراهم شده و بسیج و جذب نیروهای مردمی به اندازه کافی صورت بگیرد.

## عملیات والفجر ۲

عملیات والفجر ۲ در منطقه غرب پیرانشهر، در حد فاصل بین ارتفاعات قمطره و تمرچین، با اهداف زیر تدارک دیده شد:

۱ - انهدام نیروی دشمن و گرفتن اسیر

۲ - تجزیه نیروی دشمن

۳ - تصرف ارتفاعات سرکوب منطقه

۴ - تصرف پادگان حاج عمران و تسلط بر شهر چومان مصطفی

موقعیت طبیعی منطقه و اهمیت آن

پادگان حاج عمران در موقعیتی سوق الجیشی واقع شده است؛ بدین ترتیب که از شمال به ارتفاعات چنارستان و کلاشین، از جنوب به ارتفاعات بسیار مرتفع سکران و کدو و از شرق به ارتفاعات تمرچین و

شهر مرزی پیرانشهر، و از غرب به تنگه در بند و شهر چومان مصطفی عراق، محدود می شود.

ارتفاعات مهم این منطقه، عبارتند از: ۲۵۱۹ «گرده مند»، ۲۹۹۹ «کدو»، ۲۵۰۶، ۲۵۰۰ «در بند»، و ۳۰۰۰ «برزین» و ارتفاع ۲۴۳۵ «گرده گو» همچنین قابل ذکر است که ارتفاعات یاد شده مشرف بر ارتفاعات پیرانشهر و جاده پیرانشهر - نقده، پادگان پیرانشهر و نیز جاده پیرانشهر - سردشت و بالعکس بر چومان مصطفی، دیانا و رواندوز از شهرهای عراق، می باشد.

آنچه بر اهمیت منطقه و ضرورت تصرف آن می افزود، اساساً تبعات بعدی آن بود که قسمتی از آن چنین است:

۱ - تسلط بر تردد ضد انقلاب و کنترل آن.

۲ - ایجاد تسهیلات و پشتیبانی لازم از افراد مسلمانان و مبارز عراقی

۳ - فراهم سازی امکان گسترش عملیات نامنظم در خاک عراق

۴ - حفظ پیرانشهر از هر گونه تهاجم و تجاوز نیروهای عراقی

۵ - زمینه سازی نزدیکی بیشتر به شهر و تأسیسات نفتی کرکوک

موقعیت دشمن در منطقه

دشمن در سراسر منطقه، سه رده خط پدافندی داشت که هر رده ی آن پوشیده از موانع و استحکامات بود. همچنین در اطراف پایگاهها سیم خاردار و میادین مین نصب و تعبیه شده بود و بر روی ارتفاعات، نورافکن قرار داشت.

استعداد دشمن در حدود ۲ تیپ پیاده و یک گردان زرهی، به عنوان نیروی درگیر، و یک تیپ پیاده، در احتیاط منطقه بود. علاوه بر

ص: ۵۵



این دشمن در منطقه ۲ آتشبار ۱۰۰ م.م، یک توپ ۱۷۵ م.م و یک آتشبار ۱۲۲ م.م و نیز یک آتشبار ۱۳۰ م.م در چومان مصطفی داشت.

دشمن در مجموع بیش از ۳۰ پایگاه در منطقه داشت که ۲۰ پایگاه آن اصلی و قوی بود که از کل آن ۱۵ پایگاه بطور کامل از سوی نیروی خودی شناسائی شد، در پایگاههای یاد شده، کمترین نیروی دشمن ۳۰ نفر و بیشترین آنها در حد یک گردان برآورد می شد.

#### مأموریت و طرح مانور

مبنای طرح مانور، عملیات تک دورانی (دور زدن دشمن) بود تا بدین وسیله هر گونه فرصت عکس العمل از دشمن گرفته شود، بدین ترتیب که ۴ گردان سمت راست و ۳ گردان سمت چپ وارد عمل می شدند و پس از دور زدن ارتفاعات، در تنگه دربند الحاق می نمودند و نهایتاً پاکسازی بطور کامل انجام می پذیرفت.

سازمان رزم و نحوه ادغام نیروهای سپاه و ارتش بدین شکل بود که مجموعاً ۱۶ گردان از سپاه و ۶ گردان پیاده و یک گردان مکانیزه از نیروی زمینی ارتش در عملیات شرکت داشتند.

همچنین پشتیبانی عملیات از سوی هوانیروز، با توجه به موقعیت منطقه و صعب العبور بودن ارتفاعات، برحسب مقتضیات و امکانات موجود پیش بینی شد.

نظر به اینکه در طی چند سال جنگ، در این منطقه عملیات منظمی صورت نگرفته بود، لذا منطقه به کار مهندسی و آماده سازی نیاز داشت.

از شهر پیرانشهر تا پادگان حاج عمران، تنها یک جاده وجود داشت که به دلیل عدم رسیدگی و ترمیم آن، خودبخود غیر قابل استفاده

شده بود. بدین ترتیب در طی مدت زمانی که مهندسی بطور فعال وارد عمل شد، ۱۵ جاده بر روی ارتفاعات و در داخل شیارها احداث گردید.

### شرح عملیات

در ساعت ۱ بامداد روز ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۲، عملیات والفجر ۲ با رمز «یاالله» آغاز شد. قسمتی از نیروهای خودی ۲۴ ساعت قبل از آغاز تک، به منظور دور زدن دشمن، از خط عزیمت خود حرکت نمودند و پس از ۲ ساعت راهپیمایی موفق شدند خود را به مناطق تعیین شده رسانده، برای شروع عملیات اعلام آمادگی کنند.

علیرغم اینکه نیروها پس از ۲ ساعت تأخیر در تمامی محورها، با دشمن درگیر شدند، لیکن پیشروی قابل توجهی صورت گرفت. اما از آنجا که دشمن بر ارتفاعات سرکوب منطقه تسلط داشت. آتش شدید توپخانه اش عملاً مانع از تکمیل و دستیابی به تمامی اهداف عملیات شد، بطوریکه همچنان ارتفاعات «کینگ»، «۲۵۱۹»، «بردسر» و «دربند» را در اختیار داشت.

در ادامه عملیات در صبح روز ۳ / ۵ / ۱۳۶۲، روستای رایات به دست نیروهای خودی تصرف شد و ضمن محاصره چند روستای دیگر، گمرک جاده پیرانشهر - حاج عمران آزاد گردید. همچنین پس از آنکه نیروهای خودی بر قسمتی از ارتفاعات ۲۵۱۹ تسلط یافتند، دشمن طی دو نوبت به ارتفاعات یاد شده پاتک نمود که در نوبت اول مجبور به عقب نشینی شد و در نوبت دوم توانست بر قسمتی از آن تسلط یابد. اما پس از آنکه هوانیروز امکان یافت که نیروهای خودی را تدارک کند، مابقی نیروهای دشمن پاکسازی شدند و بدین ترتیب ارتفاعات ۲۵۱۹ بطور کامل به تصرف نیروهای خودی درآمد.

همچنین دشمن در تاریخ ۵ / ۵ / ۱۳۶۲، با ۱۶ فروند هلیکوپتر و با استفاده از هلی برد به یال ارتفاعات کلو حمله کرد که در پی آن ۶ فروند هلی کوپتر خود را از دست داد. یکی از این هلیکوپترها مملو از نیرو بود.

نیروی دشمن که در پاتکها شرکت داشتند، مجموعاً تیپ ۶۶ نیروی مخصوص، تیپ ۵، و تیپ ۹۱ پیاده و نیز تیپ ۱۱۳ و ۴۳۳ پیاده کوهستانی را شامل می شد.

قابل ذکر است که به لحاظ اهمیت منطقه، صدام در شهر دیانا حضور پیدا کرد و از آنجا به تشویق و ارعاب و تهدید نیروهای شکست خورده عراقی پرداخت. همچنین بنا به اظهارات اسراء، فرمانده تیپ ۹۱ پیاده، از اهالی کردستان عراق، به دستور صدام در شهر دیانا اعدام شد.

#### دستاورد و نتایج عملیات

عملیات حاج عمران، با آزادسازی ۲۰۰ کیلومتر مربع از خاک دشمن و تسلط بر قسمتی از ارتفاعات سرکوب منطقه، به پایان رسید. طی این عملیات، مناطق زیر به تصرف نیروهای خودی درآمد: پاسگاه مرزی تمرچین عراق، پادگان حاج عمران، گمرک مرزی، سلسله ارتفاعات «کلو» و قله استراتژیک (۳۰۰۰ متری) آن، ارتفاعات ۲۵۱۹ (گردمند)، «سرسول»، «آزادی»، ۳۷۰۰ «سلمان»، ۲۴۰۰ «شیوه کارت»، «بردزرد»، همچنین آزادسازی روستاهای زینو «ممی خلان»، «رایات»، «شیوش»، «خوارو»، «میوتان» بالا و میوتان پائین، از نتایج این عملیات بود.

تسلط رزمندگان اسلام بر شهر چومان مصطفی و... نیز قسمت دیگری از دستاوردهای این عملیات محسوب می شد.

در میان غنائم، چندین قبضه توپ ۱۲۲ م.م، بیش از ۲۰ دستگاه تانک، دهها دستگاه تفنگ ۱۰۶ با ماشین، انواع مختلف ادوات و نیز مقدار معتابهی سلاح و مهمات، که از انبار پادگان حاج عمران بدست آمده بود، بچشم می خورد.

همچنین یک انبار بزرگ مهمات در روستای ممی خلان وجود داشت که دشمن پس از عقب نشینی، با بمباران، تمامی آنرا منهدم کرد.

مجموع کشته ها و زخمیهای دشمن به بیش از ۴ هزار نفر رسید، ۲۰۰ نفر به اسارت گرفته شدند و نزدیک به ۵۰ پایگاه دشمن نیز منهدم و یا تصرف گردید. همچنین از مقر تیپ ۹۱ که مأمور حفظ پادگان و منطقه بود مدارک و اسناد بیشماری بدست آمد که حاکی از روابط عمیق گروهکهای کومله و دمکرات با حکومت عراق بود.

### عملیات والفجر ۳

قرارگاه عملیاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای انجام عملیات، منطقه عمومی مهران را با اهداف زیر، انتخاب نمود:

۱ - آزادسازی شهر مهران از زیر دید و تیر دشمن

۲ - ایجاد سهولت در برقراری ارتباط شهرهای دهلران - مهران و نیز ایلام - مهران

۳ - تحمیل خطوط پدافند به دشمن و کشاندن وی از ارتفاعات به دشت

۴ - انهدام دشمن

۵ - باز پس گیری ارتفاعات و عوارض حساس زالوآب (که

دشمن پس از عقب نشینی از مهران، که بدنبال عقب نشینی سراسری انجام گرفت، ارتفاعات سرکوب منطقه را در اختیار داشت تا بدین وسیله امکان دستیابی به مهران را برای خود محفوظ بدارد و نیز با استقرار بر روی ارتفاعات، گذشته از محافظت از شهر بدره ی عراق، با نیرویی کمتر منطقه را پدافند نماید. حال آنکه عقب راندن دشمن از روی ارتفاعات، پدافند در دشت را به عراق تحمیل می کرد و این امر طبعاً به نیروی بسیار نیاز داشت.

#### موقعیت منطقه

در منطقه دشت مهران، دو رشته ارتفاعات وجود دارد: در شمال، ارتفاعات زالوآب و کانی سخت و نمه کلان بو است که قسمت عمده آن در خاک ایران قرار دارد و در جنوب، ارتفاعات «قلاویزان» واقع است که مرز ایران - عراق را مشخص می سازد. بین دو ارتفاع یاد شده، دشت مهران و «دشت ورمهراز» و «زرباطیه» عراق واقع است؛ در قسمتی از ارتفاعات زالوآب و کانی سخت، مرز مشترک ایران و عراق قرار دارد که در سمت غربی آن، ارتفاعات نمه کلان بو، با قللی بیش از ۲۰۰ و کمتر از ۴۰۰ متر ارتفاع، واقع است. همچنین ارتفاعات زالوآب، که دارای تپه هائی به ارتفاع ۳۴۳، ۳۲۵، ۳۴۰ و ۳۱۰ می باشد، در سمت شرق «نمه کلان بو» قرار دارد که مهمترین ارتفاع آن معروف به کله قندی دارای ۳۶۳ متر ارتفاع است.

همچنین در امتداد جاده، مهران - ایلام در شمال شرقی مهران، تنگه «کنجانچم» قرار دارد که به منزله گلوگاه ورود به دشت مهران، از طرف ایلام، به نظر می رسد و ارتفاعات کله قندی تسلط کامل بر این تنگه

## طرح مانور

با توجه به مختصات جغرافیائی منطقه و اهمیت استراتژیک آن، عملیات به ترتیب در سه محور زالوآب و نمه کلان بو، دشت مهران، و قلاویزان، به منظور تأمین اهداف از پیش تعیین شده، طراحی شد. در این عملیات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، با استعداد یک تیپ زرهی (که در خط داشت) و یک گردان نیروی پیاده و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به استعداد ۳ لشکر، ۲ تیپ، یک تیپ منهای پیاده و یک تیپ زرهی، به صورت ادغامی وارد عمل شدند.

## شرح عملیات

عملیات در تاریخ ۷ / ۵ / ۱۳۶۲ ساعت ۱۱ شب، با رمز «یا فاطمه الزهرا» (س)، آغاز شد. محور شمالی عملیات، قبلا جاده ۴۹۰، با غافلگیری، تا پشت نمه کلان بو کشیده شده بود و تعدادی قاطر، جهت ترابری یکروزه، تا تکمیل جاده، منظور شده بود.

با شروع عملیات در این محور، شب اول ارتفاعات نمه کلان بو تصرف و تأمین گردید و برای شب دوم، جاده ۴۹۰ (که در رابطه با عقبه نیروهای خودی نقشی تعیین کننده و سرنوشت ساز داشت) با ماشین آلات مهندسی، کامل شد و مورد بهره برداری قرار گرفت.

در محور میانی (دشت مهران) از پاسگاه دوراجی تا فرخ آباد، با پشت سرگذاوردن جاده مهران - ایلام، هدفها تأمین گردید و سپس جهت پدافند خاکریز احداث شد. ضمنا ۶۰ تن از نیروهای عراقی نیز به اسارت درآمدند.

در محور جنوبی علیرغم موفقیت‌های چشمگیر اولیه، از آنجا که فرصت لازم برای احداث خاکریز از یال قلاویزان به سمت فیروزآباد (در دشت مهران) و از آنجا به فرخ آباد، بدست نیامد، لذا اهداف این محور بطور صددرصد تأمین نگردید.

در محور شمالی، با توجه به اهمیت ارتفاعات زالوآب و کله قندی (که دومی مسلط بر تنگه میان تنگ است)، علیرغم اینکه کله قندی در محاصره نیروهای خودی قرار داشت، دشمن تلاش فراوان می کرد که به هر نحو که ممکن است کله قندی را از محاصره خارج کرده و بر روی آن استقرار یابد.

بدین منظور دشمن نزدیک یک هفته به وسیله هلی کوپتر به نیروهای تحت محاصره خود با اسلینگ آذوقه و کمک می رساند.

از سوی دیگر سعی وافر داشت که خط خودی را در دوراجی شکسته، با جناح چپ الحاق کند تا بدین وسیله صرفنظر از شکسته شدن محاصره کله قندی، با محاصره ی نمه کلان بو تمامی موقعیت جناح شمالی عملیات را متزلزل نماید و پس از آن محور میانی را از دشت مهران پس بزند.

بر این اساس و با توجه به روند حرکت‌های دشمن، در محور «دوراجی» و «نمه کلان بو»، مقاومت چشمگیری بعمل آمد که بعنوان نمونه به یک مورد آن اشاره می شود:

در میان نیروهای اعزامی یک گردان بسیجی بمنظور دفاع، در منطقه مستقر شده بود که پس از تأمین اهداف عملیات در «دوراجی» به خط منتقل گردید. اتفاقاً فشارهای دشمن مصادف با حضور این نیروها شد.

چنین به نظر می رسید که نیروهای یاد شده تاب مقاومت در مقابل

فشارهای سرسام آور دشمن را نداشته باشند؛ لیکن برخلاف تصور، گردان مزبور به خوبی از عهده مهار حرکت‌های دشمن - که خود را به هر طرف می‌کوبید - برآمد و با این حماسه، نه تنها از موفقیت‌های محور شمالی عملیات حراست نمود، بلکه مانع از رخنه دشمن در جبهه میانی نیز شد.

پس از دفع پاتک دشمن از محور دوراجی، نیروهای گردان یاد شده از فرط خستگی در زیر آفتاب سر را بر روی خاک گذارده، به استراحت پرداختند.

از سوی دیگر، دشمن یک گردان از نیروهای پیاده خود را به یکی از شیارهای پشت ارتفاعات منتقل کرده بود تا شب را در آنجا استراحت کنند و صبح با آغاز روشنایی هوا پاتک خود را با رعایت غافلگیری انجام دهند. در این میان، نیروهای شناسائی بطور غیر منتظره با حضور نیروهای عراقی در داخل شیار مواجه می‌شوند که بلافاصله موضوع به اطلاع یکی از یگانهای سپاه می‌رسد و شیارها زیر آتش شدید خمپاره قرار می‌گیرد که در نتیجه، از نیروهای دشمن جز تعدادی انگشت شمار، جان سالم بدر نبرده، تماما در داخل شیار به هلاکت می‌رسند.

نظر به اینکه مقاومت نیروهای دشمن در کله قندی نقشی مؤثر در امیدواری دشمن جهت انجام پاتک داشت، لذا پس از گذشت ۱۱ شب از محاصره نیروهای دشمن، شهید حاج همت، فرمانده لشکر محمد رسول الله (ص)، بمنظور درهم کوبیدن مقاومت دشمن با نیروهای تحت فرماندهی خود اعزام گردید و در همان شب بلافاصله وارد عمل شد و بدین شکل، زائده‌ی حاصله از حضور دشمن، پاکسازی گردید.

لازم به تذکر است که فرمانده دشمن در کله قندی، سرهنگ جاسم یعقوب بود که در هنگام اسارت جراحات متعددی برداشته بود و در



حین انتقال به خطوط پشت جبهه به هلاکت رسید.

### نتایج عملیات والفجر ۳

۱ - آزادسازی جاده ایلام - مهران - دهلران

۲ - آزادسازی ارتفاعات زالوآب و نمه کلان بو

۳ - آزادسازی دشت مهران

۴ - برقراری ارتباط جبهه های میانی و جنوبی از طریق دو جاده ایلام - مهران - دهلران

همچنین خسارات وارده به دشمن و نیز غنائم بدست آمده به شرح زیر بود:

۱ فروند هواپیما، ۳ فروند هلی کوپتر، ۱۰ انبار مهمات، ۳ دستگاه لودر و بلدوزر، ۱۶ قبضه خمپاره انداز، ۶۰ قبضه تیربار، ۳۳ دستگاه خودرو. همچنین بیش از ۷۰ دستگاه تانک و نفربر از دشمن منهدم گردید.

در میان غنائم، ۱۵ دستگاه خودرو، ۵ دستگاه لودر و بلدوزر، ۱۶ قبضه خمپاره انداز، ۳ دستگاه تانک، بیش از ۱۸۰۰ قبضه تیربار، بیش از ۵۱ قبضه خمپاره ۸۰ و ۱۲۰ و مقادیر قابل توجهی سلاح و تجهیزات انفرادی، بچشم می خورد.

ضمناً هنگام کمک رسانی دشمن به ارتفاعات زالوآب - که با هلیکوپتر صورت گرفت - مقدار زیادی غنائم بدست آمد.

همچنین ۵۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شده، ۵۰۹ نفر به اسارت درآمدند.

هدف از عملیات والفجر ۴، اتصال ارتفاعات سورن به سورکوه بود که نتایج زیر را در پی داشت:

۱ - تصرف پیشرفتگی دشت شیلر تا بدین وسیله، گذشته از کوتاه شدن خط پدافندی، در نیروهای پدافندی نیز صرفه جوئی بعمل آید.

۲ - مسدود ساختن راه تردد ضد انقلاب که عمدتاً از دشت شیلر انجام می شد.

۳ - تصرف شهر پنجوین عراق

۴ - تصرف پادگان پنجوین و گرمک عراق

۵ - تسلط بر ۱۳ شهر و روستای عراق

۶ - انهدام نیروهای دشمن

۷ - خارج کردن شهر مریوان از زیر دید و تیر دشمن

۸ - فراهم سازی مقدمات عملیات در استان سلیمانیه عراق

موقعیت منطقه عملیاتی

دشت شیلر با فرورفتگی خاص خود، واقع در مرز دو کشور ایران و عراق و در حد فاصل دو شهر مریوان و بانه قرار دارد. این منطقه از جمله مناطقی است که طی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، به دلیل وجود ارتفاعات جانبی آن، به شکل مزبور (فرورفتگی در داخل خاک ایران) تعیین شد.

از جمله مهمترین ارتفاعات این منطقه، سورن، سورکوه و کانی مانگا است که دهانه دشت شیلر را تشکیل می دهد. همچنین در دشت شیلر، شهر پنجوین قرار دارد که ارتفاعات مشرف بر آن، پنجوین یا

زله نامیده می شود.

ضمناً شهر پنجوین عراق، شهری نظامی است که مدتها قبل از عملیات والفجر ۴ از سکنه بومی تخلیه شده بود. دشمن نیز با اطلاع از عملیات والفجر ۴، خصوصاً هنگام دستیابی بر ارتفاعات مشرف بر شهر، بخشی عمده از شهر را منهدم نمود و بویژه تابلوها و نشانه هائی را که حاکی از موجودیت شهر بود، از میان برد.

طرح مانور

نظر به موقعیت منطقه و ارتفاعات یاد شده، که تسلط بر هر کدام قسمتی از اهداف عملیات را تأمین می نمود، عملیات از دو محور عمده (یکی بانه و دیگری مریوان) طراحی گردید.

مرحله اول: در محور بانه تأمین ارتفاعات لری، گرمک و کنگرک و در محور مریوان، ارتفاعات پنجوین (زله)، مارو و خلوزه، هدف بود.

مرحله دوم: تصرف ادامه ارتفاعات سورن و کانی مانگا بود که عملیات را تکمیل نموده، ارتفاعات سورن به سورکوه را به هم متصل می کرد.

سازمان رزم عبارت بود از: ۸ لشکر و ۲ تیپ از سپاه پاسداران و ۱ لشکر پیاده از ارتش.

شرح عملیات

عملیات در تاریخ ۲۷ / ۷ / ۱۳۶۲ ساعت ۲۴ با رمز یا الله از دو محور یاد شده آغاز شد، و بلافاصله با سرعت عملی قابل ملاحظه ارتفاعات لری، گرمک، کنگرک در محور بانه و مارو، خلوزه ی یک، بلاله، سربلاله، سه

ص: ۶۶

درختی، تخم مرغی، پادگان گرمک، شهرک هرگنه و تپه شهداء در محور مریوان آزاد گردید.

طی این مرحله، سپاه با ۲۲ گردان و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی با ۳ گردان وارد عمل شدند و نزدیک به ۷۰ کیلومتر مربع از زمینهای منطقه آزاد شد.

مرحله دوم

پس از گذشت ۲ روز از مرحله اول، مرحله دوم عملیات در تاریخ ۲۰ / ۷ / ۱۳۶۲ ساعت ۱۱ شب آغاز شد و به دنبال آن، ارتفاعات خلوزه ۷، ۲ توانا، کلو، ارتفاعات اطراف پنجوین، یال شرقی زله و ارتفاعات ۱۶۷۲ شرق سنگ معدن در محور مریوان و شاخ نالشکینه در محور بانه در تصرف نیروهای خودی قرار گرفت و متعاقب آن، تسلط کامل بر شهر پنجوین بدست آمد.

ضمناً طی این مرحله، سپاه پاسداران ۷ گردان و نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی یک گردان به کار گرفتند. همچنین ۱۰۰ کیلومتر مربع از زمین منطقه آزاد شد.

مرحله سوم: حرکت در عمق

در این مرحله که بامداد روز ۲ / ۸ / ۱۳۶۲ آغاز شد، ارتفاعات استراتژیک شیخ گزنشین شیخ تارجراز کانی مانگا (تقریباً ۲ سوم ارتفاعات کانی مانگا) تصرف شد و پیشرویهای در غرب کانی مانگا و محور چوارتا صورت گرفت.

در تاریخ ۱۲ / ۸ / ۱۳۶۲ طی مرحله سوم عملیات که تنها سپاه با ۲۵ گردان وارد عمل شد مجموعاً ۲۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای منطقه آزاد

ص: ۶۷

گردید. البته تحرکات دیگری نیز صورت گرفت که مراحل یاد شده در مجموع، نتایج زیر را بدنبال داشت:

۱۱ تیپ دشمن بین ۳۰ تا ۱۰۰٪ انهدام و تلفات داشتند و در مجموع، نزدیک به ۱۸ هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند. و نیز ۱۰۰۰ نفر به اسارت در آمدند. همچنین ۲۷ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰ دستگاه خودرو سبک و سنگین، ۵ دستگاه جیپ ۳، ۱۰۶ قبضه سلاح ضد هوایی سام هفت، ۱۲ قبضه توپ، ۹ خودرو حامل مهمات و همچنین مقدار معتابهی سلاحهای سبک، وسایل مخابراتی، خمپاره انداز، مهمات سبک و سنگین و... منهدم گردید.

غنائم بدست آمده در این عملیات عبارت بود از: ۵ دستگاه تانک نفربر، ۶ دستگاه لودر و بلدوزر، ۲۰۰ دستگاه خودرو سبک و سنگین، ۲۰ دستگاه جیپ ۱۰۶، ۲۰ قبضه سلاح ضد هوایی سام ۷، همچنین مقدار زیادی وسائل مخابراتی، مهمات سبک و سنگین، سلاحهای سبک در میان غنائم بچشم می خورد.

ص: ۶۸

عراق در سال سوم و چهارم جنگ، براساس تجارب بدست آمده از میادین نبرد، تاکتیکهای جدیدی اتخاذ کرده، به تناسب آن فرم و شکلی مناسب به خود داد. مواجهه با دشمن در ابعاد جدید طبعاً نیازمند بکارگیری تاکتیکها و تدابیر جدید بود تا از هر گونه رکود در امر جنگ ممانعت بعمل آید.

بر همین اساس، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اثنای عملیات والفجر مقدماتی، با تشکیل یک قرارگاه، منطقه هور را انتخاب کرده، تلاشهای مقدماتی خود را آغاز نمود تا از این طریق، فضایی مناسب برای ادامه نبرد فراهم آید. نظر به ضعفهای عدیده دشمن در مواجهه با عملیات آبی - خاکی و بمنظور برهم زدن معادله نظامی جنگ به نفع جمهوری اسلامی و نیز بدست گرفتن ابتکار عمل، منطقه ی هور با سه ویژگی برجسته انتخاب گردید:

۱ - ضعف و ناتوانی دشمن در عملیات آبی - خاکی و عدم

۲ - سرعت عمل

۳ - غافلگیری

در واقع منطقه هور با توجه به تجارب بدست آمده از رمضان تا والفجر ۴ و با در نظر گرفتن توان خودی و دشمن و نیز نقش زمین و تأثیر گذاری آن، انتخاب شد.

نظر به راکد بودن نسبی آب هور و وسعت بیش از اندازه آن، که طبعا منجر به طولانی شدن عقبه های خودی می شد و نیز فقدان زمین مناسب جهت استفاده از آتش در پشتیبانی تک و از سوی دیگر، استنباط خاص دشمن از قدرتمندی و قابلیت های نیروهای خودی (پس از عملیات رمضان تا قبل از خبیر)، تماما از جمله شرایط و عواملی بود که موجب می شد دشمن تصور عملیات گسترده را از هور نداشته باشد و همین امر باعث گردید که عراق جزایر مجنون شمالی و جنوبی و شرقی دجله را تنها با استعداد کمتر از چند گردان پدافند نماید.

موقعیت طبیعی منطقه

هور منطقه ای است عموما همسطح دریا که در بعضی جاها سطح آب آن دو تا سه متر بالاتر از آب دریا است و نسبت به مناطق همجوار گودتر می باشد و در مسیر رودخانه های قدیمی و دائمی بوجود می آید، همچنین آب رودخانه صوئیب - که ادامه نهر سابله (نهر انشعابی کرخه) بوده و از وسط هور می گذشته - بعدها به علت مسدود شدن مجاری خروجی رودخانه، در سطح زمینهای اطراف پخش گشته و به آب هورالهیوزه اضافه شده است.

روئیدنیهای که هور را زیر پوشش خود گرفته اند، عبارتند از:

۱ - «نی» - که ارتفاع آن از ۲ متر تا ۷ متر است و عمدتاً در جاهای عمیق می‌روید.

۲ - «بردی» - که معمولاً ارتفاع آن بین ۱ تا ۲ متر است.

۳ - «چولان» - که در جاهای کم عمق می‌روید و ارتفاع آن کمتر از ۵۰ سانتی متر است.

به علت پوشش فشرده سطح هور از نی، بردی و چولان، تردد در آن تنها از معابری خاص (آبراهها، نهرها و یا محل عبور حیوانات وحشی) صورت می‌گیرد.

#### موقعیت جغرافیایی منطقه

منطقه عملیاتی خیبر که در شرق رودخانه دجله و داخل هورالهویزه واقع شده است، از شمال به العزیر و از جنوب به القرنه طلائیة (و نیز یک محور در زید) محدود می‌گردد. این منطقه دارای دو نوع طبیعت متفاوت است: هور و خشکی. قسمت خشکی، که حداقل عرض آن ۸ کیلومتر و حداکثر ۱۰ کیلومتر است، توسط ۲ هور بزرگ، یکی هورالهویزه در شرق و دیگری هورالحمار در غرب آن، احاطه شده است. همچنین منطقه مذکور توسط رودخانه دجله به دو قسمت شرقی - غربی تقسیم می‌شود که ۳ چهارم آن در شرق رودخانه واقع است. ضمناً جاده مواصلاتی عماره - بصره در غرب رودخانه دجله قرار دارد.

در داخل منطقه مزبور جزایر مجنون شمالی و جنوبی واقع است. علاوه بر این، تأسیسات دیگری وجود دارد که عبارتند از: دکل‌های برق، دکل‌های تقویتی رادیو تلویزیون، تأسیسات و کارخانجات کاغذسازی، چاه‌های نفت و... همچنین در حاشیه دجله حدود ۵۰ روستا وجود دارد که هنگام عملیات خیبر، تماماً پر از سکنه غیر نظامی بود.



گذشته از آنچه در مقدمه ذکر شد، علت انتخاب هور عمدتاً بهره برداری و لحاظ نمودن عوامل زیر بود:

- ۱ - پرهیز از تک جبهه ای، (۱) عملیات در سایر مناطق به لحاظ شکل پدافند دشمن، عمدتاً تک جبهه ای محسوب می شد.
- ۲ - حمله به جناح دشمن. شکل حضور دشمن در منطقه شرق بصره به گونه ای بود که با الحاق نیروهای خودی در طلائییه و سپس دست اندازی به عقبه دشمن در نشوه جناحی عمده از دشمن گرفته می شد که متعاقب آن تزلزل خطوط دشمن، خصوصاً در منطقه زید، محتمل می نمود.

۳ - عدم تصور دشمن نسبت به انجام عملیات از هور (که قبلاً ذکر شد)

۴ - بکر بودن منطقه

۵ - مشکل و یا غیر ممکن بودن مانور زرهی برای دشمن

۶ - ....

هدف از عملیات خیر، انهدام نیروهای سپاه سوم و تأمین جزایر مجنون شمالی و جنوبی و ادامه تک از جزایر و محور طلائییه به سمت نشوه و الحاق با نیروهائی که از محور زید به دشمن حمله می کردند، بود. در این عملیات، همچنین در نظر بود که خشکی شرق دجله از طریق هور تصرف شود و بدین وسیله امکان تقویت‌های عمده، از شمال به سپاه سوم، از میان برود.

ص: ۷۲

---

۱-۱۲. حمله رویارو و مستقیم به دشمن را تک جبهه ای می گویند.

فراهم سازی مقدمات عملیات در هور، چنانچه اشاره رفت، توسط سپاه با یک قرارگاه و پس از والفجر آغاز شد و با گذشت زمان، روند تکمیلی خود را - با تدوین طرح مانور و تعیین مأموریتها - پشت سر نهاد.

ضمناً لازم به تذکر است که همزمان با انجام عملیات خیبر، مناطق متعددی به منظور انجام عملیات فریب، در نظر گرفته شد، از جمله:

ارتفاعات شرقی سد در بندیخان (تحریرالقدس) که تیپ انصارالحسین وارد عمل شد، چنگوله (والفجر ۵) چیلات (والفجر ۶) و جزابه.

#### سازمان رزم

در عملیات خیبر، نحوه ی هماهنگی سپاه و نیروی زمینی (ارتش) شکل دیگری به خود گرفت... بدین ترتیب که نیروی زمینی با یگانهای تحت امر خود، با استعداد ۲ لشکر پیاده، ۲ لشکر زرهی و یک تیپ هوابرد، در محور «زید» وارد عمل شد و سپاه پاسداران با ۲ لشکر پیاده یک تیپ زرهی در این محور، برادران ارتش را کمک می کردند و سپاه پاسداران با استعداد ۹ لشکر، ۶ تیپ پیاده، به اضافه ۳ تیپ زرهی در منطقه اصلی عملیات خیبر (هور و طلائیة) حضور یافت. ارتش نیز با یک لشکر زرهی برادران سپاهی را کمک می کرد.

همچنین در محورهای عملیات فریب، سپاه پاسداران با ۵ تیپ و یک لشکر اقدام به تک نمود.

طولانی بودن عقبه ی خودی بر روی آب و فقدان عقبه خشکی و از طرفی نیاز به سرعت عمل، تماما ضرورت انتقال نیرو در محورهای مهم را تعیین می نمود.

لذا هوانیروز در تدبیر عملیاتی در نظر گرفته شد و نقشی عمده را در پشتیبانی یگانها بر عهده داشت. همچنین مقرر گردید نیروی هوایی آرایشی مناسب را از سلاحهای ضد هوایی برقرار نماید و در حین عملیات نیز بصورت پشتیبانی مستقیم (بمباران تجمعات و انهدام اهداف) وارد عمل شود.

### شرح عملیات

مسئله قابل توجه از آغاز تک، حضور گسترده و وسیع نیروهای مانور قدس بود که پس از انجام مانور در مراکز مختلف تهران و استانها، بطرزی چشمگیر وارد میدانهای نبرد شده، بصورت قوای احتیاطی تحت امر یگانهای مختلف عملیاتی سپاه پاسداران قرار گرفتند.

علاوه بر این جو کلی جنگ در کشور، با توجه به مانور قدس و نیز تهدید و اقدامات جنون آمیز دشمن و بدنبال آن حمله موشکی به دزفول و بمباران شهرهای باخران، ایلام، رامهرمز و... شکل خاصی به خود گرفته بود.

در چنین وضعیتی بمرور نیروها پس از انتقال به مناطق از پیش تعیین شده پای کار رفتند تا عملیات را آغاز کنند.

نظر به اینکه اهداف برخی از یگانها در عمق منطقه عملیاتی بود،

لذا روز دوم نیروهای پیشرو به منظور انهدام کمینهای دشمن وارد هور شدند و در ساعت ۳۰ / ۲۰ دقیقه مورخ ۱۳۶۲ / ۱۲ / ۳ عملیات با رمز یا رسول الله (ص) آغاز شد.

در مرحله اول، عملیات بطور همزمان از تمامی محورها آغاز شد و پیشروی به جلو با سرعت عمل و غافلگیری توأم بود، چنانکه در روز چهارم عملیات، بخشی از نیروها در شهر القرنه حضور یافتند و مردم با مشاهده ی آنان به استقبال آمده، سر راه آنها گوسفند قربانی کردند و در محور شمالی عملیات (العزیر) رزمندگان توانستند، خود را به رودخانه رسانده و تردد ماشینها را بر روی جاده بصره - بغداد قطع کنند. طی این مرحله جزایر مجنون شمالی و جنوبی از پشت دور زده شد و بسهولت به تصرف درآمد. گذشته از این، بکارگیری هلی کوپتر در همان شب اول عملیات و در تاریکی شب مسئله ای حائز اهمیت بود؛ چنانکه در ساعت ۲ بعد از نیمه شب، فرماندهی هوانیروز به همراه تنی چند از فرماندهان سپاه، اولین پرواز را شخصا بعنوان پیشرو انجام داد و در جزیره مجنون شمالی فرود آمد ولی بدلیل مسائلی سایر پروازها با مشکلات مواجه شد و در موقع پیش بینی انجام نشد.

در مجموع، طی مرحله اول، نیروها با یک تهاجم سراسری در مناطق همچون تنگه و شهر القرنه، روی جاده استراتژیک بصره العماره و نیز جزایر مجنون شمالی و جنوبی، استقرار یافتند.

هراس دشمن در این مرحله از عملیات به گونه ای بود که با آشفتگی، در شهر العماره وضعیت فوق العاده اعلام نمود و پس از جمع آوری نیرو آنها را بلافاصله بوسیله هلی کوپتر به منطقه عملیاتی اعزام داشت.

در مرحله دوم عملیات، دو تلاش اصلی در محور جزایر و طلائیه

به منظور الحاق و سپس پیشروی به سمت نشوه در نظر گرفته شد، لیکن بنا به عللی پیشروی صورت نگرفت.

در این روند، دشمن بمرور خود را بازیافته، پس از کشف اهداف عملیات و محورهای اصلی تکرار، تلاش اصلی خود را ابتدائاً روی پاکسازی حوالی جاده بصره - العماره گذارد و سپس بر روی طلائیه متمرکز شد.

تمرکز آتش دشمن در طلائیه، که زمینی بسیار محدود را شامل می شد، فوق العاده بود. چنانکه شهید حجه‌الاسلام میثمی که در آنجا حاضر بود می گفت: «هر کس در طلائیه ایستاد اگر در کربلا هم بود، می ایستاد».

آنچه ضرورت مقاومت در طلائیه را موجب می شد، اهمیت آن برای کل عملیات بود - چنانکه در صورت الحاق و پاکسازی، عقبه خشکی برای نیروهای خودی وصل می شد و عملیات در ابعاد جدیدی گسترش می یافت. - بدین منظور پس از آنکه محور زید با عدم موفقیت مواجه شد فرمانده لشکر امام حسین (ع) فرا خوانده شد تا مأموریت طلائیه به وی واگذار شود.

در این میان پس از آنکه مأموریت یگان مزبور از سوی فرماندهی جنگ تعیین شد شهید حسین خرازی فرمانده لشکر امام حسین (ع) تمامی کادرهای یگان تحت امر خود را فراخوانده، در تاریکی مطلق و فضائی مملو از معنویت حاضرین اظهار داشت:

«امشب شب عاشورا است؛ نماینده امام دستور داده در طلائیه عمل کنیم؛ ما با تمام توان لشکر به دشمن خواهیم زد؛ هر کس می تواند، بماند و هر کس نمی تواند، آزاد است که برود».

پس از آن، لشکر شب هنگام آماده تهاجم به دشمن شده در آن

شب جنگی سخت در گرفت که تا صبح به طول انجامید.

با روشن شدن هوا و ادامه عملیات، شهید حسین خرازی که در خط مقدم درگیری حضور داشت، بر اثر اصابت ترکش دست راست خود را از دست داد و از میدان نبرد خارج شد. فشار دشمن همچنان ادامه داشت و با آنکه محور جاده طلائی تا ۶ کیلومتر بدست نیروها باز شد و یک تیپ از دشمن متلاشی شد ولی فضای کوچک منطقه مانور و آتش انبوه و بسیار زیاد دشمن عملاً امکان الحاق و پیشروی را ناممکن ساخته بود. لذا از این ببعد، نظرها عمدتاً به حفظ جزایر مجنون معطوف شد.

مرحله سوم عملیات با توجه به فشارهای دشمن، عمدتاً به منظور حفظ جزایر مجنون شمالی و جنوبی بود. برای دشمن هرگونه جا پا و حضور نیروهای اسلام در هور غیر قابل تحمل بود؛ لذا با اجرای آتش شدید و توان پیاده - زرهی سعی در پس گرفتن جزایر داشت. به همین منظور دشمن در فشار اولیه خود تنها ۷۲ ساعت بطور مداوم بر روی جزایر آتش می ریخت؛ چنانکه در یک برآورد، نزدیک به یک میلیون گلوله توپ و خمپاره مصرف کرده بود.

جنگ در جزایر با توجه به توان خودی و دشمن به دور از توان نظامی بود؛ چرا که نیروهای خودی با عقبه های طولانی و چند روز جنگ، بدون آتش پشتیبانی به مقاومت ادامه می دادند و متقابلاً دشمن با تمرکز صدها قبضه توپ بر روی جزایر و بمباران مداوم آنها با هواپیما و داشتن عقبه خشکی (دو جاده ضلع غربی و شرقی جزیره جنوبی) با واحدهای زرهی خود فشارهای متعدد و توان فرسائی را وارد می ساخت.

از سوی دیگر نیروهای خودی، علیرغم وضعیت یاد شده، زمینه و ذهنیت قابل ملاحظه ای داشتند تا با مقاومت، به هر صورت ممکن، جزایر را حفظ نمایند.

خمیرمایه ی این مقاومت، گذشته ی جنگ و ضرورت کسب پیروزی چشمگیر و نیز پیام حضرت امام مبنی بر حسین وار جنگیدن بود.

بدین منظور سپاه پاسداران با تمامی استعداد خود جهت دفع تهاجمات دشمن و حفظ جزایر در آنجا استقرار یافت. در این روند، شهادت و مجروح شدن تنی چند از فرماندهان سپاه به مقاومت نیروها در جزیره جنوبی مجنون جلوه ای خاص بخشید.

شهید حاج همت، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله(ص)، و شهید اکبر زجاجی، معاون اول لشکر، هنگامی که سوار بر موتور بدنبال رساندن نیرو به خط بودند، بر اثر اصابت توپ در کنار یکدیگر به شهادت رسیدند.

نمونه ی دیگر، شهید حمید باکری - قائم مقام لشکر عاشورا - که جلوه ای از حماسه مقاومت را در صحنه نبرد واقع در جزیره مجنون جنوبی به نمایش گذارد.

تعدادی از نیروهای لشکر ۳۱ عاشورا با فرماندهی وی بر روی پل جنوبی، جزیره جنوبی در مقابل محور اصلی پاتک دشمن به مقابله ایستادند و «حمید» در همانجا با شهادت خود معنا و مفهوم حسین وار جنگیدن را به همگان نمایاند (۱).

در قسمتی از وصیتنامه این شهید آمده است:

«ما به فرموده امام، حسین وار، وارد جنگ شدیم و حسین وار به شهادت می رسیم».

پس از شهادت حمید باکری، جسد وی و سایر همزمانش در

ص: ۷۸

---

۱-۱۳. پس از شهادت حمید باکری، معاون دوم لشکر عاشورا، شهید یاغچیان بدانجا شتافت و هرگز باز نگشت.

همانجا بر زمین ماند. بدنبال این امر، فرماندهی قرارگاه به برادر شهید، مهدی باکری، فرمانده لشکر عاشورا، تکلیف می کند که جسد حمید باکری را به عقب منتقل نماید. اما وی هنگامی که جسد حمید را بر روی زمین و در میان همزمانش مشاهده می کند، نمی تواند خود را متقاعد سازد که در حالیکه سایر شهدا، بر روی زمین به جای مانده اند، تنها جسد برادر خود را به عقب منتقل نماید.

بهرحال، دشمن که در مقابل خود مقاومتی غیر قابل تصور و پیش بینی را مشاهده می کرد، بمرور با تحمل تلفات و ضایعات فراوان دریافت که ادامه تک غیر از به مسلخ بردن نیروهایش، نتیجه ای دیگر ندارد. لذا از تصرف جزایر منصرف شده، مبادرت به تحکیم مواضع نمود.

در عملیات خیبر، عراق برای اولین بار با وسعتی قابل ملاحظه مبادرت به بمباران شیمیایی کرد. این مسئله عمدتاً به علت هراس دشمن از جاگیر شدن نیروهای خودی در منطقه صورت گرفت. رژیم عراق همچنین پس از ناامیدی از باز پس گیری جزایر شمالی و جنوبی مجنون، شدت عمل بیشتری را در بمباران شیمیایی اعمال نمود.

#### نتایج و دستاوردهای عملیات

در این عملیات بیش از ۲۳ یگان دشمن بطور متوسط، از ۲۰٪ تا ۱۰۰٪ منهدم شد.

- ۱۵۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن زخمی و کشته شدند.

- ۱۵۰ دستگاه تانک و نفربر و ۲۰۰ دستگاه خودروی دشمن منهدم گردید. (در این رابطه قابل توجه است که تیپ ۵۶ زرهی دشمن به میزان ۱۰۰٪ منهدم شد.)

- ۱۱۴۰ نفر از نیروهای دشمن اسیر شدند که در میان آنها



۳۵ افسر، ۱۳۰ درجه دار، ۸۷۳ سرباز و جیش الشعبی و نیز ۱۰۲ نفر غیر نظامی از کشورهای مصر، سودان، مراکش، سومالی و عراق، مشاهده می شد.

- مجموعاً ۱۱۸۰ کیلومتر از زمینهای منطقه آزاد شد که به ترتیب ۱۰۰۰ کیلومتر مربع در هور، ۱۴۰ کیلومتر مربع در جزایر و ۴۰ کیلومتر مربع در طلائیه را شامل می شد.

- در میان غنائم دشمن، گذشته از اقلام صنعتی و تجهیزات انفرادی، ۱۰ دستگاه تانک و نیز ۶۰ دستگاه کمپرسی و... بچشم می خورد.

- دستیابی بر چاههای نفت که ذخائر آن میلیونها بشکه برآورد شده است.

### پس از خیبر

پس از عملیات خیبر تغییر و تحولاتی در جنگ روی داد که قسمت اعظم آن فشار اقتصادی و تحریم فروش سلاح به ایران بود (که چنین اقداماتی از تأثیرات عملیات خیبر، بر سیاست های غرب محسوب می شود). طی این مدت، متقابلاً از سوی جمهوری اسلامی تحرکاتی بمنظور مقابله با وضعیت جدید صورت گرفت.

در مقطع یاد شده، تلاش جدید غرب - که بتبع هراس و نگرانی نسبت به ابعاد و ویژگیهای عملیات خیبر صورت می گرفت - بعدی تازه به جنگ بخشید، بدین معنی که پس از عیان شدن ناتوانی نظامی عراق در مقابل حرکتهای غیر قابل پیش بینی و عمدتاً تاکتیکیهای ویژه رزمندگان، استکبار جهانی بمنظور ممانعت از به هم خوردن معادله

نظامی حاکم بر جنگ، اقدام به تقویت عراق با تکنولوژی پیشرفته، خصوصا نیروی هوایی نمود. به عبارت دیگر در این مرحله، سیاست تکنیک در برابر تاکتیک اتخاذ شد.

متعاقبا عراق تلاش فزاینده را بمنظور تحت الشعاع قرار دادن پیروزیهای نظامی ایران، با دست یازیدن به جنگ نفتکشها در خلیج فارس، آغاز کرد تا شاید بدین وسیله با به ضعف کشاندن بنیه اقتصادی جمهوری اسلامی مقدمات تأثیرگذاری آن بر روی جنگ را فراهم آورد. علاوه بر این، تحریم فروش سلاح به ایران توسط غرب، و همزمان با آن، براه اندازی موجهای تبلیغاتی در این زمینه، نیز قابل ذکر است.

طبیعتا پیدایش وضعیت یاد شده، رسانه های تبلیغاتی استکباری را، که مترصد بهره برداری از چنین مواقعی هستند، بر آن داشت تا در تبلیغات خود وقفه ای را که معمولا میان عملیاتها بوجود می آید، به حساب تأثیرگذاری جنگ نفتکشها گذاشته، جنگ را به بن بست رسیده قلمداد کنند.

در چنین وضعیتی هرگونه تحرک نظامی توأم با پیروزی از سوی ایران، نقشی بسزا در نشان دادن ناکامی سیاستهای غرب و تلاشهای عراق، داشت. بدین منظور در میان مناطق متعددی که جهت عملیات مهیا شده بود، منطقه میمک انتخاب شد و عملیاتی با نام عاشورا انجام گرفت.

تاریخچه نظامی منطقه بدنبال انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر منطقه میمک در اختیار عراق قرار گرفت، لیکن حضور عشایر در منطقه مانع از تسلط کامل عراق بر ارتفاعات منطقه میمک شده بود.

با شروع جنگ تحمیلی منطقه میمک نیز مانند سایر مناطق مورد تهاجم عراق واقع شد. بدنبال آن، در ۱۹ دی ۵۹، سپاه و نیروی زمینی ارتش با شرکت فعال عشایر منطقه، که آشنایی زیادی به زمین داشتند، طی عملیاتی مشترک بنام «ذوالفقار»، اولین تلاش را بمنظور باز پس گیری قسمتی از مناطق اشغالی انجام دادند. پس از موفقیت حاصله، دشمن طی ۱۵ روز پاتک و فشار پی در پی، سعی در باز پس گیری مناطق متصرفه داشت، لیکن با مقاومت نیروها و نقش مؤثر و کارآمد هوانیروز (خصوصاً سخت کوشی شهدای بزرگ آن، شهید کشوری و شهید شیروودی) دشمن ناامید و پس زده شد. اکنون با وجودیکه چند سال از وقوع عملیات یاد شده می گذرد، هنوز هم آثار شهادت و شجاعت این دو شهید را می توان در میان شیارهای ارتفاعات منطقه ملاحظه کرد که بصورت بیش از ۵۰ تانک و نفربر دشمن که

بهنگام فرار مورد اصابت راکت هلی کوپتر قرار گرفته اند، بجا مانده و قابل رؤیت است.

موقعیت طبیعی منطقه - سراسر منطقه عملیاتی عاشورا (میمک) پوشیده از شیارها و پستی و بلندیهای پراکنده و گوناگون است - نوع زمین منطقه از خاک رس و در بعضی محلها همراه با شن است. لذا امکان حرکت خودروهای چرخدار در مواقع خشکی تنها ۲۰٪ و در مواقع بارندگی، فقط متکی به جاده است.

در حد فاصل بین تنگه بینا و تنگه بیجار، که عملیات در آن متمرکز گردید، ارتفاعات نسبتا بلندی قرار دارد که مرتفع ترین آنها کوه میمک است.

به همان میزان که ارتفاعات میمک به طرف عراق گسترش می یابد، رفته، رفته از ارتفاع آن کاسته می شود تا تقریبا مسطح می گردد، بگونه ای که ارتفاعات میمک از تسلط و اشراف کامل برخوردار است.

ارتفاع میمک در میان سایر ارتفاعات منطقه (زالوآب، کانی سخت، شور شیرین، شینو و...) برجستگی خاصی دارد.

در سمت راست کوه میمک، ارتفاعات دیگری به نامهای: فصیل - کرگنی - تلخاب - گلم زرد - قلالم و کانی شیخ قرار دارد.

رودخانه های مهم منطقه نیز عبارتند از: گذار خشگ، که بین شینو و میمک واقع است، تلخاب ۱، که از طرف تنگه بینا جاری می شود و تلخاب ۲، که از تنگه بیجار به طرف پائین و از آنجا بین ارتفاعات کرگنی، بانی تلخاب امتداد می یابد.

اهداف عملیات - منطقه عملیاتی میمک بنا به مختصاتی که از آن ذکر شد، با اهداف زیر مورد نظر قرار گرفت.

۱ - انهدام بخشی از قوای دشمن

## ۲- تحمیل پدافند در دشت به دشمن

با توجه به دشت وسیعی که از کوه میمک تا عمق بسیار زیادی در خاک عراق امتداد یافته بود، با انجام موفق این عملیات، دشمن برای تشکیل خط پدافندی الزاما نیازمند بکارگیری نیرویی بیشتر بود و اگر تا بحال نیروئی به استعداد دو گردان را برای تأمین منطقه در نظر گرفته بود، در صورت عقب نشینی به طرف دشت، این مقدار به چند برابر می رسید.

۳- ایجاد تسهیلات در رفت و آمد از جنوب به غرب و بالعکس، و نیز ارتباط و اتصال جبهه های جناحین میمک.

۴- آزادسازی قسمتی از اراضی اشغالی.

۵- تأمین منطقه میمک با تسخیر و تصرف ارتفاعات مهم منطقه، از جمله: کرگنی، فصیل و فرورفتگی میمک، که بمنزله ارتفاعات سرکوب، در اختیار دشمن قرار داشت.

شناسائی و طرح مانور - شناسائی راهها و معابر وصولی دشمن در مدت زمانی کوتاه با استفاده از تاریکی شب و طی مسافتی در حدود ۱۵ کیلومتر رفت و برگشت و عبور از میداین مین، موانع و سیم خاردار و بعضا دور زدن و نفوذ در خطوط و مواضع دشمن، انجام شد و اطلاعات نسبتا مناسبی از دشمن بدست آمد.

در این میان دشمن نسبت به انجام شناسائیهها تا اندازه ای حساس و هوشیار شده بود، لیکن سرعت عمل و کوتاه بودن زمان عملیات، فرصت لازم را، جهت تحکیم مواضع و استحکامات، به دشمن نداد. البته اقداماتی از قبیل در نظر گرفتن زرهی و قوای احتیاط و استقرار دو گردان کماندو، افزایش گشتی رزمی از سوی دشمن صورت گرفت، لیکن مؤثر واقع نشد.

پس از انجام شناسائیهای لازم، عملیات از سه محور زیر طراحی گردید:

محور اول، ارتفاعات کرگنی، ۳۵۰، و بان و تلخاب

محور دوم، ارتفاعات فصیل و یال میمک (۳۵۰)

محور سوم، فرورفتگی میمک.

بر این اساس، با توجه به حضور نیروی زمینی ارتش که در آنجا خط پدافندی داشت. سازمان رزم عملیات با شرکت یک لشکر و ۳ تیپ پیاده و یک تیپ زرهی از سپاه و نیروئی از ارتش تعیین گردید. همچنین نقش توپخانه نیروی زمینی ارتش در پشتیبانی عملیات و هوانیروز با مأموریت تخلیه مجروحین و جهاد سازندگی در زمینه مهندسی (۱) تعمیرگاه و تدارکات، قابل ذکر است.

با نزدیک شدن زمان آغاز تک، بدلیل طولانی و در عمق بودن اهداف، نیروها از غروب روز ۲۵ / ۷ / ۱۳۶۳ حرکت خود را از نقطه رهائی آغاز کردند. مسئله قابل توجه در هنگام جابجائی نیروها، هوشیاری نسبی و تسلط کافی دشمن بر روی منطقه بود، بگونه ای که قوای دشمن از تنگه شینوویال تپه شهدا و ارتفاعات فصیل - که عمدتاً گذرگاه عبور نیروها بود - نسبت به منطقه دید داشتند. لیکن از صبح روز ۲۴ / ۷ که مقرر شده بود نیروها به منطقه وارد شوند، طوفانی شدید و بی سابقه در منطقه به راه افتاد بطوریکه هیچکس قادر به مشاهده ۱۰۰ متری خود نبود و علیرغم اینکه ماشینها با چراغ روشن حرکت می کردند باز تصادفاتی واقع می شد.

به هر تقدیر، طوفانی که از ساعت ۷ صبح شروع شده بود، تا ۵ / ۵

ص: ۸۵

---

۱-۱۴. جهاد سازندگی و مهندسی یگانها سه مأموریت عمده را بر عهده گرفته و به آن تحقق بخشیدند: ۱ - تسطیح و ترمیم جاده های مهم ۲ - نصب پل بر روی تنگه بینا ۳ - احداث و تقویت خاکریزها.

بعد از ظهر ادامه یافت و هنگامی که رزمندگان به هدف نزدیک شدند، هوا صاف شد و بدین ترتیب دشمن نقل و انتقالات و جابجائی نیروهای اسلام را مشاهده نکرد. پس از رسیدن نیروها به پای کار و اعلام آمادگی در ساعت ۱۲ شب، رمز عملیات با عنوان «یا ابا عبدالله الحسین» از سوی قرارگاه فرماندهی عملیات (قرارگاه نجف) قرائت و بدین ترتیب، تهاجم نیروها آغاز گردید.

در این میان در یکی از محورها عقبه ها و اطراف قرارگاه دشمن در آن منطقه با یک طرح ابتکاری (قبل از آغاز عملیات)، مین گذاری شده بود. نوع این مینها نیز ابتکاری بوده و یک نوع آن بر اثر تابش نور منفجر می شد. مینهای یاد شده توسط شهید صبوری، بسیجی ۱۸ ساله طراحی و با موفقیت کار گذاشته شده بود.

به هر روی محورهای مختلف پس از اندکی تأخیر، تماماً بیش از ۸۰٪ از اهداف خود را تأمین نمودند و پس از آن با روشن شدن هوا، دشمن پاتک خود را شروع کرد که با مقاومت نیروها به عقب رانده شد و در نهایت، پس از چند روز جنگ و درگیری مواضع متصرفه تأمین گردید.

نکته قابل ذکر در این میان تلاش مهندسی یگانها و جهاد سازندگی است که خاکریزهایی را در قسمتی از منطقه عملیاتی احداث کردند تا پدافند از منطقه سهولت امکان پذیر شود.

نتایج و دستاوردها

- باز پس گیری بیش از ۵۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی

- تصرف بخش مهمی از ارتفاعات منطقه (فصیل و کرگنی)

- تهدید جاده بدره - مندلی

- آزاد شدن جاده مرزی خودی

ص: ۸۶

- وارد ساختن ضایعات و تلفات زیر بر دشمن:

۱۴ گردان پیاده و زرهی دشمن از ۷۰٪ تا ۱۰۰٪ منهدم گشت. علاوه بر این، ۱۹۰ نفر اسیر از دشمن تخلیه شد که در میان آنها ۷۲ درجه دار و ۱۲ افسر ارشد مشاهده می شد.

سقوط ۳ فروند هواپیما و ۲ فروند هلی کوپتر، انهدام ۷۵ تانک و نفربر و دهها دستگاه خودرو و همچنین ۳ دستگاه لودر و بلدوزر.

همچنین در این عملیات تعداد ۹ دستگاه تانک نیز به غنیمت گرفته شد.

ص: ۸۷



اشاره

پس از عملیات خیبر چنانچه ذکر شد، عملیاتهای متعددی در دست طراحی بود که بنا به دلایلی تنها عملیات میمک انجام گرفت.

در این مقطع، پس از بحث و بررسی فراوان، در نهایت براساس توانائیهای خودی و دشمن و نیز با در نظر گرفتن معابر وصولی هدف بصره، سه راه کار در نظر گرفته شد که عبارت بودند از:

۱ - منطقه عملیاتی خیبر واقع در هورالهوریزه

۲ - شرق بصره (منطقه عملیاتی رمضان)

۳ - غرب اروند

از آنجا که منطقه ی شرق بصره و غرب اروند فاقد تناسب لازم با توان خودی بود، لذا هور، بعنوان تنها راه ممکن و با ویژگیهای زیر، انتخاب گردید:

۱ - آسیب پذیری دشمن به لحاظ عدم تناسب توانائیهایش با منطقه هور و عملیات آبی - خاکی

۲ - اهمیت استراتژیکی منطقه در رابطه با هدف بصره

۳ - توان نیروها از نظر کمی و کیفی

۴ - کم عمق بودن هدف و نیز امکان دسترسی سریع به آن

۵ - تسلط نسبی نیروهای شناسایی به منطقه، بنا به تجربه ی خیبر و استمرار شناسائیهها

۶ - زمین اجازه ی کافی به دشمن جهت مانور زرهی نمی داد.

۷ - دشمن فاقد عقبه ی مناسب برای تک بود.

#### اهداف عملیات

دست اندازی و تسلط بر جاده بصره - العماره و نیز راه یابی به مرکز اصلی هورهای غرب دجله - که استانهای ناصریه، بصره و العماره را احاطه کرده است و همچنین تسلط بر شرق دجله، توأم با انهدام نیرو و اسارت نفرات دشمن، از جمله اهداف این عملیات بود.

ضمناً پاکسازی پاسگاههای ترابه - بلال، ابولیله و نیز روستاهای البیضه - الصخره، پدخندق و انهدام پلهای العزیر، خندق و... در حد شمالی منطقه عملیات و پاکسازی روستاهای منطقه، انهدام پلهای جویر و... در حد جنوبی در نظر گرفته شده بود.

#### وضعیت استقرار در هور

بعد از عملیات خیبر، دشمن اقدام به تشکیل فرماندهی شرق دجله (علاوه بر سپاههای ۱ و ۲ و ۳ و ۴) و رده های مواضع پدافندی در کل منطقه نموده و همچنین در مسیر آبراهها و در داخل نیزارها کمین هائی را قرار داد تا در صورت هجوم نیروهای خودی نقش هشداردهنده و تأخیری را داشته باشد و در ضمن، از نزدیکی نیروهای شناسائی به خط دشمن

دشمن به منظور در نظر داشتن هر گونه تحرک نیروهای خودی، دکلهای متعددی را نصب کرد تا دید کلی بر هور و جوانب آن داشته باشد. علاوه بر این مبادرت به احداث باندهای فرود هواپیما و هلی کوپتر در شمال قلعه صالح (با ۲ باند) و در جنوب القرنه کرد.

در این میان، گذشته از کمین، موانع دشمن در آبراهها قابل ملاحظه بود؛ چنانچه نرسیده به سیلبندها اول با نصب نبشیهای آهن و وصل سیم خاردار بر سر آبراهها (یک ردیف زیر آب و ردیف دوم روی آب) ایجاد نمود. همچنین بعد از کمین ها و قبل از رسیدن به سیلبندها اول در کنار آبراهها بشکه های متعدد فوگاز (ناپالم) (۱) مشاهده می شد که توسط سیم، هدایت آن را از خط اول دشمن صورت می گرفت.

دشمن تعداد زیادی از این بشکه ها را بر سر آبراهها قرار داده بود. بعنوان مثال، بر سر آبراه صفین، در فاصله ۱۲۰ متری سیلبندها اول سه ردیف ۲۶ تایی که در هر ردیف ۱۳ بشکه سمت چپ آبراه و ۱۳ بشکه سمت راست آن وجود داشت.

قابل ذکر است که دشمن بعد از تمامی موانع یاد شده سیلبندها را مشرف بر آب با عرض ۱۲ متر و ارتفاع ۲ متر احداث کرده بود و بر روی آن سنگرهای متعددی تعبیه شده بود که از سه طرف چپ، راست و مقابل، دارای دید کافی بر روی آب بود.

ص: ۹۰

---

۱-۱۵. قابل ذکر است که اثرات ماده ی انفجاری بشکه های ناپالم هنگامی که به شئی می چسبند، جدا نمی شود تا اینکه آن شئی را کاملا بسوزاند.

عملیات بدر از دو محور عمده در حد فاصل «العزیر» تا «القرنه» طراحی گردید و در کنار آن یک تلاش کمکی از سمت شمال و دو حرکت فریب در شلمچه و غرب اروند (جنوب) و گیسکه در غرب کشور، در نظر گرفته شد.

به منظور پشتیبانی عملیات، هوانیروز و هاورکرافت در زمینه انتقال نیرو، بنا به اولویتهای تعیین شده و نیز نیروی هوایی، در حد مقدرات، از عملیات پشتیبانی می کرد و بر این اساس با تلاشهای مهندسی یگانها و جهاد سازندگی، پد هلی کوپتر (۱) و سایت موشکی و جاده ی صاحب الزمان، احداث گردید.

#### سازمان رزم

نیروی زمینی ارتش با سه لشکر و یک تیپ و سپاه پاسداران با نه لشکر و هشت تیپ بصورت ادغامی سازماندهی شدند.

علاوه بر آنچه ذکر شد، در مراحل مختلف طراحی عملیات، تدابیری منظور شد که عمدتاً برآمده از تجربیات عملیات خیبر بود؛ از جمله:

#### ۱ - علائم:

به منظور رفع مشکلات و موانعی که هنگام عملیات خیبر در رابطه با استفاده از امکانات ترابری آبی، هلی برد (۲) و نیز نصب پل بوجود آمد،

ص: ۹۱

---

۱-۱۶. پد هلی کوپتر (پایگاه استقرار هلی کوپتر).

۲-۱۷. هلی برد (هلی برن): انتقال نیرو و تجهیزات از جایی به جای دیگر بوسیله هلی کوپتر.

پیش بینی هایی صورت گرفت که بخشی از آن نصب علائم مناسب و قابل رؤیت در شب بود.

۲ - شیمیائی، میکروبی، رادیواکتیو

بکارگیری گسترده سلاحهای شیمیائی با عملیات خیر آغاز شد و طبعاً زمینه های توسعه و گسترش بکارگیری آن، با توجه به استیصال و ناتوانی دشمن و بی توجهی مجامع بین المللی، محتمل می نمود. لذا تدابیری بمنظور پاکسازی آثار تک شیمیائی دشمن در زمینه ی تیم رفع آلودگی، تیم کشف و سنجش و تیم خنثی سازی و نمونه برداری و نقطه گذاری، اتخاذ گردید.

۳ - آموزشهای ویژه

همزمان با پیدایش مرحله ای جدید در جنگ و تفاوت اساسی عملیات آبی - خاکی با جنگ در زمین، بایستی آموزشهای مناسبی جهت رشد و افزایش کیفیت نیروها در نظر گرفته می شد. از اینرو آموزشهای سکانی، جهت گردانهای دریائی، نصب پل، خط شکنی، استفاده از سلاح بر روی آب و همچنین هلی برد، به تناسب مأموریت یگانها، منظور گردید.

### شرح عملیات

با نزدیکی زمان آغاز تک، کشیدن عقبه ها به جلو، انتقال و جابجائی نیروها و استقرار آنها در مناطق نزدیک به محورهای عملیاتی، با تحرکی چشمگیر صورت می پذیرفت و همزمان طی جلسه ای در قرارگاه خاتم الانبیاء ساعت شروع و نیز رمز عملیات مشخص گردید. بدین ترتیب

ص: ۹۲

پس از حرکت نیروها از نقطه رهائی بسوی هدفهای مورد نظر و اعلام آمادگی، در ساعت ۲۳، مورخ ۱۹ / ۱۲ / ۱۳۶۳، با قرائت رمز عملیات با عنوان:

«یا الله. یا الله. یا الله و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه، یا فاطمه الزهراء.» نیروهای تک و تهاجم خود را از دو محور شمالی و جنوبی آغاز کردند.

متعاقباً در همان ساعات اولیه، تمامی خطوط و استحکامات دشمن بسرعت درهم کوبیده شد. و با پیشروی نیروها در عمق، اعجاب و شگفتی همگان برانگیخته شد، زیرا با توجه به هوشیاری دشمن، بلحاظ مشاهده شواهد و قرائن و تجربه عملیات خیر، بنظر نمی رسید خطوط مستحکم اولیه دشمن بدین سرعت فرو ریزد.

در محور ترابه، که بمنظور پشتیبانی در نظر گرفته شده بود، بلحاظ دوری عقبه و کمبود آتش پشتیبانی و سایر مسائل، پیشروی بسوی هدف با کندی صورت می گرفت اما در محور پدخندق و رطه، گذشته از شکستن خط، برخی از یگانها با حرکت در عمق، خود را به هدفهای مرحله بعد نیز رساندند. در نتیجه تا صبح روز دوم عملیات، از دو کیلومتری جنوب البیضه تا ۵ / ۲ کیلومتری پائین تر از خط همایون، خط اول دشمن بطور کامل در تصرف نیروهای خودی بود. علاوه بر این در حد فاصل آبراه جمل تا خط همایون، نیروها تا پشت رودخانه دجله پیشروی کردند و بسمت غرب، در حاشیه شرقی رودخانه، خط پدافندی تشکیل دادند و با آتش سلاحهای سبک تردد وسایل نقلیه دشمن را روی جاده متوقف کردند. دشمن با تصور اینکه امکان اجرای عملیات از سایر محورهای عملیاتی جنوب وجود دارد مدتی طول کشید تا بتواند خود را جمع و جور کرده اقدام به پاتک نماید. بر این اساس دشمن پس از کشف اهداف تک، اولین فشارهای خود را با حجم بمبارانهای وسیع و آتش توپخانه در

محور شمالی منطقه و در حوالی پدخندق و الصخره متمرکز نمود. تا بدین وسیله از دستیابی نیروها به تنگه العزیر ممانعت بعمل آورد.

در طی سه روز جنگ و درگیری، قرارگاه مهندسی با سختکوشی بسیار توانست پلی را از حد فاصل جزیره جنوبی و منطقه همایون نصب کند و از سوی دیگر نیروها با پیشروی خود به اهداف زیر دست یافتند:

۱ - پاکسازی پد خندق

۲ - پیشروی از پشت خط جمل ۳ به پشت صفین ۳

۳ - در شب سوم، هوانیروز اقداماتی را بمنظور پشتیبانی عملیات به انجام رسانید.

فشار دشمن در محور الصخره و پدخندق کماکان ادامه داشت. در نتیجه مقاومت نیروها نیز رو به فزونی نهاد، چنانچه هنگامی که شهید خرازی فرمانده لشکر امام حسین از شهید آقاخانی فرمانده یکی از گردانهای لشکر - علیرغم جراحتهای وارده (اصابت چند ترکش به دست و پا) - می خواهد که به عقب برگردد، نمی پذیرد و در خط می ماند و در همان شب به شهادت می رسد.

برادر شعربا فچی فرمانده گردان از لشکر امام حسین که وقتی برای بررسی منطقه عملیات و توجیه شدن جهت ادامه عملیات به خط میرفت، بشدت مجروح شد (ترکش به سر و کتف و پای او اصابت کرده بود)، بطوریکه او را به حالت بیهوشی به پاسگاه سیار فرماندهی آوردند. فرماندهی لشکر با مشاهده حال وی نگران شد و گفت: «زخمها خطرناک است، شما به عقب برو» لیکن او نپذیرفت و گفت من همین جا می مانم و امشب عمل می کنم. وی پس از این مطلب، حدود ۲ ساعت به استراحت پرداخت و آنگاه پس از تعویض لباسهایش برای آوردن نیروها به عقب رفت و بعد از سه ساعت آماده عملیات شد و بالاخره پس از تلاش فراوان

ص: ۹۴

که انجام داد به شهادت رسید.

در شب پنجم و روز ششم، در ادامه تلاشی که بمنظور پاکسازی روستای حدیبه انجام شد نیروهای فراوانی به فرماندهی لشکر عاشورا، از رودخانه دجله عبور کرده و به شرق دجله، حمله کردند. با روشن شدن هوا به علت عدم پاکسازی و الحاق کامل، تعدادی تانک و نفرات دشمن باقی ماندند و عملاً امکان پیشروی به سوی القرنه فراهم نیامد.

علیرغم وضعیت پیش آمده، تا حوالی ظهر، جنگ و مقاومت همچنان ادامه داشت تا شاید بدین وسیله جا پای بدست آمده تا شب حفظ شده، فرصت مناسب جهت انجام مأموریت مزبور (انفجار پل ابوعران) بدست آید.

از حوالی ظهر، دشمن که موقعیت نیروهای خودی را دریافته بود، بمرور فشار خود را افزایش داد. در نتیجه تعدادی از نیروها بداخل فرورفتگی رودخانه دجله (مقابل نهر رطه) آمدند و در این میان، تنها شهید باکری و جمع محدود یاران وفادارش به نبرد ادامه دادند. در این اثناء قرارگاه که نسبت به موقعیت نیروها و وضعیت خاص شهید باکری نگران بود، سعی داشت نامبرده را متقاعد به مراجعت نماید.

بدین ترتیب هنگام بعد از ظهر، چند تن از نیروهای لشکر عاشورا نزد شهید باکری رفته، از وی درخواست کردند به شرق دجله مراجعت کنند. وی جهت عبور از رودخانه در میان قایق نشست، اما پس از لحظه ای سکوت ناگهان برخاست، پس از تخلیه اسناد و مدارک همراه خود بداخل قایق، مجدداً برای کمک به نیروهایش به منطقه درگیری رفت.

بمرور، با حاد شدن وضعیت، فرماندهی لشکر عاشورا بصورت تک تیرانداز و آرپی جی زن وارد عمل شد و در این حین شهید باکری بر اثر اصابت تیر به پیشانی جراحات سنگینی برداشته، جهت درمان به عقب



تخلیه شد.

در این اثنا دشمن، با نزدیکی به لب رودخانه دجله و مشاهده قایقی که جسم نیمه جان شهید باکری در میان آن بود، قایق را با گلوله آربی جی مورد اصابت قرار داد و بدین ترتیب، دجله جنازه ی سوخته شهید باکری را به منطقه نامعلوم برد.

از این ببعد دشمن با پاکسازی شمال پدخندق، فشار خود را از دو سمت یکی رخنه در خط صفین (جناح شمالی عملیات) و دیگری رخنه بداخل فرورفتگی رودخانه که اساساً تهدید عقبه نیروهای محور شمالی را بهمراه داشت، و نیز با شدت بخشیدن به بمبارانهای هوایی امکان تأمین مناطق بدست آمده را از نیروهای خودی در این منطقه گرفت.

بطور کلی، عملیات بدر پس از ۸ روز جنگ و مقاومت، با آزادسازی روستای ترابه، لحوک، نهروان، فجره و نیز تصرف بیش از ۸۰۰ کیلومتر مربع از اراضی هور و تصرف جاده خندق (الحجرده) به طول ۱۳ کیلومتر [که فاصله آن با جاده عماره - بصره ۶ کیلومتر است] به پایان رسید.

### تلفات و خسارات وارده به دشمن

هفت تیپ و پنج لشکر عراق بین ۲۰ تا ۱۰۰٪ منهدم شدند. علاوه بر این به لشکر گارد ریاست جمهوری و نیز نیروی کماندوی سپاه ۳ به میزان ۲۰٪ خسارت وارد شد.

تعداد کشته و زخمی دشمن از مرز پانزده هزار نفر گذشت، ضمناً ۳۲۰۰ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند که در میان آنها ۵۰ افسر، ۸۰ ستوانیار و ۳۰۰ درجه دار مشاهده می شد.

از سوی دیگر ۲۵۰ دستگاه نفربر، ۴۰ قبضه انواع مختلف توپ،

۲۰۰ دستگاه خودرو، ۶۰ قبضه خمپاره انداز، ۴ فروند هواپیمای پی - سی - ۷ ملخ دار، ۲ فروند میگ و سوخو، ۴ فروند هلی کوپتر و نیز مقدار معتناهی وسایل مخابراتی، سلاحهای سبک و... منهدم گردید.

### ویژگیهای قابل ملاحظه در طراحی عملیات

عملیات خیبر، و خصوصا بدر، نشان داد که جمهوری اسلامی علیرغم کمبود تجهیزات مناسب، و مشکلات و موانع عدیده ای که بر سر راه خود دارد - عملا توانائی و قابلیت کسب پیروزی و موفقیتهایی بسیار متفاوت با عملیاتهای گذشته را، دارد.

عملیات خیبر و بدر، دشمن را شدیداً متزلزل نمود و به غرب نشان داد که تنها تکنولوژی و حمایتهای همه جانبه سیاسی - اقتصادی نمی تواند عراق را سرپا نگهداشته، از آسیب پذیری اساسی مصون و محفوظ بدارد.

به هر روی، در مرحله ای از جنگ، عملیات بدر - گذشته از ضایعات و تلفاتی که به دشمن وارد ساخت - جایگاهی ویژه را در ارتقاء و رشد ابعاد فکری و عملی سازمان رزم جمهوری اسلامی در برداشت و دورنمائی را ترسیم کرد که بعدها فتح فاو، بخشی از حاصل و ثمره ی آن بود.

اما آنچه در عملیات بدر برجستگی داشت، عمدتاً عبارت بود از:

۱ - تصمیم و عزم راسخ جمهوری اسلامی جهت تهاجم به دشمن و ادامه نبرد تحت هر شرائطی مبتنی بر رهنمودهای فرماندهی کل قوا - امام خمینی.

۲ - توانائی و جسارت در بهره گیری از تدابیر و راه کارهای جدید و درهم شکستن خطوط دفاعی دشمن در خط و عمق.

ابعاد و ویژگیهای عملیات بدر، عراق را به عکس العملی غیر از آنچه تا آن زمان در جنگ مرسوم بود، واداشت بدین معنی که همزمان با عملیات، حملات هوایی خود را به تهران آغاز کرد. دشمن در واقع هدفی را که از براه اندازی جنگ نفتکشها در خلیج فارس (از نظر اقتصادی) داشت، با تهاجم به شهرهای غیر نظامی (به نیت به زانو درآوردن جمهوری اسلامی از طریق برانگیختن مردم)، دنبال نمود. در مقطع یاد شده، انتقال جنگ از رزم زمینی به هوا و مناطق مسکونی، نمایانگر شکلی جدید در جنگ بود.

رویاری با دشمن در ابعاد جدید، طبعاً نیازمند به حضور فعال مردم در صحنه و افزایش روحیه مقاومت در آنها بود و از سوی دیگر ضرورت مقابله به مثل را ایجاب می کرد.

بدین ترتیب، تدبیر مقابله به مثل با پرتاب موشک به عمق شهرهای عراق آغاز شد. بکارگیری موشک بمنزله ورود عنصری جدید در معادله جنگ محسوب می شد و بدین طریق، عراق با وضعیتی غیر قابل پیش بینی مواجه گردید و همچنین برای اولین بار بغداد، مرکز حکومتی

رژیم بعث، طعم تلخ ضایعات ناشی از جنگ را بطور مستقیم و ملموس چشید این امر در واقع، افزایش مشکلات حکومت بغداد و نیز دامن زدن به آن تلقی می گردید.

در این میان شواهد و قرائن، حاکی از درماندگی و ناتوانی دشمن بود، همچنین بمنظور خنثی سازی جریانات عافیت طلبی که مترصد بهره برداری از شرایط، جهت پایان بخشیدن به جنگ بودند، بنا به نظر امام از طرف نماینده ایشان در شورایی عالی دفاع حجهالاسلام هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران، پیشنهاد شد که حامیان ادامه جنگ در روز قدس اقدام به راه پیمائی نمایند. تا بدین وسیله روشن شود که پایگاه جنگ در میان مردم چگونه است و گذشته از این، آیا جنگ شهرها بر مقاومت مردم تأثیری نهاده است یا خیر؟

بر این اساس راهپیمائی روز قدس، علیرغم تهدیدهای مکرر رژیم عراق مبنی بر بمباران مردم، همانند جریان سیلی خروشان آغاز شد و همزمان نیز عملیات قدس ۱ توسط یگانهای رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه هورالهویزه صورت گرفت. وضعیت مزبور تلاشهای چندین ماهه ی دشمن را بمنظور بدست گرفتن ابتکار عمل عقیم گذارد و عملاً جمهوری اسلامی با مقاومت مردم و مقابله به مثل در رویارویی با تعرضات رژیم بغداد توانست مرحله ای بحرانی را پشت سر نهاده، تهاجمات پی در پی خود را در میدان رزم زمینی آغاز نماید.

### **جمع بندی تجربیات و اتخاذ تدابیر لازم**

واقعیات برآمده از عملیات بدر از یکسو و گسترش جنگ شهرها از سوی دیگر، جو حاکم بر جنگ را به گونه ای درآورد که لزوماً بایستی در اطراف و جوانب آن، هر چند بصورت اجمالی و گذرا، توضیحاتی ارائه

دشمن در عملیات بدر سعی کرد با استفاده خوب از زمین، زرهی، آتش و نیروی هوایی کنترل صحنه ی نبرد را در دست داشته باشد. تلاش دشمن در این زمینه به نیروهای خودی نمایاند که ادامه جنگ عمدتاً بایستی متکی بر استراتژی جنگ دراز مدت توأم با برنامه ریزیهای همه جانبه و نیز حضور بیشتر کشور و مسئولین در این امر باشد.

در این میان، مسئله نیرو و جذب آن متناسب اهداف و مراحل عملیات و نیز تحولاتی در نحوه ی مواجهه با دشمن به منظور تجزیه قوای آن، قسمتی از معضلات جدید بود. علاوه بر این، مسائل دیگری مانند افزایش قدرت و آتش، سلاح مناسب ضد زره و ضد هوایی... توأم با تاکتیکهای ویژه، نیز عنوان گردید.

همچنین روشن شد که گذشته از موارد فوق، لزوماً بایستی سازمان رزم سپاه گسترش یابد و به تناسب پیچیدگیهای جنگ، نیروها از آموزشهای لازم برخوردار گردند. تا بدین وسیله، گذشته از فزونی یافتن توانایی نیروهای خودی در تصرف هدف و حفظ آن، در نهایت زمینه و لوازم انهدام ماشین جنگی عراق فراهم آید.

طبیعتاً بکارگیری عملی اندوخته های پس از بدر، نیازمند زمان بود. در این فاصله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در میان تدابیر گوناگون جهت رویارویی با دشمن بدواً سلسله عملیاتی محدود (۱) و پی در پی را با هدف انهدام قوای دشمن و گرفتن زمان از آنها، برنامه ریزی کرد.

گذشته از این طراحی عملیات والفجر ۸، با توجه به تجارب برآمده

ص: ۱۰۰

از عملیات بدر و ۶ سال نبرد، در دستور کار قرار گرفت و بدین ترتیب تعرضات و تحرکات نظامی جمهوری اسلامی با عملیات محدود در روز قدس و سپس مهیاسازی منطقه عملیات والفجر ۸ و سایر ملزومات آن، آغاز شد.

### تبیین استراتژی «جنگ، جنگ تا رفع فتنه»

همزمان با اوجگیری جنگ شهرها که طبیعتاً ضایعات و خسارات ناشی از جنگ بطور مستقیم تری در رابطه با مردم قرار می گرفت، پیش بینی رخدادهای سیاسی - اجتماعی و بهره گیری جریانات سیاسی از آن، محتمل می نمود. از این رو فرماندهی کل قوا در بیانات خود هنگام تحویل سال ۱۳۶۴، این سال را سال «استقامت» نامیدند.

طبعاً ترسیم دورنمای جنگ شهرها (که عمدتاً در روز قدس شکل نهایی و نتیجه خود را نمایاند) و سایر فشارهای وارده به جمهوری اسلامی بود که سبب شد امام موضعگیری (جنگ جنگ تا رفع فتنه) را اتخاذ نمایند. در حقیقت در آن برهه ی خاص، رهبری انقلاب روند حرکت آتی جنگ و انقلاب را با بیان «جنگ تا آخرین خانه و آخرین نفر»، تبیین و تعیین کردند.

نظرات امام در رابطه با جنگ برای همگان روشن بود، لیکن با توجه به وضعیت خاص آن مقطع زمانی ضرورت نظرخواهی از امام جهت تعیین تکلیف و نقش عمده ی این اعلام نظر کاملاً بارز و روشن بود.

در این میان گروهکها با انگشت نهادن بر روی نارسائیهای ناشی از جنگ مجدداً صحنه را برای تشدید فعالیت های سیاسی خود مساعد دیده، اینبار حتی سعی کردند جنگ را از موضع اعتقادی به زیر سؤال بکشند. این اقدام با توطئه هماهنگ بین المللی در رابطه با تحمیل

صلح و سازش به جمهوری اسلامی و نیز تقویت جریان عافیت طلب داخلی صورت می گرفت.

رهبری انقلاب بمنظور تعیین مشی آینده جنگ و انقلاب و رفع هر گونه تردید و تزلزل، از جایگاهی والاتر بر ضرورت ادامه ی نبرد تأکید فرموده، شعار «جنگ، جنگ تا پیروزی» را پرتوی از شعار قرآنی «جنگ، جنگ تا رفع فتنه از عالم» دانستند. (۱)

در حقیقت نظرات امام نافی هر دیدگاهی در زمینه سازش بود.

ایشان خاطر نشان ساختند که نه تنها امکان دست آویز قرار دادن یک پیروزی در حل معضله جنگ چاره ساز نیست، بلکه بایستی فراتر از آنچه در شعار مردمی «جنگ، جنگ تا پیروزی» نهفته است، گام نهاد.

به عبارت دیگر، از بیانات امام چنین استنباط شد که راه حل سیاسی نه تنها سنخیتی با هویت انقلاب اسلامی ندارد، بلکه یک نوع بی توجهی نسبت به آینده جنگ و انقلاب و نیز ساده اندیشی نسبت به برخورد با دشمن است و طبیعتاً حامیان جهانی عراق نسبت به انقلاب اسلامی بی تفاوت بوده، تا زمانیکه هویت انقلاب را مخدوش نکرده و یا ضربه ای اساسی و کاری به آن وارد نسازند آرام نخواهند گرفت؛ از این رو گذشته از پرهیز ساده اندیشی در برخورد با دشمن، لزوماً بایستی گذار از مرحله کنونی انقلاب، با کسب آمادگی همه جانبه و نیز بکارگیری کلیه امکانات بالفعل و بالقوه کشور در رابطه با جنگ، صورت گیرد.

بدین ترتیب می توان عوامل زیر را به عنوان پارامتری مؤثر در تبیین آینده انقلاب و جنگ محسوب نمود:

۱ - شناخت استکبار جهانی و عمق و گستردگی خصومت آن

ص: ۱۰۲

---

۱- ۱۹. ... قاتلوهم حتی لا تکون فتنه.

در برخورد با انقلاب اسلامی.

۲ - همسویی و آمیختگی اهداف انقلاب اسلامی و جنگ با یکدیگر.

۳ - در نظر گرفتن ملاحظات در باب قابلیت و توان بالفعل و بالقوه کشور از نظر اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی و نیز بسیج نیروی مردمی.

تبعیت از رهنمودهای رهبری در واقع در بطن خود، آمادگی همه جانبه جهت اصلی نمودن جنگ در کشور را دارا می باشد. متقابلاً- نگرش مقطعی و کوتاه مدت به جنگ، نه تنها دستیابی به پیروزی را نامحتمل می نماید، بلکه دورنمایی جز ناکامی و بازی خوردن از دشمن، نخواهد داشت.

### **نظری بر سلسله عملیات محدود پس از بدر**

در فاصله آماده سازی ملزومات و مقدمات عملیات گسترده پس از عملیات بدر، ضرورت داشت جبهه ها کماکان فعال نگاه داشته شوند و دشمن بحال خود رها نگردد. بدین منظور در مقطعی از سال ۶۴ قسمتی از تعرضات و تحرکات نظامی خودی علیه دشمن براساس تدبیر عملیات محدود صورت گرفت تا بدین وسیله از زمان بدست آمده، عملیات والفجر ۸ بدور از هر گونه شتابزدگی و یا تأثیرگذاری فشارهای سیاسی - نظامی، خارجی بنحوی مناسب طراحی گردد. همچنین مقرر شد سلسله عملیات محدود به گونه ای باشد که منجر به تعلل یا تأخیر در عملیات گسترده نشود.

بر این اساس، عملیتهای اخیر، به لحاظ نظامی، به سه دسته قابل تقسیم است:

۱- گشتی رزمی

ص: ۱۰۳



تقسیم بندی یاد شده به میزان و استعداد نیروی خودی که در عملیات بکار گرفته می شود و نیز به کیفیت و ارزشهای زمینی منطقه، متکی است.

عملیات «گشتی رزمی» حداکثر تا استعداد یک گردان نیرو را در برمی گیرد و هدفش عمدتاً وارد آوردن تلفات و ضایعات به دشمن و احیاناً جمع آوری اطلاعات و یا گرفتن اسیر و سپس بازگشت به مواضع اولیه است.

در عملیات نفوذی میزان استعداد یگانهایی که بکار گرفته می شود، از یک تا سه گردان را شامل می گردد و نیز مانند عملیات گشتی رزمی پس از انجام مأموریت، نیروها بدون استقرار در محل تک، به مواضع اولیه خود برمی گردند.

عملیات محدود به عملیاتی اطلاق می شود که از یک تیپ تقویت شده به استعداد ۵ گردان تا دو لشکر تقویت شده، به استعداد ۲۰ الی ۳۰ گردان را شامل شود و نیروها پس از انجام عملیات در مواضع تصرف شده استقرار یابند.

### مشخصه های عملیات محدود

۱ - بیش از ۳۰ الی ۴۰ گردان نیرو نیاز نداشته باشد.

۲ - تلفات خودی پائین بوده باشد تا آسیبی به عملیات گسترده وارد نسازد.

۳ از نظر زمانی کوتاه و زودفرجام باشد

۴ - دارای اهداف و ارزش نظامی - اقتصادی باشد

۵ - در راستای اهداف استراتژیک جنگ باشد

۶ - پیروزی در آن تضمین شده باشد

۷ - منطقه، قابلیت استفاده از آن، جهت عملیات گسترده را داشته باشد.

همانطور که گفته شد، عملیات تاکتیکی محدود به منظور آماده ساختن زمینه جهت تعرض گسترده و استراتژیک، با اهداف زیر در نظر گرفته شد:

۱ - وارد ساختن حداکثر تلفات و ضایعات به نیروهای دشمن

۲ - عقب راندن نیروی دشمن از اراضی اشغالی که کماکان در تصرف آنها باقی مانده است.

۳ - بدست گرفتن ابتکار عمل و ایجاد تحرک در جبهه و خطوط عملیاتی

۴ - گرفتن فرصت و مجال فکر کردن از دشمن و تجزیه (۱) نیروهای آن

۵ - جمع آوری اطلاعات و شناسایی منطقه مورد تهاجم

۶ - ...

البته آنچه در قسمت فوق مورد اشاره قرار گرفت، تنها قسمتی از اهداف عملیات محدود است و طبیعتاً شرایط خاص سیاسی - اجتماعی و نیز سایر اهداف نظامی، در آن منظور خواهد شد.

براساس آنچه بعنوان مشخصات و اهداف عملیات محدود عنوان شد، نیروی زمینی ارتش سلسله عملیات خود را «ظفر» نام نهاد، که

ص: ۱۰۵

---

۱ - ۲۰. ایجاد تحرک در جبهه های مختلف و بالطبع انجام عملیات مانع از تمرکز فکر دشمن شده و نهایتاً منجر به تجزیه آنها می شد زیرا که بایستی به تمامی تحرکات خودی نظر داشته باشد.

عمدتاً تظاهر به تک همراه با آتش توپخانه بود.

همچنین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵ عملیات بنام «قدس» (۵،۴،۳،۲،۱) و نیز عملیات «عاشورا» را انجام داد که توضیحات و شرح آن به ترتیب، در پی می آید.

ص: ۱۰۶

عملیات قدس ۱ و ۲

از آنجا که قسمتی از سلسله عملیاتهای محدود در هور انجام گرفت، مقدماتاً ذکر نکاتی در این باب، که هور چه جایگاهی در استراتژی جنگ داشته و نیز رابطه آن با اهداف عملیات بدر و همچنین مهیاسازی مقدمات عملیات گسترده در هور، لازم و ضروری بنظر می آید. چنانچه قبلاً ذکر شد، عمده ترین هدف عملیات بدر قطع جاده استراتژیک العماره - بصره بود. لیکن بنا به عللی دست یابی به آن مقدور نشد. اما در عین حال، جایگاه هدف یاد شده در استراتژی جمهوری اسلامی محفوظ بود. لذا پس از عملیات بدر اولین حرکت و هر چه نزدیکتر شدن به جاده بصره - العماره و دو پاسگاه ابولیله و ابوذر منظور گردید. علاوه بر این خط پدافندی که پس از تصرف پاسگاه ترابه - در عملیات بدر - در این منطقه بوجود آمد، احتیاج به ترمیم داشت و انجام این تعرضات (عمدتاً قدس ۱ و ۲ می توانست ضمن نزدیک کردن خطوط پدافندی به رودخانه دجله و جاده بصره - العماره، خطی منظم و بهم پیوسته را بوجود آورد.

ص: ۱۰۷

از سوی دیگر دشمن پس از عملیات بدر، حساسیتی قابل ملاحظه و چشمگیر نسبت به هور از خود نشان داد. چنین بنظر می رسد که قوای نظامی عراق تلاشی وسیع را به منظور عقب راندن نیروهای خودی از هور انجام دهند، لذا این مهم، خود، ضرورت تحکیم و تثبیت مواضع بدست آمده (طی عملیات خیبر و بدر) و نیز اتخاذ موضع تهاجمی در مقابل تعرضات احتمالی دشمن را افزونتر می کرد.

اهداف عملیات قدس ۱ و ۲ و موقعیت منطقه

بطور مشخص ۴ هدف مجزا در عملیات قدس ۱ و ۲ منظور گردید که عبارت بود از:

۱ - پاسگاه ابوذر

۲ - روستای ابوسعید

۳ - برکه مختار

۴ - کمین دژبانی (عقبه دشمن)

پاسگاه ابوذر و ابولیله در حد فاصل پاسگاه، شط علی و طبر و در نزدیکی رودخانه واقع است که از سمت غرب تا حدود روستاهای الزجیه و الحسان، از سمت جنوب تا روستای البیضه و از شمال تا پاسگاه ترابه را می توان محدوده ی عملیاتی این منطقه محسوب کرد.

در این میان شناسائی در هور، دشواری و معضلات فراوان داشت، زیرا از یک سو وجود آبراههای متعدد و از سوی دیگر کمین های احتمالی دشمن که بعضا بصورت سیار بود و همچنین مواضع و موانع دشمن به منزله ی عوامل بازدارنده در شناسائی ایجاد مشکل می کردند. بر این اساس، گم شدن عناصر شناسایی (اوایل کار) امری غیر منتظره نبود

ص: ۱۰۸

چنانچه بارها عناصر شناسایی راه خود را گم کرده، سپس با شنا کردن مسافتی طولانی و گاه در صورت خستگی مفرط، با خواباندن نی‌ها و استراحت بر روی آن، خود را آرام، آرام به مواضع خودی رسانده بودند. فی‌المثل برادر بشارت که بعداً به شهادت رسید، از قبل از عملیات بدر به مرخصی نرفته بود؛ وی مرتباً به صورت داوطلبانه به شناسایی می‌رفت و تقریباً رکورد شناسایی و نیز گم شدن در هور و ماندن در آب را شکسته بود. وی یکبار بیش از ۶۵ ساعت، یعنی چیزی نزدیک به ۳ شبانه روز، در هور سرگردان بود و بالاخره شناکنان خود را به مواضع نیروهای خودی رسانید. غیر از گم شدن نیروها، مسئله‌ی برخورد با کمین دشمن و شهادت نیز وجود داشت. چنانکه یکی از شبها سه نفر غواص با یک بلم به شناسائی رفته، دو تن از آنها در نقطه‌ای در نزدیکی مواضع دشمن از بلم بیرون آمده، نفر سوم در لابلای نیزار همراه با بلم به انتظار می‌ایستد؛ دو نفر غواص راه خود را به طرف پاسگاه ابوذر ادامه می‌دهند و در این میان به موانع دشمن برخورد می‌کنند. در این اثنا وقتی برادران شناسایی در فاصله ۱۰۰ متری با دشمن، قرار می‌گیرند، ناگهان، با رگبار آتش از سوی عناصر عراق مواجه می‌شوند. برادران بلافاصله به زیر آب می‌روند تا از آتش دشمن در امان باشند، اما یکی از برادران بر اثر اصابت تیر به شهادت می‌رسد و میان سیم خاردار حلقوی گیر می‌کند. برادری که همراه وی بوده هرچه سعی می‌کند تا برادر شهید را به عقب منتقل کند، موفق نمی‌شود؛ لذا او را در لابلای نیزار استتار نموده، مبادرت به پخش کردن آب خون آلودی که بر اثر اصابت تیر ایجاد شده بود، می‌نماید و سپس با بلم به نزد برادر دیگری که در انتظار بوده برمی‌گردد و روز بعد با امکانات بیشتر جهت انتقال جنازه برادر شهید مراجعه می‌کنند که خوشبختانه دشمن متوجه نمی‌شود و لذا انتقال جسد به عقب با موفقیت

انجام می گیرد.

مواضع و استعداد نیروهای دشمن

دشمن در منطقه مزبور از مواضع و موانع مختلف برخوردار بود؛ فی المثل بشکه فوگاز (ناپالم)، سیم خاردار حلقوی (که بعضا تا ۱ متر در سطح آب و چند رده در زیر آب را می پوشانید)، تنها قسمتی از آن می باشد.

دشمن در اطراف پاسگاه ابوذر و روی خشکی اطراف آن سنگرهای متعددی احداث کرده بود. همچنین در روی برکه مختار، علاوه بر سنگر، کمین سیار نیز گذاشته بود که به صورت زیگراگی یکدیگر را می پوشاند و عاملی موثر در تأمین پاسگاه ابوذر به شمار می رفت.

استعداد دشمن در این منطقه عبارت بود از سه گروهان کماندویی که به ترتیب یک گروهان در پاسگاه «ابوذر»، یک گروهان در پاسگاه «ابولیل» و یک گروهان در برکه مختار، استقرار داشتند. یک گروهان هم پشت برکه ی مختار در احتیاط نزدیک بود.

علاوه بر این نیروهای موجود در منطقه، عناصری از تیپ ۵۰۶ و ۱۱۴ لشکر ۲۵ در منطقه حضور داشتند که برخی از آنها در میان اسرا و کشته شدگان مشاهده می گردید.

دشمن همچنین به منظور کنترل منطقه با استفاده از هلی کوپتر و هواپیمای پی - سی - ۷ مرتبا کشت شناسائی انجام می داد و بعضا بر روی مواضع خودی اجرای آتش می کرد.

ص: ۱۱۰

پس از فراهم آمدن مقدمات عملیات و حرکت نیروها از نقطه رهایی به سمت هدف های از پیش تعیین شده، در تاریخ ۳ / ۲۵ / ۱۳۶۴ مصادف با روز قدس حمله، با رمز «یا محمد رسول الله یا الله (۳)، قد تری انا فیه ففرج عنی یا کریم الله اکبر» آغاز شد. نیروها با عکس العمل سریع، ظرف ۳ دقیقه، علاوه بر پاکسازی نیروهای دشمن تعدادی از آنها را به اسارت درآوردند. چنانکه تصرف پاسگاه ابوذر و ابولیله مدت ۵ الی ۷ دقیقه بطول انجامید.

در محور برکه ی مختار، نیروهای عراقی اندک مقاومتی کردند که این مقاومت درهم کوبیده شد. ضمناً فرمانده پاسگاه ابوذر که غافلگیر شده بود، هنگامی که قصد فرار داشت، به هلاکت رسید.

در صبح روز عملیات، هواپیماهای پی - سی - ۷ و هلی کوپترهای دشمن فعالیت خود را آغاز کردند، اما با استقرار سلاحهای ضد هوایی و سقوط یک فروند آن، که با موشک (سام - ۷) انجام گرفت، دشمن عملاً ناتوان گردید.

دشمن همچنین مبادرت به پاتک کرد، که توسط قایقهای حامل دوشکا، ۱۰۶ و تیربار تحت حمایت هلی کوپتر و هواپیمای پی - سی ۷ انجام گرفت که البته ماحصلی برای او نداشت و در نتیجه تلفات و ضایعات زیر بر دشمن وارد آمد:

- انهدام یک گردان کامل از تیپ حطین، تعدادی از عناصر تیپهای ۵۰۶ و ۱۱۴ و لشکر ۲۵ کشته و اسیر شدند. ۲۰۰ نفر از نیروهای دشمن مجموعاً به هلاکت رسیدند و نزدیک به ۲۰۰ مجروح و ۹۰ اسیر از آنها بر جای ماند.



گذشته از این ۱۵ فروند قایق، یک فروند هواپیما و ۲ فروند هلی کوپتر و ۱۲ پاسگاه سیار دشمن منهدم شد.

همچنین ۴ قبضه توپ هوایی، ۶ قبضه خمپاره انداز و ۳۰ قطعه پل دوبره ای بخشی از غنایم بدست آمده را تشکیل می داد. ضمناً منطقه ای به وسعت ۱۸۰ تا ۲۰۰ کیلومتر مربع آزاد گردید.

### تحکیم منطقه و انجام قدس ۲

بمنظور ممانعت از تک احتمالی دشمن و مرتفع نمودن نقاط ضعف خودی و تبدیل آن به قوت و همچنین آسیب پذیر کردن دشمن و بدست گیری ابتکار عمل، در تاریخ ۴ / ۴ / ۱۳۶۴ در ساعت ۲ بامداد رزمندگان اسلام تهاجم خود علیه دشمن را در اطراف البیضه آغاز کردند.

طی درگیریهایی که چند روز ادامه داشت نیروهای خودی توانستند ضمن انهدام بخشی از نیروهای تیپ ۶۸ کماندوئی و دفع پاتکهای دشمن با پاکسازی و الحاق موقعیت خود را در مناطق تصرف شده تثبیت نمایند.

### عملیات قدس ۳

هدف از عملیات قدس ۳، عمدتاً تصرف تپه ۱۹۴، انهدام تجهیزات، و گرفتن تلفات و اسیر از دشمن بود. البته در ابتدا، تصمیم بر این بود که نیروها پس از تصرف هدف، با انجام پاکسازی، منطقه را تأمین نمایند؛ لیکن عملیات بنا به عللی، در نهایت بصورت «نفوذی» تغییر شکل داد.

موقعیت منطقه - منطقه عملیاتی مورد نظر، که نزد دشمن به ارتفاعات «عین منصور» و در بین افراد محلی به «فره سیاه» مشهور است، در محور عمومی دهلران - طیب در غرب رودخانه میمه قرار دارد. این منطقه دارای یک سری تپه و ارتفاعات می باشد. همچنین در شرق رودخانه که به منطقه «بیات» معروف است وجود ارتفاعات ۲۰۸ بدلیل مشرف بودن روی حاشیه غربی «میمه» قابل ذکر است.

ضمناً عراق هنگام عقب نشینی سراسری خود پس از فتح خرمشهر، قسمتی از ارتفاعات یاد شده را - که در خط مرزی دو کشور قرار دارد - به لحاظ موقعیت حساس آن، همچنان حفظ کرد. خط اولیه دشمن در جلوی شیار مالحه و روی ارتفاع ۱۹۴ واقع بود. دشمن با استقرار بر روی ارتفاع مزبور، که طول آن به ۱ کیلومتر می رسید، دید کافی بر روی خط خودی و منطقه عمومی دهلران، داشت.

یک جاده خاکی از جاده اسفالته مهران - دهلران به طرف ارتفاع ۲۱۶ رفته، از خط خودی عبور نموده، سپس از غرب شهرک طیب به داخل خاک عراق امتداد می یابد.

این جاده اصلی به فاصله حدود دو کیلومتر پس از ارتفاع ۲۱۶ از پشت مقرها و پاسگاه های دشمن که خط جلوی مالحه را تشکیل می دهند، می گذرد.

در سمت راست جاده اصلی به موازات خط دشمن ۳ جاده فرعی شمالی - جنوبی قرار داشت که از طریق این جاده ها عقبه دشمن به خط جلوی مالحه و ۱۹۴ مرتبط می شد و نیروهای عراقی از این طریق تدارک می گردیدند. قابل ذکر است که در رابطه با آرایش خط دشمن جناح چپ از شیار مالحه خالی بود و این نقطه ضعف اساسی دشمن قوتی برای

نیروهای خودی محسوب می شد.

موانع دشمن در این عملیات، عبارت بود از ۲ ردیف مین والمر و ۱۰ ردیف سیم خاردار حلقوی، همچنین در اطراف سنگرهای دشمن در این محور، ۱۶ ردیف سیم خاردار حلقوی کار گذاشته بودند و نیز ۳ میدان مین انفجاری و منور و ۲۴ رده سیم خاردار رشته ای در اطراف پایگاه ها و مقرهای دشمن نصب شده بود.

طراحی عملیات - به تناسب راه کارهای موجود در منطقه، عملیات از دو محور طراحی شد. نکته قابل توجه در این عملیات، مسئله غافلگیری بود، چنانچه نیروهای خودی با رعایت حفاظت و استفاده از شب جهت تردد و نقل و انتقالات، سعی وافری بر ممانعت از هوشیاری دشمن داشته؛ لیکن تحرکاتی که عناصر دشمن مشاهده می شد که به نظر می رسید اصل غافلگیری مخدوش شده است؛ اما بعدا معلوم شد که تحرکات دشمن صرفا جابجایی نیروها بخاطر خستگی و ضعف روحیه بوده است.

علاوه بر این هنگام تهاجم نیروهای خودی، عناصر دشمن در سنگرها در خواب بسر می بردند و این امر خود دلیلی بر غفلت دشمن محسوب می شد.

ضمنا سعی بر این بود که تعرض بدشمن همراه با ابتکار عمل باشد بدین معنی که حمله در ابتدا به قرارگاه دشمن و از پشت صورت گردد تا خط متزلزل شود، و علاوه بر این در اولین فرصت کابلهای برق و سیم های مخابراتی دشمن قطع شود تا بدین طریق، ارتباط نیروهای دشمن با عقبه و نیروهای در خط بطور کلی قطع و مختل گردد.

شرح عملیات

با نزدیک شدن زمان آغاز تک، نیروها در محورهای از پیش تعیین شده حرکت خود را به سمت دشمن آغاز کردند. حرکت نیروها چنان

ص: ۱۱۴

آمیخته با غافلگیری بود که برخی از آنها توانستند خود را بالای سر نیروهای دشمن رسانده جهت انجام عملیات اعلام آمادگی نمودند.

به هر روی، پس از اعلام آمادگی کلیه نیروها از محورهای مختلف، در ساعت ۲ / ۴۵ / ۱۹ بامداد ۱۳۶۴ / ۴ / عملیات با رمز:

«و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم. انا فتحنا لک فتحا مینا.

یا امام صادق (ع) یا امام صادق (ع)، یا امام صادق (ع)، الله اکبر»

در کلیه محورها با هجوم به دشمن آغاز شد.

سرعت عمل نیروها چنان بود که پس از قرائت رمز عملیات و در همان لحظات اولیه نزدیک به ۷۰ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند. از آنجا که هدف عملیات نفوذی بود، لذا نیروها حتی الامکان از به غنیمت گرفتن اقلامی که دست و پاگیر بود و انتقال آنها به عقب خالی از مشکلات نبود، امتناع ورزیده، سعی بر این داشتند که اساسا امکانات دشمن را منهدم سازند و به آتش بکشند.

پس از اجرای موفق عملیات، با نزدیک شدن طلوع فجر و روشنایی هوا، به نیروها دستور عقب نشینی داده شد.

نظر به اینکه دشمن غافلگیر شده و نیز در تدبیر عملیاتی سیم کابل مخابراتی آنها قطع شده بود، طبیعتا از اهداف عملیات آگاه نبود. لذا صرفا بمنظور حضور در منطقه پاتک خود را با نیروهای زرهی و تعدادی هلی کوپتر آغاز نمود. دشمن تصور می کرد نیروهای خودی بر روی ارتفاعات ۱۹۴ و سایر پایگاههای منطقه مستقر شده اند، لذا تلاشی قابل توجه را به آن سمت معطوف نمود؛ لیکن با عقب نشینی بموقع نیروهای خودی پس از انجام مأموریت محوله، اساسا آسیبی قابل ملاحظه متوجه

آنها نشد. قابل ذکر است که دشمن در شب عملیات قصد تعویض نیروهایش را داشت لذا به دلیل عدم آمادگی تلفات زیادی را متحمل شد.

## نتایج عملیات

۱ - پاکسازی منطقه ای به وسعت ۲۰ الی ۳۰ کیلومتر مربع

۲ - کشته و مجروح کردن بیش از ۷۰۰ تن از نیروهای دشمن

۳ - انهدام ده انبار مهمات، ۶ قبضه تفنگ ۱۰۶ م.م، یک قبضه توپ پدافند هوایی، تعداد زیادی خودرو سبک و سنگین (شامل ایفا، جیپ) و همچنین انهدام پمپ بنزین قرارگاه گردان.

در مجموع از تیپ ۸۰۵ پیاده ارتش عراق، گردان یکم صددرصد و گردان دوم ۶۰ درصد منهدم و به گردان سوم نیز خساراتی وارد آمد.

در این عملیات، گذشته از ضعف دشمن در جناح دادن و عدم آشنایی با زمین منطقه، ابتکارات نیروهای خودی در دور زدن دشمن، توجیه گردانهای عمل کننده، نزدیک شدن به دشمن با حفظ غافلگیری، قطع ارتباط، زدن مقرهای فرماندهی و آتش پشتیبانی مؤثر (که توسط ارتش اجراء شد) قابل توجه بود.

لازم به تذکر است که همزمان با عملیات قدس ۳، از سوی برادران نیروی زمینی ارتش در شریانی، عملیاتی بمنظور باز پس گرفتن مناطقی که بتازگی به اشغال دشمن درآمده بود، انجام شد. این حرکت اساسا منجر به معطوف نمودن ذهن دشمن به آن منطقه شد و بطور غیر مستقیم به منزله پشتیبانی عملیات قدس ۳ محسوب گردید.

دو حادثه مهم در جهت شکل‌گیری عملیات قدس ۴ در دریاچه ام‌النجاج در هورالهویزه نقش داشت: یکی کنار رفتن تله‌های (۱) شط‌الدوب بود، که بر اثر طوفان شدید و بی‌سابقه صورت گرفت، و بدین وسیله شط به دریاچه ام‌النجاج متصل گردید؛ و دیگری اسارت تعدادی از نیروهای شناسایی عراق بود، که طی یک درگیری با مجاهدین عراقی به اسارت درآمدند. اطلاعات نسبتاً موثقی که از این اسرای تخلیه شده بدست آمد، زمینه مناسب را جهت معطوف کردن توجه فرماندهان به دریاچه ام‌النجاج فراهم کرد.

موقعیت منطقه - دریاچه ام‌النجاج از شمال ابتدا به چند آبراه، سپس به برکه «سوده»، روستای «سلف‌المعده»، روستای «الهویه» و روستای «حمیدان» و از شمال غرب به آبراه‌های «ابوحضاف»، آبراه «العوج»، روستای «سلف‌الدین» و روستای «سلف‌العبد» و از غرب به آبراه‌های «ام‌البود»، روستای «الهرود» و آبراه «معمر» و از جنوب غربی به «شط‌الدوب» و «برمایه‌ترابه» و از جنوب به تعدادی آبراه و برکه و آبراه بزرگ «الکسر»، آبراه «العوج» و از شرق به برکه‌های «ام‌ارزال»، «ابوشوش»، «سوده‌ام‌توشه» و شمال با فاصله‌ای به آبراه‌ها و برکه‌های «هورالعظیم» محدود می‌شود. این دریاچه به مساحت تقریبی ۱۰۰

ص: ۱۱۷

---

۱- ۲۱. از بهم پیوستن نی و دیگر روئیدنیها در هور، بمرور زمان قطعاتی جزیره مانند بر روی آب ایجاد می‌شود که ساکنین منطقه به آنها تهل یا طهل می‌گویند. تهل‌ها اکثراً کوچک و متحرک می‌باشند، البته در هورالهویزه تهل‌های بزرگی نیز دیده می‌شود که به جزیره‌های ثابتی تبدیل شده‌اند و بادهای معمولی قادر به جابجایی آنها نمی‌باشد.

کیلومتر مربع در شمال غربی «هورالهویزه» و جنوب شرقی «عمار» قرار دارد.

آب دریاچه ام النعاج واقع در هورالهویزه از رودخانه های ایران تأمین می شود که از طریق آبراههای متفاوت در آن جریان می یابد، دریاچه و آبراههای منتهی به آن، دارای تهل های فراوان است. در شرق دریاچه تهلهای بیشتر متحرک بوده، مسیر حرکتشان شرقی - غربی است و عمدتاً بستگی به جهت وزش باد دارد.

قبل از جنگ عده ای عشایر در این دریاچه زندگی می کردند که بر روی تهلهای ثابت، حباشه (سایبان) ساخته، از راه صید ماهی امرار معاش می کردند.

همچنین فروش نی به کارخانه ی حصیربافی نیز بخشی دیگر از درآمد آنها را تشکیل می داد.

اهداف عملیات قدس ۴

۱- انهدام نیروی دشمن

۲ - آزادسازی بیش از ۱۵۰ کیلومتر مربع از دریاچه ام النعاج و در نتیجه تسلط بر بخشی دیگر از هور

۳ - گرفتن جای پا جهت گسترش عملیات

۴ - گرفتن جناح از دشمن و نزدیک شدن به قسمتی دیگر از خشکیهای عراق که شامل روستاهای سلف المعده، الهویه، حمیدان و... می شود که در جنوب شرقی العماره واقعند.

شناسائی

پس از تعیین محدوده ی منطقه عملیات، کار شناسائی از دو محور بر

ص: ۱۱۸

روی آبراهها، کمینها و پاسگاههای دشمن آغاز شد. نظر به حساسیت منطقه و هوشیاری نسبی دشمن، امر شناسایی نیازمند دقت و سختکوشی بسیار بود و طبیعتاً معضلاتی به همراه داشت.

در محور غربی دشمن دارای ۴ پاسگاه ارتشی و ۵ کمین فرسان الهور بود. کمینها نیز به دو صورت فعالیت می کردند. یکی متحرک، که با بلم در میان نینها مخفی می شدند و دیگری ثابت، که بر روی تهلها استقرار داشتند. در هر کمین دشمن از ۸ تا ۱۵ نفر نیرو با سلاحهای سبک مانند کلاش، آرپی جی حضور داشتند.

در محور شرقی در ام الطیره دو پاسگاه به استعداد جمعا ۳۰ نیرو و تعدادی کمینهای فرسان الهور وجود داشت. استعداد و آرایش کلی منطقه عبارت بود از لشکر ۲۹ در المعیل و تیپ ۱۱۷ مرزی، که گردان و عناصری از گردان ۲ این تیپ در دریاچه ام النعاج و گردان ۴ آن از ابوخصاف به سمت جنوب، در مقابل آبراه خیط، استقرار یافته بودند.

آخرین وضعیت قبل از عملیات - بافت و ترکیب نیروهای عمل کننده در این عملیات می تواند از ویژگیهای آن در مقایسه با سایر عملیاتها به شمار رود؛ زیرا غیر از فرماندهی و برخی کادرها، تمامی عناصر آن از نیروهای مجاهد عراقی بودند که در چهارچوب «تیپ بدر» سازماندهی شدند. عناصر تیپ بدر ترکیبی از ارتشیان پناهنده عراقی و مجاهدین غیر نظامی است که صرفاً به لحاظ بینش سیاسی و انگیزه حرکت و جهاد مسلحانه در جبهه حضور یافته اند. قابل ذکر است که هسته اولیه تیپ بدر ۲ سال قبل در حد یک گردان بنام شهید صدر تشکیل شد و سپس رو به گسترش نهاد؛ چنانچه در عملیات بدر توانستند با توانی بیشتر اجرای مأموریت نمایند.

آموزش - به منظور آمادگی نیروها آموزش فشرده برای آنها در



زمینه های شنا، غواصی، بلم زنی و قایقرانی به مورد اجرا گذارده شد.

همچنین در زمینه مهندسی و تدارکات، اقدامات مقتضی صورت گرفت؛ بطوریکه بوسیله نی بر آبراههای مورد نظر عریض گردید و پلهای خبیری به جلو منتقل شد.

واحد تدارکات نیز بنه های تدارکاتی را به جلو کشید و از آمادگی لازم جهت تدارک و تأمین عملیات، در چند روز اول، برخوردار گردید.

شرح عملیات: دشمن قبل از آغاز تک تقریباً روزی یک تا دوبار به وسیله هواپیماهای پی - سی - هفت منطقه را بمباران می کرد. در مواردی هم اقدام به شناسائی و گشت رزمی می نمود که به دلیل وجود کمین های خودی، نتوانست حرکتی عمده صورت دهد.

به هر روی، در تاریخ ۱ / ۵ / ۱۳۶۴ در ساعت ۱۲ نیمه شب تک آغاز شد. سرعت عمل نیروها و بهره گیری از عنصر غافلگیری موجب گردید دشمن تا مدتی با سرگشتگی و آشفتگی باشد و عملاً قادر به هیچ اقدام اساسی نشود. در این میان مسئله قابل توجه، اسارت مأمور بیسیم فرماندهی دشمن بود، که با گفتن الله اکبر خود را تسلیم نیروهای اسلام نمود.

دشمن پس از سقوط پاسگاه ها و تأمین اهداف عملیات، به اجرای شدید آتش توپخانه مبادرت ورزید - بطوریکه تردد در منطقه با اشکال مواجه شد.

در این موقع تعدادی از اسرا به تقاضای همکاری پاسخ مثبت داده به پای بیسیم منتقل شدند. از پست شنود با فرماندهی خود (در عقبه) تماس گرفته و تقاضای نیرو کردند. از آنجا که دشمن بر روی منطقه تسلط نداشت، نپذیرفت، ولی در مقابل تقاضای قطع آتش، به بهانه اینکه بر روی سر خودمان می ریزد، بعد از لحظاتی آتش توپخانه عراق بطور کلی قطع شد و در این فاصله تردها صورت گرفت و این امر، کمکی

شایان به رزمندگان نمود.

## نتایج عملیات

در پایان عملیات قدس ۴ نیمی از دریاچه ام النعاج که از شط الدوب در غرب دریاچه شروع شده و تا برکه ام سوده در شرق آن امتداد داشت، به وسعت ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتر مربع آزاد شد. همچنین بیش از ۲۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و ۵۳ نفر به اسارت درآمدند.

## عملیات قدس ۵

عملیات قدس ۵ بمنظور تکمیل اهداف قدس ۱ و ۲ در نظر گرفته شد و اهداف زیر برای آن منظور گردید:

- ۱- تصرف پاسگاه الیج واقع در هورالهویزه
  - ۲- نزدیک شدن به البیضه با توجه به حساسیت پاسگاه «الیج» که در سمت چپ پاسگاه بلاله و نزدیکی البیضه قرار داشت.
  - ۳- تأمین بیشتر جاده خندق
  - ۴- تأمین بیشتر جناح راست خط پدافندی که احتمال می رفت دشمن با اتکاء به خشکیهای موجود در این محور با نزدیک شدن به مواضع خودی، آنرا مورد تهدید قرار دهد.
  - ۵- محدودتر شدن خط پدافندی خودی و تقلیل پاسگاه های بر روی آب
- موقعیت منطقه - پاسگاه الیج واقع در هورالهویزه و در شمال

ص: ۱۲۱

منطقه عملیاتی بدر، حدفاصل پاسگاه بلال و جاده خندق، در شرق البیضه قرار دارد.

موانعی که دشمن در این منطقه داشت، عمدتاً عبارت بودند از: ۶ الی ۷ ردیف سیم خاردار: حدود ۷۰۰ متر میدان مین؛ بشکه های ۲۰۰ لیتری فوگاز (آتشزای ناپالم).

همچنین دشمن در پاسگاه الیج ۲ دستگاه تک لول ضد هوایی، ۲ قبضه خمپاره انداز ۸۱ و ۸۲ م.م و مهمات کافی جهت ۴۸ ساعت مقاومت در اختیار داشت و نیروی گردان سوم از تیپ ۷۰۱ کماندویی حذیفه در آن مستقر شده بود.

شروع عملیات: پس از کسب آمادگی های لازم، نیروهای تکاور در تاریخ ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۴، در حد فاصل ساعت ۱۸ الی ۱۹ بعد از ظهر، حرکت خود را از نقطه رهایی به سوی دشمن آغاز نمودند و پس از پشت سر گذاردن پاسگاههای خودی، با اندکی تأخیر در معابر و محورهای مورد نظر قرار گرفتند. در این اثنا مسئله قابل توجه تیراندازیهای کور و بدون هدف دشمن بود که در جوانب مختلف صورت می گرفت.

در ساعت ۲۳ پس از اعلام آمادگی کلیه نیروهای عمل کننده، رمز عملیات توسط فرماندهی با عنوان «یا علی ادرکنی» قرائت شد و به دنبال آن، درگیری در محورهای مختلف آغاز گردید.

در یکی از محورها وجود تک لول دشمن منجر به اشکالاتی در امر پاکسازی شد که پس از رفع مانع، عملیات ادامه یافت.

در محور دیگری که دشمن هوشیار شده بود، نیروهای خودی به قصد فریب دشمن تظاهر به پناهندگی نمودند. در این اثنا با سرعت عمل یکی از برادران و مسلح شدن وی، درگیری آغاز شد و در نهایت پس از سقوط پاسگاه، ۱۸ تن از عناصر دشمن به اسارت درآمدند.

نتایج عملیات - طی عملیات قدس ۵، ۳۰ کیلومتر مربع از هور آزاد شد، همچنین ۵۱ تن از نیروهای دشمن کشته شدند و ۱۸ نفر از آنها به اسارت درآمدند. علاوه بر این غنایمی از جمله خمپاره انداز، سلاح ضد هوایی تک لول و... از دشمن بدست آمد.

## عملیات عاشورای ۴

به دنبال عملیات قدس ۴، که توسط مجاهدین عراق در دریاچه ام النعاج صورت گرفت و منجر به آزادسازی قسمتی از آن شد، عملیات عاشورای ۴ به منظور آزادسازی کامل دریاچه، با همان ترکیب نیروی سابق (مجاهدین عراقی) تحت عنوان «تیپ بدر» در دستور کار قرار گرفت.

پس از تعیین حدود منطقه عملیاتی و واگذاری آن به تیپ بدر، کار شناسایی و آماده سازی منطقه آغاز شد. در این اثنا پناهندگی دو تن از قوای عراقی به نیروهای خودی، به لحاظ داشتن اطلاعات مناسب، توانست نقشی مؤثر در عملیات ایفا کند. شناسایی منطقه مزبور از آنجا که نیروهای تیپ بدر در منطقه حضور داشت، در صدد ادامه ی تک بودند، به آسانی صورت گرفت.

قابل ذکر است که دشمن در دریاچه ام النعاج، گروهان ۲ از گردان ۶ تیپ ۱۱۷ را در ۴ پاسگاه ثابت و یک پاسگاه شناور آرایش داده بود و نیز نیروهایی به نام فرسان الهور (۱) در کمین های دشمن استقرار داشتند.

ص: ۱۲۳

زمان آغاز تک، یک روز پس از میلاد امام هفتم (ع) (۸ صفر) در نظر گرفته شد، لذا رمز عملیات به همین مناسبت «یا موسی الکاظم (ع)» انتخاب شد.

در ساعت ۲ بعد از نیمه شب، عملیات با قرائت رمز آغاز گردید. در محور شرقی عملیات، به لحاظ استفاده از اصل غافلگیری و نیز پشتیبانی مؤثر آتش ادوات، دشمن هراسان شده، در همان ساعات اولیه اهداف مورد نظر تأمین گردید. فی المثل نیروهای خط شکن که با بلم به سمت هدف های خود در حرکت بودند، در سر آبراه بجبله و نصله با چند ردیف سیم خاردار - که نیروهای کمین در پشت آن مستقر بود - روبه رو شدند؛ ولی با این وجود فرصت را از دست نداده، دشمن را از جناح چپ زیر آتش قرار دادند و پس از باز شدن معبر، با عبور از میان موانع، کمین های دشمن بدون هیچ گونه مقاومتی پا به فرار گذاشتند و بدین وسیله ۱۵ کمین دشمن که از نیروهای فرسان الهور بودند، سقوط کرد و پس از آن پیشروی به سمت پاسگاه های دشمن ادامه یافت و بدین ترتیب به سقوط آنها منجر شد.

در محور غربی عملیات با اجرای آتش مناسب و استفاده از مانور آتش و حرکت، نیروهای غواص ابتدا با پرتاب نارنجک به طرف سنگرهای دشمن تهاجم خود را آغاز کردند و سپس با رسیدن نیروهای موج بعدی و استمرار تک، پاسگاههای دشمن یکی پس از دیگری سقوط نمود.

در صبح روز اول عملیات، در حوالی ساعت ۵ / ۱۱ صبح، دشمن پاتک خود را آغاز کرد؛ لیکن با اتخاذ تدابیر مناسب توأم با خونسردی،

نیروها در میان نی ها کمین کرده، پس از نزدیک شدن دشمن، به آنها حمله ور شدند و بدین وسیله پاتک دشمن خنثی شد.

پاتک دوم دشمن در ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز، با پشتیبانی آتش توپخانه و حمایت هواپیمای پی - سی - ۷، با ۱۲ فروند قایق شروع شد.

مجاهدین عراقی در میان نی ها به کمین نشستند تا اینکه دشمن به فاصله ۵۰۰ متری آنها رسید، سپس ۳ فروند قایق به فرماندهی شهید ابوالخیر از میان نی ها بیرون آمده، آتشی پر حجم را روی دشمن اجرا نمودند. با این اقدام، ۱۲ فروند قایق دشمن تصمیم به فرار گرفتند؛ ولی با تعقیب آنها توسط مجاهدین عراقی، اجبارا به حواشی دریاچه رسیدند و پس از برخورد با نی ها متوقف شدند و این امر موجب کشته و اسیر شدن تعدادی از آنها و به غنیمت گرفته شدن ۸ فروند از قایق هایشان گردید.

در این تعقیب و گریز، برادر ابوالخیر به شهادت رسید؛ ولی مخابراتچی قایق او حاضر به بازگشت نشد و با انگیزه ی گرفتن انتقام شهید ابوالخیر به تعقیب قایق های عراقی ادامه داد تا اینکه بر اثر سرعت بیش از اندازه قایق شهید ابوالخیر بر روی قایق دشمن سوار شد، بطوری که هر ۳ نفر نیروهای داخل آن به هلاکت رسیدند.

در روز دوم عملیات، دشمن به لحاظ اهمیت دریاچه ام النعاج تصمیم به باز پس گیری آن گرفت و جهت انجام این مهم، ابتدا فرماندهی منطقه را که از خود ضعف نشان داده بود، تعویض و به دنبال آن اقدام به سه پاتک متوالی نمود.

در پاتک اول، دشمن ۸ فروند قایق را با پشتیبانی ۵ فروند هواپیمای پی - سی - ۷ وارد عمل کرد. در پاتک دوم، ۸ فروند و یک دستگاه نفربر خشایار توأم با پشتیبانی هوایی وارد عمل شد. سومین پاتک

دشمن از المجرى با ۱۲ بلم و حمايت هواپيماى پى - سى - ۷ آغاز شد. در اين ميان مجاهدين عراقى از تاکتيک استتار در نى ها و سپس حمله به دشمن، استفاده کرده، به آنها حمله ور شدند. دشمن با مشاهده مکرر اين صحنه غافلگير شده، اقدام به فرار کرد.

همچنين يکى از مجاهدين عراقى هنگام تعقيب قايق دشمن با نقص فنى دوشکا مواجه شد و نتوانست تيراندازى کند، لذا از پشت قايق، خود را به قايق دشمن کوبيد و منجر به غرق شدن آنها گرديد.

در عمليات عاشوراى ۴ تمامى اهداف مورد نظر تأمين شد و نتايج زير بدست آمد:

- آزادسازى ۱۱۰ كيلومتر مربع از زمين هاى منطقه

- تصرف ۳ پاسگاه و کمين دشمن

- اسارت ۷۶ تن از نيروهاى دشمن (که تنها در حين پاتک اسير شدند)

- به غنيمت گرفتن ۲۷ قايق و بلم، ۹۹ قبضه سلاحهاى نيمه سنگين، ۲ قبضه ضد هوائى تک لول ۵/ ۱۴ و ۴ قبضه خمپاره انداز ۸۲ و ۶۰ م.م.

در اين عمليات، دشمن بيش از ۳۰۰ نفر کشته و زخمى به جاى نهاد؛ ۲۵ پاسگاه منهدم شد؛ يک فروند هواپيماى پى - سى - ۷ سقوط کرد و بيش از ۱۰۰ فروند قايق و بلم دشمن منهدم و نابود گرديد.

### **نتايج و ارزيايى عمليات محدود**

پس از آنکه سلسله عمليات محدود انجام گرفت از آنجا که قسمت اعظم آن در هور بود، لذا دشمن دچار نوعى هراس و شتابزدگى شد

ص: ۱۲۶

و همچنین همین امر موجب مبادرت دشمن به ترمیم اساسی مواضع و استحکامات دفاعی خود شد که آن را استراتژی پدافندی نامید.

علاوه بر این زنده نگاه داشتن جو جنگ و مقاومت، خصوصاً پس از اهتمام به جنگ شهرها، نقشی بسزا را در خارج و داخل داشت.

به هر روی، سلسله عملیات قدس و عاشورا نشانگر ادامه مقاومت و استمرار در ادامه جنگ به هر شکل ممکن بود. این امر گذشته از سایر نتایج دستاوردهای نظامی عملیات و آسیب پذیری و انهدام دشمن است که قسمتی از آن به شرح زیر است:

۱ - حفظ روحیه تعرضی

۲ - افزایش انسجام یگانها و پرورش کادر و افزودن به تجربیات جنگی آن ها

۳ - گرم نگاه داشتن جو جنگ در میان مردم

۴ - تضعیف روحیه سربازان دشمن و ایجاد تزلزل در آنان

۵ - به ضعف کشاندن موضع قدرت نمائی و مانور دشمن که پس از عملیات بدر با جنگ شهرها در حال افزایش بود

۶ - در انفعال قرار دادن دشمن و گرفتن مجال هر گونه پدافند از او

۷ - باز پس گیری بخشی از اراضی اشغالی و پیشروی در خاک دشمن

۸ - خاطر نشان ساختن توانایی و قابلیت‌های نظامی جمهوری اسلامی جهت وارد آوردن فشارهای پی در پی به دشمن

۹ - فریب دشمن و ممانعت از هوشیاری آن نسبت به تلاش های اصلی و گسترده در آینده

۱۰ - نزدیک شدن به عمق دشمن در بعضی مناطق و تسلط بر



۱۱ - بهره گیری از زمان و مشغول ساختن دشمن، جهت طراحی عملیات گسترده (والفجر ۸) و بازسازی و سازماندهی یگانها

۱۲ - در خط چیدن نیروهای احتیاط دشمن - از آنجا که دشمن سلسله عملیاتهای محدود را سراسری و در طول مرز فرض می کرد، لذا مبادرت به تقویت خطوط عملیاتی کرد که عمدتاً با بهره گیری از نیروهای احتیاط بود. و این از نظر مصرف شدن نیروهای دشمن و آسیب پذیری آنها از اهداف عملیات محدود بشمار می رفت.

۱۳ - تقویت پشتیبانی یگان های رزمی توسط مردم هر منطقه.

نتایج حاصله از عملیات زنجیره ای قدس ( ۱ تا ۵) از تاریخ ۲۳ خرداد تا ۱۵ مرداد ۶۴ (پنجاه روز):

انهدام نیروی دشمن: سه تیپ شامل: تی ۵۸ از لشکر ۲۴، تی ۲ حطین از لشکر ۲۵، دو گردان از تیپهای ۱۱۷ و ۷۰۱ از لشکر ۲۹

تلفات پرسنل: ۳۰۰۰ نفر کشته و زخمی

اسیر: ۲۳۵ نفر

ضایعات دشمن: هلی کوپتر ۳ فروند، هواپیما ۲ فروند، قایق، ۳۲۵ فروند، خودرو ۱۵ دستگاه، تانک ۴ دستگاه، خمپاره ۱۵ قبضه، تفنگ ۱۰۶ م.م. و قبضه

وسعت زمین آزاد شده: ۴۰۵ کیلومتر مربع

غنائم بدست آمده: قایق ۲۶ فروند، بی سیم ۱۵ دستگاه ضد هوائی، ۴ قبضه سلاح انفرادی، ۳۰۰ قبضه خمپاره ۹ قبضه

ملاحظات: آمار یاد شده تنها متعلق به قدس ۱ تا ۵ می باشد و از آمار عملیات عاشورای ۴ ذکری به میان نیامده است.

ص: ۱۲۹

همانطور که گفته شد، پیروزیهای فزاینده جمهوری اسلامی که با فتح خرمشهر به اوج خود رسید، غرب را بر آن داشت که به منظور فراهم آمدن شرایط مناسب در تحمیل صلح و سازش به جمهوری اسلامی، تلاش اصلی را معطوف بر حفظ صدام نماید.

بدین ترتیب از یک سو تصمیم قطعی غرب و پافشاری بر حفظ صدام به هر شکل ممکن (از طریق کمکهای همه جانبه به رژیم بعثی و ادامه تحریم فروش سلاحهای نظامی به ایران) و از سوی دیگر عزم راسخ جمهوری اسلامی جهت حصول به اهداف خود در جنگ و تن در ندادن به سازش و تسلیم نشدن در برابر فشارهای همه جانبه استکبار، به نوعی حالت نه جنگ، نه صلح را میان طرفین حاکم ساخت. به عبارت دیگر استکبار جهانی سعی داشت جمهوری اسلامی توانائی لازم جهت انجام حرکت سرنوشت ساز و تعیین کننده به منظور اختتام جنگ، با پافشاری بر آرمانهای مطلوب خود را از دست بدهد.

در واقع حفظ صدام و بازداشتن ایران از پافشاری روی آرمانهای خود، برقراری موازنه ی قوا بود. از این رو افزایش و تقویت توانائیهای تکنولوژی عراق، خاصه نیروی هوایی، در دستور کار دنیای استکبار قرار

گرفت و به دنبال آن دشمن سعی کرد آسمان را بطور مطلق در اختیار بگیرد تا شاید بدین وسیله به لحاظ ضعف های متعددی که داشت، جنگ را از میدان رزم زمینی به آسمان، دریا و شهرها بکشاند.

در این میان آنچه غرب را بر اتخاذ سیاست مزبور واداشت، قطعاً هراس از تاکتیکهای ویژه جمهوری اسلامی بود امری که به عنوان یک عنصر و عامل اساسی، نقش تعیین کننده در کسب پیروزی داشت.

طبیعتاً انجام حرکت‌های غیر مترقبه از سوی جمهوری اسلامی در بطن خودفروپاشی رژیم عراق و نتیجتاً گسترش انقلاب اسلامی را در بر دارد و منافع غرب را بطور کلی، نه تنها در رابطه با جنگ بلکه در کل منطقه خاورمیانه، با تهدید اساسی مواجه می سازد.

از این رو غرب به منظور بازداشتن ایران از دستیابی به هر گونه موفقیتی که رژیم بغداد را متزلزل و گسترش انقلاب اسلامی را تسهیل نماید، به هر شیوه ی ممکن متوسل می شود.

بر این اساس غرب سیاست دیپلماسی - فشار را اتخاذ نمود و در این روند، رژیم بغداد بعنوان عامل فشار مستقیم به جمهوری اسلامی، تحت حمایت و هدایت غرب قرار گرفت.

گرچه غرب بعینه مشاهده می کرد که سیستم موجود در عراق فاقد بهره برداری لازم و کامل از مساعدتهای غرب می باشد، لیکن بن بست جنگ، راهی جز این برای غرب باقی نگذاشته بود. به هر روی، غرب با چهار عامل اساسی به کمک حاکمان بغداد شتافت:

۱ - تکنولوژی برتر (خصوصاً در زمینه هوایی)

۲ - آواکس و دستگاههای جاسوسی

۳ - کسب اطلاع از تاکتیکها و تواناییهای نظامی ایران و بهره برداری از فکر مستشاران دنیای استکبار از این امر

ص: ۱۳۱

دشمن علیرغم اینکه توانست در برهه ای خاص از زمان با گسترش سازمان رزم خود به ۵۰ لشکر با عمق بخشیدن به میادین مین و موانع و استحکاماتش و نیز ممانعت از تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده وقفه ای در پیشرفت رزمندگان به داخل خاک عراق ایجاد کند، لیکن این وضع ناپایدار بود با گذشت زمان و رشد توانائی های جمهوری اسلامی در زمینه ی جنگ - طراحی عملیات در موقعیتهای مختلف جغرافیائی (دشت، کوهستان، آب، رمل و...)، سازماندهی نیرو و گسترش سازمان رزم - در بطن خود تزلزل و بی ثبات ساختن رژیم بغداد را در برداشت.

در هر صورت رویارویی غرب با وضعیت یاد شده چیزی است که بن بست جنگ را برای غرب پیچیده تر می کند و قطعا غرب نتوانست از روند جنگ برای خود طرفی ببندد. آنچه در ارتباط با عراق قابل توجه است و تا اندازه ای منجر به افزایش نیروی بازدارندگی آن شده، گذشته از استراتژی غرب و حمایت‌های همه جانبه عملی و نظری آنها، تلاش و سختکوشی دشمن در اصلی قرار دادن جنگ بوده است.

در مقاطع مختلف، برخوردهای رژیم عراق با حوادث و رخداد‌های گوناگون، دقیقا نشانگر این امر است که دشمن از آنجا که تمامی حیات سیاسی - نظامی - اجتماعی - اقتصادی خود را در گرو عدم موفقیت جمهوری اسلامی در جنگ می داند، لذا به گونه ای واقعگرایانه تمامی توان خود را در جهت پشتیبانی و پاسخگوئی به نیازهای جنگ قرار داده است. فی المثل همزمان با عملیات والفجر مقدماتی، دشمن ۸۰٪ تشکیلات وزارت راه خود را تعطیل و در مناطق عملیاتی متمرکز نمود. نمونه دیگری که در نزدیکی عملیات والفجر ۸ رخ داد،

بسیج چندین هزار نفر از مردم عراق توسط استانداریها، به منظور بریدن نی در داخل هور بود! گذشته از این، از آنجا که دشمن استمرار جنگ را برای خود فرض می داند، لذا علاوه بر تلاشهایی که در زمینه اقتصادی به صورت میان مدت و بلند مدت انجام می دهد، سعی وافر در حل کمبود نیروی انسانی خود دارد؛ چنانچه زنان و کارگران خارجی و مردان عراقی، اعم از نوجوان، جوان و پیر را، به گونه ای مناسب در خدمت جنگ قرار داده و در نتیجه توانسته است نزدیک به یک میلیون نفر را به جبهه گسیل دارد.

البته نمی توان فشار حاکم بر مردم و جنایت رژیم بغداد را در این روند نادیده گرفت، لیکن دشمن به هر شکل ممکن، هر چند ناپسند و ناروا و توأم با ظلم و جنایت در حال حفظ آن چیزی است که آن را رگ حیات خود می پندارد!

بسیج کلیه امکانات و قرار دادن آن در خدمت جنگ از سوی رژیم عراق، حاکی از این است که به لحاظ اهمیت اساسی جنگ و ارتباط تنگاتنگ آن با اوضاع سیاسی - اجتماعی - اقتصادی کشور، نمی توان نسبت به هر آنچه که جنگ را مورد تضعیف قرار می دهد، تساهل و تسامح به خرج داد.

به هر صورت، با اشاره به استعداد نیروهای مسلح ارتش عراق و اقلام عمده ی تجهیزاتی تا مهرماه سال ۱۳۶۴ - این بحث را پایان می بریم:

نیروی زمینی: ۹۶۰۰۰۰ نفر

نیروی هوایی: ۳۵۰۰۰ نفر

نیروی دریایی: ۱۰۰۰۰ نفر

تانک و نفربر زرهی: ۷۰۰۰ دستگاه

توپ پدافند هوایی: بیش از ۴۰۰ قبضه

ص: ۱۳۳

توپ صحرائی: ۲۵۰۰ قبضه

تانک بر: ۲۰۰۰ دستگاه

استعداد نیروهای پدافندی دشمن در جبهه ها:

۵۵۵ گردان نیروی پیاده

۱۴۸ گردان (۱) تانک و مکانیزه

۱۲۵ گردان توپخانه

۴۰ گردان پدافند هوایی

همچنین دشمن ۵ لشکر زرهی، ۳ تیپ مستقل زرهی، ۲ تیپ مستقل مکانیزه نزدیک به ۲۰ تا ۲۵ لشکر پیاده و ۸۰ تیپ مستقل و ۱۰ تیپ مستقل نیروی مخصوص و کماندوئی در اختیار دارد.

نیروی هوایی عراق نیز دارای ۴۵۰ فروند جنگنده شکاری است که باید ۵۰ فروند هواپیمای پی - سی - ۷ را بدان اضافه نمود.

تعرضات زمینی و هوایی دشمن در مدتی که طراحی عملیات والفجر ۸ صورت می گرفت، اساسا برخاسته از ذهنیت دشمن نسبت به تدابیر آتی جمهوری اسلامی و نیز ناشی از استراتژی و تاکتیک های عملیاتی بود.

بر این اساس دشمن در مقابل سلسله تعرضهای احتمالی پیرامون اقدامات جمهوری اسلامی در جبهه های نبرد، مجموعه ی حرکتی را در زمین و هوا سامان بخشید و به اجراء درآورد.

تعرضات زمینی

آنچه عراق را پس از فتح خرمشهر به گزینش و انتخاب لاک

ص: ۱۳۴

---

۱-۲۳. استعداد هر گردان بین ۴۵ تا ۵۰ دستگاه تانک و نفربر است که جمعا ۵۴۰۰ تا ۶۰۰۰ دستگاه تانک و نفربر را شامل می شود.

دفاعی واداشت، برخلاف تصور طراحان آن، نتوانست افق و دورنمایی روشن را برای رژیم بغداد ترسیم نماید؛ بدین معنی که عراق نه تنها قادر به ممانعت از تهاجمات پی در پی و مستمر قوای نظامی ایران نشد، بلکه ضایعات و تلفاتی بسیار را متحمل شد.

وضعیت یاد شده برای نیروهای پدافندی دشمن که فاقد هر گونه تحرک بودند و نیز تحمل انتظار تهاجم نیروی مقابل، استقامت و روحیه نبرد را در آنها درهم می شکست. از این رو عراق به منظور تقویت روحیه نیروهای پدافند کننده خود و نیز رهانیدن آنها از ضعف و سستی، بر آن شد که به هر شکل ممکن، با راهیابی مناسب، مسایل یاد شده و معضلات ناشی از آن را حل نماید.

به دنبال آن، عراق با یک طراحی همه جانبه پس از عملیات خیبر، تهاجم خود را به برخی از مناطق از جمله جزایر مجنون، مهران، میمک، سومار سامان بخشید. تعرضات جدید دشمن، که به صورت موضعی و محدود بود. انعکاسی وسیع در رسانه های جهانی داشت و به منزله مرحله ای جدید از جنگ تلقی گردید.

این تهاجمات عمدتاً به دو منظور صورت می گرفت: یکی گرفتن یک یا چند هدف محدود و دیگری بر هم زدن آرایش و سازمان رزم نیروهای خودی.

در این زمان اقدامات دشمن در سراسر خطوط مرزی گسترش داشت، اما منطقه ای که برای دشمن حائز اهمیت بود و از این رهگذر اهداف خاصی را دنبال می کرد عمدتاً منطقه هورالهوریزه را شامل می شد و این مسئله جدا از عملیات بود و سلسله عملیاتی که پس از آن به صورت محدود در هور صورت گرفت، نبود. به هر حال، دشمن اهدافی خاص را در ورای تعرضات خود تعقیب می کرد که اساساً جدا از شرایط



حاکم بر جنگ نبود و قسمتی از آن می تواند چنین باشد:

۱ - تقویت روحیه نیروهای پدافندی دشمن - که در مناطق مختلفی مورد تهاجم واقع شده و یا در معرض تعرضات آتی جمهوری اسلامی قرار داشتند.

۲- وارد آوردن فشار اقتصادی از طریق بمباران خارک و مراکز نفتی

۳ - خنثی کردن اثرات تبلیغی حرکت گسترده کاروان راهیان کربلا، که هراسی فزاینده در دشمن ایجاد کرده بود.

۴- پاسخ به سلسله عملیتهای محدود که تحت نام های قدس، عاشورا و ظفر انجام گرفت.

۵ - گرفتن اسیر و تخلیه اطلاعاتی آنها به منظور اطلاع از محور اصلی عملیات گسترده

۶- ترمیم و تکمیل مواضع پدافندی و گرفتن هر گونه جا پای نیروهای خودی.

تعرضات هوایی

تدبیر دشمن در مقابل هر گونه تلاش مهندسی؛ مراکز تجمع نیروها و نقل و انتقالات خودی، عمدتاً سرکوب و انهدام به وسیله بمباران هوایی، اجرای آتش شدید توپخانه و نیز پیگیری اطلاعاتی از طریق عکس هوایی و شنود می باشد.

بر این اساس از آنجا که حرکت کاروان راهیان کربلا، نزدیک بودن زمان عملیات را به دشمن خاطرنشان می ساخت، لذا فعالیت های هوایی دشمن ابعادی وسیع و شدید گرفت. در واقع دشمن با

ص: ۱۳۶

تعرضات هوایی خود، در کنار بمباران پایانه های نفتی جزیره ی خارک، سعی داشت در جبهه زمینی نیز سازمان نیروهای خودی را مختل سازد. به همین لحاظ، نیروی هوایی دشمن تنها در بهمن ماه سال ۶۴، در خطوط عملیاتی و شهرهای مرزی، دست به یک تهاجم وسیع و سراسری زد، که عمدتاً توأم با شکستن دیوار صوتی، بمباران و عکسبرداری هوایی بود.

با تغییر یافتن میدان نبرد از خشکی به آب های هورالهوریزه در عملیتهای خیبر و بدر، ابتکار عمل در دست قوای نظامی ایران قرار گرفت و پس از آن دشمن با وضعیتی جدید روبرو شد که عملاً به لحاظ تجارب گذشته جنگ و نیز تفکر کلاسیک خودیابی و انطباق سازمان رزم ارتش عراق با وضعیت جدید، مدتی به طول خواهد انجامید، که طبعاً از این فرصت مناسب برای درهم کوبیدن نیروهای دشمن و ضربه زدن به آن می توان بهره گرفت.

در این میان دشمن با پشت سر نهادن عملیات خیبر و بدر و نیز سلسله عملیتهای محدود در هور، بنا به تجارب بدست آمده تدابیری جدید را، به منظور بازدارندگی تهاجم نیروهای تک ور به مواضع و استحکاماتش، اتخاذ نمود که قسمتی از آن پدافند عمق دار بود. بدین معنا که دشمن با توجه به موقعیت طبیعی منطقه و بر رده های پدافندی و موانع و استحکاماتش افزود تا بدین وسیله شتاب و خیزش فزاینده و چشمگیر رزمندگان را در دستیابی به هدف دچار تعلل و تأخیر نماید.

دشمن در منطقه هورالهوریزه به دلیل محدودیت زمینی شرق و غرب رودخانه دجله (در حد فاصل الحسان تا البیضه)، اقدام به احداث سیلبندهای متعدد کرد تا بدین وسیله با خشکاندن قسمتی دیگر از آب هور بر خشکی منطقه افزوده، عمق بیشتری به آن بدهد و از این طریق، گذشته

از ایجاد مواضع و استحکامات مورد نظر زمین را برای مانور زرهی نیز آماده نماید. علاوه بر مسائل یاد شده، دشمن به منظور افزایش تأمین مواضع و خطوط اولیه خود و نیز دور نگه داشتن آن از دسترس نیروهای تک و مبادرت به ایجاد سیستم هشداردهنده کرده است تا بدین وسیله با افزایش کمین ثابت و سیار، در فاصله ای زیاد از خطر اول، هر گونه درگیری با کمین به منزله ی هشدار و به صدا درآوردن زنگ خطر برای ارتش عراق به حساب آید. گذشته از این، دشمن در هور با گسیل داشتن نیرویی قابل ملاحظه از مردم و کارمندان اداره های دولتی اقدام به بریدن نی ها کرد تا بدین وسیله هر گونه موانع بازدارنده ای را که دید و تیر دشمن را دچار ضعف و نقصان می کند و یا احتمال اختفا و استتار نیروی تک و در میان آن وجود دارد، برطرف نماید.

مبتهی بر مسائل یاد شده، عراق در حد فاصل عملیات بدر تا والفجر ۸ اقداماتی را در دو منطقه غرب اروند (فاو) و نیز هورالهویزه انجام داد که توضیح آن، به ترتیب، در پی می آید.

عراق براساس یک استراتژی پدافندی - که مبتهی بر شکل جدید جنگ (عملیات آبی - خاکی) بود - فعالیت مهندسی خود را به منظور ایجاد پدافند عمق دار و پیش بینی استقرار نیروهای احتیاط کمی و کیفی در آن، آغاز کرد.

دشمن در این روند با تکمیل سیلند خط اول سعی داشت خط پدافند اصلی خود را بر روی آن قرار دهد تا بدین وسیله از اثر سوء جزر و مد آب و رخنه آن به خط اول خود جلوگیری کند و در ضمن، از امکان غافلگیر شدن بکاهد. در هر صورت آنچه دشمن در این فاصله انجام داد، عمدتاً حول سه محور کلی دور می زند:

۱- تغییر زمین (احداث و مرمت جاده ها، خاکریز و...)

### اقدامات مهندسی

دشمن پس از عملیات خبیر و تلاش هایی که به دنبال عملیات انجام نشده «والفجر ۸» (۱) در غرب اروند صورت گرفت، اقدام به فعالیتهای مهندسی در داخل نخلستان کرد - به این ترتیب که در میان نخلها و انتهای آن خاکریز احداث نمود و نیز سنگرهای لب آب را که دارای فاصله بود، متصل ساخت تا امکان شناسایی از عمق دشمن برای نیروهای خودی فراهم نیاید. علاوه بر این به عمق ۱ کیلومتر در سراسر حاشیه رودخانه اروند نخلها را قطع کردند.

تدبیر دشمن در منطقه غرب اروند، به لحاظ موقعیت زمین منطقه و وجود نخل در طول حاشیه رودخانه اروند و نیز کیفیت رزم نیروهای خودی، چنین بود که با هر گونه حضور نیروهای تک و در نخلستان، که طبعاً پاکسازی آن از سوی دشمن با مشکلات و معضلات عدیده ای روبرو بود، مقابله اساسی به عمل آید. برخلاف منطقه خشکی و خصوصا در دشت باز، که زرهی از قدرت مانور بیشتری برخوردار است، دشمن با تاکتیکهایی که اتخاذ می کرد، بعضا مایل به دادن زمین و گرفتن زمان بود تا در این فاصله خود را بازیافته؛ با نیروهای تک و در مقابل ای مناسب بنماید؛ لیکن در منطقه غرب اروند به لحاظ ضعف های عدیده دشمن و نیز قوتهای قابل ملاحظه قوای نظامی خودی، دشمن شدیداً از این تاکتیک

ص: ۱۳۹

احتراز می کرد، چنانچه در دستورالعمل استراتژی پدافندی (۱) مواردی از آن با ذکر مصداق بیان شده بود.

بر این اساس دشمن بر آن بود که در صورت امکان، هر گونه تحرک و اقدامی را در ساحل خودی (به هنگام آغاز تک) روی آب و یا در ساحل دشمن (به هنگام سرپل گیری)، درهم بکوبد؛ بدین منظور دشمن اقدامات زیر را انجام داد:

۱ - قطع نخلها و سوزاندن چولانها (گیاهان درهم پیچیده حاشیه اروند) به منظور ایجاد دید و تیر بهتر بر روی آب و ساحل خودی

۲ - ایجاد سنگر به منظور ازدیاد دیدگاههای مسلط بر آب و تحت نظر گرفتن هر گونه تحرک نیروهای خودی

۳ - ایجاد جاده های نسبتا زیاد و عمود بر خط، جهت تسهیل حرکت یگانهای پاتک کننده و نیروهای احتیاط

۴ - پیش بینی پشتیبانی قوی و احداث موضع توپخانه و سکوی شلیک تانک و ضد هوایی

مسدود کردن نهرها

از آنجا که دشمن احتمال تک و ادامه آن را بهره گیری از نهرهای (۲) موجود در منطقه خودی و دشمن محتمل می دانست، لذا به منظور ممانعت از تک، تلاشی عمده معطوف مسدود کردن نهرهای ساحل اروند و نیز ثبت تیر بر روی نهرهای مقابل (خودی) کرده بود. در این روند

ص: ۱۴۰

---

۱-۲۵. اسناد و مدارک بدست آمده از دشمن.

۲-۲۶. در زمینه تشریح منطقه توضیحات لازم داده خواهد شد.

دشمن نهرها را با خاک و تنه درخت مسدود ساخت و به طور میانگین درون نهرها را، تا سه ردیف، موانع سیم خاردار و خورشیدی بکار برد.

#### ایجاد موانع و استحکامات

دشمن تدابیری مناسب را به رفع تهدیدهای موجود در مناطق مختلف در نظر گرفته بود. فی المثل جهت مقابله با غواصها، سیم خاردار و موانع خورشیدی و برای هاورکرافت و پهلو گرفتن شناور، موانع سه پایه ای در نظر گرفته بود.

دشمن در دهانه نهرها جهت ممانعت از حرکت قایق، نبشی به صورت ضربدیری نصب کرده و در ساحل فاو و رأس البیشه به تصور بکارگیری هاورکرافت، موانعی به شکل سه پایه ای از تیر آهن و به ارتفاع ۶ متر قرار داده، اطراف آن را با سیم خاردار پوشانیده بود.

به مرور و با گذشت زمان، دشمن به موانع و استحکامات خود شکلی جدید داد، چنانچه از تیرماه سال ۶۱ به بعد مبادرت به احداث کانال در جنوب جاده اسفالته ام القصر و پایگاه موشکی و نیز نصب موانع خورشیدی در ساحل خور عبدالله مقابل خاک کویت نمود؛ بگونه ای که فعالیت یک ماهه دشمن بیشتر صرف نصب سه پایه آهنی و کندن کانال شد.

#### اقدامات مهندسی در هورالهویزه

از آنجا که اساساً ذهنیت دشمن در مورد عملیات گسترده معطوف به هورالهویزه (۱) شده بود، لذا اقداماتی گسترده و شدید در هور بکار

ص: ۱۴۱

بست. آنچه دشمن در زمینه مهندسی انجام داد، بطور کلی موارد زیر را در بر می گرفت:

۱ - ایجاد میدان دید و تیر بهتر با بریدن و سوزاندن نزارها و چولانهای مقابل سیلند خط اول

۲ - ایجاد تسهیل در حرکت نیروهای پاتک کننده

۳ - خشکاندن بخشی دیگر از هور با احداث سیلند به منظور وسعت دادن به منطقه خشکی و مساعد نمودن آن برای مانور زرهی و ایجاد پدافند مناسب

۴ - ازدیاد کمینها به منظور جلوگیری از غافلگیری شدن و مقابله با شناسایی عناصر خودی.

انتظار در هور

منفعل نمودن دشمن در برابر اقدامات خودی در غرب اروند و نیز معطوف داشتن ذهنیت آنها به هور هدف عمده و اصلی اجرای طرح فریب و همچنین لازمه بکارگیری اصل غافلگیری بود. به عبارت دیگر آنچه دشمن در غرب اروند و هور - در زمینه های مختلف و کسب آمادگی - انجام داد، اساسا برخاسته از درک نادرست از محور اصلی تهاجم گسترده قوای نظامی ایران و نیز تأثیرگذاری طرح فریب بر روی نیروهای عراق بود.

دشمن بنا به تحلیل و استنباطی که از توانایی و قابلیت های نظامی قوای ایران و استراتژی هور و نیز اقدامات مهندسی خودی در دو منطقه هور و غرب اروند داشت، اساسا غرب اروند را به عنوان یک حرکت ایذائی و یا حداقل محدود تلقی کرده و به هور، بعنوان محور اصلی تهاجم گسترده می نگریست چنانچه عدنان خیرالله، وزیر دفاع عراق، برای کسب

ص: ۱۴۲

اطمینان از میزان آمادگی نیروهای دشمن از منطقه سپاه ششم (در هور) بازدید به عمل آورد. نمونه دیگر اینکه رژیم بعثی بیش از چندین هزار نفر از مردم و کارمندان ادارات دولتی عراق را به منظور نی بری به هور گسیل داشت. علاوه بر این حساسیت بیش از اندازه نیروی هوایی عراق نسبت به هور، موجب شد که تکهای ممانعتی و بمبارانهای مکرر در هور شکلی خاص بخود گرفته، نمایانتر از سایر مناطق باشد.

دشمن براساس ذهنیت یاد شده نسبت به هور - علاوه بر اقدامات مهندسی که در بخش پیشین به آن اشاره شد - تحرکات و جابجائیهای زیر را انجام داد:

۱- انتصاب سلطان هاشم (۱) بعنوان فرماندهی سپاه ششم عراق، که در هورالهویزه مستقر بود.

۲ - پوشانیدن منطقه هورالهویزه با ۵ الی ۶ لشکر در خط و یک لشکر در احتیاط

۳ - انتقال لشکر ۱۰ زرهی به نزدیکی پل غزیه

۴ - مستقر ساختن دو لشکر زرهی ۳ و ۶ در العماره و بصره تا در صورت لزوم از دو محور شمالی و جنوبی وارد منطقه نبرد شوند.

۵ - گسترش ۳ تیپ نیروی مخصوص بصورت احتیاط در منطقه.

۶ - استقرار ۲ تیپ، (تیپ ۳ نیروی مخصوص و تیپ ۴ پیاده گارد جمهوری) در هورالحمار و هورالچپایش حدود سه ماه

ص: ۱۴۳

---

۱- ۲۸. وی قبلا مسئولیتهای فرماندهی لشکر ۸ و ۱۸، افسر ستاد سپاه ۷، و فرماندهی سپاه ۵ و مدیریت عملیات نظامی ستاد مشترک را بر عهده داشته است.



قبل از عملیات، به منظور انجام مانور و تکمیل امکانات دریائی و آبی، ضمناً نیروهای مزبور هنگام نزدیکی عملیات برای انجام مانور به منطقه ای در حوالی بغداد منتقل شدند.

۷- نیروی هوائی عراق مکرراً در هورالهویزه پرواز توجیهی انجام می داد تا در صورت لزوم بتواند دقیقاً اهداف خود را کشف و منهدم کند. چنانچه یک خلبان اسیر عراقی بعد از عملیات اظهار داشت:

«پایگاه ما برای عملیات در هور آمادگی کامل داشت تا با حدود ۴۰ فروند پرواز داشته باشیم و هدف بزنیم».

ص: ۱۴۴

شکی نیست که هر گونه تحرک نظامی در جبهه، از تأثیرگذاریهای مثبتی در زمینه های سیاسی - اجتماعی، نظامی برخوردار خواهد بود لیکن نمی توان این نکته را نادیده انگاشت که تعیین سرنوشت نهائی جنگ تنها در گرو عملیات گسترده می باشد. عبارت دیگر آنچه که جنگ را از حالت توازن قوا و نتیجتاً بن بست خارج کرده و ابتکار عمل را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار می دهد و همچنین توانائیهای تکنولوژیک عراق را به زیر سؤال می برد، انجام عملیات در مقیاس گسترده است.

طبیعی است که جهت افزایش تأثیرگذاری تحرکات نظامی ایران، لزوماً بایستی این تعرضات با سرعت عمل و استمرار همراه باشد، تا بدین وسیله دشمن زمان لازم برای بازسازی و تجدید سازمان را بدست نیاورد.

عملیات گسترده از برد و شعاع بیشتری در ابعاد سیاسی و نظامی برخوردار است و چون دشمن را الزاماً با تمام توان به رویارویی می کشاند

امکان آسیب پذیری او را افزایش داده و در صورت استمرار ماشین جنگی دشمن را متوقف می سازد. از اینرو دشمن، با تکه‌های ممانعتی در هوا و زمین به نوعی درصدد است تا مانع از انجام تحرکات گسترده شده یا حداقل در زمان بندی آن اختلال کند.

با توجه به آنچه که ذکر شد، پیدا است که صرفاً نمی توان به اقدامات محدود نظامی آنهم برای دراز مدت بسنده کرد زیرا علیرغم تأثیرات آن، این نوع حرکات نمی تواند نقش تعیین کننده و سرنوشت سازی را در روند جنگ تحمیلی ایفا کنند.

بر این اساس در پی فشارهای همه جانبه دشمن، پس از عملیات بدر، عملیات گسترده والفجر ۸ نظر به وضعیت خاص دشمن در منطقه (فاو) و همچنین حساسیت ژئوپولتیکی منطقه (تسلط بر شمال خلیج فارس و همسایگی با کویت و...) در دست طراحی قرار گرفت و البته در این فاصله سلسله عملیتهای محدود به منظور فعال نگه داشتن جبهه ها انجام یافت.

در این روند تجارب جنگ در سه سال گذشته و واقعیات برآمده از آن می آموخت که بایستی به تناسب استراتژی و اهداف سیاسی - نظامی جنگ توان رزمی لازم، در زمینه های مختلف، بدست آورده و مبتنی بر آن منطقه عملیاتی انتخاب شود تا در این صورت کسب موفقیت از تضمین و درصد بالاتری برخوردار گردد.

مسئله توان رزمی و افزایش آن عمدتاً در سه مرحله می بایستی مورد نظر قرار می گرفت. تصرف هدف، تأمین و نگهداری منطقه، مقابله با فشارهای دشمن و در صورت نیاز توسعه و تداوم عملیات.

زمین فاو نظر به موقعیت جغرافیائی و وضعیت طبیعی آن، تا اندازه ای معضلات تأمین منطقه و مقابله با فشارها را حل می کرد، بدین

معنا که با تلاقی بودن زمین و نیز وجود عارضه های مصنوعی مانند کارخانه نمک عملا قسمت اعظم زمین منطقه را برای دشمن غیر قابل استفاده می کرد و به همین دلیل کارآئی نیروی زرهی عراق را کاهش می داد. از آن جائیکه منطقه از سه طرف آب آن را احاطه کرده است، طبعاً درگیری از یک سمت با دشمن، راحت تر بنظر می رسید و نیز به هنگام پاتک، دشمن از دو سمت به نیروهای خودی پهلو می داد که این امر آسیب پذیری آنها را فزونی می بخشید.

### عوامل انتخاب منطقه

طراحان و دست اندرکاران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای اجرای عملیات والفجر ۸، به لحاظ موقعیت خاص جغرافیائی منطقه، وضعیت کلی دشمن، وجود رودخانه اروند و...، مشکلات و معضلات عدیده ای را رویاروی خود داشتند که در نهایت با در نظر گرفتن عوامل و پارامترهای مختلفی از جمله: ارزش نظامی - سیاسی زمین منطقه، عدم وجود سابقه عملیات در عبور از رودخانه عریض و جزر و مد بالا، عدم هوشیاری دشمن و امکان پدافند و نگهداری منطقه، منطقه فاو را در مقایسه با سایر مناطق عملیاتی ترجیح دادند.

الف: ارزش نظامی - سیاسی زمین منطقه

موقعیت زمینی منطقه و نیز وضعیت خاص نیروهای خودی و دشمن در آن مقطع بطور طبیعی ارزشهای متعددی را در برداشت که بدون ارتباط با محاسن انتخاب زمین و ارزشهای سیاسی منطقه نبود از جمله:

۱- تصرف شهر فاو و تأسیسات بندری آن

۲- هم مرزی با کویت در شمال خلیج فارس

ص: ۱۴۷

۳ - تهدید بندر ام القصر

۴ - انهدام و یا تصرف سکوهای پرتاب موشک

۵ - تأمین خورموسی و تردد کشتی ها به بندر امام خمینی

۶ - تسلط بر اروندرود

ب: عدم هوشیاری دشمن

معمولاً قسمت اعظمی از هوشیاری دشمن مبتنی بر، کسب خبر و تحلیل اطلاعاتی آنها نسبت به شواهد و قرائن موجود در مناطق عملیاتی می باشد. گذشته از این اطلاعات و تجربیات دشمن در خصوص توانائیهای جمهوری اسلامی و تاکتیکهای اتخاذ شده در طول جنگ نقش تعیین کننده ای را در کشف منطقه عملیاتی از سوی دشمن دارد. فی المثل در جنوب کشور دشمن همیشه نسبت به هورالهوریزه، حساسیت خاصی را داشته است زیرا پس از عملیات والفجر ۴ تا قبل از عملیات والفجر ۸ قوای اسلام تحرکات چشمگیری را توأم با عملیات گسترده خیبر و بدر در هور انجام دادند.

بر این اساس از آنجائیکه انجام عملیات در منطقه ی فاو، نیازمند امکانات ویژه و تاکتیک ابتکاری می بود دشمن تصور وقوع عملیات گسترده را نمی داد. پیدایش این وضعیت (عدم هوشیاری دشمن) برای فرماندهان سپاه در طرح ریزی عملیات والفجر ۸ بعنوان یک عنصر مثبت در مزیت منطقه فاو، تلقی می شد.

ج: امکان پدافند، تأمین و نگهداری منطقه

چنانچه در مبحث «گسترش توان رزمی» اشاره شد قسمت عمده ای از عملیات، پس از شکستن خطوط مقدم دشمن و حضور در

ص: ۱۴۸

منطقه، نگهداری آن در مقابل فشارهای عدیده دشمن می باشد. در این روند قطعا گذشته از کسب آمادگیهای لازم جهت حفظ منطقه و رویارویی مناسب با دشمن، «زمین» و موقعیت آن از دیدگاه مزبور از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

نظر به اینکه منطقه فاو را آب از سه طرف احاطه کرده است، طبعا فشار دشمن تنها از یک قسمت خواهد بود و این امر با اتخاذ تدابیر مناسب مانند حفر کانال، اجرای آتش، بهره برداری از عارضه کارخانه نمک و... قابل حل بنظر می رسد.

نکته ی قابل ذکر در اینجا پیش بینی نحوه ی برخورد دشمن بود در این زمینه چنین تصور می شد که با توجه به اینکه دو مسئله «زمین» و «نیرو» برای دشمن از اهمیت حیاتی برخوردار می باشد لذا در اینجا برخلاف گذشته ارتش عراق بین انتخاب یکی از دو مسئله دچار تردید خواهد بود به عبارت دیگر از یک سو ارزش سیاسی نظامی زمین دشمن را وادار به باز پس گیری آن، به هر شکل ممکن، خواهد کرد و از سوی دیگر شکل زمین منطقه، عملا- توان قابل ملاحظه ای را از دشمن می گیرد و خسارات و ضربات فراوانی را بر سازمان رزم و ارتش عراق وارد خواهد ساخت، در نتیجه دشمن نمی تواند دو مسئله را در کنار هم حفظ نماید بلکه می بایستی یکی را فدای دیگری کند که این امر خود مقدمه از دست دادن عنصر بعدی نیز خواهد شد.

در نتیجه اگر دشمن برای حفظ زمین بجنگد نیرو را از دست خواهد داد عملا در دراز مدت قادر به حفظ سایر مناطق عملیاتی نیز نخواهد بود و اگر بخواهد نیرو را حفظ نماید بایستی خسارات و ضایعات روحی و تزلزل سیاسی - اجتماعی ناشی از شکست در فاو و از دست دادن منطقه حساس و مهم آنجا را متحمل شود.

منطقه عملیاتی فاو، شبه جزیره ای است محصور در میان رودخانه اروند، خلیج فارس و خورعبدالله که از سمت خشکی به بصره منتهی می گردد.

در شمال این منطقه رودخانه اروند و جزیره آبادان واقع است و در فاصله ۹۰ کیلومتری شمال غربی آن شهر صنعتی بصره. همچنین در جنوب آن خورعبدالله و در جنوب شرقی آن، خلیج فارس و در جنوب غربی بندر ام القصر قرار دارد.

- وضعیت جوی و زمین منطقه

منطقه عملیاتی والفجر ۸ بعلاوه شبه جزیره ای بودن هوای آن غالباً دارای رطوبت زیاد در تابستان و «شرجی» می باشد.

زمین منطقه بجز عوارض مصنوعی مانند جاده، خاکریز، سیلبندها و... سکوهاهای پرتاب موشک خالی از هر گونه پستی و بلندی طبیعی است.

از آنجائیکه زمین منطقه محصور در میان آب می باشد تحت تأثیر جزر و مد آب خلیج و رطوبت دائمی حاصل از آن است بدین معنا که قسمت عمده ای از زمین منطقه باتلاقی نمکزار و سست می باشد. به همین دلیل بجز فاصله رودخانه تا جاده اول فاو - بصره که خاک قابل کشت دارد، مابقی خاک آن منطقه شوره زار است و با کمترین بارندگی لغزنده و چسبنده می شود و تردد هر گونه خودرو و وسائل سنگین در آن تقریباً غیر ممکن می گردد.

جریان آب رودخانه اروند از دو رودخانه دجله و فرات در خاک عراق سرچشمه گرفته و رودخانه کارون نیز بداخل آن می ریزد. حرکت آب از شمال به طرف جنوب است که به خلیج فارس منتهی می گردد.

آب رودخانه اروند که از دریا تأثیر می پذیرد، عمدتاً دارای دو حرکت جزر (کاهش ارتفاع آب و حرکت آن به طرف خلیج) و مد (افزایش ارتفاع آب و حرکت آن از دریا به سمت رودخانه) می باشد که مجموعاً در طول شبانه روز، چهاربار تکرار می گردد.

ارتفاع آب در عمیق ترین قسمت رودخانه به ۲۵ متر می رسد و اختلاف ارتفاع آب در پائین ترین حالت جزر و مد بالاترین حالت مد به ۳ / ۵ متر می رسد.

#### - ساحل رودخانه

وضعیت ساحل خودی و دشمن بدلیل رسوبات حاصل از جریان آب متغیر است چنانچه در سال ۴۸ منجر به تغییر حدود مرزی ایران و عراق شد. این تغییرات در زمین خودی و دشمن در ساحل رودخانه وضعیتی مخالف همه بوجود آورده است. بدین معنا که در آنجائیکه ساحل ما محکم است ساحل دشمن سست می باشد و متقابلاً آنجائیکه ساحل ما سست است، ساحل دشمن محکم می باشد.

همچنین قابل ذکر است که در بخشی از قسمتهای منطقه، زمین آن باتلاقی است چنانچه بیشترین قسمت آن در حاشیه جنوبی جاده ام القصر از جزایر ام حجام تا رأس البیشه و منطقه جنوبی آن به سمت خلیج به همین وضع می باشد که عرض منطقه باتلاقی آن در بعضی مناطق به ۴



کیلومتر می رسد.

- پوشش ساحلی رودخانه

در ساحل رودخانه اروند پوششی از «چولان» (بوته های بلند) و «نی» وجود دارد که هر چه رودخانه بسمت دهانه اروند نزدیکتر می شود عمق چولان آن افزایش می یابد. همچنین در قسمت های پیچ دار رودخانه، آن قسمت از ساحل که فشار اصلی آب به آن وارد می شود، فاقد پوششهای ساحلی می باشد.

در ساحل، ارتفاع چولانها حداکثر ۵ / ۱ متر و ارتفاع نیزارها ۳ الی ۴ متر است به گونه ای که نفر پیاده براحتی می تواند در میان آن خود را مخفی کند. عمدتاً زمین این قسمتها سست بوده و بسختی قابل تردد است به گونه ای که در برخی از مواقع انسان تا زانو در گل فرو می رود.

گذشته از چولان و نیزار، نخلستان بزرگی در ساحل خودی و دشمن که عمق آن بین ۲ تا ۵ کیلومتر متغیر است وجود دارد. این نخلها، بوسیله کانال و نهرهای مصنوعی عمود بر اروند، در حالت مد آبیاری می شوند. همچنین زمین اطراف نخلستانها اغلب سست می باشد و تنها در مناطقی که زمین از سختی لازم برخوردار بوده جاده احداث شده است. علاوه بر این قابل ذکر است که امکان آتش سوزی در نخلستانها بسیار زیاد می باشد.

- عوارض مصنوعی

گذشته از آنچه که پیرامون مواضع و استحکامات دشمن در مباحث گذشته ذکر گردید، در این قسمت تنها به موقعیت جاده ها و برخی از تأسیسات صنعتی دشمن و نیز شهر فاو اشاره می شود:

ص: ۱۵۲

در منطقه عمومی والفجر ۸ در خاک عراق سه جاده وجود دارد که به ترتیب عبارتند از:

۱ - جاده فاو - بصره به طول ۹۱ کیلومتر

۲- جاده استراتژیک فاو - بصره به طول ۸۲ کیلومتر

۳ - جاده فاو - ام القصر به طول ۵۰ کیلومتر

سه جاده موجود در منطقه، شهر فاو و منطقه بندری آنرا به جنوب شهر بصره متصل می نماید.

شهر مسکونی فاو، اسکله های آن (چهار چراغ، معامر و قشله) و نیز تأسیسات صنعتی و نفتی این منطقه، تماما پس از جنگ به لحاظ اینکه در معرض تعرضات هوایی و آتش توپخانه جمهوری اسلامی قرار داشتند، عملا دچار ضایعاتی شده و قابل بهره برداری نیستند.

### **ویژگیهای نظامی و منطقه ای عملیات فاو**

منطقه عملیاتی فاو موقعیت جغرافیائی آن، وضعیت ویژه ای را رویاروی فرماندهان عملیاتی سپاه قرار داده بود بدین معنا که از سوئی عوامل مثبت نوید پیروزی و پیدایش سرآغاز جدیدی را در جنگ می داد و از سوی دیگر موانع برجسته ای خودنمایی می کرد که هر کدام در جای خود می توانست نقش بازدارنده ای را در توقف کار و احیانا عدم الفتح عملیات ایجاد نماید. در واقع این قسمت از معضلات بود که اساسا منجر به پیچیدگی عملیات شده و ضرورت اتخاذ تاکتیکهای ویژه ای را ایجاب می کرد.

الف: مزایای منطقه و ویژگیهای مثبت عملیات

۱- کوتاه بودن عقبه های خودی.

ص: ۱۵۳

در عملیات والفجر ۸ برخلاف عملیاتهای خیبر و بدر که عمدتاً عقبه های خودی طولانی بوده و طبعا پشتیبانی و تدارک عملیات را با مشکلاتی مواجه می ساخت، عقبه های خودی می بایستی با حل معضل رودخانه اروند مرتفع می شد مشکلات عدیده ای که در این زمینه وجود داشت یکی از عوامل مؤثر در ناتوانی ارزیابی دشمن نسبت به وقوع عملیات و توانائی رزمندگان اسلام در برقراری راه عقبه بر روی رودخانه اروند بود.

در واقع نزدیک بودن عقبه ها این امکان را می داد که روی دشمن حتی اجرای آتش خمپاره داشته باشیم، همچنین فرماندهی سهولت در منطقه حضور داشته و هدایت مستقیم تری را در رابطه با عملیات عهده دار گردد.

علاوه بر آن تسریع در تدارک نمودن نیروها و نیز سهولت در تخلیه شهدا و مجروحین، انتقال نیروهای دنبال پشتیبان، کاهش مسافت، پیاده روی نیروی خطشکن از نقطه رهایی تا شکستن خط و... نقش تعیین کننده ای را در رقم زدن و ترسیم سرانجام عملیات دارا بود.

## ۲- عدم تناسب زمین با مانور زرهی و آتش دشمن

چنانچه اشاره شد زمین منطقه بدلیل باتلاقی بودن، خصوصاً در فصل زمستان امکان بهره گیری کامل از زرهی را به دشمن نمی داد. به عبارت دیگر، دشمن علیرغم وسعت زمین منطقه عملاً-قادر به بهره گیری از آن نبود و در نتیجه متکی بر جاده های موجود در منطقه می شد که این امر باعث محدود شدن میدان عمل و مانور نیروهای زرهی دشمن می گردید.

علاوه بر آنچه که در مورد زمین منطقه ذکر شد، وجود کارخانه

نمک نیز قسمت دیگری از معضلات دشمن در هنگام انجام پاتک بود. بدین معنا که عارضه کارخانه نمک به وسعت ۶۰ کیلومتر مربع امکان مانور زرهی دشمن را محدود به معابر خاصی می کرد و این امر با توجه به آتش خودی می توانست آسیبهای عمده ای را بر پیکر سازمان رزم عراق وارد نماید.

از سوی دیگر نظر به حجم آتش دشمن در گذشته چنین پیش بینی می شد که با توجه به لحاظ نمودن مسئله غافلگیری آماده بودن زمین دشمن و نداشتن مواضع توپخانه و محدودیتهای دیگر و نیز وجود هدفهای مختلفی که در معرض توپخانه دشمن وجود داشت و اجرای آتش ضد آتشبار، عملاً توپخانه دشمن کار آئی عمده ای را نداشته باشد.

### ۳- پوشش مناسب پدافند هوایی منطقه

تکهای ممانعتی هوایی دشمن که معمولاً از صبح روز اول عملیات آغاز می شود اساساً با هدف عقبه ها و نیز خطوط مقدم و به منظور برهم زدن آرایش نیروهای خودی و نیز تهدید موفقیتهای بدست آمده می باشد. از اینرو چنین پیش بینی می شد که با توجه به شکل منطقه و اینکه دشمن، محدود به نوع خاصی از مانور هوایی خواهد بود (۱) می توان با آرایش مناسب سلاحهای ضد هوایی، برخلاف تصور دشمن، جنگنده های آنرا هدف قرار داد و تلاشهای هوایی او را خنثی نمود.

### ۴- تسلط آتش بر روی خطوط و عقبه دشمن

حضور و گسترش ما در شرق اروندرود، براحتی اجرای آتش انبوه

ص: ۱۵۵

---

۱- ۲۹. هواپیماهای دشمن به هنگام بمباران، ناچاراً می بایستی مدت مشخصی را بر روی جزیره ی آبادان پرواز نمایند و این وضعیت میزان آسیب پذیری آنها را افزایش می داد.

همراه با دیده بانی بر روی عقبه ی دشمن - از جنوب بصره تا خطوط مقدم، به طول ۷۰ کیلومتر و نیز پس از آن - را میسر می نمود. تحقق این امر با توجه به اینکه برخلاف ذهنیت و باورهای دشمن بود، در بطن خود تأثیرات قابل ملاحظه ای در تقویت روحیه نیروهای خودی و پشتیبانی تک و نیز ایجاد ضعف و تزلزل در دشمن را - با برهم زدن آرایش و سازمان نیروهایش به هنگام حرکت به سمت هدف و نیز زمان شروع پاتک - به دنبال داشت.

#### ۵ - امکان حفظ غافلگیری

نظر به اینکه اساس و ویژگی عملیات والفجر ۸ عبور از رودخانه، شکستن خط دفاعی و نیز تأمین منطقه بود، لذا دشمن حداقل در شرایط کنونی، جمهوری اسلامی را فاقد چنین تواناییهایی در انجام عملیات می دید و این امر نقش مؤثری را در انحراف ذهن دشمن نسبت به انجام عملیات در این منطقه داشت. از سوی دیگر اجرای طرح فریب در مناطقی دیگر از جبهه، تأثیری قابل ملاحظه، در مسئله غافلگیری ایفا می کرد.

#### ۶ - محدود بودن زمین و عمق کم هدف

نظر به اینکه اهداف تعیین شده برای یگانهای عمل کننده در عمق کمی قرار داشت نیروها به راهپیمائی و تلاش محدودتری برای دست یابی به اهداف خود نیاز داشتند، مضافاً اینکه اهداف تعیین شده در مدت زمان کمتری تأمین می شد. همچنین با حفظ توان و انسجام نیروها، عملاً - تعمیق عملیات، عبور یگان از یگان، مقاومت مناسبتر در مقابل پاتکهای دشمن بازسازی یگانها و... با قوت بیشتری قابل تحقق می باشد.

۱ - رودخانه اروند

در میان تاکتیکهای مختلف عملیاتی و شیوه های گوناگون رزم، عملیات آبی - خاکی خصوصا عبور از رودخانه پیچیده ترین نوع تحرکات نظامی است، آن هم در رودخانه ای با مشخصات اروند که دارای جریان جزر و مد شدید در ساعت شبانه روز است عرض رودخانه بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر متغیر است و همچنین آغاز و پایان جزر و مد دارای مشخصات ویژه ای می باشد چنانچه در یک زمان شدت جریان آب در ساحل، وسط، سطح و عمق رودخانه متفاوت است لازمه ی عبور از چنین رودخانه ای انجام محاسبات دقیق بر روی جریانات آب، اتخاذ تاکتیکهای مناسب در عبور نیروی پیاده و شکستن خط، طراحی عبور وسایل سنگین، ساحل سازی برای نقل و انتقالات و نصب پلهای مناسب را می طلبد و این امر با توجه به حساسیتهای عملیات نیاز به دقت و رعایت حفاظت، توأم با سرعت عمل داشت.

۲- آماده نبودن عقبه های خودی

از آن جاییکه در غرب رودخانه اروند برخلاف سایر مناطق عملیاتی، تا قبل از والفجر ۸ تهاجمی از سوی نیروی خودی و دشمن صورت نگرفت، زمین منطقه ی مورد نظر دست نخورده و بکر باقی مانده بود و طبیعی به نظر می رسید که نیازمند تلاشهایی قابل ملاحظه در زمینه کارهای مهندسی باشد.

گذشته از این وجود نخلستان در حد فاصل بین رودخانه اروند و بهمنشیر که محل استقرار عقبه های خودی بود، احتیاج به کار شدید

مهندسی داشت حال آنکه به لحاظ تسلط دیده بانهای عراقی بر روی منطقه و تعارض آن با امر حفاظت، عملاً سرعت کار گرفته می شد. مضافاً بر اینکه جزیره آبادان به دلیل شرایط جوی و نوع خاک آن برای اقدامات مهندسی مناسب نبود و می بایست با حجم بسیار گسترده ای از سایر مناطق، خاک مورد نیاز به وسیله کمپرسی به منطقه حمل می شد.

وضعیت یاد شده مشکلات عدیده ای را در پیش روی قرارگاه مهندسی قرار داده بود چرا که می بایست از یک سو ملاحظاتی را در زمینه حفاظت رعایت کند و از سوی دیگر حجم رو به افزایش کار مهندسی را پاسخگو باشد. در همین زمینه، قرارگاه مهندسی برای عملیات اصلی، نزدیک به ۵۰۰ پروژه ی طرح فریب در سایر مناطق عملیاتی را در دست اقدام و اجرا داشت.

### ۳ - حضور اطلاعاتی دشمن در منطقه

یکی از موانع عمده ی رعایت غافلگیری، حضور دشمن در منطقه جهت کسب اطلاعات بود که در این زمینه از عوامل زیر سود می برد.

الف: دیده بانی: وجود دکلهای ۴۲ متری و ۱۰۰ متری در منطقه این امکان را به دشمن می داد که کلیه جاده های موجود در منطقه به خصوص جاده ی حاشیه های رودخانه اروند و جاده های عمود بر آن را زیر دید داشته باشد و کلیه نقل و انتقالات و اقدامات مهندسی را ثبت نماید.

ب: گشتی های شناسائی که عمدتاً وظیفه آنها ثبت تغییر کمینهای خودی است.

ج - گشتی های شناسائی در عمق که به وسیله غواص صورت می گیرد.

د: عکس هوایی: دشمن به طور متوسط هفته ای یک بار عکس

هوایی از منطقه تهیه می نمود. همچنین با استفاده از ماهواره های اطلاعاتی غرب کلیه تغییرات در سطح زمین جاده، مواضع توپخانه، بنه مهمات، محل قرارگاه و... را ثبت می نمود.

ه: رادار رازیت: بدین وسیله دشمن نقل و انتقالات موجود بر روی جاده های پشت نخلستان را تا اندازه ای ثبت می نمود.

و: جاسوسی عوامل ستون پنجم: تردد افراد در منطقه عملا این امکان را به دشمن می داد که به اشکال گوناگون با استفاده از عناصر نفوذی، اخبار و اطلاعات لازم را جمع آوری نماید.

ز: شنود: دشمن با استفاده از دستگاههای مختلف استراق سمع این امکان را دارد که از طریق شبکه های ارتباطی خودی، اطلاعاتی را بدست آورد.

۴ - نیاز به امکانات ویژه و مناسب

نظر به پیچیدگیهای عملیات می بایست امکانات خاصی تدارک می شد که عمدتا مبتنی بر طراحیهای ابتکاری بود. فی المثل نصب پل بر رودخانه اروند یکی از مشکلات مهم عملیات محسوب می گردید و برای آن منظور پلهای استاندارد و مخصوص از بازارهای دنیا تهیه می شد که این امر با توجه به معضلات عدیده ای که وجود داشت امکان پذیر نبود. در نتیجه با بهره گیری از تجارب گذشته (خصوصا عملیات خیبر) و استفاده از امکانات موجود، پلهای مورد نیاز در داخل تهیه گردید.

۵ - تهاجم شیمیائی دشمن و معضلات آن

تک شیمیائی دشمن در منطقه عملیاتی که عمدتا پس از احساس ناتوانی صورت می گیرد قابل پیش بینی بود و چنین بنظر می رسید.

ص: ۱۵۹



که بایستی تدابیر لازم جهت کاهش تأثیر گذاری تهاجمات شیمیائی دشمن اتخاذ شود، زیرا وجود نخلستان منجر به نشت گاز شیمیائی در داخل نخلها شده و طبعاً جریان باد به راحتی قادر به جابجائی آن نخواهد بود.

### پاره ای از تدابیر عملیاتی

فرماندهان عملیاتی سپاه مبتنی بر محسنات و مزایای منطقه و نیز رویارویی با حجم انبوهی از معضلات و مشکلات موجود، تدابیر متعددی را اتخاذ نمودند که پاره ای از آنها به شرح زیر می باشد.

۱- طرحهای حفاظتی تأمین و فریب

۲- مهیاسازی منطقه

۳- طراحی عملیات

۴- تاکتیکهای جمع آوری اطلاعات

گذشته از موارد فوق مسائل دیگری در زمینه مخابرات، تبلیغات، استتار و اختفاء و نیز نقل و انتقالات صورت گرفت که در ادامه بحث به آنها اشاره خواهد شد.

۱- طرحهای حفاظتی تأمین و فریب

دستیابی به اصل غافلگیری عمدتاً متکی بر رعایت حفاظت و اجرای طرحهای فریب و نیز لحاظ نمودن سرعت عمل و تاکتیکهای ویژه و ابتکاری می باشد. نظر به تلاشهای دشمن در زمینه کسب اطلاعات و در اختیار داشتن منابع داخلی، نظیر منافقین و از سوی دیگر نحوه ی آمادگی نیروهای خودی که توأم با بسیج گسترده نیرو است، طبعاً دستیابی به غافلگیری نیازمند حل معضلات متعدد و گذار از فراز و نشیبهای متفاوتی

ص: ۱۶۰

بدین منظور علاوه بر رعایت حفاظت تدابیری جهت فریب دشمن بویژه، در زمینه ی تردد نیروها اتخاذ گردید.

اجرای فریب در کنار اقدامات حفاظتی به یک معنا تأثیرگذاری بیشتر حفاظت و بالطبع رعایت غافلگیری است.

بر این اساس و مبتنی بر آن باور داشت که دشمن نسبت به منطقه غرب اروند حساس شده، چنین تدبیر شد که با ایجاد حساسیت در سایر مناطق ذهنیت دشمن مشوش و مخدوش گردد.

رژیم عراق بنا به توجه جمهوری اسلامی نسبت به هور و از سوی دیگر فقدان قابلیت‌های لازم از نظر نظامی و تکنولوژیک جهت عبور از رودخانه اروند، عمده ذهنیتش معطوف به این منطقه (هورالهوریه) می شد.

در نتیجه تصورات دشمن نسبت به تحرکات خودی و شواهد و قرائن موجود در غرب اروند نشانگر تأثیرگذاری رعایت حفاظت و اجرای طرح فریب بود که این امر به منزله خنثی نمودن تمامی برتریها و امکانات تکنولوژیک دشمن در زمینه کسب اطلاعات بود. چنانچه در نزدیکی عملیات والفجر ۸ نقل و انتقالاتی از دشمن صورت گرفت که دقیقا نشانگر غافلگیر شدن او بود. فی المثل در جلسه ای که در لشکر ۱۶ عراق منعقد شد، قسمتی از توپخانه های موجود در منطقه عمومی اروند به منطقه ی عمومی شرق دجله (هور) منتقل گردید.

علاوه بر این عدم انجام تکهای ممانعتی هوایی دشمن در غرب اروند، با توجه به تاکتیکهای آن در بازدارندگی و برهم زدن سازمان نیروها بوسیله ی حمله ی هوایی چنین می نمایاند که دشمن منطقه ی فاو را به عنوان محور اصلی عملیات درک نمود زیرا در غیر این صورت از تاکتیک همیشگی خود مبنی بر بمباران پراکنده مواضع و عقبه ها استفاده می کرد.

قرارگاه مهندسی در امر مهیاسازی منطقه عمدتاً عهده دار اجرای چند مأموریت بود:

الف - ساختن جاده های مواصلاتی در عقبه و اتصال آن به شبکه های سراسری، احداث بیمارستان صحرائی و شیمیائی، ساخت مواضع موشک های زمین به هوا، پد هلی کوپتر، ایجاد مواضع توپخانه، احداث قرارگاهها، بنه های تدارکاتی و... قسمتی از تلاشهای مهندسی را تشکیل می داد.

ب - عبور از رودخانه اروند، گره ی اصلی عملیات والفجر ۸ را تشکیل می داد و با توجه به شرایط زمین و سواحل نامناسب خودی و دشمن و وجود موانع در ساحل، می بایست اقداماتی صورت می گرفت که شرایط مناسبی برای عبور از موانع فراهم آید و همچنین وسایلی ابداع و ساخته شود تا عبور نیرو و امکانات را تسهیل نماید.

ج - به منظور تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده که در واقع نیمی از عملیات را تشکیل می دهد دو مسئله عمده در نظر گرفته شد یکی، ایجاد موانع به منظور جلوگیری از پیشروی دشمن مانند: کندن کانال و احداث خاکریز و دیگری ساخت وسائل و ابزاری (مانند سنگرهای انفرادی) که نیروهای در خط را در مقابل آتش دشمن حفظ کند.

گر چه حجم عظیم کار با سرعت لازم تناسب نداشت اما برادران مسئول توانستند با اتخاذ تدابیر مناسبی به این امر مهم دست یابند بگونه ای که تنها در امور جاده سازی اقدامات انجام شده از راندمان زیر برخوردار بود:

- احداث جاده در داخل نخلستان از حاشیه اروند تا خسروآباد

۳۵۰ کیلومتر

- احداث جاده و پد بین بهمنشیر تا خسروآباد ۷۰ کیلومتر

- احداث جاده از قاسمیه تا دهانه اروندرود ۸ کیلومتر

- احداث جاده از بهمنشیر تا جاده آبادان ۳۵ کیلومتر

- احداث جاده از چوبیده به قفاص در شرق بهمنشیر ۱۰ کیلومتر

- اسفالت جاده آبادان - چوبیده در شمال بهمنشیر ۶۰ کیلومتر

- اسفالت جاده آبادان - چوبیده در جنوب بهمنشیر ۵۰ کیلومتر

بنابراین جمع کل کار احداث جاده تا قبل از عملیات والفجر ۸ در منطقه اروند، بالغ بر ۴۷۳ کیلومتر و ترمیم اسفالت جاده های موجود ۱۱۰ کیلومتر بوده است.

### ۳- طراحی عملیات

عملیات والفجر ۸ در زمینه طراحی مانور و اتخاذ تاکتیکهای عملیاتی، عمدتاً چند مسئله را رویاروی خود داشت:

الف - عبور از رودخانه (پیاده و وسائل سنگین مهندسی، زرهی)

ب - شکستن خط دفاعی دشمن که در ساحل رودخانه و همراه با موانع و استحکامات بود.

ج - پاکسازی نخلستان و جنگل در شهر

د - مراحل پیشروی و پدافند

عبور از رودخانه (پیاده) و شکستن خط، اساساً یک موضوع عمده

ص: ۱۶۳

را تشکیل می داد زیرا لازمه شکستن خط عبور از رودخانه بود.

## الف و ب - عبور از رودخانه و شکستن خط

بحث عبور شامل سه مرحله می شد: عبور غواص و قایق و شکستن خط، عبور یگانهای مانوری با قایق ها و دیگر وسایل شناوری و در آخر پس از تأمین سرپل تصرف شده در ساحل رودخانه، عبور وسائل سنگین صورت می گرفت.

همچنین عبور از رودخانه به لحاظ تسلط دشمن بر روی آب و نیز جریانات مختلفی که آب رودخانه داشت. نیازمند شرایط خاصی بود. بهنگام تک می بایستی نهرهای عمود بر رودخانه اروند، مملو از آب باشد تا پشتیبانی یگان های مانوری بوسیله قایق امکان پذیر گردد و همچنین نیروها بتوانند در ساحل دشمن از موقعیت مناسبی برای سازماندهی برخوردار باشند و با آرایش مناسب و بصورت منسجم به خطوط بعدی دشمن تهاجم نمایند.

شکستن خط دشمن در ساحل رودخانه اروند بدور از مشکلات نبود؛ لذا تدابیر مختلفی در نظر گرفته شد تا توفقی در آن حاصل نشود. بدین معنا که قایق های تیزرو و آتش ساحلی، که از سلاحهای مختلف تشکیل شده بود، برای شکستن خط منظور گردید.

مأموریت نیروهای خط شکن در موج اول که اساسا بوسیله غواص صورت می گرفت خاموش کردن تیربارهای دشمن، راهنمایی و هدایت موجهای دوم به معابر وصولی که از دشمن پاکسازی شده بود، باز نمودن معابر و نیز در اختیار گرفتن ساحل خودی و تأمین آن به منظور استمرار «تک» بود.

در این زمینه مشکلات متعددی وجود داشت مانند نفوذ آب

به داخل سلاحهای انفرادی، مشکلات عبور نیرو و تجهیزات از رودخانه.

فقدان چولان به منظور پوشش در بعضی از مناطق و بالطبع عدم امکان استتار و اختفاء و... که تماماً طی تلاشهای مستمر و پرحجمی که صورت گرفت با اتخاذ تدابیر مناسب برطرف گردید.

### ج - پاکسازی

پاکسازی دشمن در منطقه عملیات، که عمدتاً پوشیده از نخلستان بود به منظور از میان برداشتن هر گونه مقاومتهای پراکنده و یا متمرکز دشمن و در نتیجه امکان تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده، انجام می گرفت.

گذشته از این پاکسازی مناسب دشمن و نابودی هر گونه آثار حضور دشمن در منطقه، عملاً زمینه ساز تحقق مراحل بعدی عملیات محسوب می شد، البته باز پس گیری منطقه از سوی دشمن مشکلات زیادی را در برداشت زیرا که امکان مانور زرهی در نخلستان محدود و متکی به جاده بود و نیروی پیاده دشمن نیز بعلت فقدان روحیه لازم برای جنگ تن به تن توانائی رویارویی با رزمندگان ما را نداشت.

### د - مراحل پیشروی و پدافند

مرحله ی اول - پس از عبور و شکستن خط و پاکسازی نخلستان عملاً مرحله اول با دست یابی به شهر فاو و پایگاه موشکی به پایان می رسید، بر این اساس به منظور ادامه عملیات، چنین تدبیر شده که استفاده مطلوب از عوارض طبیعی و مصنوعی صورت گیرد. مضافاً بر اینکه امکانات غنیمتی از دشمن تا اندازه ای نیازمندیهای تعجیلی در وضعیت اولیه عملیات را مرتفع می ساخت لاکن از این به بعد مسئله اساسی عبور وسائل سنگین بود که می بایست صورت می گرفت (۱).

مرحله دوم - پس از مرحله ی اول می بایستی سه راهی تقاطع مقابل

ص: ۱۶۵

شهر فاو حفظ می شد تا از هر گونه رخنه احتمالی دشمن به شهر جلوگیری به عمل آید.

مرحله سوم - در این مرحله عمدتاً تلاشهای مهندسی در ایجاد مواضع مناسب جهت رویارویی با پاتکهای دشمن و تشکیل خط مناسب در نزدیکی کارخانه نمک، منظور شده بود. در این میان به تناسب اولویتها و اهمیت زمین منطقه که نحوه ی خاصی از پدافند را به نیروهای خودی دیکته می نمود، تدابیر مناسبی اتخاذ گردید.

همچنین قابل ذکر است که در این میان طرحهای متعدد پدافندی، شیوه ی خاصی از پدافند بنام «دفاع عاشورائی» اتخاذ شد که نام آن خود نشانگر عزم رزمندگان در حماسه آفرینی و نیز حفظ منطقه تصرف شده، به هر شکل ممکن بود.

بدین قرار براساس وضعیت منطقه و جاده های موجود، محورهای مختلفی با فرماندهی مشخص در نظر گرفته شد تا نیروها، از انسجام مناسبتری در مقابل پاتکهای دشمن برخوردار باشند.

علاوه بر این احداث خاکریزهای مختلف، که نقش مؤثری در بازدارندگی پاتکهای دشمن داشت، در نظر گرفته شد.

ه - عبور وسائل سنگین (۱).

تحقق مراحل عملیات و نیز تثبیت و تأمین منطقه تصرف شده اساساً بستگی به مسئله عبور وسائل سنگین داشت که طبیعتاً با مشکلاتی همراه بود. بدین جهت، به منظور حل معضلات عبور وسائل سنگین بحث و

ص: ۱۶۶

---

۱- ۳۱. نظر به برجستگی و اهمیت مبحث عبور وسائل سنگین در عین حالیکه می بایستی در بحث طراحی عملیات عنوان می شد به صورت مستقل در این قسمت مطرح گردید.

بررسی های متعددی صورت گرفت که قسمتی از آن عمدتاً در زمینه های:

تأثیرات موقت جزر و مد،

محورهای عبور،

محل تخلیه،

ساحل سازی جهت بارگیری،

میزان عبور

مدت زمان بارگیری،

و نحوه ی استتار وسائل عبور در روز بود.

عبور وسائل سنگین به سه مسئله اساسی بارگیری، حمل و تخلیه، اتکاء داشت. در این زمینه امکانات گوناگون مانند صفحه پی.ام.پی، طارق، هاورکرافت، دوبه و... در نظر گرفته شد که پس از آن، ساحل سازی و نصب پل در اولویتهای بعدی قرار داشت.

البته ساحل دشمن در دو نقطه بدلیل آمادگی لازم، مشکل خاصی را نداشت لیکن در ساحل خودی می بایستی تلاشهای لازم انجام و تدابیر مناسب اتخاذ می گردید، از آن جمله می توان، پهن کردن فرش باتلاقی، کار گذاردن سطحه، تراورس، گاو یون، نخل، پل خیبری ۲ و... در کنار اروند را نام برد.

گذشته از این ۴ نوع پل، کوثری (سبک نفررو) - خیبری ۱ و ۲، طرح خضر و پل دوبه ای طراحی و تهیه گردید.

و - پشتیبانی عملیات

امر پشتیبانی به دو مبحث، «پشتیبانی رزمی» و «پشتیبانی خدمات» تقسیم می شد.

نیروهای هوایی جمهوری اسلامی در عملیات والفجر ۸ با پیشنهاد

ص: ۱۶۷



سپاه پاسداران قرارگاهی را تحت عنوان «رعد» با فرماندهی شهید بابائی (۱) ایجاد نمود که در کنترل عملیاتی فرماندهی کل سپاه در صحنه نبرد بود و بر این اساس مأموریت‌های زیر به آن ابلاغ گردید:

۱- پشتیبانی نزدیک با حمله‌ی هوایی دشمن

۲- پدافند هوایی منطقه و مقابله با حملات هوایی دشمن

۳- تخلیه مجروحین از فرودگاه‌های عقبه

۴- تهیه عکس هوایی از وضعیت دشمن

همچنین به منظور کسب آمادگی لازم به تناسب مأموریت واگذاری، مانورهای متعددی توسط این قرارگاه صورت گرفت و چنانچه ذکر شد قسمتی از مأموریت قرارگاه رعد تأمین پدافند هوایی منطقه بود که در این زمینه سپاه پاسداران و نیروی هوایی بطور مشترک در زمینه بکارگیری امکانات موجود هماهنگی‌های لازم را ایجاد کردند.

آنچه که اساساً ضرورت پدافند هوایی را روشن نمود و منجر به اتخاذ تدابیر فوق شد، تجربه عملیات بدر و تلاش‌های دشمن در اثبات برتری هوایی خود بود.

بر این اساس و به منظور برخورد جدی‌تر با امر پدافند هوایی عملاً روش‌های مناسب‌تری گزینش شد و بدنبال آن انواع مختلف سلاح‌های ضد هوایی از جمله: سایت موشکی، انواع توپ‌های ضد هوایی و.. عملاً به گونه‌ای تنظیم شد تا دشمن در ارتفاع بالا در تیررس موشک زمین به هوا و در ارتفاع پائین بوسیله سلاح‌های ضد هوایی مورد اصابت قرار گیرد.

ص: ۱۶۸

---

۱- ۳۲. علیرغم اینکه شهید بابائی فرماندهی عملیات قرارگاه را بر عهده داشت لیکن بنا به حساسیت‌های موجود و شرایط خاص آن مقطع که اساساً برای حفظ و تثبیت فاو نیاز به ایثار و از خودگذشتگی بود. این شهید بزرگوار خود بیش از ۶۰ ساعت پرواز انجام داد و همانند بسیجیان با تلاش و ایثار مخلصانه، به جبران کمبودها پرداخت.

همچنین قابل ذکر است که وجود عناصر ارزشمند و ایشارگر جهاد خودکفائی نیروی هوائی نقش برجسته ای را در امر سازماندهی و بکارگیری مناسب سلاحهای ضد هوائی ایفا نمود.

همانند قرارگاه رعد نیروی هوائی، قرارگاهی تحت عنوان «شهید سلیمان خاطر» توسط پرسنل و عناصر هوانیروز با مأموریتهای زیر تشکیل شد:

۱ - ترابری نیرو و تجهیزات

۲ - حمل مجروحین

۳ - هلی برد نیرو در صورت لزوم

۴ - پشتیبانی آتش نزدیک

قابل ذکر است که قبل از عملیات، با توجه به مأموریت محوله، آموزشهای لازم و مانورهای متعدد برای آمادگی بیشتر، توسط این قرارگاه انجام گرفت. و بدین ترتیب بود که توانستند تلاش های چشمگیر و ایثار گرایانه ای را انجام دهند.

- لجستیک و تدارکات

همزمان با طراحی عملیات والفجر ۸ و مشخص تر شدن ضرورت پشتیبانی عملیات، کمیسیون ویژه ای در هیئت دولت، متشکل از وزارت خانه های مختلف، راه و ترابری، کشاورزی، نیرو، مسکن و شهرسازی، صنایع سنگین، صنایع و معادن، مخابرات، دفاع، جهادسازندگی و سپاه پاسداران، تشکیل شد. پس از آن دو کمیته بنام «مهندسی رزمی» و «مهندسی صنعتی» بوجود آمد تا بصورت اساسی تری در امر جنگ مشارکت نموده و نیازهای موجود را برطرف نماید.

از جمله محسنات اقدام جدید دولت افزایش توان اجرائی مهندسی جنگ و فزونی یافتن کیفیت اقدامات مهندسی، به لحاظ

ص: ۱۶۹

بکارگیری تخصص ها و امکانات بالفعل و بالقوه موجود در وزارتخانه ها بود.

در پایان تنها به قسمتی از مأموریت‌های واگذاری به وزارتخانه ها اشاره می شود:

- وزارت نیرو: نصب دکلهای مخابراتی و دیده بانی

- مسکن و شهرسازی: ساخت بیمارستانهای متعدد، سایت و...

- کشاورزی و راه و ترابری: جاده سازی و بازسازی و مرمت جاده های منطقه

- وزارت سپاه: ستاد فوریتها در رابطه با مهندسی صنعتی که قسمتی از عمده ترین کارش پیگیری و ساخت طارق بود و قایق ها و...

- وزارت جهاد (۱).

- وزارت صنایع: ساخت دوبه ها

ز - طراحی آتش

عبور از رودخانه عمدتاً ضرورت بکارگیری از آتش را در ابعاد

ص: ۱۷۰

---

۱- ۳۳. جهادسازندگی از بدو تشکیل تاکنون همواره در تمامی صحنه های انقلاب، از کار عمرانی در روستاها تا کار فرهنگی در استانهای محروم (کردستان، سیستان و بلوچستان و...) و نیز جنگ تحمیلی حضور فعالانه داشته است و در این راه زحمات جانکاه و توانفرسایی را متحمل شده است. در طول این جنگ تحمیلی جهادسازندگی گامهای بلندی در خصوص انجام مهندسی، پشتیبانی و... برداشته است. احداث سنگر در خطوط مقدم و در زیر آتش دشمن تا احداث و ترمیم جاده ها تنها قسمتی از جلوه های نورانی تلاش برادران جهادگر بوده است. اقداماتی که قلم یارای ترسیم و بیان تمام ابعاد و زوایای آن را ندارد.

مختلف تعیین می نمود. بدین معنا که برای عبور می بایست، سد آتش قوی و مناسبی در مقابل دشمن ایجاد گردد تا برای انتقال وسائل مهندسی ادوات، زرهی، ضد زره و توپخانه به آنطرف شط، فرصت مناسب ایجاد و بدین وسیله با انجام عملیاتی تأخیری از سوی توپخانه، زمان لازم از دشمن گرفته شود.

علاوه بر این گسترش عمق و عقبه دشمن در عرض جبهه این امکان را به نیروهای خودی می داد که در صورت داشتن آتش توپخانه سنگین در شمال منطقه تک، آسیب عمده و قابل توجهی را به یگانهای دشمن که در پاتک می باشند وارد نموده و سازماندهی و روحیه آنان را از هم بپاشد.

در اینصورت نیروهای پاتک کننده قبل از رسیدن به منطقه درگیری صدماتی را متحمل شده و فاقد روحیه لازم برای جنگ می شدند.

در این میان طرح ریزی آتش عمدتاً بر روی جاده ی اول و نخلستان، زدن تقاطع جاده ها، اسکله چهار چراغ و شمال منطقه عملیاتی والفجر ۸ منظور شده بود.

قابل ذکر است که در این زمینه سه مشکل اساسی وجود داشت:

۱- زمین منطقه

۲- رعایت غافلگیری

۳- کمبود امکانات

بدین معنی که سستی زمین منطقه لزوماً نیازمند زیرسازی مناسب برای استقرار موضع توپخانه است و رعایت غافلگیری، عمدتاً باعث تأخیر در انتقال توپخانه ها و بنه های آنها می شد گذشته از این، تحویل و انتقال یک دوم توپخانه های مورد نیاز در عملیات از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی - نظر به اینکه این نیرو برای عملیات در شلمچه و زید آماده

ص: ۱۷۱

می شد - مشکلاتی را در برداشت.

#### ۴ - جمع آوری اطلاعات

فعالیت عناصر شناسائی با فاصله اندکی پس از عملیات بدر آغاز شد در این مدت اقدامات زیر صورت گرفت:

۱- دیده بانی مستمر از فعالیتهای گوناگون دشمن

۲- تهیه شناسنامه نهرها و جاده و زمین منطقه خودی

۳ - تهیه نقشه (۱) و کالک منطقه

۴- کنترل فعالیتهای دریائی دشمن توسط رادارهای دریائی

گذشته از این شناسائیهای لازم از زمین منطقه و تأثیر گذاری باران بر آن، طول و عرض و میزان فشردگی نخلها، طول و عرض نهرها و تأثیر جزر و مد بر روی آن.

انواع مختلف جاده ها اعم از شنی، اسفالت و نیز ارتفاع آن از سطح زمین، روئیدنی های کنار ساحل، وسعت و چگونگی گل و لای آن و تأثیر گذاری جزر و مد بر روی آن و... صورت گرفت.

در این مدت عمدتاً در سه زمینه بطور مشخص اطلاعات لازم بدست آمد:

۱- خط مقدم دشمن

۲- موانع و استحکامات موجود در منطقه

۳- مشخص نمودن معابر و وصولی عملیات

ص: ۱۷۲

---

۱- ۳۴. نقشه های بعضی مناطق اشتباه بوده و فاقد عوارض جدید هستند.

## - خط مقدم دشمن

خط مقدم دشمن به شکل دیواره ای در سرتاسر حاشیه اروند در حد تقریبی مد آب قرار داشت و ارتفاع آن بین ۱ الی ۲ متر متغیر بود. مواد تشکیل دهنده این خط در نقاط مختلف فرق می کرد ولیکن عمدتاً از خاک ریز، کیسه گونی خاک، تنه درختان نخل و همچنین سنگرهای بتونی، تشکیل شده بود. علاوه بر این سنگرهای دیگری وجود داشت که از الوار، پلیت و کیسه گونی پر از خاک احداث شده، فاصله آنها بین ۲۰ تا ۳۰ متر بود.

سنگرهای دشمن عمدتاً به گونه ای طراحی شده بود که تسلط کامل بر روی آب و تردهای احتمالی آن را فراهم می ساخت.

## - موانع و استحکامات دشمن

دشمن بنا به استراتژی پدافندی اش که عمدتاً پس از عملیات بدر اتخاذ نمود مبادرت به ترمیم و تکمیل مواضع خود در غرب رودخانه اروند از مقابل جزیره ام الرصاص تا رأس البیشه، کرد.

در این منطقه مواضع دشمن جهت ممانعت از نفوذ نیروی پیاده، عبور قایق و هاورکرافت و نیز پهلو گرفتن شناورهای سنگین، طراحی شده بود.

موانع دشمن عمدتاً از ابتدای ساحل و در میان گل و لای آغاز و تا سنگرهای رده دوم ادامه داشت. نیروهای دشمن غالباً در اوقاتی که آب در حالت جزر بود در ساحل رودخانه کار خود را آغاز می کردند.

در این میان دشمن از انواع سیم خاردار رشته ای، حلقوی و فرشی در ردیفهای مختلف و به اشکال متفاوت استفاده کرده و نیز شاخک های

فلزی از نوع نبشی و میل گرد به شکل هشت پرهای مختلف معروف به خورشیدی، نصب نموده بود.

در بسیاری از نقاط مین های منور نیز تعبیه شده بود بدین شکل که با نصب آن بر روی هشت پرهای فلزی، به صورت تله ی انفجاری عمل می کرد.

علاوه بر این دشمن در لابلای میادین مین و سیم خاردار سنگرهای کمین و استراق سمع، که فاصله آنها از یکدیگر متفاوت و کمترین آنها به حدود ۲ متر می رسید، قرار داده بود.

همچنین دیوار دفاعی جدیدی را از چزابه تا فاو احداث کرده بود که در تبلیغات خود از آنها بنام «حصون» نام می برد.

### شرح عملیات

در ساعت ۱۰ / ۲۲ دقیقه روز ۲۰ / ۱۱ / ۶۴ توسط فرماندهی کل سپاه فرمان حمله با قرائت رمز عملیات صادر شد:

بسم الله الرحمن الرحيم لا- حول و لا- قوه الا- بالله العلی العظیم. و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه. یا فاطمه الزهرا، یا فاطمه الزهرا، یا فاطمه الزهرا.

یگانهای نیروی زمینی سپاه پاسداران با پشتیبانی آتش طرح ریزی شده و شلیک بیش از هزاران گلوله، تهاجم خود را در محورهای مورد نظر آغاز و مبادرت به شکستن خط کردند.

با توجه به احتمالاتی که در زمینه هوشیاری دشمن مطرح بود، شکستن خط، پاکسازی و گرفتن سر پل مناسب نقش اساسی را در تضمین موقعیت عملیات داشت. غواصها می بایستی معابر را باز کرده تا

نیروهای قایق سوار بتوانند از این معابر وارد ساحل دشمن شده و تا روشنائی صبح منطقه را جهت استحکام سرپل پاکسازی کنند.

نحوه ی عکس العمل دشمن در لحظات اولیه عملیات و رویارویی با موجهای گسترده نیرو که سراسر خط دشمن را مورد تهاجم قرار داده بودند، غیر منتظره و تعجب برانگیز بود، چنانچه از سوی یکی از فرماندهان دشمن به رده بالاتر وضعیت اولیه چنین گزارش می شود:

«دشمن (ایران) مانند سیل توسط قایق نیرو پیاده می کند و باز می گردد، اگر چاره ای نکنید احتمالاً می روند ام القصر را هم بگیرند، وضعیت ما بسیار بد می باشد».

دشمن در همان لحظات به دلیل گستردگی محورهای هجوم و انجام تک پشتیبانی «ام القصر» نسبت به عملیات احساس خطر می نماید. در این میان صدام به منظور آرام نمودن وضعیت و زایل کردن هراس نیروهای عراقی در پاسخ گزارش یاد شده می گوید: «مقاوم باشید، سه لشکر زرهی می فرستیم و ایرانیها را شکست می دهیم».

گسترش وضعیت و تأمین هدفهای عملیات در همان شب اول چنان غیر منتظره بود که نیروهای پشتیبان می بایستی برای تأمین مراحل بعدی عملیات در صبح یا شب دوم عملیات به کار گرفته می شدند در ساعت ۱۲ نیمه شب وارد منطقه شدند تا به سمت اهداف خود حرکت نمایند.

پس از پاکسازی خط اول، در ادامه کار دو مسئله عمده در پیش روی رزمندگان قرار داشت: دور زدن و محاصره شهر و حضور در محور ساحلی واقع در جناح شمالی.

حضور در دو محور یاد شده، نقش مؤثری را در مقابله با پاتکهای دشمن و نیز تثبیت و تأمین سرپل اولیه داشت. لذا دو لشکر پرتوان و



قدرتمند سپاه که مأموریت دستیابی به اهداف فوق را داشتند، به منظور پاکسازی و الحاق خط اول، تلاش خود را شروع کردند. بدین ترتیب قبل از روشن شدن هوا و پس از درهم شکستن مقاومت‌های ضعیف دشمن، یگان مأمور جهت تصرف شهر فاو، ابتدا با حضور در مدخل ورودی شهر به محاصره آن پرداخت.

در جنوب شهر فاو نیز یکی از یگانها با طی نمودن مسافت زیادی در عمق، به صورتی باور نکردنی خود را به خور عبدالله رساند بطوریکه این امر موجب گردید شهر فاو از شمال و جنوب به محاصره رزمندگان درآید.

در محور شمالی شهر فاو در چند منطقه دو یگان عمل کننده به لحاظ رویارویی با دشمن و همچنین مشکلات عبور از اروند مقداری دچار کندی در حرکت گردیدند. ولی منتهی الیه محور ساحلی که کلید حفظ منطقه محسوب می شد، با خیز بلند نیروها به تصرف درآمد. ورود یگان بعدی که برای تصرف خط کارخانه نمک در نظر گرفته شده بود موجب پیوستگی و تأمین خط پدافندی مرحله اول گردید.

پیش بینی می شد در صبح عملیات، مناطقی که جبهه را تهدید خواهد کرد، عمدتاً محورهای ساحلی و جاده استراتژیک فاو - بصره می باشد. بدین ترتیب با حضور در دو محور یاد شده، عملاً اطمینان خاطر لازم بوجود آمد.

پاکسازی و الحاق

پاکسازی جنوب شهر فاو و باقیمانده ی نیروهای پراکنده و غیر منسجم دشمن، که در منطقه به صورت سرگردان حضور داشتند دنبال

ص: ۱۷۶

می شد حضور پر قدرت نیروها پس از محاصره شهر فاو نیروها در محور ساحلی و نیز دستیابی به خور عبدالله در جنوب فاو، پاکسازی عناصر باقیمانده دشمن در رأس البیشه - که بعضا با مقاومت‌های پراکنده خود مشکلاتی را ایجاد می کردند - آغاز شد. بر این اساس ابتدا، رزمندگان با هجوم به تیربار دشمن در خط مقدم رأس البیشه آن را خاموش نموده، سپس به امر پاکسازی نخلستان شمال و جنوب شهر مبادرت ورزیدند. در نتیجه یگان مأمور به تصرف شهر فاو، پس از رفع موانع موجود و مقابله با مقاومت‌های پراکنده دشمن، توانست با انهدام مقر تیپ ۱۱۱ و به اسارت گرفتن فرمانده ی آن، شهر را به صورت کامل پاکسازی کند.

همزمان با پاکسازی شهر و سایر قسمت‌های منطقه، چندین یگان به منظور ادامه ی عملیات، از مقابل شهر فاو، حرکت خود را جهت اهداف مورد نظر و تأمین آن آغاز کردند و قبل از فرا رسیدن تاریکی شب ضمن انهدام دشمن تا دومین پایگاه موشکی پیشروی نمودند. در نتیجه تا پایان روز اول، رزمندگان موفق به تصرف شهر فاو، پاکسازی کامل منطقه و حضور در شمال فاو (محور ساحلی) شدند و بدین ترتیب مراحل اول و دوم عملیات انجام پذیرفت و اهداف مورد نظر با موفقیت تأمین گردید.

وضعیت دشمن

پس از آغاز شکسته شدن خط از سوی نیروهای خودی تلاش‌های چشمگیر و اساسی از سوی دشمن مشاهده نگردید. دشمن در این عملیات به دلیل تحقق امر غافلگیری، وضعیتی متفاوت با سایر عملیات‌ها داشت چنانچه مقاومت و تلاش ارتش عراق به جز در چند محور مانند رأس البیشه و مقر تیپ ۱۱۱، چشمگیر و قابل توجه نبود. گذشته از این تحرکات

ص: ۱۷۷

دیگری از سوی دشمن مشاهده شد که عمدتاً عبارت بود از:

- مقاومت پراکنده نیروهای باقیمانده در حد فاصل یگانها،

- تظاهر به ضد حمله نیروهای باقیمانده در اطراف پایگاه موشکی و محور ساحلی و ضد حمله های کم حجم و بدون اثر توسط یگانهای احتیاط منطقه

طی این روز به لحاظ وضعیت آشفته و درهم ریخته دشمن و عدم اطلاع کامل تمام نیروها و عناصر، از وقوع عملیات و ابعاد و گستردگی آن، نیروهای دشمن که از مرخصی باز می گشتند و یا واحد تدارکات که مسئولیت لجستیک و پشتیبانی را عهده دار بود، بدون اطلاع از حضور نیروهای اسلام در فاو، وارد منطقه عملیاتی می شدند و این امر موجب گردید تلفات زیادی بر دشمن وارد شود. گذشته از این تحرک بارزی از دشمن، در زمینه تکهای هوایی مشاهده نگردید و تنها چندین بار عقبه نیروهای خود در شرق اروندرود و نیز ساحل دو طرف آن، مورد بمباران هواپیماهای دشمن قرار گرفت که مسئله قابل توجهی نبود.

### **مقاومت در محور ساحلی**

نظر به اهمیت محور ساحلی و حساسیت دشمن نسبت به آن، همانطور که پیش بینی می شد، پس از گذشت ۳۶ ساعت، عراق اولین فلش پاتک خود را متوجه آن سمت کرد. دشمن ابتدا لشکر ۵ را به سرعت وارد منطقه نمود و پس از آنکه نیروهای این لشکر به نزدیکی کارخانه نمک رسید، آرایش گرفته و پاتک خود را به محور ساحلی شروع کردند. طی مدت کوتاهی دوبار و به طور جدی درگیری شدت گرفت به صورتی که در بعضی از محورها نبرد تن به تن صورت می گرفت و در نهایت دشمن

ص: ۱۷۸

موفق به پیشروی نشد. نیروهای خودی پس از آن به منظور ایجاد خطوط دفاعی مستحکم، با استفاده از وسایل مهندسی (لودر، بلدوزر و...) که تا روز دوم منتقل شده بود، موفق به ایجاد خاکریزهای کوتاه و محدودی گردیدند.

نظر به اینکه نیروهای دشمن اهمیت محور ساحلی را درک می کردند، در روز بعد مجدداً تلاشهای جدی و تازه خود را متوجه محور ساحلی کردند. سرعت در انتقال و عبور دستگاههای مهندسی و ایجاد خطوط دفاعی مطمئن و به یاری آمدن سایر یگانها، عملاً از پیشروی دشمن ممانعت به عمل آورد و پس از چند روز با اتخاذ تدابیر لازم این محور نفوذناپذیر شد و دشمن نیز از آن ناامید گردید.

#### شروع تلاشهای اساسی از جانب دشمن

تا روز سوم عملیات، دشمن تنها با نیروهای لشکر ۵ و باقیمانده نیروهای موجود در منطقه به مقابله می پرداخت. طی این مدت رژیم صدام تصور می کرد، محور اصلی عملیات «هورالهیوز» است و طبعاً درک صحیح و مناسبی از موقعیت عملیات نداشت. علاوه بر این از هم پاشیدگی نیروهای موجود در منطقه و نیز انجام حمله از محور «ام الرصاص» که به لحاظ نزدیکی به بصره، این شهر را در معرض تهدید قرار می داد و همچنین امکان مسدود نمودن عقبه دشمن پس از عبور نیروهایش به سمت فاو و رأس البیشه، دشمن را دچار سردرگمی ساخت و قسمتی از تلاش او را به حل محور «ام الرصاص» معطوف نمود. اما سرانجام پس از سه روز، دشمن متوجه اساسی بودن عملیات فاو شد و به صورت جدی وارد میدان گردید.

پیش آمدن وضعیت یاد شده عملاً «زمان» لازم را از دشمن به منظور مقابله گرفت، و زمینه های گسترش سرپل و حفظ و تحکیم مواضع بدست آمده را فراهم کرد. پس از ناکامی تلاشهای اولیه دشمن، که عمدتاً با لشکر ۵ شروع شد، دشمن اقدام به وارد کردن لشکر گارد جمهوری نمود، بدین شکل که قرارگاه تاکتیکی ستاد مشترک عراق در شهر ناصریه به فرماندهی نیروهای گارد جمهوری (۱) اعلام نمود، باید هر چه سریعتر با تمام امکانات برای سد کردن حمله رزمندگان و باز پس گیری مناطق تصرف شده تحت امر سپاه هفتم وارد عمل شود. بر این اساس و به دنبال تصمیم گیری عجولانه ستاد عملیات جنوب عراق، تیپهای ۳ و ۴ نیروی مخصوص گارد جمهوری وارد عمل شدند. دو تیپ مذکور در دو طرف و در امتداد جاده استراتژیک فاو - بصره گسترش یافته، به سمت شهر فاو حرکت نمودند. قبل از آغاز درگیری نیروهای خودی به دلیل دید و تیر بر عقبه های دشمن و آرایش مناسب توپخانه ها، آتش پر حجم و سنگینی را بر روی نیروهای گارد اجرا کردند که بر اثر آن ۳۰٪ آنها به هلاکت رسیدند (۲).

ضمناً در همین روز به گردان کماندوئی تیپ ۱۰ زرهی از نیروی مخصوص نیز دستور داده شد تا سه راهی کارخانه نمک - جاده ام القصر خود را گسترش دهد تا مانع از دور خوردن تیپهای ۳ و ۴ شود.

ص: ۱۸۰

---

۱- ۳۵. لشکر گارد جمهوری (نیروی مخصوص) از یگانهای زبده ارتش عراق می باشد و در هر کجا نیاز به انجام ضد حمله های اساسی باشد و یا اینکه این عمل در توانائی و قدرت سایر یگانهای دشمن نباشد، عملاً مأموریت محوله بر عهده لشکر گارد گذارده خواهد شد. عناصر گارد دوره های آموزشی متعدد و متنوعی را گذرانده اند و از باتجربه ترین نیروهای دشمن محسوب می شوند.

۲- ۳۶. صدام قبل از شروع درگیری لشکر گارد جمهوری، به لحاظ تلفات و آسیبهای وارده، طی دوبار، پیام تبریکی را نثار جنازه های کشته شدگان آنها نمود.

بدین ترتیب نیروهای گارد جمهوری پس از ورود به منطقه، شب را در پناه تانکها و خاکریزهای پراکنده، که به عنوان سنگر تانک مورد استفاده قرار می گرفت، به سر بردند تا پس از روشنائی هوا در روز بعد، حمله اساسی خود را شروع کنند.

قابل ذکر است که نیروهای خودی طی این مدت (۳ روز) و تا استقرار نیروهای لشکر گارد، با استفاده از زمان بدست آمده توانستند، پایگاههای اول و دوم موشکی در شمال شهر فاو را فتح و خود را به ضلع جنوبی کارخانه نمک و پس از آن با گسترش شرقی - غربی به سمت جاده استراتژیک، روی جاده شنی تا کنار سه راهی کارخانه نمک، رسانده و در آنجا مستقر شوند.

### **درگیری با لشکر گارد**

نیروهای خودی پس از درک موقعیت و نحوه گسترش عناصر لشکر گارد فلش حملات خود را از سه محور زیر تنظیم نمودند:

۱ - جاده اول به سه راهی

۲- از جاده شنی به پشت دشمن

۳- از مقابل، روی جاده دوم و اطراف آن

بر این اساس در همان تاریکی شب و هنگامی که نیروهای لشکر گارد در حال استراحت به سر می بردند، نیروهای خودی توانستند با استفاده از نقاط ضعف آنها، از آرایش مناسبی توأم با غافلگیری برخوردار شوند، چنانچه با آغاز درگیری، دشمن احساس نمود به طور همه جانبه، از روبرو و جناحین مورد تهاجم قرار گرفته است.

این حمله، همراه با اجرای انبوه آتش توپخانه، ادوات و

ص: ۱۸۱

سلاحهای سبک برای دشمن کاملاً غیر منتظره بود، لذا عرصه‌ی نبرد، بر آنها تنگ شده و حتی قادر به کوچکترین حرکت نشدند.

در صبح روز ۲۴ / ۱۱ / ۶۴، هنوز هوا به طور کامل روشن نشده بود که دشمن برای عقب زدن نیروهای خودی و به منظور پشتیبانی از لشکر گارد، ساعت ۳۰ / ۵ دقیقه صبح، مبادرت به حمله‌ی شیمیائی کرد، لیکن بمبهای شیمیائی در میان دو تیپ از لشکر گارد جمهوری فرود آمد و منجر به آلودگی ۷۰٪ از نیروهای آنها گردید. به طوریکه اکثر آنان، بینائی خود را از دست دادند. پس از این واقعه، نیروهای گارد سخت وحشترده شده، مرتب درخواست کمک می کردند. با تلاش پیگیر، فرماندهی لشکر گارد، تیپ ۴۴۳ به کمک تیپهای ۳ و ۴ فرستاده شد، لیکن در همان لحظات اولیه مورد حمله قوای اسلام قرار گرفت و پس از انهدام یک گردان، بقیه پا به فرار گذاشتند. گذشته از این با پیشروی رزمندگان اسلام تا کارخانه نمک و تصرف مقر لشکر ۲۶ در داخل کارخانه، فرماندهی سپاه هفتم که وحشترده شده بود ناچاراً منطقه را ترک کرد در این بین نیروهائی که در محاصره قرار داشتند همچنان سعی زیادی می کردند که با بازیافتن خود از معرکه بگریزند، لیکن تدبیر مناسب نیروها و نیز آتش پر حجم و قدرتمند توپخانه، امان دشمن را بریده بود، چنانچه فرماندهی نیروهای محاصره شده، وضعیت خود را به فرماندهی رده بالا، چنین گزارش می نمایند:

«درگیری بسیار شدید می باشد و نیروها در محل خود مقاومت می کنند! نیروهای مهندسی که قرار بوده امشب سنگرسازی گردانها را حل نمایند، اکثر آنها فرار کردند گردانها وضع بسیار بدی را می گذرانند».

«ما از تمام جهات و از چهار طرف در محاصره دشمن قرار گرفته ایم. احتیاج به یک تیپ زرهی داریم که راه باز شود. لازم

است این تدبیر، سریع انجام گیرد. به فرمانده لشکر ۲۶ بگوئید یک گردان مکانیزه و توپخانه بفرستد که ما را پشتیبانی کنند. باید از جاده ساحلی (جاده فاو - البحار) نیروی کمکی برای تیپ ۳ و ۴ بفرستید، هر چند گران تمام شود».

فرمانده این تیپ در گزارش دیگری نیز، چنین می گوید:

«وضعیت ما بسیار بد و سخت می باشد، آتش توپخانه روی ما، بسیار مؤثر است و تلفات نفرات، با شمارش دقیقه افزونتر می شود. فعلا در مواضع خود مقاومت می کنیم ولی بداد ما برسید»

پس از مسدود نمودن راههای کمک به نیروهای در حال محاصره و ناامیدی دشمن از اعزام نیروی کمکی، فرماندهی لشکر گارد خطاب به فرماندهی تیپ ۳ و ۴، به عنوان آخرین راه حل، «جنگ و گریز» و «فرار» را توصیه می کند:

«شما با جنگ و گریز بیائید بیرون، چون خبر محاصره به بغداد رفته است. شما اگر می توانید آبروی لشکرتان را بخرید و بیائید عقب. ما کاری نمی توانیم بکنیم.»

پس از ابلاغ این فرمان، باقیمانده ی نیروهای دشمن با ناامیدی، دست به تکاپو زدند و پس از ساعتی از جنگ و گریز حدود ۲ ساعت بعد از ظهر، تنها تعداد اندکی از نیروهای گارد ریاست جمهوری صدام، توانستند از مهلکه جان سالم، بدر برند و اکثریت این نیروی ویژه به هلاکت رسیدند.

### جنگ هوائی

همزمان با ورود لشکر گارد به منطقه، بعد از ظهر روز سوم، حمله وسیع و گسترده هوائی دشمن آغاز شد. حاکمان بغداد برای جبران



عقب ماندگی در «نبرد زمینی» و نیز ممانعت از پیشروی رزمندگان اسلام، مبادرت به حملات هوایی پی در پی کردند. این تلاش در روز چهارم، ابعاد وسیعتری را به خود گرفت. چنانچه نیروی هوایی دشمن با تمام توان وارد عمل شده و علاوه بر بمباران شیمیایی (۱)، به بمباران پلهای جزیره ی آبادان پرداخت.

در این میان آرایش مناسب سلاحهای ضد هوایی، در طی ۸ روز جنگ شدید هوایی، روزانه ۳ تا ۴ فروند از هواپیماهای دشمن را ساقط کردند.

پیدایش چنین وضعیتی، رعب زیادی را در دل خلبانهای عراقی ایجاد کرد، به گونه ای که وقتی وارد آسمان منطقه می شدند، بعضاً تنها در صدد خالی کردن بمبها در بیابان و فرار از تیررس گلوله های ضد هوایی و موشکهای زمین به هوا بودند. این رعب آنقدر افزایش یافته بود که حتی یک بار، پس از شلیک موشک و اصابت آن به هواپیما، خلبان هواپیمای دیگر دشمن، به خیال اینکه مورد اصابت قرار خواهد گرفت، هواپیما را رها کرده، به بیرون پرید.

در مجموع تهاجمات وسیع هوایی دشمن نتوانست کاری از پیش برد و راه تدارکات نیروها را مسدود نماید. به ویژه اینکه تدابیر برادران جهادسازندگی در زمینه احداث پل بر روی بهمنشیر، امیدواری دشمن مبنی بر انسداد عقبه ها را تبدیل به یأس نمود و بدینوسیله گام مهمی در تثبیت منطقه، برداشته شد.

ص: ۱۸۴

---

۱-۳۷. نظر به اینکه چنین حوادثی، پس از ناتوانی دشمن، در غالب عملیاتها قابل پیش بینی می باشد، لذا ماشینهای حامل مواد خنثی کننده شیمیایی، در سرتاسر منطقه استقرار یافته بودند. علاوه بر این ماشینهای آتش نشانی که برای مقابله با حریق، در نخلستان حضور داشتند، با شستشوی نخلها، آلودگیهای موجود را برطرف می کردند.

طی پنج روز اول، نیروهای خودی در محور میانی جاده استراتژیک، محور ام القصر و کارخانه نمک، بر حملات خود شدت بخشیده و توانستند نیمی از کارخانه نمک را تصرف کنند و بر روی جاده ام القصر نیز، خطی موازی کارخانه نمک تشکیل دهند. همچنین در محور میانی، که دشمن شدیداً نسبت به آن حساس بود، رزمندگان طی چند شب درگیری متوالی، با درهم شکستن خطوط دشمن، در شب هشتم خود را به سه راهی کارخانه نمک رسانده و با احداث چند رده خاکریز بلند و آرایش مناسب ضد زره، در پشت آن مستقر شدند.

از روز هشتم به بعد با تشکیل خط مناسب پدافندی، دشمن که خود را به طور کامل بازیافته بود، پاتکهای خود را مجدداً آغاز کرد. بدین شکل که ابتدا، از جاده فاو - البحار، وارد شد که با مقاومت نیروهای خودی و سرانجام از دست دادن نفرات و انهدام تجهیزات، عقب نشست.

سپس از جاده استراتژیک، فلش اصلی تهاجم خود را بر روی سه راهی کارخانه نمک، متمرکز کرد. لیکن بر اثر اجرای آتش شدید خمپاره و توپخانه، انهدام قابل توجهی را متحمل شده، با به جا گذاردن هزاران کشته و زخمی، اقدام به عقب نشینی کرد.

پس از آن در روز یازدهم عملیات به منظور تکمیل خط پدافندی و تثبیت آن، در سراسر محور ساحلی و میانی، آب انداخته شد و بدین وسیله، دشمن از تلاش مجدد، در محورهای یاد شده، ناامید گردید.

آتش سنگین توپخانه

در جریان حملات دشمن، در محورهای ساحلی و میانی، آتش

توپخانه، نقش ویژه ای را در انهدام و عقب زدن نیروهای دشمن داشت. زیرا نیروهای آنها از آخرین نقطه عقبه خود، که از محور ام الرصاص عبور می کردند تا خط تماس در فاو، زیر دید و تیر نیروهای خودی قرار داشتند.

شدت آتش خودی بر روی دشمن، به حدی بود که تاب و توان مقاومت را از آنها، سلب می کرد. نیروهای عراقی که در طول ۵ سال جنگ، با چنین آتشی کمتر مواجه شده بودند، به شدت روحیه خود را باخته، به طوریکه فرمانده یکی از تیپهای دشمن می گوید:

«آتش توپخانه دشمن (ایران) وسیع و بسیار سنگین و مؤثر است. تعداد ۶ دستگاه تانک از کار افتاده است، توان رزمی به شدت پائین آمده، که بر اثر درگیری و آتش سه روز گذشته می باشد. توپخانه های دشمن (ایران) آزاد هستند. خواهش ما این است که آتش متقابل، روی منابع آتش دشمن زیاد شود تا از حجم آنها کاسته شود».

در چنین وضعیتی و با توجه به پاتکهای متوالی دشمن و شکست آنها و انهدام قابل توجه نیروهایش، روحیه ارتش عراق به شدت متزلزل گردید. به طوریکه چند تن از فرماندهان رده بالا، خود را تسلیم نیروهای اسلام کردند.

#### تغییر تاکتیک دشمن

مقابله سرسختانه رزمندگان، در محورهای ساحلی و جاده استراتژیک، امکان پیشروی را به دشمن نداد و تلفات بسیار سنگین و قابل ملاحظه ای را بر آنها وارد ساخت، به گونه ای که این وضعیت، منجر به تغییر تاکتیک دشمن در «رزم» و «محور عملیات» گردید. بر این اساس که نیروهای عراقی در تدبیر جدید خود، وارد کارخانه نمک و محور

ام القصر شده، به کارگیری «نیروی پیاده» را جایگزین «نیروی زرهی» کردند.

اولین تلاش در محور ام القصر با درایت و مقاومت رزمندگان، درهم شکسته شد. تهاجم بعدی دشمن که از داخل کارخانه صورت گرفت، به لحاظ عدم حضور جدی نیروهای خودی، موجب گردید یکی از مربعی های داخل کارخانه، به تصرف دشمن درآید. لیکن بلافاصله با تقویت آن محور و تلفاتی که بر دشمن، وارد شد عملاً حرکت آنها متوقف گردید. دشمن در این محور، برای هر ۴۰۰ متر یک تپ قرار داده بود و در هر حمله از چند تپ استفاده می کرد، که هر کدام پس از آسیب دیدگی و تلفات وارده، مجبور به عقب نشینی می شدند.

قابل ذکر است که در مقابله با پاتکهای دشمن در محور ام القصر و کارخانه نمک، جنگنده های نیروی هوایی و هلی کوپترهای هوانیروز نقش مؤثری را ایفا کردند. به صورتی که بمباران عقبه های دشمن در محور جاده دوم و سوم و شکار تانکهای آنان، تلفات سنگینی را بر دشمن وارد ساخت.

تیم های آتش هوانیروز، نیز در یک تلاش چشمگیر در بالای سر دشمن حاضر بوده و با شروع هر حمله از جانب دشمن، آنها نیز با شجاعتی تحسین برانگیز به اجرای مأموریت می پرداختند.

### **نتایج بدست آمده در عملیات**

در طی عملیات والفجر ۸، نزدیک به ۸۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای دشمن آزاد گردید و تلفات و خساراتی بر دشمن وارد شد، که به گوشه ای از آن در زیر اشاره می شود:

ص: ۱۸۷

الف: نیرو

در جریان عملیات دشمن بیش از ۵۰۰۰۰ کشته و زخمی داشت که در میان آنها، یک فرمانده لشکر و نزدیک به ۵ فرمانده تیپ و... دیده می شد. همچنین ۷۰۰ نفر اسیر، که در میان آنها، چندین سرهنگ ستاد، سرهنگ دوم، سرگرد، افسر جزء، خلبان هواپیما و هلی کوپتر و درجه دار وجود داشت به اسارت گرفته شدند.

ب: تجهیزات

وسایل - منهدم - غنیمتی

تانک و نفربر - ۶۰۰ دستگاه - ۱۲۰ دستگاه

خودرو - ۵۰۰ دستگاه - ۲۵۰ دستگاه

توپخانه - ۱۵۰ قبضه - ۲۰ قبضه

هواپیما - ۴۵ (۱) فروند

هلیکوپتر - ۱۰ فروند

ناوچه جنگی - ۳ فروند

ضمناً مقدار معتنابهی وسایل مخابراتی، سلاحهای سبک، رادارهای مختلف و نیز سلاحهای ضد هوایی، در میان وسایل انهدامی دشمن و غنایم بدست آمده مشاهده می گردید.

ج: انهدام واحدها

در مجموع ۱۰ تیپ پیاده، کماندوئی و نیروی مخصوص ۲ تیپ

ص: ۱۸۸

---

۱-۳۸. آمار یاد شده یقینی بوده و در مدت درگیری با دشمن تحقق یافته است.

زرهی، ۴ گردان ضد هوایی، ۱۰ گردان قاطع جیش الشعبی و ۵ گردان توپخانه دشمن به طور ۱۰۰ درصد منهدم گردید.

از طرف دیگر ۳۳ تیپ پیاده، کماندو و نیروی مخصوص، ۸ تیپ زرهی و مکانیزه دشمن بیش از ۶۰٪ منهدم گردید، که جهت بازسازی و تجدید سازمان از منطقه عملیاتی خارج شدند.

همچنین نزدیک به ۱۰ لشکر و ۵ تیپ کماندو، زرهی و مکانیزه دشمن، ۳۰٪ آسیب دیدند که به دلیل کمبود نیروهای دشمن، کماکان در منطقه عملیاتی باقی ماندند، تا پس از تجدید سازمان نیروهای آسیب دیده و جایگزین آنها، نیروهای مزبور به عقب منتقل شوند.

حضور قوای نظامی ایران در فاو، تزلزل و بی ثباتی حکومت بغداد و نیز ضعف و ناتوانی ارتش عراق را در پی داشت.

پیدایش وضعیت جدید، امری نبود که دشمن بتواند آن را نادیده انگارد و به همین جهت فشارهای پی در پی ارتش عراق در هوا و زمین قابل پیش بینی بود.

رژیم صدام امیدوار بود در حد فاصل زمانیکه الزاما بایستی خطوط خودی ترمیم شده مواضع جدیدی احداث می شد، با تحرکات همه جانبه خود زمینه های تسلط مجدد بر فاو را فراهم آورد. علاوه بر این تهدید بندر ام القصر قسمتی از معضلات جدید دشمن بود که می بایست برای حفظ آن در آینده به گونه ای تدبیری مناسب اتخاذ می کرد.

در هر صورت تلفات وارده به دشمن - بنا به موقعیت خاص زمین منطقه و نیز نحوه استقرار نیروهای خودی - رژیم عراق را از دستیابی به بندر فاو بازداشت و عکس العمل های وی جز تلاشی و انهدام ارتش عراق چیز دیگری در بر نداشت.

دشمن پس از ناتوانی در باز پس گیری یکباره تمامی مناطق

آزاد شده، شیوه پیشروی لاک پشتی را آغاز کرد تا بلکه بتواند قسمتهای محدودتری را تصرف کند. به همین منظور ارتش عراق تلاش کرد تا حتی المقدور نیروهای خودی را از حول و حوش کارخانه نمک دور کند.

از سوی دیگر آنها در انتظار پایان فصل بارندگی و نزدیک شدن فصل تابستان بسر می بردند تا با خشک شدن زمین منطقه میدانی مناسب برای «پاتک» در اختیار داشته باشند.

در این میان خط تبلیغاتی رسانه های جهانی، مبنی بر تحریک و تشویق عراق جهت باز پس گیری فاو، در تحرکات نظامی دشمن بی تأثیر نبود، چنانچه نشریه «واشنگتن پست» طی گزارشی نوشت:

«عراق نمی تواند اجازه دهد ایرانیها در این شهر باقی بمانند، زیرا این مسئله به احتمال قوی عواقبی تضعیف کننده از نظر روحی و سیاسی در داخل عراق و نیز در کشورهای همسایه خواهد داشت... تصرف شبه جزیره فاو توسط نیروهای ایران و غافلگیری عراقیها، بطوریکه هنوز هم موفق به بیرون راندن سربازان ایرانی از منطقه نشده اند، بغداد را سخت سرافکنده کرده است.» (۱).

رادیو بی بی سی نیز طی تفسیری اظهار داشت: «ایران بخوبی در زمین از عهده نیروها برآمد و تصرف این همه اراضی عراق، ضربه ای تحقیرآمیز به عراق وارد آورده است.» (۲).

### مشکلات باز پس گیری فاو برای دشمن

علیرغم اینکه عقب راندن نیروهای خودی از فاو، برای دشمن

ص: ۱۹۱

---

۱- ۳۹ / ۱ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

۲- ۴۰ / ۱ / ۱۲ / ۱۳۶۴.



اهمیت اساسی داشت، لیکن در این میان عواملی بازدارنده و محدود کننده وجود داشت که قطعاً رژیم بغداد نمی توانست آنها را نادیده بگیرد.

به عبارت دیگر دشمن گرفتار یک تناقض شده بود. از سویی ضرورت و اهمیت بازپسگیری فاو و از سوی دیگر واقعیات موجود و معضلات ناشی از آن - که طبعاً آسیب پذیری عمده ای را متوجه ارتش عراق می کرد - رو در روی رژیم صدام قرار داشت.

دشمن در انجام پاتک عمدتاً میبایست از نیروی زرهی - مکانیزه استفاده میکرد. که با توجه به باتلاقی بودن زمین منطقه عمدتاً محدود به جاده های موجود به منطقه می شد و این وضعیت، با توجه به ثبت تیر و آتش توپخانه بر روی جاده ها و نیز حضور قدرتمند نیروهای خودی در آنجا، امکان مانور را از دشمن می گرفت، چنانکه فرمانده وقت سپاه هفتم عراق، اظهار داشت:

«خارج ساختن نیروهای ایران از منطقه اشغالی در شبه جزیره فاو با وجود باتلاقیهای همیشه گل و باتلاقیهایی که در اثر باران بوجود آمده است، کاری مشکل است.» (۱).

به علاوه نظر به اینکه قسمتی از منطقه پوشیده از نخل است، راه حل دیگری که فرا روی نیروهای عراقی قرار داشت، جنگ تن به تن در نخلستان بود.

اما نیروهای دشمن توانایی و روحیه مناسب برای اینکار نداشتند.

معدالک، در ابتدای حضور نیروهای خودی در منطقه فاو، دشمن

ص: ۱۹۲

در یک مقطع خاص تلاش اصلی خود را از محور ساحلی و در میان نخلها به عمل آورد - که عملاً ناموفق بود. در این زمینه «آسوشیتدپرس» طی گزارشی ضمن خاطر نشان ساختن دشواری و صعوبت چنین عملیاتی می گوید:

«تنها یک نبرد تن به تن می تواند ایرانیها را از منطقه خارج کند. در نخلستانها تانکها قادر به فعالیت نیستند و نیروی هوایی عراق نیز نمی تواند نیروهای استتار شده ایرانی را در منطقه شناسایی کند و بیرون راندن آنها کار بسیار دشواری است.» (۱).

تا حوالی ۱۵ اسفند نیروهای عراقی تلاشهای پی در پی و شدید خود را از محورهای مختلف (ساحلی، فاو - البهار، جاده استراتژیک و جاده ام القصر - کارخانه نمک) به معرض آزمایش گذاردند، لیکن جز نفوذ در یکی از مربعی های کارخانه نمک (۲)، موفقیت دیگری به دست نیاوردند.

از این مقطع به بعد، دشمن تقریباً ناامید شد و به مرور از فشارهای سنگین خود کاست و به جمع بندی و ارزیابی وضعیت پیش آمده پرداخت. تلاشهای دشمن در این فاصله عمدتاً در ۳ محور خلاصه میشود:

۱- ادامه پاتک در برخی از محورها، خصوصاً کارخانه نمک و جاده ام القصر

۲- گسترش عقبه ها و احداث جاده و مواضع جدید توپخانه و ...

ص: ۱۹۳

---

۱- ۴۲ / ۲۲ / ۱۱ / ۱۳۶۴.

۲- ۴۳. این مربعی، طی انجام عملیاتی از دشمن پس گرفته شد.

بدین ترتیب دشمن که گاه تنها برای تصرف ۳۰۰ متر مربع، ۳ الی ۴ تیپ خود را از دست می داد، به منظور اتخاذ تدابیر جدید، تلاشهای اصلی خود را معطوف کارهای مهندسی (تقویت عقبه ها، احداث مواضع توپخانه و تانک) بازسازی یگانهای آسیب دیده و... کرد.

طی مدتی که دشمن در فواو با نیروهای خودی درگیر بود و نیز هنگامی که اقدام به فعالیتهای مهندسی و یا هر گونه تحرک دیگر کرد، اجرای آتش توپخانه و ادوات بر روی نیروهای عراقی نقشی بازدارنده و مضمحل کننده در برداشت. خصوصا در خطوط اول و کارخانه نمک، دشمن به علت فقدان عقبه بشدت در مضیقه بود و به هیچ وجه توان تحمل فشارهای وارده را نداشت، بطوریکه یکی از پناهندگان اظهار داشت:

«یک روز یکی از فرماندهان عراقی، نیروها را جمع کرد و سپس یکی از سربازان را از خط خارج نمود، خطاب به وی گفت: تو می خواهی پناهنده شوی؟ و بعد همانجا او را اعدام کرد.»

وضع ما در دژهای دریاچه نمک خیلی خراب بود، آب و غذا خیلی کم بود؛ شبها مقداری آب و غذا برایمان می آوردند و حتی بعضی اوقات به خاطر نبودن آب و تشنگی زیاد توی شیشه... کرده و آنرا می خوریم.»

در کنار وضعیت نابسامان دشمن تبلیغاتی که از سوی نیروهای خودی (با نصب بلندگو در نزدیکی دشمن) صورت می گرفت، اثرات روانی بسیار مؤثر و بسزائی داشت؛ بطوریکه تعداد قابل توجهی از قوای دشمن پناهنده شدند. وضعیت مزبور برای فرماندهان عراقی غیر قابل قبول بود؛ لذا دشمن به منظور جلوگیری از پناهندگی نیروهایش به شدت عمل بیشتری متوسل شد.

دشمن بمنظور حل بحرانهای ناشی از فتح «فاو» و ضایعات وارده به ارتش عراق، علیرغم رکود جبهه ها و نیز عدم توانائی در عقب راندن نیروهای خودی، مکررا تبلیغاتی را مبنی بر باز پس گیری منطقه عملیاتی والفجر ۸، انجام می داد.

با نزدیک شدن ۷ نisan (۱) (سالروز تولد صدام و تشکیل حزب بعث عراق) تبلیغات دشمن شکل جدی تری به خود گرفت و این روز را روز باز پس گیری «فاو» نامید.

بر این اساس، ۱۳ روز قبل از فرا رسیدن ۷ نisan (از بامداد ۴ فروردین) نیروهای دشمن تهاجم خود را از دو محور آغاز کردند:

در محور اول نیروهای پیاده دشمن از سمت جاده شنی، شکاف موجود بر روی جاده را پر کرده، سپس اقدام به پیشروی نمودند؛ لیکن با مقابله مناسبی که صورت گرفت، عملا تهاجم آنها عقیم ماند.

در محور دوم، در همان شب تعدادی از نیروهای غواص دشمن از سمت اروند و خور عبدالله جهت شناسائی و مین گذاری وارد عمل شدند که تعدادی از آنها کشته شده، برخی نیز به اسارت درآمدند.

بدین ترتیب آنچه که می توانست بصورت پیش درآمد و یا مقدمه تحرکات بعدی دشمن، خصوصا در روز ۷ نisan باشد، در همان آغاز با عدم موفقیت توأم شد. با فرا رسیدن ۷ نisan، علیرغم تبلیغات انجام شده، دشمن زمینگیر شد و بعث ناتوانی و فرسودگی نتوانست تحرکی از خود نشان دهد.

ص: ۱۹۵

پس از این نیز مجدداً دشمن مبادرت به تکرار کرد که در یک محور حدود ۴۰۰۰ کشته و زخمی به جای نهاده و در محور دیگری، تعداد قابل ملاحظه‌ای از نیروهای عراقی در میان باتلاقها و میادین مین به هلاکت رسیدند و نیز ۱۱ سرباز و درجه دار پس از روشن شدن هوا به اسارت درآمدند. با گذشت زمان و افزایش ناامیدی عراق از پیشروی در فاو، تلاشهای عملیاتی دشمن کاهش یافته و به موازات آن، اقدامات مهندسی فزونی یافت. گذشته از این دشمن در تدبیر جدید خود با اتخاذ استراتژی دفاع متحرک تلاش اصلی را بر تجزیه قوای خودی در فاو نمود تا بدین وسیله پس از بازگشت یک مقطع و اشغال برخی از مناطق حساس، مجدداً با یک تلاش گسترده و وسیع، منطقه عملیاتی والفجر ۸ را مورد تعرض قرار دهد. در این زمینه توضیحات لازم در مبحث بعدی داده خواهد شد.

بدین ترتیب نبرد پیروزمندانه فاو بعد از ۷۸ شبانه روز درگیری که در طول جنگ بی سابقه بود با پیروزی رزمندگان اسلام، پایان یافت.

### **تلاشهای نیروهای خودی در فاو**

با پیش بینی حملات آتی و فشارهای پی در پی دشمن ضرورت ناامید کردن عراق نسبت به بازپسگیری منطقه عملیاتی فاو، حتمی به نظر میرسد. لذا ۲ طرح اساسی در دستور کار قرار گرفت:

- ۱- تثبیت منطقه با اقدامات مهندسی، ایجاد مواضع و استحکامات، احداث کانال و پل
- ۲- ترمیم خط خودی با از میان برداشتن رخنه های دشمن در کارخانه نمک، جاده شنی و ...

در این راستا پس از تصرف منطقه فاو احداث کانال آغاز شد،

لیکن به دلیل مشکلات موجود، کار فاقد سرعت بود. نظر به اینکه دو سمت منطقه عملیاتی اروند و خور عبدالله را آب احاطه کرده است، در صورتی که کانال مناسبی احداث می گردید، منطقه تصرف شده مانند یک جزیره از قسمت دیگر جدا می شد. لذا سعی بر این بود که به هر شکل ممکن پروژه احداث کانال تکمیل شود تا بدین وسیله دشمن ناامید شده، تا مین منطقه از در صدی بالا برخوردار گردد.

همچنین به موازات کانال، احداث دژی از غرب جاده استراتژیک به سمت پیچ جاده خاکی منشعب از پایگاه موشکی به کارخانه نمک ادامه یافت. همچنین در امر پمپاژ آب از اروند رود به داخل کانال و از آنجا به پشت جاده استراتژیک، مشکلاتی وجود داشت که با تلاش بی وقفه و طاقت فرسای برادران جهاد سازندگی و قرارگاه مهندسی، موانع مرتفع گشته، طرح با موفقیت به پایان رسید.

### **احداث خاکریز و تقویت عقبه ها**

فشار و حجم آتش دشمن بر روی خاکریزهای خطوط اول و سنگر نفرات، نیروهای پشت خاکریز را آسیب پذیر می کرد، لذا قسمتی از تلاش مهندسی یگانها و جهاد سازندگی، ترمیم و تقویت خاکریزها شد. علاوه بر این در زمینه احداث عقبه نیز تلاشی چشمگیر صورت گرفت تا بدین وسیله تردد به خطوط اول و تدارکات آن و نیز تخلیه شهدا و مجروحین به سهولت انجام پذیرد.

البته در برخی از محورها به دلیل فشار دشمن انجام کار مهندسی با مشکلات روبرو بود و کارها به کندی پیش می رفت. فی المثل در سه راهی کارخانه نمک، حجم آتش دشمن در مقایسه با سایر محورها - بیشتر بود به گونه ای که مانع از انجام کار می شد.

اهمیت احداث پل را، اساساً بایستی در ارتباط با تأمین عقبه‌ها مورد بررسی قرار داد؛ چنانکه پس از عبور اولیه نیروها از ارونند، یکی از مهمترین مسائل در حفظ و نگهداری منطقه تصرف شده، تأمین عقبه‌ها و احداث پل بود؛ زیرا در صورتیکه پشتیبانی لازم در زمینه تجهیزات، مهمات، تخلیه و آذوقه و غیره صورت نمی‌گرفت، عملاً تثبیت پیروزیهای بدست آمده را دچار تردید می‌کرد. فشارهای اولیه دشمن - بمباران عقبه‌ها و خطوط عملیاتی و حملات پی در پی - عمدتاً بدین منظور صورت می‌گرفت که قبل از جاگیر شدن نیرو و اتخاذ تدبیر مناسب برای پل، باز پس گرفته شود. لیکن بنا به پیش بینی و طراحی منطقه تصرف شده پلهای مختلف (کوتاه مدت و دراز مدت) و نیز استقامت و تلاش پیگیر و مستمر نیروهای خودی، دشمن ناتوان و مأیوس از باز پس گیری منطقه فاو شد.

ترمیم خط خودی با از میان برداشتن رخنه‌های دشمن

نظر به اینکه دشمن بر روی جاده شنی (در گوشه جنوب شرقی دریاچه نمک) رخنه‌ای در حدود ۵ / ۱ کیلومتر ایجاد کرده بود، و این وضعیت قسمتی از خط خودی را تهدید می‌کرد، لذا در تاریخ ۸ / ۲ / ۱۳۶۵ عملیاتی به منظور تأمین جاده شنی و صاف کردن خط داخل کارخانه نمک تا سه راهی، طراحی و اجرا شد. علیرغم مشکلات موجود و باتلاقی

بودن زمین منطقه و نیز حضور دشمن در جناحین، طی تلاشهایی که صورت گرفت، در نهایت اهداف مورد نظر تأمین گردید و بدین وسیله مربعی داخل کارخانه نمک که در گذشته دشمن به داخل آن رخنه کرده بود نیز پاکسازی شد. طی این عملیات نزدیک به ۶ تیپ عراق به میزان ۸۰ تا ۹۰٪ منهدم گردید. و این اقدام در حقیقت آخرین روز درگیری جنگ ۷۸ روزه فاو بود.

## ارزیابی و نتایج عملیات والفجر ۸

### اشاره

حاصل آنچه در بخشهای گذشته با عناوین مختلف از جمله: «عوامل اساسی در طراحی عملیات والفجر ۸»، «شرح وقایع و رویدادها» و نیز «فاو از حضور تا تثبیت» مطرح شد، در اینجا با نگاهی گذرا و اجمالی در سه بخش: «علل موفقیت عملیات والفجر ۸»، «بررسی و ارزیابی عملیات» و «آموختنی های والفجر ۸» مورد اشاره قرار می گیرد.

### علل موفقیت عملیات والفجر ۸

در هنگام طراحی عملیات والفجر ۸ و نیز همزمان با تلاشهای پس از آن، واقعیاتی رخ نمود که بتدریج نقش اساسی خود را در رابطه با پیروزیهای والفجر ۸ و نیز ضرورتهای مورد نظر جهت ادامه جنگ نشان داد. در نهایت آنچه فتح فاو را به دنبال داشت، عواملی متعدد بود که بعضا بطور مستقیم یا غیر مستقیم تأثیر خود را بر جای گذاشت. در این قسمت از بحث به پاره ای از این عوامل اشاره می شود:

۱- غافلگیر شدن دشمن و عدم آمادگی اش

۲- ضعف اطلاعاتی دشمن

۳- عملیات پشتیبانی از ام الرصاص، شلمچه و...

۴- اتخاذ تاکتیکهای ویژه، خصوصا هنگام عبور از رودخانه

ص: ۱۹۹



۵- موقعیت زمین منطقه- که امکان مانور مناسب را از دشمن سلب می کرد.

۶- امکان استفاده مناسب از آتش

۷- سیستم نسبتا مناسب پدافند هوایی

۸- وسعت نسبتا مناسب منطقه

(علیرغم اینکه دشمن در منطقه والفجر ۸ محدودیتهایی برای مانور زرهی و پاتک داشت، لیکن وسعت منطقه - با وجود به حجم گسترده نیروهای خودی - مشکل خاصی را در مقابل تکهای هوایی دشمن و یا اجرای آتش سنگین آنها و نیز تهاجم به دشمن ایجاد نمی کرد.)

۹- پشتیبانی بیشتر دولت و مردم نسبت به گذشته در فراهم آوردن امکانات و نیرو

۱۰- اقدامات مهندسی

۱۱- آموزش و سازماندهی نیروها

۱۲- اقدامات پیشگیرانه در مقابل تکهای شیمیایی دشمن

۱۳- استفاده مناسب از نیروی هوایی و هوانیروز

۱۴- بکارگیری سلاحهای ضد زره.

### **بازتاب و انعکاس عملیات در رسانه ها و مطبوعات غربی**

۱- تاکتیکهای برتر ایران

جنگ در مقایسه با سه سال گذشته از ابعاد و پیچیدگیهای روز افزون برخوردار شده بود. در این روند تغییر زمین مانور از دشت و خشکی به هور و رودخانه اروند - که طبعا تاکتیکهایی ویژه را جهت

عبور، تامین عقبه‌ها و... نیاز دارد- بارزترین وجه آن بوده است. ناتوانی عراق در انطباق خود با شرایط بوجود آمده و رویارویی با تاکتیکهای برتر رزمندگان اسلام، ابتکار عمل را در اختیار قوای نظامی ایران قرار داده است، بطوریکه در شرایط کنونی، فریب و غافلگیری دشمن و به دنبال آن درهم ریختگی خطوط دفاعی عراق، از جمله مهمترین عوامل هراس و نگرانی حاکمان بغداد و غرب را تشکیل می دهد.

بر این اساس غرب در مقابل وضعیت پیش آمده با یک تناقض مواجه است. بدین معنی که از سویی عملیتهای گسترده و سرنوشت ساز جمهوری اسلامی برخلاف گذشته-، با فواصل یک ساله انجام می شود و این امر از سوی غرب نتیجه سیاست فشار - دیپلماسی و حملات مداوم و به مراکز اقتصادی ایران، تلقی می شود، لیکن در مقابل وضعیت یاد شده گذشت زمان بر پیچیدگی تحریکات نظامی گسترده ایران افزوده، چنانچه عملیتهای خیر، بدر و سپس والفجر ۸، عملاً مصداق آن بودند. در این زمینه مایکل کالیز، کارشناس آمریکایی، مسائل خلیج فارس پس از عملیات والفجر ۸ می گوید:

(عاملی که نیروهای ایرانی را در وضعیت بهتر قرار می دهد، بهبود یافتن کیفیت رزمی نیروهای مسلح در مقایسه با دو سال گذشته است. نیروهای ایران به اتکاء تجارب گذشته کار آزموده تر شده و بهبود قابل ملاحظه ای یافته اند!)

نشریه آمریکایی فارین ریپوت همین مطلب را به گونه ای دیگر بیان می کند (اشغال شبه جزیره ی فاو توسط ایران، نشان داد که در هفته های اخیر تا چه حد به کیفیتی بالاتر دست یافته است)

در نتیجه، عملیات والفجر ۸ در بطن خود حاوی تاکتیکهای ویژه

و برتر بود که از دید ناظران سیاسی و کارشناسان نظامی پوشیده نماند. در این زمینه حتی ماهر عبدالرشید فرمانده سپاه هفتم عراق اعتراف کرد که:

«ایران در عملیات جاری خود روشهای نظامی نوینی را بکار برده است و برخلاف توقع در شرایط جوی سختی که بارانهای شدیدی می بارید، با استفاده از مردان قورباغه ای و پیشقراولان رزمی حمله خود را به مواضع عراقیها آغاز کرد.» (۱).

اتخاذ تاکتیکهای نوین، بویژه عبور از اروند، تحلیلگران نظامی غرب را به تعجب واداشت - بطوریکه رادیو آمریکا اظهار داشت:

تحلیلگران نظامی غرب معتقدند که ایران برای عبور از شط العرب، نیاز به داشتن تجهیزات کافی داشته و متعجب از این موضوعند که چگونه با تجهیزات اندک توانسته اند از این آبراه عبور کرده، به مواضع عراقیها دست یابند! (۲).

به هر روی مشخصا عملیات والفجر ۸ در ورای کینه توزیهای غرب، دارای چنان برجستگیهایی بود که رسانه های غربی و کارشناسان سیاسی - نظامی نتوانستند از آن چشم پوشند. و واقعیات را نادیده بگیرند.

اعتراف به چنین واقعیاتی که عملا نشانگر قدرتمندی جمهوری اسلامی و ضعف و ناتوانی عراق است، حاکی از پیدایش وضعیتی جدید است که در واقع فتح فاو را به عنوان یک عامل تعیین کننده به دنبال داشته است.

ص: ۲۰۲

---

۱- ۴۵. ۲۵ / ۱۱ / ۱۳۶۴ خبرگزاری جمهوری اسلامی.

۲- ۴۶. ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۶۴.

کمکهای گسترده غرب به رژیم صدام و حمایت همه جانبه کشورهای مرتجع منطقه از وی، عمدتاً ناشی از طرز تلقی خاصی است که نسبت به ناتوانی عراق در مهار تعرضات گسترده قوای نظامی ایران، وجود دارد. زیرا فروپاشی دیوارهای دفاعی عراق، به منزله ی مقدمه از بین رفتن ثبات سیاسی - نظامی - اقتصادی - اجتماعی عراق است و تحقق چنین امری در بطن خود تغییرات وسیعی را نهفته دارد.

در این روند، تحقق عملیات والفجر ۸، در واقع قسمت اعظم ناتوانائی و ضعفهای عدیده رژیم بغداد را به غرب نمایاند و پایانی بر امیدهای واهی دشمنان انقلاب اسلامی، مبنی بر توقف پیروزیهای ایران، بود و این تصور را که تحرکات نظامی ایران می تواند در کمند تدابیر نظامی رژیم عراق و حمایتهای همه جانبه سیاسی - اقتصادی - نظامی غرب و کشورهای مرتجع منطقه، اسیر شود درهم کوبید. علاوه بر این شکستن خطوط دفاعی عراق، تلفات و ضایعاتی را برای دشمن به همراه داشت، بطوریکه موجب از دست دادن اعتماد به نفس سربازان عراق و رعب و هراس آنها شد. قطعی بود که این امر آسیب پذیری کلیه خطوط پدافندی دشمن را، هر چند در مقابل تلاشهای محدود نظامی، بدنبال خواهد داشت. نشریه لوموند در این زمینه، به روایت از سربازان عراقی که با استفاده از مرخصی به بغداد آمده بودند، نوشت:

«سربازان از وحشتی که امواج پاسداران انقلاب اسلامی، که بدون امان در زیر رگبار آتش امواج پیشروی می کنند، در دل آنها بوجود می آورد، سخن می گویند و این چنین قاطعیتی از سوی پاسداران را ستایش می کنند.»

لوموند تأکید می کند که: «ستایش این امر از سوی سربازان عراقی، مطلب تازه و جدیدی است» (۱).

### ۳- مخدوش شدن سیستم اطلاعاتی دشمن

اساساً، گذشته از ویژگیهای تاکتیک عبور از رودخانه، آنچه منجر به اعجاب کارشناسان سیاسی - نظامی غرب شد، غافلگیری سیستم اطلاعاتی غرب و رژیم عراق بود. در این زمینه اکونومیست طی تحلیلی می نویسد:

«اشغال جزیره ی فاو توسط ایران نشان داده است که چقدر نیروی رزمی آنها در چند هفته اخیر پیشرفت کرده است. آنها قادر بودند برتری و تفوق عراقیها را که متضمن پیش بینی حرکتهاى نظامی ایرانیان با توسل به اطلاعات و اخبار جاسوسی بدست آمده از عکسهای ماهواره ای آمریکائی بود، خنثی نمایند.

ایرانیان نشان داده اند که چگونه قادرند شگفتی برانگیزند! با تشخیص اینکه عراقیها انتظار حمله دیگری را در منطقه بصره و یا باتلاقیهای هویزه دارند، فرماندهان طریق متفاوت دیگری را برگزیده اند...

نیروهای ایران در کنار داشتن انطباق (با شرایط محیط) و نیز توانائی برای غافلگیر ساختن دشمن و آگاهی از لزوم پوشش و پنهان شدن از ماهواره های جاسوسی، قادر بوده اند خود را در مقابل آتش برتر و سنگین عراقیها حفظ نمایند» (۲).

ص: ۲۰۴

---

۱- ۴۷ / ۸ / ۱۳۶۵.

۲- ۴۸ / ۲۲ / ۱۳۶۴.

مهمترین مسئله ای که فرار سراسری عراق پس از فتح خرمشهر را بر نیروهای دشمن تحمیل کرد، این بود که ادامه حضور در خاک جمهوری اسلامی جز مرگ و اسارت چیزی برای آنها در پی نخواهد داشت بر این اساس رژیم عراق پس از اتخاذ دفاع صرف در زمین، دو مسئله اساسی - یعنی زمین و نیرو - را رویاروی خود داشت، که می بایست مبتنی بر آن، میزان و چگونگی مقابله با تهاجمات قوای نظامی ایران را تنظیم نماید.

دشمن سعی خود را بر این قرار داد که نیروهایش را به گونه ای بکار گیرد که تلفات اساسی متوجهش نشود و مسئله زمین را در مرحله دوم اهمیت قرار داد.

در نتیجه میان حفظ نیرو و زمین، دشمن در مقاطعی مانند عملیات خیبر و از دست دادن جزایر مجنون، حفظ زمین را بر حفظ نیرو ترجیح داد. در عملیات والفجر ۸ شرایط کلی سیاسی - نظامی جنگ به گونه ای بود که دشمن در ابتدا بر اساس باورهای گذشته اش سعی در باز پس گیری زمین داشت.

از این رو، به دلیل عدم درک موقعیت زمانی، بهای گزافی را در امر نیرو پرداخت. در این زمینه واشنگتن پست می نویسد:

«وارد آمدن تلفات سنگین ۱۰۰۰۰ کشته بر ارتش عراق و همچنین شکست سختی که بر نیروی ویژه گارد ریاست جمهوری عراق (که از قویترین نیروهای ذخیره استراتژیک عراق می باشد) وارد آمده است، موجب شده که رژیم صدام از تلاشهای خود جهت باز پس گیری فاو دست بردارد» (۱).

در نتیجه عراق به منظور حفظ نیرو، عملاً باز پس گیری فاو را، علیرغم تبعات سوء سیاسی - تبلیغاتی آن، نادیده گرفت در این رابطه

ص: ۲۰۵

روزنامه ساندی تلگراف، ضمن اشاره به تلفات وارده بر دشمن و مقاومت فرماندهان عراقی جهت باز پس گیری فاو، می نویسد:

«پیشنهاد صدام برای ادامه حمله به سربازان ایرانی مستقر در فاو و شمال این شهر، با مخالفت منطقی فرماندهان عراقی روبرو شد و به دلیل حجم وسیع تلفات عراقیها در ضد حمله ها، صدام پذیرفت که برای نابودی ایرانیها در فاو چاره ای دیگر اندیشیده شود.»

رژیم عراق برای جبران شکست خود در عملیات فاو و تبعات سیاسی آن در سطح بین المللی و پیامدهای اجتماعی آن و از همه مهمتر آسیب دیدگی روحی نیروهایش - بنا به پیشنهاد مشاورین خارجی استراتژی دفاع متحرک را برگزید که چیزی جز یأس و سرخوردگی و از هم پاشیدگی بیشتر ارتش عراق را به دنبال نداشت.

گذشته از این، وضعیت داخلی عراق و نیز کمبود نیروی انسانی آن، عملاً شرایطی را پیش آورده است که دشمن قادر به تحمل تلفات و ضایعات نیروی انسانی و همچنین حل معضلات ناشی از آن نمی باشد.

در خاتمه با نقل قسمتی از گزارش لوموند از اوضاع داخلی عراق، که پس از عملیات والفجر ۸ تهیه شده به این مبحث پایان داده می شود:

«شاهدین نادری که به ایستگاه راه آهن بغداد راه یافته اند، از قطارهای مجروحین و سالنهای مملو از پزشکان که از گستردگی کار به ستوه آمده اند، سخن می گویند. گفته می شود بین ده تا سیزده هزار عراقی در ضد حمله آن کشور کشته شده اند - که این رقم برای کشورهایی که علی القاعده باید کمبود و ضعف نیروی انسانی خود را با برتری ابزارآلات جنگی جبران کنند، بسیار بزرگ است - خون گیری اجباری در دستگاههای اداری و دولتی عراق صورت گرفته است. مجروحین جنگی شبانه به پایتخت منتقل می شوند. کامیونهای بزرگ و مجهز

به دستگاههای برودت که مملو از اجساد سربازان عراقی است، توسط نظامیان از جبهه به شهرهای عمده عراق منتقل می شوند. در هفته گذشته اجساد دویست افسر عراقی در شهر موصل به خانواده های آنها داده شده است. رژیم عراق نصب پرچم سیاهی را که مردم عراق طبق سنت پس از مرگ یکی از نزدیکان خود در مقابل درب منزلشان آویزان می کنند، ممنوع کرده است.» (۱).

## آموختنی های والفجر ۸

عملیات والفجر ۸ تجارب متفاوتی را در پی داشت که در این قسمت نظر به اهمیت موضوع، تنها به «ضرورت تجزیه قوای دشمن» و نیز «ضرورت پشتیبانی همه جانبه از جنگ» اشاره می شود.

### ۱ - ضرورت تجزیه قوای دشمن

تجزیه قوای دشمن عملاً- تضمین پیروزی عملیات را افزایش داده است و جنگ را به سمت تعیین تکلیف نهائی سوق خواهد داد. بر این اساس عملیات والفجر ۹ و حمله به جزیره ام الرصاص همزمان با عملیات والفجر ۸، در غرب و جنوب کشور طراحی و انجام شد. از آنجا که منطقه فاو برای دشمن اهمیت خاصی داشت، لذا عمده قوای خود را در آنجا متمرکز کرد و این پیش آمد فرصتی مناسب برای نیروهای خودی جهت پیشروی در منطقه عملیاتی غرب کشور (والفجر ۹) فراهم آورد.

تحلیل وضعیت مشابه به دشمن (عملیات از دو یا چند محور بطور همزمان) عملاً میزان تأثیرگذاری ابزار تکنولوژیک عراق را کاهش داده، توان ارتش این کشور را زایل می کند و در نتیجه مانع از دفاع متمرکز قوای دشمن در یک محور، خواهد شد.

لازمه تحقق چنین وضعیتی، گسترش سازمان رزم با بسیج نیرو و

ص: ۲۰۷



افزایش توان سازماندهی آنها، می باشد چنانچه هم اکنون پس از عملیات والفجر ۸ تلاش گسترده ای به منظور سازماندهی ۵۰۰ گردان رزمی و افزایش آن به ۱۰۰۰ گردان، در آینده صورت می گیرد.

## ۲- پشتیبانی همه جانبه از جنگ

تأکیدهای مکرر فرماندهی کل قوا مبنی بر اصلی نمودن جنگ - به معنای بسیج تمامی کشور در خدمت جنگ - و نیز ضرورت‌های اجتناب ناپذیر آن انجام این مهم را - که برآمده از ارتباط تنگاتنگ جنگ با ارگانهای گوناگون کشور می باشد - روشنتر کرده است.

در این میان آنچه در عملیات والفجر ۸ محقق شد، نشانگر ضرورت بکارگیری تمام امکانات کشور در خدمت جنگ و تأثیرگذاری فزاینده آن در کسب پیروزی بود.

طبیعتاً تحقق وضعیت یاد شده، بطور مطلوب و شایسته، در گرو ایجاد سیستم مناسب با امر جنگ و ضرورت‌های آن می باشد. در اینصورت گذشته از اینکه فاصله جبهه و پشت جبهه کاهش خواهد یافت، امکان حل برخی معضلات - که قطعاً ناشی از ناهماهنگی است - نیز میسر خواهد شد و در نتیجه در زمانی نه چندان طولانی امکان دستیابی به موفقیت‌های چشمگیر و سرنوشت ساز فراهم می آید.

ص: ۲۰۸

بررسی هر چند اجمالی تحرکات نظامی عراق قبل از آغاز والفجر ۸ بخوبی خاطر نشان می‌کرد که رژیم بغداد در اندیشه تعرضاتی به برخی از مناطق، از جمله محورهای که بعدها در چهارچوب «استراتژی دفاع متحرک» مورد تهاجم قرار گرفت، بوده است، اگر چه در این میان تحقق عملیات والفجر ۸ منجر به بازدارندگی دشمن از اجرای این تعرضات شد اما انگیزه تازه ای به عراق داد تا این تلاش‌ها را با اهدافی جدید دنبال کند.

به عبارت دیگر وقوع عملیات والفجر ۸ تمامی ذهنیت و توان دشمن را به خود مشغول داشت. پس از فتح فاو آنچه برای دشمن حائز اهمیت بود و ارزش حیاتی داشت، باز پس‌گیری (فاو) و یا نهادن یک پوشش، هر چند موقت، بر روی شکستهای حاصله از نبرد والفجر ۸ بود.

از این رو دشمن در چهارچوب استراتژی دفاع متحرک مبادرت به تعرضاتی کرد تا شاید جانی دوباره به ارتش عراق، که آسیبهای عمده را متحمل شده بود، بدهد و فضایی مناسب برای حفظ روحیه ارتش و رژیم بعثی فراهم سازد.

گذشته از این، آنچه به حرکت اخیر عراق اهمیت می داد، غیر از تبلیغات رسانه های غربی، تقارن زمانی آن با کاهش تدریجی قیمت نفت بود. در واقع وضعیت یاد شده نشانه نوعی همسویی بین تلاشهای غرب و عراق به منظور دستیابی به اهداف مشخص و از قبل تعیین شده بود.

غرب بدنبال فتح فاو و درهم شکسته شدن دیواره ی دفاعی عراق و صدمات قابل توجهی که بر ارتش عراق وارد آمد و نیز تغییر موازنه به نفع جمهوری اسلامی، احساس خطر نموده، به منظور ممانعت از استمرار وضعیت یاد شده و گسترش احتمالی پیروزیهای ایران، با اتخاذ تدبیری مناسب عملاً فشار جدید را در دو میدان جنگ و اقتصاد، با هدف به استیصال کشاندن جمهوری اسلامی در دستور کار خود و رژیم عراق قرار داد. در این زمینه دو تن از فرماندهان عراقی به نامهای سرتیپ ملکی و عبید طی مصاحبه ای اعلام داشتند که:

«استراتژی دفاع متحرک عراق موجب بدست گرفتن کنترل بیشتر در برخی پستهای ایرانی در جبهه هاست - که به نوبه خود این شانس را بوجود خواهد آورد که یک صلح اجباری در منطقه ایجاد شود.»

فشارهای همه جانبه دشمن در آن مقطع خاص - که بطور هماهنگ و در ابعاد گوناگون انجام می گرفت - عمدتاً به منظور تحت الشعاع قرار دادن فتح فاو و ممانعت از تداوم برتری موقعیت ایران بود. در این میان رهبری انقلاب در اوج پیروزیهای حاصله از فتح فاو و قبل از تهاجمات زمینی دشمن، اقدام به بسیج همگانی مردم (۱) نمود. از آنجا که پیش بینی می شد دشمن در مقابل شکست دهشتناکی که بر او تحمیل

ص: ۲۱۰

---

۱- ۵۱. امام در روز سیزده رجب طی بیاناتی فرمودند: امروز بر همه واجب است که دفاع کنیم، هر کس می تواند باید به جبهه برود.

شده آرام نخواهد نشست، این اقدام فرماندهی کل قوا که در آن هنگام برای بسیاری از افراد غیره منتظره بود - در واقع مقدمات پیشگیریهای لازم را در آینده ای نه چندان دور فراهم ساخت. لذا هنگامی که دشمن اجرای سیاست دفاع متحرک را آغاز کرده، آمادگیهای قبلی اعم از حرکت وسیع نیروی مردمی و تهیه امکانات نقشی مؤثر در وارد ساختن ضربات اساسی - بر پیکر ارتش و رژیم عراق - داشت.

### **مقاومت مناسب و تحمیل تلفات انبوه بر دشمن**

تحلیل و برداشت دشمن از اهمیت تصرف فاو برای جمهوری اسلامی و نیز مدت زمان لازم برای بازسازی یگانهای خودی و بالطبع طراحی عملیات والفجر ۸ از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عناصر و عواملی تعیین کننده در اتخاذ استراتژی دفاع متحرک از جانب دشمن محسوب می شدند.

طبیعتاً رویارویی مناسب با دشمن و بر هم زدن تحلیل و برداشتهای آنان، گامی مهم و اساسی در به شکست کشاندن استراتژی جدید عراق تلقی می شد.

چنانچه ذکر شد، محاسبات دشمن نسبت به مدت زمان لازم برای بازسازی سازمان رزم جمهوری اسلامی عاملی مؤثر در تصمیم گیریهای اخیر دشمن بوده است.

در اینصورت طبیعی بنظر می رسد که هر گونه سرعت عمل در رویارویی با دشمن و انجام اقدامات ممانعتی، عملاً منجر به توقف آنها گردد.

گذشته از این، میزان دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و همچنین مقدار بهائی که باید از نظر نظامی (تلفات) برای آن پرداخت

شود، محدوده‌ی زمانی تعرضات دشمن را تعیین می‌نمود.

بر این اساس، دشمن که با تدبیر جدید خود در نظر داشت نسبت به طراحی عملیات والفجر ۸ تأخیر ایجاد نماید، به یک معنا حفظ نیروهایش را مورد نظر قرار داده بود. از آنجا که هر گونه تهاجم از سوی قوای نظامی ایران در واقع به منزله تحمیل تلفات و ضایعات توان فرسا بر دشمن است، لذا عراق به منظور اجتناب از آسیب پذیری و تقویت روحیه نیروهایش مبادرت به تهاجمات یاد شده نمود. در نتیجه اگر سرانجام کار و ابعاد و جوانب آن بطور همه جانبه برای دشمن روشن بود، قطعاً دست به چنین اقدامی نمی‌زد.

علاوه بر این، ملاکها و پارامترهای دیگری وجود دارد که ناتوانی و شکست استراتژی دفاع متحرک را یادآور می‌شود.

۱- با گذشت زمان و بازیابی موقعیت جدید از سوی جمهوری اسلامی - و اتخاذ تدبیر مناسب - توأم با انطباق با شرایط جدید، صحنه‌ی جنگ عملاً به نفع جمهوری اسلامی چرخش نموده، در نتیجه آزادسازی شهر مهران را در پی داشت.

۲ - تلفات و خسارات وارده به ارتش عراق، برخلاف تصور طراحان دفاع استراتژیک، عملاً وضعیتی آشفته و نابسامان میان قوای نظامی دشمن ایجاد نمود.

### **اهداف عراق از اتخاذ «استراتژی دفاع متحرک»**

تحركات نظامی عراق طبعاً از اهداف متفاوت سیاسی - نظامی برخوردار بود، که در اینجا عمدتاً اهداف نظامی آن (۱) مورد نظر است.

ص: ۲۱۲

---

۱- ۵۲. در جای دیگر توضیحات لازم در زمینه اهداف سیاسی عراق داده خواهد شد.

۱- فروپاشی مواضع دفاعی عراق در فوا اثرات و تبعات سوء و نامطلوبی را در نیروهای دشمن ایجاد کرد که بی اعتمادی نسبت به خود و فرماندهی و تضعیف شدید روحیه از نموده‌های این تبعات بود. از این رو هدف اول رژیم عراق حل کردن پیامدهای روانی ناشی از تلفات بسیار سنگین نیروهای خود و انعکاس آن در جهان بود.

۲- دشمن پس از والفجر ۸ توان رویارویی با تهاجم گسترده و جدید را نداشت؛ از این رو سعی کرد با تحرکات نظامی خود، نیروهای جمهوری اسلامی را به تجزیه و انفصال بکشاند تا از زمان بدست آمده، فرصت بازسازی و سازماندهی نیروها و نیز ترمیم مواضع را داشته باشد.

۳- دشمن سعی داشت با تهدید مناطق حساس، عملاً ذهنیت جمهوری اسلامی را بدانجا معطوف داشته، بخشی از نیروهای ما را از فوا بیرون بکشد تا بدین وسیله مجدداً به تلاشی جدید در فوا در صورت امکان دست بزنند.

۴- تسلط بر مناطق حساس و سرکوب مرزی با عملیاتهای انجام شده از سوی جمهوری اسلامی، در طول چند سال گذشته، از کنترل ارتش عراق خارج شده بود. دشمن بدین وسیله عملاً امکان گسترش سر پلهای پیروزی در مناطق مورد نظر برای ایران را منتفی می کرد. بر مبنای اهداف یاد شده، دشمن طی مدت زمانی کوتاه مناطق زیر را مورد تهاجم و تعرض قرار داد:

۱- منطقه عملیاتی والفجر ۹ - در تاریخ ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴

۲- ارتفاعات دربندیخان - در تاریخ ۱۶ / ۱ / ۱۳۶۵

ص: ۲۱۳

۳- ارتفاعات سومار - در تاریخ ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۵

۴- ارتفاعات منطقه لولان - در تاریخ ۵ / ۲ / ۱۳۶۵

۵- منطقه ی فکه (بیچ انگیزه، شرهانی، بجلیه) - در تاریخ ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵

۶- ارتفاعات حاج عمران - در تاریخ ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۵

۷- مهران - در تاریخ ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵

در این میان سازمان رزم عراق و نحوه ی بکارگیری عشایر، در خور تأمل است. از آنجا که یکی از اهداف رژیم عراق احیای روحیه نبرد در نیروهای خود و بالطبع زدودن آثار ناشی از شکست عملیات فاو بود، لذا در تدبیر جدید خود تقریباً تمامی سازمان رزم خود را فعال کرد و از آنها بهره برداری نمود، چنانکه صدام در تاریخ ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۵، طی ملاقاتی با برخی از سران عشایر کرد عراقی مبلغ ۶۰ میلیون دلار در اختیار آنان قرار داد تا حاج عمران و بعضی از مناطق را باز پس گیرند.

بکارگیری عشایر، آنهم بصورت ادغامی، نشان دهنده آن بود که دشمن بدین وسیله - با توجه به توانائی عشایر در جنگ کوهستانی و نیز آشنایی آنها به مناطق مورد نظر - کمبود نیروهای خود را جبران کرده است.

ناتوانی عراق در استراتژی جدید

موفقیت یا شکست استراتژی جدید عراق را باید در مقایسه با اهداف آن و میزان تبلیغات انجام شده از سوی رژیم بغداد و استکبار جهانی بررسی کرد، نه صرفاً در مقدار زمینی که دشمن پس از تحمل تلفات چشمگیر توانست برای اندک زمانی به تصرف خود درآورد. (۱) قطعا

ص: ۲۱۴

---

۱- ۵۳. چنانکه در آغاز جنگ، علیرغم حضور نیروهای دشمن در خاک جمهوری اسلامی و تسلط بر مواضع اشغال شده، صاحب نظران سیاسی - نظامی، عراق را در جنگ ناکام می دانستند. این قضاوت براساس اهداف عراق و مدت زمانی که برای دستیابی به آن (۷ روز) تعیین کرده بود، انجام می گرفت، نه متصرفات ارضی.

اگر عراق در موضع عملیات تهاجمی در زمین قادر به اثبات توانائیهای خود و نمایاندن آن به غرب و متحدینش در منطقه بود، در همان اوایل جنگ می توانست نسبت به ادامه جنگ و آینده آن نقش اساسی بازی کند. لیکن ضعفهای عمده عراق در زمینه های مختلف عملاً نشان داده است که عراق نه تنها در موضع تهاجم، بلکه در دفاع مطلق نیز موفق نبود و با گذشت زمان به سمت فرسایش و اضمحلال پیش می رود.

بر این اساس استکبار جهانی سعی کرد با تسلیح فوق العاده رژیم صدام، جنگ را به زیان ایران تبدیل به جنگ فرسایشی کند اما با وجود این، سیر جنگ به ویژه پیروزی فاو و به دنبال آن شکست استراتژی دفاع متحرک عراق، نشان داد که زمان به نفع جمهوری اسلامی در حرکت است.

اینک استکبار جهانی درک کرده است که هر نوع تعللی در اتخاذ تصمیم مناسب خطر درهم فروپاشی نظام عراق و در نتیجه، تفوق نظامی ایران را در جنگ، به دنبال خواهد داشت.

### **نگرشی اجمالی بر سلسله تعرضات نظامی دشمن**

ناکامی تحقق کامل استراتژی دفاع متحرک، برآمده از نحوه ی عملکرد دشمن - ضعف و ناتوانی - و نیز چگونگی مقابله با آن از سوی قوای نظامی ایران، می باشد. در اینجا سعی بر این است که به نحوی گذرا به آن اشاره شود.



عملیات والفجر ۹ در تاریخ ۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴ در چهار محور آغاز شد. عملیات مزبور در آن مقطع خاص زمانی عمدتاً به منظور تجزیه قوای دشمن انجام شد؛ بدین معنا که با پیشروی قوای نظامی جمهوری اسلامی به سمت استان سلیمانیه عراق، فشار دشمن در منطقه فاو کاهش یابد.

دشمن با درک این مهم والفجر ۹ را قربانی فاو و باز پس گیری آن نمود. از این رو فرمانده سپاه هفتم اظهار داشت: «تصرفاتی که ممکن است ایران در شمال بدست آورد، اهمیت استراتژیک ندارد. اگر ایرانیها فکر می کنند که پیشروی آنها در شمال از دشواری آنها در فاو خواهد کاست، اشتباه می کنند.» (۱).

سپاه پاسداران طی طراحی عملیات والفجر ۹ و انجام آن در سه مرحله پی در پی توانست ارتفاعات حساس و سوق الجیشی مشرف بر منطقه سلیمانیه را آزاد نموده و شهر چوارته عراق و چندین پل مهم و استراتژیک در مرکز استان سلیمانیه را در دید و تیررس تیر نیروهای خودی قرار دهد.

پس از آن یگانهای تحت امر سپاه پاسداران، منطقه مزبور را به نیروی زمینی ارتش تحویل داد و به منظور بازسازی و کسب آمادگی جهت انجام عملیات در سایر مناطق، به عقب منتقل شدند.

در این میان دشمن پس از ناامیدی از باز پس گیری فاو، اولین فلش تهاجم خود را در تاریخ ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۴ بر روی منطقه عملیاتی والفجر ۹ متمرکز نمود و در تاریخ ۸ / ۱ / ۱۳۶۵ ادامه آن - یعنی منطقه والفجر ۴ - را شروع کرد. دشمن در این عملیات ۱۵ گردان پیاده بکار گرفت و قسمتی از ارتفاعات منطقه را به تصرف خود درآورد.

ص: ۲۱۶

دشمن در تاریخ ۱۳۶۵ / ۱ / ۱۶ در سه محور «یال بیاروک» «برددکان» و «شاخ شمیران» با مسئولیت سپاه یکم و بکارگیری ۱۰ گردان پیاده که گردانهای کماندوئی منطقه خود بودند، درگیری را آغاز کرد.

در یال بیاروک، دشمن با استفاده از آتش تهیه و نیز دور زدن نیروها، توانست مناطقی را به تصرف خود درآورد. پس از آن نیروهای خودی دست به پاتک زدند که در نتیجه آن قسمتی از مناطق تصرف شده آزاد و چند تن از نیروهای عراقی، از جمله یک افسر، به اسارت درآمدند.

در محور شاخ شمیران، نظر به اینکه نیروهای اندکی در مواضع وجود داشتند، لذا دشمن پس از مدتی مقاومت که صورت گرفت، توانست ارتفاع مزبور را به تصرف خود درآورد.

نحوه ی مانور دشمن در محورهای یاد شده بدین شکل بود که با استفاده از تک رخنه ای در طی روز اول توانست در جناحین خطوط پدافندی خودی نفوذ کرده، اقدام به گسترش خود در این مناطق بنماید و جا پای مناسبی را بدست آورد. بعد از آن با حضوری که بر روی یال بیاروک قله بردکان و شاخ شمیران داشت، از دو سو به محور شاخ شمیران و بردکان فشار آورد و این محور را اشغال کرد و بدین وسیله توانست جاده تدارکاتی خود را به خطوط اول جدید متصل نموده، نیز خط پدافندی جدیدی را در امتداد بردکان به تنگه کرگمل ایجاد کند.

همچنین تک دشمن به «پشت قلعه» و تصرف آنجا موجب شد ارتباط «کی بره» و «شاخ سورمر» قطع شود و بعد از آن، با فشاری که توسط دشمن از سمت ساحل دریاچه دربندیخان وارد شد و نیز دور خوردن جناح چپ، ارتفاع «شاخ سورمر» به تصرف دشمن درآمد.

دشمن در این تهاجم تلفات سنگینی را متحمل شد، بطوریکه ۸۰٪ از گردانهای «الکفایه» و «فلسطین» که جمعا شامل حدود ۷۰۰ نفر می شد، منهدم گردید.

۳ - تهاجم به ارتفاعات سومار (۲۲ / ۱ / ۱۳۶۵)

وجود رشته ارتفاعات نسبتا مرتفع «گیسکه» و «کهنه ریک» در منطقه سومار و مندلی، از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار بود؛ بدین معنی که نزدیکترین راه به بغداد محسوب می شد ضمن اینکه تسلط بر ارتفاعات مزبور، منجر به اشراف کامل بر شهر مندلی عراق می شد.

به همین جهت در تاریخ ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۵ در حالیکه باران به شدت می بارید، دشمن تک خود را در محور کهنه ریک از سمت تپه های اسماعیل خان آغاز کرد.

بارانی بودن هوا امکان تک دشمن را نامحتمل می نمود، لیکن برخلاف انتظار، دشمن تلاش خود را آغاز کرد، در ابتدا مبادرت به قطع ارتباط تپه ۳۳۵ با دیگر تپه ها نمود و سپس تپه ۳۴۶ و ۳۴۵ را به تصرف خود در آورد.

در ساعت ۴۰ / ۲۲ دقیقه همان روز دشمن با ریختن آتش بر روی جبل کهنه ریک، از محل استقرار اورژانس نیروهای خودی تا رودخانه کنگیر، توانست قلعه جوق را تصرف کند. به دنبال وضعیت یاد شده، نیروهای سپاه پاسداران جهت ممانعت از پیشروی بیشتر دشمن، در تاریخ ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۵، به منطقه اعزام شد و طی اتخاذ تصمیمی در قرارگاه مشترک با نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی آماده تهاجم شدند. در نتیجه در تاریخ ۲۵ / ۱ / ۱۳۶۵ نیروهای خودی با نیروهای دشمن که به استعداد یک گروهان کماندو و یک گروهان پیاده از گردان ۱

ص: ۲۱۸

تیپ ۶۰۶ بودند، رویارو شدند.

با اجرای آتش مناسب و فعالیت چشمگیر تیربارها، تک دشمن متوقف و تلفاتی بر آنها وارد شد.

دشمن بر اثر این حرکت مجبور شد سه تپه ای را که در محور کهنه ریک تصرف کرده بود و نیز ارتفاع ۴۰۲ را تخلیه و عقب نشینی نماید.

مجموعاً دشمن طی ۴ روز درگیری در این محور توانست تپه های اسماعیل خان، تپه اورژانس و یال قلعه جوق بسمت میان تنگ و پاسگاه دوله شریف را به تصرف خود در آورد؛ لیکن به دلیل مقاومت نیروهای خودی، از ادامه تک بازماند و از تصرف ارتفاع ۴۰۲ و کهنه ریک ناامید شد.

تک دشمن به محور گیسکه

دشمن پس از ناکامی در محور کهنه ریک، در تاریخ ۲۶ / ۱ / ۱۳۶۵، به دنبال اجرای آتش بر روی رودخانه گیسکه، تهاجم را با استعداد ۲ گردان و یک گروهان از گردان ۳ از تیپ ۴۶ مکانیزه، آغاز کرد.

صبح همان روز تعدادی از نیروهای خودی جهت مقاومت در مقابل دشمن، که هنوز کاملاً بر روی ارتفاعات تسلط نیافته بود، حرکت کردند، لیکن علیرغم رشادتهائی که نشان داده شد، امکان پاکسازی کامل دشمن فراهم نیامد.

قابل ذکر است که منطقه سومار تحت مسئولیت سپاه دوم عراق بوده و در تهاجم دشمن مجموعاً نزدیک به ۱۵ گردان پیاده - مکانیزه بکار گرفته شد.

ص: ۲۱۹

سپاه پنجم عراق در تاریخ ۳ / ۲ / ۱۳۶۵ در منطقه سید کان طی چند مرحله و با بکارگیری ۵ گردان پیاده و مشارکت نیروهای ضد انقلاب، پس از انجام تک سنگین بر روی ارتفاعات لولان، در ۱۵ کیلومتری خاک عراق توانست این منطقه را به تصرف خود درآورد.

۵ - تهاجم به منطقه فکه پیچ انگیزه، شرهانی، بجلیه (۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵)

دشمن مدتها - حتی قبل از انجام عملیات والفجر ۸ - به تقویت سراسری منطقه در محورهای فکه، شرهانی و زبیدات مبادرت می ورزید. از جمله اقدامات دشمن افزایش موضع توپخانه، تجمع بیش از حد نیرو و تانک و همچنین ورود یگانهای جدید بود.

چنین بنظر می رسید که تحرکات دشمن در منطقه فکه، اجرای طرح فریب برای محور شرهانی است تا بدین وسیله بتواند جبال حمزین را که در عملیات محرم به تصرف نیروهای خودی درآمد، دور زده، آنجا را اشغال نماید. چنانکه فرمانده سپاه چهارم عراق، طی جلسه ای با فرماندهان لشکرها در قرارگاه لشکر ۱ در فکه، تصرف جبال حمزین را به عنوان دستور کار سپاه چهارم ابلاغ کرده بود.

نظر به اینکه جبال حمزین در خط الرأس جغرافیائی قرار دارد، تسلط بر روی آن دید و تیر مناسبی را فراهم می سازد. بر این اساس چنانچه دشمن بر روی آن استقرار می یافت، می توانست منطقه عین خوش تا دهلران را زیر دید و تیر مستقیم خود قرار دهد، در حالی که اکنون نیروهای خودی با استقرار بر روی آن، بر قسمتی از خاک عراق اشراف و تسلط کامل داشته اند علاوه بر این وجود یک حوزه نفتی بر روی

ارتفاعات و نیز مرز مشترک ایران و عراق بر اهمیت سیاسی - نظامی منطقه می افزاید.

بر این اساس ارتفاعات جبال حمزین مورد نظر رژیم بعثی بود. از این رو نیروهای عراقی - طی تلاشهایی که انجام دادند - در نظر داشتند ارتفاعات چم سری و چم هندی را بگیرند؛ به این صورت که هفت تیپ در مرحله ی اول، تا چم سری را تأمین کنند، و سپس لشکر ۱۰ عبور کرده بر روی ارتفاعات جبال حمزین مستقر گردد.

بدین ترتیب در تاریخ ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵ پس از یک روز سکوت رادیویی (بی سیم) دشمن، نیروهای عراقی، به استعداد ۲ لشکر پیاده مکانیزه و زرهی با پشتیبانی آتش توپخانه در محور فکه، تعرض خود را به مواضع پدافندی نیروهای خودی آغاز کرد.

بدنبال این حمله، یکی از یگانهای ورزیده سپاه در مدتی کوتاه پس از کسب اطلاع از وضعیت موجود، در بعد از ظهر روز ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۵ - به منظور مقابله با تهاجم دشمن - عازم منطقه شدند.

تدبیر تهاجم به دشمن بر این اساس بود که قبل از جایگزین شدن نیروهای عراقی، حمله صورت گیرد. بدین قرار نیروهای یگان یاد شده در ۶ محور سازماندهی شده، با هدف باز پس گیری خط مقدم، به دشمن حمله ور شدند و بلافاصله توانستند در مواضع نیروهای عراقی رخنه کنند.

از آنجا که غافلگیری رعایت شده بود و سرعت عمل نیز با آن همراه گردید، مواجهه با حرکت یاد شده برای دشمن غیر منتظره تلقی می شد.

کثرت نیروهای دشمن در منطقه عملیاتی چشمگیر بود، بطوریکه نیروها با کمبود مهمات مواجه شده، در ادامه کار از مهمات غنیمتی دشمن بر علیه خودشان استفاده می کردند.

پس از عملیات، از منابع مختلف و اسرا کسب اطلاع شد که در منطقه فوق، مجموعاً ۶ تیپ از نیروهای دشمن مستقر بوده، که ۳ تیپ آن نیروهای مستقر در خطر بوده اند. در همان شب ۳ تیپ دیگر به منظور تعویض خط وارد منطقه شده بودند. در این فاصله نیروهای خودی به دشمن مجال نداده، تنها با استعداد یک تیپ به مصاف ۶ تیپ آنها می روند.

تا حوالی صبح اکثر گردانها توانستند خود را به خاکریزهای دشمن برسانند، لیکن به دلیل تجمع بیش از اندازه نیروهای دشمن، الحاق جناحین در تمامی محورها صورت نگرفت و بدین ترتیب در حوالی ۴ صبح، قبل از روشن شدن هوا، نیروها جهت سازماندهی مجدد از ادامه تک و استقرار در مواضع تصرف شده خودداری کردند.

در این تهاجم مجموعاً بیش از ۷۶ تانک و ۱۰۰ دستگاه نفربر و ۱۲ دستگاه خودرو و ۱۵۵ قبضه خمپاره و تیربار دشمن منهدم شده، تعداد کثیری از مزدوران بعثی کشته و زخمی شدند.

تعرض دشمن به بجلیه

براساس دریافت و استنباطی که نسبت به ادامه تک دشمن در منطقه عمومی فکه وجود داشت، چنین تدبیر شد که ۲ یگان از نیروهای سپاه، به عنوان احتیاط و تقویت نیروهای پدافند کننده ی ارتش، در منطقه حضور داشته باشند.

دشمن یک روز پس از تک اصلی خود در (۱۸ / ۲ / ۱۳۶۵)، به وسیله تک تیپ زرهی در محور فکه تظاهر به تک نمود و سپس در تاریخ ۱۹ / ۲ / ۱۳۶۵ تک اصلی خود را در بجلیه آغاز کرد.

در مقابل تهاجم دشمن، مقاومت‌هایی بصورت جسته و گریخته از سوی نیروهای مستقر در خط صورت گرفت، تا اینکه ۲ یگان احتیاط

ص: ۲۲۲

منطقه جهت سد کردن راه تهاجم دشمن و درهم کوبیدن آن، از دو محور از طریق پل چم هندی و چم سری وارد منطقه شدند.

علیرغم محدودیت زمان و وضعیت خاصی که بر منطقه و نیروها حاکم شده بود، یگانهای مزبور به دشمن زده، در مجموع آنها را بیش از ۲ کیلومتر عقب زدند و ضمن دور زدن دشمن از رودخانه دویرج، موفق به الحاق شده، بدین وسیله از پیشروی دشمن ممانعت بعمل آوردند.

از طریق اطلاعات واصله از دشمن و اظهارات اسرا، معلوم شد که پیش آمدن وضعیت فوق و مقاومت نیروهای خودی و در نتیجه، عقب راندن دشمن از سوی مزدوران بعثی نامحتمل تلقی می شده است.

در هر حال، دشمن پس از این واقعه، نیروهای مختلفی را وارد منطقه کرد تا شاید با تقویت آنها اهداف مورد نظر خود را تأمین نماید؛ لیکن با آسیب پذیری آنها، عملاً- مجبور به تعویض و انتقالشان به عقب جبهه می شد - چنانکه در این میان یگانهای زیر، به منظور بازسازی از منطقه خارج شدند.

- تیپهای ۴۳۷، ۸۰۵، ۶۰، ۵۱ و ۹۵

- تیپ ۱ گارد جمهوری و تیپ ۲ حطین و تیپ ۴ ویژه و لشکر ۱۰ و لشکر ۱ و تیپ ۹۱ و ۶۲ پیاده

- در مجموع ۱۱ تیپ و ۲ لشکر پیاده، مکانیزه، زرهی در طول ۱۰ روز اول عملیات به منطقه آمدند و با نیروهای خودی درگیر شدند.

آمار فوق و موفقیت اندک دشمن، بخوبی فقدان روحیه نیروهای عراقی را در موضع آفندی و یا آنچه را که بغداد دفاع متحرکش نماید، خاطر نشان می سازد.

در هر صورت، طبق آنچه که بعدها از اظهارات اسرا و شواهد و

ص: ۲۲۳



قرائن موجود بدست آمده، دشمن قصد داشته است ضمن گرفتن جناح از نیروهای خودی در محور فکه، عملیات اصلی خود را در محور بجلیه شروع کرده، با تصرف پل های چم سری و چم هندی ادامه تک داده، ضمن تصرف سه راهی شرهانی از طریق جاده نهر عنبر سلسله جبال حمیرین را دور زده، در نهایت به رودخانه میمه جناح دهد.

با این حساب، کلیه ارتفاعات سرکوب منطقه را از قبیل ۲۹۰ و ۴۰۰ و ۱۷۵ - که تماما بر جاده آسفالت مهران - دهلران دید دارند - تصرف می کرد و تقریباً ۲ لشکر از نیروی زمینی ارتش در محاصره قرار می گرفتند. در نتیجه کل منطقه ای که طی عملیات محرم آزاد شد مجدداً در اختیار دشمن قرار می گرفت.

۶ - تهاجم به ارتفاعات حاج عمران (۲۴ / ۲ / ۱۳۶۵)

منطقه حاج عمران، واقع در خاک عراق و شمال پیرانشهر است و از نظر نظامی، دشمن استحکامات قابل توجهی را بر روی آن ایجاد کرده بود. لیکن علیرغم وضعیت یاد شده، طی انجام عملیات والفجر ۲، پادگان حاجی عمران و ارتفاعات کدو، گرده مند و گرده کو به تصرف نیروهای خودی درآمد.

نظر به اهمیت منطقه، دشمن در چارچوب تدبیر جدید خود، با ابتکار عمل در بکارگیری عشایر ضد انقلاب، تلاش جدید را برای باز پس گیری منطقه سازماندهی نمود.

مدتی قبل از تعرض دشمن به حاجی عمران، شواهد و قرائن گوناگونی دال بر تقویت نیرو نمایان بود؛ چنانکه ۱۰ روز قبل، ۸۰ فروند هلی کوپتر دشمن در فرودگاه دیانا مستقر شد و ۱۰۰ قبضه توپ، علاوه بر توپهای موجود در منطقه، به منطقه وارد شد. همچنین اخبار بدست آمده

ص: ۲۲۴

حاکمی از حضور بیش از ۴ تا ۸ هزار جاش (مزدور) در منطقه بود.

بدین قرار قطعی بنظر می رسید که عراق پس از منطقه لولان، در منطقه حاجی عمران عملیاتی را سامان بخشد. بدین منظور، با ورود چند یگان از سپاه به منطقه، اقدامات پیشگیرانه صورت گرفت.

دشمن از نخستین ساعات بامداد روز چهارشنبه مورخ ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۵ پس از اجرای آتش تهیه سنگینی بر روی ارتفاعات شهید صدر، تپه شهداء، ۲۵۱۹، کدو و سرسول، تک خود را شروع کرد. استقامت نیروهای پدافند کننده نیروهای زمینی ارتش و یگانهای تقویت کننده سپاهی در این منطقه چشمگیر بود، بطوریکه در ساعات اولیه درگیری موفق شدند رخنه دشمن بر ارتفاعات ۲۵۱۹ و شهید صدر را کنترل کرده، به ترمیم آن پردازند.

فلش حرکت اصلی دشمن در این محور ایجاد رخنه در محور چپ و تسلط بر ارتفاعات کدو و سرسول بود و عملیات از طریق شیار «انه» طراحی شده بود.

علیرغم اینکه دشمن از هلی برد به منظور انتقال نیرو و پشتیبانی بهره می جست، لیکن مقاومتی که انجام می گرفت مانع از پیشروی آنها و دست یازیدن بر اهداف از قبل تعیین شده بود. در واقع، دشمن نیروهای خود را به دست وارد دهلیز مرگ کرده بود. یکی از برادران سپاهی در این زمینه می گوید:

«بچه های تیپ... که بر روی ارتفاع ۲۵۱۹ بودند، وقتی وارد عمل شدند، الحاق دشمن صورت نگرفت و حدود ۲۰ الی ۳۰ نفر از نیروهای عراقی اسیر شدند و ما به چشم خود می دیدیم که می آمدند و اسیر می شدند و تعداد زیادی از آنها کشته شدند؛ یعنی آن نیروی اولی که عراق شب وارد عمل کرده بود، همه تارومار شدند و کلا از بین رفتند و نیروی دیگری به جای آنها وارد منطقه شد.»

ص: ۲۲۵

وضعیت خاص زمین منطقه و فقدان جاده تدارکاتی بر روی ارتفاعات شهید صدر و ۲۵۱۹، دشمن را بر این واداشت که بهره گیری بیشتر از هلی کوپتر بنماید. به دنبال آن، تا ۷ صبح روز اول عملیات، آمار هلی کوپترهای ساقط شده دشمن به ۶ فروند رسید و تا ساعت ۱۵ همانروز به ۸ فروند و در روز پنج شنبه ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۵ مجموعاً به ۹ فروند، افزایش یافت.

۲ روز پس از تهاجم دشمن، در تاریخ ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۵، از سوی نیروهای خودی طی یک سازماندهی تعجیلی و هماهنگی برادران ارتش و سپاه، تهاجمی بر روی ارتفاع شهید صدر به دشمن صورت گرفت و به دنبال آن، منطقه مزبور از وجود نیروهای عراقی پاکسازی شد.

در تاریخ ۲۸ / ۲ / ۱۳۶۵ نیز مجدداً از سوی نیروهای خودی تلاش جدیدی بر روی ارتفاع ۲۵۱۹ بعمل آمد، بدین صورت که عملیات از دو محور آغاز شد و با پیشروی قابل توجه نیرو از سمت چپ و راست توأم بود. چنانچه در محور چپ ۴۰ نفر و از محور راست ۷۰ نفر از نیروهای دشمن به اسارت درآمدند. تلفات وارده بر دشمن نیز قابل توجه بود. علاوه بر این فرمانده تیپ ۴۳۳ پیاده از لشکر ۲۳ عراق بنام سرهنگ عبدالرزاق بهلاکت رسید و این امر نقش بسزایی در به اسارت درآمدن نیروهای دشمن داشت.

دشمن پس از چند روز مجدداً در تاریخ ۱ / ۳ / ۱۳۶۵، طی تلاشی، موفق به ایجاد رخنه بر روی تپه شهداء شد؛ لیکن نیروهای سپاه و ارتش بطور مشترک بعد از ۹ روز مقاومت و تلاش موفق شدند نیروهای عراقی را پس زده، تپه شهداء را بطور کامل پاکسازی نمایند.

در تاریخ ۲ / ۳ / ۱۳۶۵ از سوی نیروهای خودی مانوری به منظور آزادسازی ارتفاع شهید صدر (۲۴۳۵) طراحی شد و به دنبال آن، در ساعت

۲ بامداد روز جمعه، عملیات آغاز شد. یک ساعت و نیم پس از آغاز تکه، تمامی مواضع دشمن سقوط کرد و بدین ترتیب، ارتفاع شهید صدر آزاد گردید. در این عملیات ۸۰۰ تن از قوای دشمن کشته و زخمی شدند و ۳۴ نفر به اسارت درآمدند - که در میان آنها ۸ نفر درجه دار و افسر مشاهده می شد.

مسئله قابل توجه در این عملیات و نیز تهاجم دشمن به منطقه فکه، تلفاتی بود که بر نیروهای عراقی وارد آمد. جانشین فرماندهی نیروی زمینی سپاه در این زمینه می گوید:

«در طول این عملیاتی که من خودم بررسی کرده ام، از منطقه فکه گرفته تا منطقه پیچ انگیزه و تا مهران، به عقیده ی من بیشترین تلفات دشمن در منطقه حاج عمران بوده و این در زمینه پرسنل، امکانات و تجهیزات بی سابقه است.» فرماندهی وقت نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی نیز می گوید:

«در حاج عمران نیروها با تمام تلاش و فداکاری جلوی دشمن را گرفتند و حداکثر تلفات را بر آنها وارد ساختند، که شاید در هیچکدام از این تکههای محدود و حتی غیر محدود تا این سطح به دشمن وارد نیامده بود.»

در ضمن قابل ذکر است که تهاجم دشمن به حاج عمران، تحت مسئولیت سپاه پنجم و با ۲۶ گد پیاده انجام گرفت و در نتیجه حدود ۳۰۰۰ نفر تلفات برای دشمن در پی داشت.

۷ - تهاجم به مهران (۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵)

سپاه دوم عراق در منطقه مهران وارد عمل شد. دشمن برای این منطقه سرمایه گذاری نسبتاً سنگینی کرد؛ بدین معنا که لشکر ۱۷ با ۳ تیپ زرهی به همراه حدود ۵ تیپ پیاده و از چند محور وارد عمل شدند.

ص: ۲۲۷

عراق با بکارگیری ۲۶ گردان مختلط توانست پس از اجرای آتش تهیه سنگین هجوم خود را با تصرف ارتفاعات ۳۰۷، تپه رحمان و پاسگاه آبریزیادی آغاز کند و سپس موفق به قطع جاده دهلران - مهران شد و بدین وسیله شهر را در کنترل خود گرفت.

پس از اشغال شهر مهران، رادیو عراق طی قرائت اطلاعیه ای به توضیح و تشریح علت تغییر سیاست ارتش عراق از پدافند به آفند و پدافند از مناطق حساس پرداخته، اظهار می دارد:

«ایران از عقب نشینی عراق به مرزهای بین المللی و سیاست پدافندی سوءاستفاده کرده است. تصرف فاو توسط ایران به دنیا نشان داد که ایران دنبال کشورگشایی است. اکنون سپاههای مختلف عراق عملیات دارند. و این در حالی است که تنها سپاه هفتم جلوی ایران را گرفته است!

عراق اقدام به تصرف مهران نمود که ایران فکر نکند ما ضعیف هستیم! ما اعلام می کنیم در همین حال، حاضر به عقب نشینی از مهران هستیم، در صورتیکه:

۱ - عقب نشینی ایران و عراق به مرزهای بین المللی و عدم دخالت در مسایل داخلی یکدیگر صورت گیرد.

۲ - عقب نشینی ایران از فاو در مقابل عقب نشینی عراق از مهران خواهد بود و الا- شهر مهران را در اشغال خود نگه می داریم.»

در ضمن دشمن در شب ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵ طی نمایش فیلمی در تلویزیون بغداد، صحنه هایی را نشان می دهد. که در آن شهر مهران در اشغال سربازان عراقی است و تعدادی از آنها در حالیکه پرچم این کشور را در دست دارند، شادی کنان می دوند و بر بالای پشت بام رفته، پرچمها را تکان داده، دستها را به علامت پیروزی بلند می کنند.

همچنین دشمن، غنایم مختصری را که بدست آورده بود و نیز تعدادی قلیل از اسرا را به اشکال مختلف (سواره، پیاده، ستونی) و بیش از ۲۰ بار به نمایش گذارد. دشمن مجموعاً در طول این مدت (اتخاذ استراتژی دفاع متحرک)، دهها هزار نفر کشته و زخمی و اسیر داد و نیز چندین فروند هواپیما، ۲۷ فروند هلی کوپتر و ۱۷۰ دستگاه تانک و نفربر از دست داد.

در پایان می توان چنین نتیجه گرفت که نیروهای خودی، هم در یک عملیات تاکتیکی و هم در رویارویی با استراتژی کلی دشمن مبنی بر پدافند متمرکز، موفق بودند و عملاً دشمن را زمین گیر کردند به گونه ای که ادامه تک از سوی دشمن، به لحاظ تلفات وارده و نیز امکان از دست دادن توان لازم جهت رویارویی با والفجر ۱۰ و یا هر گونه تحرک در فاو و سایر مناطق عملیاتی، متوقف گردید و مجدداً نیروهای عراقی، ناتوانتر و مأیوستر از گذشته، در لاک دفاعی خود فرو رفتند.

ص: ۲۲۹

در میان مناطق مختلفی که در چارچوب استراتژی دفاع متحرک مورد تهاجم دشمن قرار گرفت، تصرف مهران برجسته ترین آنها بشمار می آید. به همین دلیل عراق تبلیغات زیادی روی آن انجام داد و از سوی صدام، اشغال مهران در مقابل فتح فاو قرار داده شد.

در مقابل وضعیت یاد شده، ضرورت آزادسازی مهران اجتناب ناپذیر بود. بر این اساس و به منظور آزادسازی شهر مهران مقدمات کار، از جمله شناسائی و جمع آوری اطلاعات از دشمن، آغاز شد.

در مجموع خطوط دشمن در ۳ محور جاده ایلام - مهران و باغ کشاورزی (شمالی) که حد فاصل رودخانه گاوی و جاده دهلران - مهران (وسط) و مجموعه ارتفاعات (قلعه آویزان)، چند نوع متفاوت استحکامات و مواضع داشت.

در محور شمالی استحکامات دشمن نسبتاً قویتر بود، چنانکه در آن قسمت ۷ ردیف مین همراه با کانال و بیش از ۵ ردیف سیم خاردار رشته ای وجود داشت. در محور وسط به لحاظ کوهستانی بودن منطقه، استحکامات دشمن نسبتاً ضعیف بود. در محور جنوبی، نیروهای تک ور در مقابل معابری که انتخاب کرده بودند، عمدتاً سنگرهای کمین دشمن،

و در بعضی شیارها، یک ردیف سیم خاردار و مین در مقابل خود داشتند (۱).

## حفاظت و غافلگیری

به دلیل وضعیت خاص زمین و در دست داشتن ارتفاعات منطقه، نیروهای عراقی از دیدی کامل بر روی مواضع و عقبه نیروهای خودی برخوردار بودند و چنین بنظر می رسید که دشمن هوشیار است و با در دست داشتن تجربه «والفجر ۳» و آگاهی نسبی از شکل کلی عملیات، محتملا بر سر معابر وصولی به انتظار نیروهای خودی نشسته است. لیکن شواهد و قراین بعدی نشان داد که با رعایت حفاظت خودی دشمن در نهایت غافلگیری بسر می برده است.

## طرح مانور

بدنبال بحثهای مختلفی که در زمینه طراحی عملیات صورت گرفت، نظر به اینکه دشمن محور شمالی را تلاش اصلی تلقی می کرد، لذا محور اصلی عملیات بدر روی جنوب - یعنی ارتفاعات قلعه آویزان و یالهای آن تا «رودخانه گاوی» - قرار داده شد. موقعیت ویژه این محور چنین بود که، دشمن براساس تفکر کلاسیک خود، امکان حمله و تلاش اصلی از این محور را نمی داد و نیز در صورت موفقیت عملیات، عقبه دشمن به نحوی قابل ملاحظه آسیب

ص: ۲۳۱

---

۱- ۵۵. اهمیت ارتفاعات سرکوب و مرتفع قلعه آویزان به گونه ای بود که دشمن به هیچ روی حاضر به از دست دادن آن نبود. لذا استحکامات قابل توجهی بر روی آن احداث کرده بود و تقریبا عبور از آن غیر ممکن می نمایاند. لیکن نیروهای خودی معابر مناسبی را برای عملیات انتخاب نمودند تا با موانع مواجه نشده، دشمن را دور بزنند.



می دید. بر این اساس، عملیات کربلای یک برای سه مرحله طراحی شد:

مرحله اول - تأمین قلعه آویزان ایران تا روستای امامزاده سید حسن.

مرحله دوم - تأمین ارتفاعات جبل حمزین تا شیار میگ سوخته (۱) و در امتداد آن، تأمین روستای بهین و بهروزان و هرمزآباد.

مرحله سوم - تصرف خاکریز والفجر ۳ از روستای فرخ آباد تا زیر ارتفاعات ۲۲۳ قلعه آویزان و تأمین شهر مهران.

ضمناً در این عملیات، سپاه پاسداران با استعداد ۶ لشکر و ۳ تیپ پیاده همراه یک گردان مستقل زرهی، وارد عمل شد و در این عملیات، نیروی زمینی ارتش در زمینه آتش پشتیبانی توپخانه با سپاه همکاری می کرد، همچنین نیروی هوایی و هوانیروز، بنا به موقعیت عملیات و توانایی خود، مأموریت‌های مشخصی را عهده دار شدند.

استعداد دشمن در منطقه

منطقه مورد نظر، تحت مسئولیت لشکر ۱۷ زرهی از سپاه دوم عراق بود. خط پدافندی این لشکر از رودخانه کنجان چم به سمت میان کوه امتداد می یافت. همچنین مقر اصلی لشکر ۱۷ در شهر بدره عراق و مقر تاکتیکی آن بر روی ارتفاعات ۲۱۵ قلعه آویزان قرار داشت.

یگانهای تحت امر این لشکر و خط حد آنها عبارت بود از:

تیپ ۴۴۳ پیاده، از پاسگاه آب زیادی تا رودخانه آب شور و مقر تیپ بر روی ارتفاعات قلعه آویزان

ص: ۲۳۲

---

۱-۵۶. یک فروند میگ دشمن در شیار سقوط کرد، لذا میگ سوخته به عنوان نشانه و نام شیار انتخاب شده است.

- تیپ ۷۰۵ پیاده، از رودخانه آب شور تا رودخانه گاوی و مقر آن در روستای امامزاده سید حسن.

- تیپ ۴۲۵ پیاده، از تپه ۲۱۵ باغ کشاورزی تا رودخانه کنجان چم و مقر آن در ورمهزار.

- تیپ ۷۰ زرهی، تیپ ۵۹ مختلط، تیپ ۵۰۱ پیاده در احتیاط نزدیک و تیپ کماندویی در بدره و تیپ ۶۵ نیروی مخصوص (که به عنوان احتیاط سپاه سوم بوده است). همچنین یک آتشبار توپ اطریشی و ۴ قبضه کاتیوشا پشتیبانی تیپهای زیر امر لشکر ۱۷ را عهده دار بود.

در مجموع، قبل از آغاز عملیات، دشمن ۴۲ گردان نیروی پیاده و ۶ گردان نیروی زرهی در منطقه داشت که ۲۰ گردان آن درگیر بوده، مابقی در احتیاط قرار داشتند.

### شرح عملیات

با نزدیک شدن زمان عملیات، جابجایی و نقل و انتقالات شروع شد. در این حین، طوفانی نسبتاً شدید همراه با گرد و غبار در گرفت و سطح منطقه عملیاتی و عقبه نیروهای خودی را پوشاند بطوریکه دشمن امکان دید را از دست داد.

بدین ترتیب، در ساعت ۲۲ / ۳۰ مورخه ۱۳۶۵ / ۴ / ۲۹، عملیات آزادسازی مهران تحت عنوان «کربلا ۱» و با رمز «یا ابوالفضل العباس ادرکنی» آغاز شد. پس از گذشت لحظاتی از شروع عملیات در کلیه محورها، خطوط پدافندی دشمن - بدون مشکل اساسی و بازدارنده - درهم شکسته شد. تنها بر روی ارتفاعات قلعه آویزان، به دلیل موانع مستحکم دشمن، توقفی صورت گرفت - که بلافاصله، با اتخاذ تدبیر

ص: ۲۳۳

مناسب از سوی فرماندهی یگان، بصورتی قابل توجه و شاید کم نظیر، مرتفع گردید.

از آنجا که دشمن در مقابل سرعت عمل نیروها غافلگیر شده بود، بشدت آسیب دید و تلفات زیادی را متحمل شد - بطوریکه در قسمتهایی از جاده، به دلیل انبوه جنازه های دشمن، امکان تردد خودروها وجود نداشت؛ لذا نیروها مجبور بودند وسیله نقلیه خود را به کنار جاده هدایت کنند.

وضعیت نیروها در روز اول عملیات

علیرغم اینکه دشمن لشکرهای ۲۵،۲۷، ۱۰، ۴۱ را به عنوان احتیاط وارد منطقه کرد، لیکن نتوانست هیچگونه حرکت قوی و حساب شده ای را، اعم از پاتک و یا استفاده از نیروی هوایی و توپخانه، از خود نشان بدهد. این وضعیت، با توجه به اهمیت منطقه برای دشمن و نیز سوابق دشمن در عملیتهای گذشته، تا اندازه ای غیر منتظره بنظر می رسید.

عوامل عمده در گنجی و سردرگمی دشمن، اساسا سرعت عمل توأم با غافلگیری، گذاردن تلاش اصلی از محوری که برای دشمن غیر منتظره بود و نیز حمله به عقبه دشمن را شامل می شد. فی المثل پس از مدت زمانی اندک که عملیات آغاز شد، ۲ مقر تیپ دشمن (۴۴۳ و ۷۰۵ پیاده) سقوط کرد و فرماندهان آن کشته شدند. حال آنکه نیروهای دو تیپ مذکور، هنوز بطور کامل منهدم نشده بودند. به هر روی، در شب اول عملیات، دشمن بیش از ۱۰ گردان نیروی پیاده در محدوده منطقه عملیاتی داشت - که ۸۰٪ آنها بطور کامل منهدم شد.

همچنین نیروهای تیپ ۱ کماندویی سپاه چهارم که در ساعت ۶

صبح روز اول عملیات وارد درگیری شد، تماما منهدم شدند. گذشته از این، تلاش دشمن در محور امامزاده سید حسن که در روز اول عملیات شروع شد، با مقابله نیروهای خودی خنثی گردید. طی روز اول، از آنجا که نیروها بسهولت بر اهداف خود دست یافتند، از روحیه ای بسیار بالا برخوردار بودند؛ لذا از فرصت بدست آمده و درهم پاشیدگی دشمن، نهایت استفاده را کرده، با پیشروی در روز ادامه دادند و بدین ترتیب، فرصت بازبایی و سازماندهی را از دشمن گرفتند.

#### شب دوم عملیات

پس از انجام بازسازی و سازماندهی، یگانها مجددا برای انجام مرحله سوم عملیات - که در شب دوم انجام می شد - آماده شدند. طی شب دوم، عملیات از دو محور صورت گرفت. در محور اول، نیروها هرمزآباد را پاکسازی کرده، تا ۵۰۰ متری شهر مهران پیشروی کردند. در محور دوم نیروها توانستند روستای بهین بهروزان را پاکسازی نمایند.

در نتیجه تلاشهای انجام شده در شب دوم، خط سراسری از هرمزآباد تا شیار میگ سوخته تأمین شد و بدین ترتیب، مقداری از محدوده مرحله سوم عملیات تأمین گشت.

در شب دوم، شواهد و قراینی دال بر عقب نشینی نیروهای دشمن در محور باغ کشاورزی و تپه غلامی و پاسگاه دراجی مشاهده شد. این امر تا اندازه ای تعجب انگیز بود، زیرا احتمال داده نمی شد که دشمن به این سرعت در محور یاد شده اقدام به عقب نشینی نماید. لیکن تهدید و امکان برخورد نیروهای دشمن، در این محور، آنها را مجبور به اقدام فوق کرد.

روز دوم عملیات: تصرف شهر مهران

پس از مشاهده عقب نشینی دشمن از شمال مهران (محدوده باغ کشاورزی). نیروهای خودی بلافاصله معابر مین دشمن را باز نموده، سپس سرعت وارد باغ کشاورزی شدند و ۱۰۰ تن از نیروهای پراکنده دشمن را به اسارت گرفتند.

همچنین از محور دیگر، یکی از یگانهای سپاه، از طریق روستای هرمزآباد از پشت به طرف باغ کشاورزی رفته، ضمن جنگ و گریز با نیروهای در حال فرار دشمن، تعدادی از آنها را به اسارت می گیرد.

به دنبال تلاشهایی که در روز دوم عملیات صورت گرفت و متعاقب عقب نشینی دشمن، شهر مهران به تصرف نیروهای خودی درآمد.

نظر به اینکه دشمن احتمال حمله را می داد، لذا در داخل شهر مستقر نشده بود و تنها تعداد کمی نیرو در شهر داشت، که آنها را هم قبل از آغاز حمله تخلیه کرده بود.

ضمن طی این روز، از سوی نیروهای خودی، تا محور قلعه آویزان پیشروی ادامه داشت و نیروهای دشمن که همچنان در حالت سردرگمی و گیجی بسر می بردند، بسهولت کشته و یا اسیر می شدند.

شب سوم عملیات

چنین مقرر شد که نیروهای خودی، در شب سوم عملیات، روستای فیروزآباد و ارتفاعات قلعه آویزان و ارتفاعات ۲۲۳ را بصورت یک خط ممتد تأمین کنند. بر این اساس، طی تلاشهایی که صورت گرفت، اهداف این مرحله از عملیات تحقق یافت.

با روشن شدن هوا، در روز سوم عملیات، درگیری و ادامه

ص: ۲۳۶

پاکسازی در محورهای مختلف کم و بیش ادامه داشت. طی این روز، نیروهای لشکر سیدالشهداء از محورهای قلعه کهنه و فرخ آباد به طرف تپه های غلامی و باغ کشاورزی و پاسگاه دراجی حرکت کرده، ضمن پاکسازی منطقه بسیاری از نیروهای دشمن را به اسارت درآوردند.

همچنین از ساعت ۶ صبح این روز، تیپهای ۶ و ۵ گارد ریاست جمهوری عراق به ارتفاعات ۲۱۰ تک کردند - که در نتیجه آن، قسمتی از منطقه مزبور را به تصرف خود درآوردند.

#### شب چهارم عملیات

نیروهای خودی، طی شب چهارم عملیات، توانستند وارد روستای فیروزآباد شده، آنرا به تصرف درآوردند.

در حوالی ساعت ۷ صبح روز چهارم عملیات (۱۳ / ۴ / ۱۳۶۵)، دشمن توسط تیپهای ۷۲، ۷۱، ۹۵ پیاده، تیپهای ۴ و ۵ گارد جمهوری، پاتک نسبتا شدیدی را بر روی ارتفاعات قلعه آویزان و به منظور تصرف قله ۲۰۰ آغاز کرد.

طی این درگیری، نیروهای دشمن درهم کوبیده شدند؛ بطوریکه ۳ گردان از تیپ ۴ و ۳ گردان از تیپ ۵ گارد و یک گردان از تیپ ۹۵ و بیش از ۱ گردان از تیپهای ۷۱ و ۷۲ منهدم شدند و فرمانده تیپ ۴ گارد به هلاکت رسید.

#### روز پنجم عملیات

طی روز پنجم، لشکر سیدالشهداء موفق به تصرف کامل ارتفاع ۲۱۰ شد، و آن مقداری را که دشمن طی پاتک خود در روز سوم عملیات با تیپهای ۵ و ۶ گارد تصرف کرده بود، باز پس گرفت.

مرحله پنجم عملیات در صبح روز ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۵ توسط ۲ لشکر سپاه (لشکر ۱۰ سیدالشهداء و لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص))، و به منظور تصرف قله ۲۲۳ و یالهای آن، آغاز شد. نظر به اینکه دشمن در قسمتی از منطقه مزبور تهدید دور خوردن می شد، لذا این امر منجر به تزلزل دشمن و نهایتاً، تصرف قله ۳۰۳ شد. قله ی مزبور با تک احاطه ای از دو سمت در محاصره قرار گرفت و در نتیجه آن، قرارگاه تاکتیکی لشکر ۱۷ زرهی به تصرف درآمد. در ادامه نیز یالهای قله ۲۲۳ از سوی لشکر ۲۷، بطور کامل تأمین گردید. ضمناً قرارگاه تاکتیکی تیپ ۲۴ مکانیزه لشکر ۱۰ دشمن منهدم شد و تعدادی از عناصر آن، از جمله فرمانده تیپ، به اسارت درآمدند.

بدین وسیله شهر مهران بطور کامل آزاد شد و اهداف عملیات کربلا ۱ صددرصد تأمین گردید.

#### نتایج و دستاوردها

طی ۱۰ روز جنگ، بخش وسیعی از مناطق اشغالی در منطقه مهران آزاد گردید که در این میان، آزادسازی جاده دهلران - مهران - ایلام، شهر مهران، ارتفاعات سرکوب و حساس قلعه آویزان و حمیرین - خصوصاً بلندترین قله منطقه ۸ - ۲۲۳ روستا، ۲ پاسگاه مرزی و... از دستاوردهای عملیات کربلا ۱ محسوب می شد.

همچنین عقبه های دشمن در شهرهای بدره و زرباطیه در دید و تیر نیروهای خودی قرار گرفت.

توان رزمی نیروهای دشمن در کربلا ۱

نیرو و امکانات بکار گرفته شده دشمن

نیرو - ۷۰۰۰۰ نفر

تانک و نفربر - ۴۰۰ دستگاه

توپخانه - ۱۵ گردان

نیروی هوایی - بیش از ۱۰۰ سورتی در روز

هوانیروز - بیش از ۱۰ تیم

عقبه - کوت العماره - ۸۰ کیلومتر

تعدادی اسرای دشمن در عملیات کربلا ۱ به تفکیک رتبه:

رتبه: افسر - تعداد: ۷۰

رتبه: درجه دار - تعداد: ۱۳۰

رتبه: سرباز - تعداد: ۸۹۲

قابل ذکر است که براساس تخمینهای دقیق، دشمن بیش از ۳۴۰۰ اسیر و مفقود داشته است.

یگانهای درگیر دشمن در طول عملیات، میزان انهدام و تعداد اسرای آنها:

ردیف ۱، یگان: تیپ ۴۴۳ پیاده، میزان انهدام: ۸۰٪، تعداد اسرا: ۹۴

ردیف ۲، یگان: تیپ ۷۰۵ پیاده، میزان انهدام: ۹۰٪، تعداد اسرا: ۲۸۳

ردیف ۳، یگان: تیپ ۴۱۷ پیاده، میزان انهدام: ۸۰٪، تعداد اسرا: ۵۷

ردیف ۴، یگان: تیپ ۵۰۱ پیاده، میزان انهدام: ۴۰٪، تعداد اسرا: ۱۳

ردیف ۵، یگان: تیپ ۹۵ پیاده، میزان انهدام: ۴۰٪، تعداد اسرا: ۱



ردیف ۶، یگان: تیپ ۴۲۵ پیاده، میزان انهدام: ۳۰٪، تعداد اسرا: ۳۳

ردیف ۷، یگان: تیپ ۷۰ زرهی، میزان انهدام: ۷۰٪، تعداد اسرا: ۲۲

ردیف ۸، یگان: تیپ ۵۹ مکانیزه، میزان انهدام: ۴۰٪، تعداد اسرا: ۱۳

ردیف ۹، یگان تیپ ۶۵ نیروی مخصوص، میزان انهدام: ۱۰۰٪، تعداد اسرا: ۱۲۶

ردیف ۱۰، یگان: تیپ ۴ گارد ریاست جمهوری، میزان انهدام: ۸۰٪، تعداد اسرا: ۶

ردیف ۱۱، یگان: تیپ ۵ گارد ریاست جمهوری، میزان انهدام: ۶۰٪، تعداد اسرا: ۱

ردیف ۱۲، یگان: تیپ ۷۱ از لشکر ۳۵، میزان انهدام: ۳۰٪، تعداد اسرا: ۴۰

ردیف ۱۳، یگان: تیپ ۷۲ از لشکر ۳۵، میزان انهدام: ۳۰٪، تعداد اسرا: ۲

ردیف ۱۴، یگان: ۲ گردان کماندوئی، میزان انهدام: ۸۰٪، تعداد اسرا: ۳۰

ردیف ۱۵، یگان: تیپ ۱ کماندوئی سپاه چهارم، میزان انهدام: ۷۰٪، تعداد اسرا: ۶۰

ردیف ۱۶، یگان: ۳ گردان توپخانه، میزان انهدام: ۵۰٪

ردیف ۱۷، یگان: تیپ ۱۰۸، میزان انهدام: ۴۰٪، تعداد اسرا: احتمالا

ردیف ۱۸، یگان: تیپ ۸۰۴، میزان انهدام: ۴۰٪، تعداد اسرا احتمالا

ردیف ۱۹، یگان: تیپ ۱۱۳ از لشکر ۱۹، میزان انهدام: ۶۰٪، تعداد اسرا: ۴۲

لازم به یادآوری است که کلیه یگانهایی که بیش از ۷۰٪ انهدام داشته اند، از خط مقدم خارج شده اند.

بازتاب آزادسازی مهران در رسانه ها

آزادسازی شهر مهران، به منزله شکست استراتژی دفاع متحرک بود. شکستی که رژیم عراق در گام اول خود با عدم موفقیت نسبت به تأمین اهداف مورد نظرش با آن رویارو شد و سرانجام با از دست دادن مهران، چشم اندازی جدید از ناتوانی و ضعف این کشور در موضع آفند و پدافند، ترسیم و نمایان گردید. خبرگزاری فرانسه در پی آزادسازی شهر

مهران، طی گزارشی اظهار داشت:

«ناظران در خلیج فارس عقیده دارند که اشغال مهران توسط قوای ایران، شکست پذیری رژیم عراق - بویژه استراتژی نظامی جدید آن موسوم به دفاع متحرک - است.»

در میان مناطقی که مورد تصرف دشمن قرار گرفت، شهر مهران از اهمیت خاص سیاسی، تبلیغاتی برخوردار بود و برای عراق به عنوان جبران شکست فاو و نیز عامل افزایش دهنده روحیه نیروهای آسیب دیده، تلقی می شد؛ لذا آزادسازی آن، گذشته از اینکه شکست دشمن در استراتژی تازه خود محسوب می شد، آسیبهای عمده دیگری را در مقطع کنونی و آینده متوجه ارتش عراق می کند.

چنانکه وقتی مهران باز پس گرفته شد، رسانه های گروهی جهان به انحاء مختلف به بعد روانی مسئله اشاره کردند. از جمله نشریه فارین ریپورت، چاپ لندن، نوشت:

«مهران به خودی خود فاقد اهمیت است، تهاجم به مهران نه از جهت استراتژیکی، بلکه از نقطه نظر روانی، واجد اهمیت می باشد.»

رادیو امریکا نیز به نقل از کارشناسان نظامی، اظهار داشت:

«شکست عراق ممکن است از نظر روانی اثر مهم و شگفت انگیزی داشته باشد؛ چرا که عراقیها بیشتر به خاطر جبران شرمساری ناشی از تصرف بندر عراقی فاو به دست ایرانیها، دست به حمله زده بودند.»

گذشته از این درهم شکسته شدن خطوط دفاعی عراق در فاو و ناتوانی این کشور در باز پس گیری آن، رژیم صدام را در نزد غرب و حامیان منطقه ای خود بطور اساسی به زیر سؤال کشید و این واقعیتی بود که حاکمان بغداد مایل به تن در دادن به آن نبودند و به منظور اثبات توانایی

و حفظ برتری خود، مبادرت به اتخاذ استراتژی موسوم به دفاع متحرک نمودند، بر این اساس، بخوبی روشن است که شکست مهران می تواند چه تبعاتی در رابطه با بی اعتمادی حامیان و متحدین رژیم بغداد فراهم آورد.

روزنامه نیوزویک چاپ امریکا پس از آزادسازی مهران، نوشت:

«باز پس دادن مهران (پس از فاو)، اعتماد مقامات امریکایی را نسبت به رژیم عراق بشدت کاهش داد، و گفته می شود که امریکا کمکهای تسلیحاتی خود را به این رژیم محدود کرده است.»

فتح فاو توسط قوای نظامی ایران، موقعیت و فضایی جدید در جنگ بوجود آورد که توأم با واقع نگری از سوی رسانه های جهانی دنیا نسبت به توانائیهای بالفعل و بالقوه جمهوری اسلامی و نیز ناتوانی رژیم عراق، مبنی بر ادامه جنگ و رویارویی با تهاجمات ایران بود.

تثبیت وضعیت یاد شده، قطعاً نیازمند پیروزیهای دیگری بود که تنها قسمتی از آن با فتح مهران و پس زدن نیروهای دشمن تأمین گردید.

در این روند آنچه که در رسانه های غربی منعکس شد، عمدتاً حول محور توانائی و برتری نظامی ایران دور می زد. گذشته از این، حفظ برتری در فاو و انجام عملیات در مهران، نشانگر نوعی افزایش توان نظامی ایران تلقی شد؛ بطوریکه رادیو بی.بی.سی به نقل از مفسر بخش شرقی خود گفت:

«اگر چه تسخیر مهران از نظر تعیین نهایی جنگ نقش قاطعی نخواهد داشت، اما نیروهای ایران نشان دادند که ضمن حفظ مواضع خود در فاو، در مقابل حمله های پی در پی عراق می توانند نیروهای عراقی را از بخش مرکزی جبهه نیز بیرون برانند و خطر مهمی را در آینده جنگ ترسیم نمایند.»

قطعا خطر ساز بودن تحرکات نظامی ایران، که نوعی پیروزی و تفوق نظامی را بدنبال خواهد داشت، مستلزم حملات پی در پی و مضمحل ساختن قوای دشمن است؛ چنانکه پیروزی آتی ایران، در این امر نقشی تعیین کننده دارد. طبیعتا در اینصورت، با افزایش برتری ایران، جمهوری اسلامی به نحوی چشمگیرتر ابتکار عمل را در جنگ برعهده خواهد گرفت.

ص: ۲۴۳

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

